

پنجاه هفت

آغاز یک انقلاب است...



ماهیانه‌ی تحلیلی-تبیینی پنجاه و هفت
mag57.ir

پنجاه هفت ماه

نشریه تحلیلی-تبیینی ۵۷ / شماره ۱۴ / اردیبهشت ۹۵

صاحب امتیاز: قرارگاه شهیدباقری سازمان بسیج دانشجویی کشور
مدیرمسئول: داود گودرزی
جانشین مدیرمسئول: صادق احمدی
سر دبیر: محمدحسن صادق پور

تحریریه:

پوریا فرجی، سید بهزاد بقایی، وحید عزیزی
سید طاهر جلالی، امیر امیری فرد، مسعود صباغی

مدیرهنری:

علی کاکادزفولی

ناظر چاپ:

مرتضی گنجی

چاپ:

چاپخانه روزنامه جوان

پایگاه اینترنتی: mag57.ir

پست الکترونیک: 57magz@gmail.com

نشانی:

تهران، خیابان آیت الله طالقانی، جنب مترو طالقانی،
مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان، ساختمان شهید باقری

تلفن:

۰۲۱۸۸۳۸۱۵۵۶



■ مطالب نشریه بازتاب نظرات نویسندگان آن ها می باشد.

■ استفاده از مطالب ماهنامه ۵۷ با ذکر منبع مجاز است.

■ پنجاه و هفت مشتاق نظرات، مطالب و یادداشت های تولیدی

شما جهت انعکاس در شماره های بعد می باشد.

اقتصاد مقاومتی در پسابر جام / ۳۹

کتاب نئوکینزی‌ها جایگزین الگوی اسلامی پیشرفت
چه تفکری به جای اقتصاد مقاومتی برنامه ششم را تدوین کرده است؟ / ۴۰

اقتصاد نامقاومتی اعتدال

۲۰ مصداق از عملکرد مغایر اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم / ۴۲

نهادسازی برای تحقق اقتصاد مقاومتی / ۴۵

دولتمردان به تولید کنندگان حسادت می‌کنند
گفت و گو با امیر سیاح / ۴۶

دوگانه استکبار ستیزی-سازش در اقتصاد ایران
نقدی بر فلسفه اقتصادی حاکم بر دولت یازدهم / ۵۰

وقتی وزیر بودم هیچ کس لیست اموال مرا بررسی نکرد
گفت و گو با مسعود پزشکیان / ۵۲

فساد گلوگاه اصلی اقتصاد

راهکارهای فسادستیزی به عنوان یکی از مولفه های اقتصاد مقاومتی / ۵۶

مبارزه عملی با فساد نیازمند ستادهای مردم نهاد
گفت و گو با احمد توکلی / ۵۸

سنگرهای بدون «مصطفی»

گفت و گو با مرتضی فیروزآبادی / ۶۲

کاش غربی می شدیم!

گفت و گو با محمود کریمی / ۶۶

جزوه هایی برای کلاس اقتصاد

معرفی منابعی برای «اقتصاد مقاومتی خوانی» / ۷۰

اساتیدی برای کلاس اقتصاد

اساتید شاخص در حوزه اقتصاد مقاومتی / ۷۲

از «سنجش نبض بازار تهران» تا «راهیان باطعم مقاومتی»
گزارشی از ابتکارهای دانشجویی درباره اقتصاد مقاومتی / ۷۴

مامی توانیم!

پیشنهادات اقدام و عمل اقتصاد مقاومتی برای گروه های جهادی / ۷۶

در اینستاگرام چه می گذرد؟

گزیده شبکه های اجتماعی / ۷۸



لغو «رژیم» عبرت بزرگ تاریخ برای دولتمردان امروز
به بهانه سالگرد صدور فتوای تحریم توتون و تنباکو / ۶

از دانشگاه ها چه خبر؟
گزارش دانشگاه های کشور / ۸

در جنگ فرهنگی نیازمند «قاسم سلیمانی» ها هستیم
گفت و گو با سردار یدالله جوانی / ۱۰

دوم خرداد یادگفتمان سوم خرداد
۱۳ تا دوم خرداد / ۱۳

اندیشه مطهر «یدئولوژی ساز» است
گفت و گو با مسعود صلواتی زاده / ۱۶

تهدیدزایی از اقتصاد

چیستی اقتصاد مقاومتی در فرمایشات رهبر معظم انقلاب / ۱۸

باید اصلاحات اقتصادی ایران را غربی کنیم

اقرار اندیشکده های غربی به کلیدی بودن مفهوم اقتصاد مقاومتی در ایران / ۲۰

برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه منابعی داریم؟ / ۲۲

اقتصادمان عاریتی است یا مقاومتی؟

مقایسه مؤلفه های اقتصادی در دو رویکرد / ۲۴

جبهه های نبرد عملیات اقتصاد مقاومت

راهکارهای عملی برای تحقق شعار سال / ۲۸

سیاست های اقتصاد مقاومتی

اینفوگرافیک / ۳۰

اقتصاد مقاومتی در ۷ پرده

یک اقتصاد مقاومتی چه ویژگی هایی دارد؟ / ۳۲

مجلس قوانین زاندر را حذف کند اقتصاد مقاوم می شود

گفت و گو با داود محمدی / ۳۴

نمایندگان مجلس شهوت وز بر شدن دارند!

گفت و گو با عادل پیغامی / ۳۶

حرف‌هایی راجع به یک «اقدام» حرف‌هایی راجع به یک «عمل»

امیر امیری فر

سلام. حرف زدن راجع به نشریه‌ای که پیش روی شماست و پرونده ویژه‌ای که مد نظر دارد کمی سختی دارد! سختی از آن حیث که «حرف» راجع به «اقدام» و راجع به «عمل» کمی تا قسمتی مضحک است. حرف‌ها به نهایت در سالیان متمادین تکرار شده است، از همان هنگامه که رهبر عزیز انقلاب برای مقابله با جنگ اقتصادی دشمن مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را وارد ادبیات اجتماعی-سیاسی جامعه کردند، بلندگوهای کوچک و بزرگ حرف را سر دست گرفته اند و بسیار در مورد آن قلم فرسایی و سخن فرسایبی! نموده اند. آش فرسایبی گزایی آنقدر شور شد که رهبر انقلاب امسال را مجذبه خواستار عمل و انجام کار توسط مردم و آحاد مسئولان شدند. اما با همه این تفاسیر اکنون وظیفه جنبش دانشجویی چیست؟ اساسا برای کار عملیاتی در دانشگاه در زمینه اقتصاد مقاومتی جنبش دانشجویی آیا می‌تواند فعالیتی را رقم بزند؟ سوای مقالات و مصاحبه‌های بینشی‌ای که در پرونده مشاهده خواهید نمود، در اینجا به عنوان مدخل بحث می‌خواهیم کمی راجع به ایده‌های عملیاتی در دانشگاه‌ها صحبت کنیم.

در یک نگاه کلی آنچه که به عنوان درخواستی معقول و منطقی از تشکل‌های دانشجویی انتظار می‌رود، عملیات در سه حوزه متفاوت و مهم است. اولین حوزه عملیاتی، «مطالبه‌گری عمومی و تخصصی» از مسئولین اعم از مسئولین دولتی، استانی، قضایی، نمایندگان مجلس، اساتید دانشگاه و... می‌باشد. مطالبه‌گری معقول و منطقی که در واقع واکنش به حق دانشجو به عنوان دیده بان کشور و نظام نسبت به مسائل و مشکلات کشور است وظیفه‌ای عمد و حیاتی بر عهده تشکل‌های دانشجویی است.

دومین حوزه عملیاتی، «تشویق و ترویج» نمونه‌های موفق و ایده‌های بسیار خوب اجرایی در مورد اقتصاد مقاومتی می‌باشد. بسیار هستند نمونه‌های موفق افراد، اشخاص، کارآفرینان، مروجان فرهنگی و حتی مسئولینی که برای بهبود وضعیت اقتصاد مقاومتی گام بر می‌دارند و تلاش می‌کنند. تشویق آنها و ترویج دادن فعالیت‌هایشان با معرفی آنها به آحاد دانشجویان و مردم گام عملی دیگری است که می‌توانیم بر داریم.

سومین حوزه عملیاتی، «شناسایی استعدادها و ورود تخصصی» به یکی از حوزه‌هایی است که تشکل دانشجویی توان ورود به آن را دارا می‌باشد. عمدتا توان دانشجویان تحصیلات تکمیلی و یا فارغ‌التحصیلان موفق که در تشکل دانشجویی فعالیت داشته‌اند، می‌تواند صرف این کار گردد. در دانشگاه‌ها به عنوان گلوگاه ارتباط با فضای جامعه و علی‌الخصوص صنعت، فارغ‌التحصیلان موفق و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به خوبی می‌توانند تشکل دانشجویی را در رقم زدن یک نمونه موفق یاری نمایند.

و در نهایت «گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی» نیز به عنوان یک رویکرد کلی باید در حوزه توجه ما به صورت عام باشد. توجه به مقوله‌های مهم فرهنگی اعم از نحوه و میزان مصرف، خرید کالای ایرانی، توجه به مقوله فساد و موضوعاتی از این دست، یکی از مواردی است که به صورت عملی می‌تواند مورد توجه تشکیلات دانشجویی باشد. این‌ها همه کلیاتی است که به نظر می‌رسد یک تشکل دانشجویی باید نسبت به «اقدام» و «عمل» در دانشگاه و فضای جامعه مد نظر داشته و به کار بندد. با این وجود شاید ورود به جزئیات فضا را برای ما روشن تر نماید و کندوکاو در

مصادیق بر بیراه نباشد و بتواند ما را کمک نماید.

تاکید بر «نقش مردم» اولین چیزی است که می‌توانیم بر آن دست بگذاریم. این مهم با رویکرد «گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی» قابل انجام است. تاکید بر خرید کالای ایرانی، مصرف درست و به جای کالاها و تاکید بر عدم تجمل و ریخت و پاش، تاکید بر فرهنگ کار و تلاش، تاکید بر اما و اگرهای حلال و حرام زندگی و رزق و روزی از جمله تاکیدهایی است که می‌توانیم برای نقش مردم در حوزه اقتصاد مقاومتی بر آنها دست بگذاریم.

«فساد» گلوگاه اساسی دیگری است که باید بدان توجه داشته باشیم. در زمینه فساد و مبارزه با آن اولویت شماره ۱ ما باید «مطالبه‌گری» باشد. مخاطبان مطالبه‌گری در درجه اول مسئولین دولتی و کشوری و در درجه دوم مسئولین استانی و شهری میباشد. نحوه مطالبه‌گری و اثرگذاری آن بر فضای جامعه خود بحث مفصلی است که در این مجال نمی‌گنجد. اما توجه به این نکته قابل ذکر است که «فساد» از مهمترین عوامل تضعیف نظام اسلامی است که کوتاهی‌های مختلف مسئولین گوناگون در دوران‌های مختلف آن را اینگونه به اژدهایی هفت سر تبدیل نموده است. نشان دادن این موضوع که نظام اسلامی خود مطالبه‌گر اصلی مبارزه با فساد است بسیار در آرامش ذهنی جامعه نقش خواهد داشت.

نقطه برجسته دیگری که باید بدان توجه نماییم، توجه به «ظرفیت‌ها و استعدادهای بومی استان و شهری» است که دانشگاهمان در آن قرار گرفته است. فلسفه حضور دانشگاه در آن شهر و یا استان این است که خط‌شکنان عرصه دانش و فناوری بتوانند شکوفایی را برای آن شهر به ارمغان بیاورند. دانشگاه خود را دست کم نگیرد! شما در شهر و استان خودتان باید قطب تحولات و ایجاد تغییرات عمده باشد. پس چرا اقتصاد مقاومتی یک گام مهم در این راستا نباشد؟ دعوت از کارآفرینان، صنعت‌گران، کشاورزان و تولیدکنندگان موفق استان و تشویق آنها و ترویج دادن محصولات و دست رنج‌شان، نشان دادن مشکلات و موانع استان در زمینه‌های صنعت، تولید و کشاورزی و همچنین مطالبه‌گری از مسئولین در زمینه رفع مشکلات احصا شده استان از جمله فعالیت‌های تخصصی است که می‌توانیم بدان‌ها اهتمام بورزیم.

آخرین نکته‌ای که به ذهن نگارنده این متن می‌رسد توجه به خود دانشگاه به عنوان پل ارتباط با جامعه چه در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی و چه در زمینه‌های علوم انسانی می‌باشد. مطالبه این موضوع که دانشگاه خود ما در زمینه اقتصاد مقاومتی چه گام‌هایی برداشته؟ چه موانعی از جلوی راه صنعت برداشته؟ چه تسهیل‌گری‌ای برای کشاورزی انجام داده و چه فرهنگ‌سازی‌ای در زمینه اقتصاد مقاوم صورت داده است و چه تولید دانشی در این زمینه داشته است از جمله مواردی است که باید بدان توجه داشته باشیم.

این همه، طبعاً قسمتی از فعالیت‌هایی است که ما می‌توانیم در حیطه اقدام و عمل رقم بزنیم و قطعاً شما نیز خود نکات ناب تر و بهتری را در این موضوع به ذهن دارید که می‌توانید به عرصه عمل در آورید. در این زمینه بسته‌های «شنه‌های اقدام و عمل» سامانه کالک و «بسته جامع اقتصاد مقاومتی» قرارگاه شهید باقری می‌توانند بسیار رهگشای شما باشند.

در انتها باز ۱۰۰۰ کلمه «حرف» زده شد! پرونده را بخوانید، نشریه را ببندید و شروع کنید! وقت «اقدام» است، وقت «عمل» است!



گزارش



قرار داد رژی، یا توتون و تنباکو

اولین قیام ضد استعماری جامعه ایران نسبت به دول غربی است.

در واقع آن چیزی که در خصوص لغو امتیاز توتون و تنباکو دارای اهمیت است، نفوذ اقتصادی کشورهای غربی تا بیخ داندان در حوزه اقتصادی کشور ایران بود.

تنباکو در دوران قاجار عمده ترین محصول زیر کشت جامعه ایران بوده و بعد از آن گندم و سایر محصولات در ایران برداشت میشد. تنباکوی ایران نیز از کیفیت بسیار خوبی برخوردار بوده است و از همین رو عمده تجارت ایرانیان نیز شامل این محصول می شده است و علاوه بر مصرف در داخل بازار خوبی منطقه ای هم داشته است.

در همان سال ها کشور انگلیس بیشترین مصرف توتون و تنباکو را در جهان در اختیار خود دارد. این انگیزه اولیه حضور انگلیسی ها برای به دست آوردن محصول تنباکوی ایران است.

همان طور که اشاره شد عمده محصول کشاورزی آن روزهای ایران شامل کشت توتون و تنباکو می شد و معیشت بسیاری از مردم به این محصول گره خورده بود.

از طرفی وضعیت مالی دولت ایران (نه کشور و مردم ایران) اصلاً مساعد نیست و دولت ناصرالدین شاه با شعار خزانه خالی و در واقع به جهت تامین مالی سفرهای خارجی خویش اقدام به واگذاری انحصاری امتیاز حق کشت و فروش این محصول بار ارزش به مدت پنجاه سال می نماید. مازور تالوت برای به دست آوردن این امتیاز به بسیاری از مقامات دربار

ایران رشوه های کلانی می دهد و حتی برای جلب رضایت شاه ۲۵ هزار لیره انگلیس و بعد از آن هر سال ۱۵ هزار لیره دیگر پیش کش کند. از سوی دیگر شاه نیز هر سال یک چهارم سود خالص شرکت را سهمیم باشد.

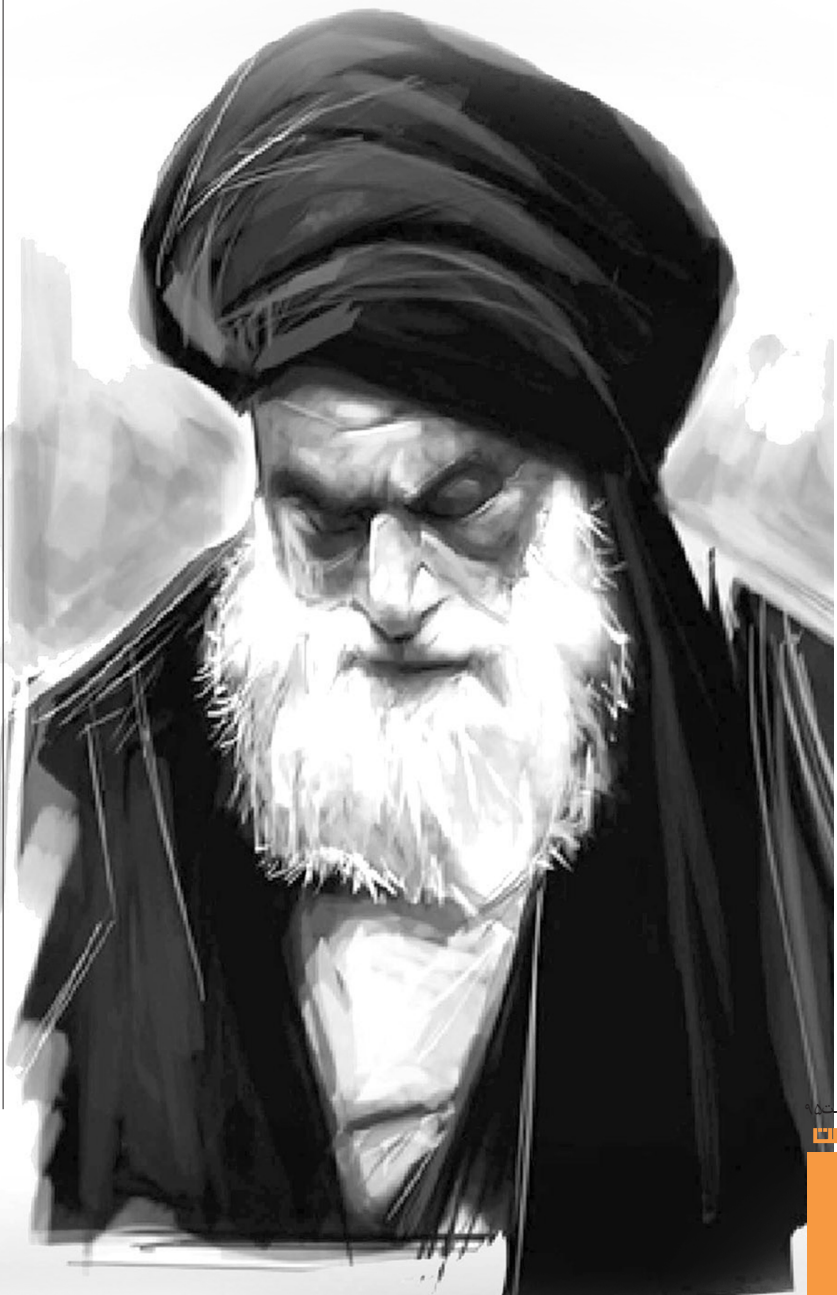
بعد از انتشار متن این قرارداد تجاری اعتراضات شدیدی از سوی مردم، بازرگانان و علمای دینی صورت گرفت.

اقدامات کمپانی رژی

شرکت رژی حدود ۲۰۰ هزار از اتباع دولت بریتانیا و مستعمرات آن را به عنوان کارکنان شرکت به ایران آورد و به شهرهای مختلف فرستاد، زنگ هشدار برای ایرانیان به صدا درآمد. چرا که با حضور آنها در حدود ۱۰۰ هزار مبلغ مسیحی وارد ایران شدند و ضمن بنای کلیسا در مناطق مختلف، دختران ایرانی را نیز به امور پرستاری در بیمارستان ها و بی حجابی واداشتند. در تهران و اکثر شهرها مراکز فساد برپا کردند و کافه هایی با انواع وسایل قمار و رقص های محلی و مشروبات الکلی پدید آوردند. علاوه بر این، انگلیسی ها هر جا که می رفتند، سوار، اسب، اسلحه و مزدور اسلحه به دست خود را نیز می بردند و این همان شیوه ای بود که انگلیسی ها در تصرف هند و ایجاد کمپانی هند شرقی و سپس حضور نظامی به بهانه حفظ امنیت این کمپانی و در نهایت مستعمره نمودن هند به کار گرفته بودند. (۱)

تحلیل مردم

به همین سبب مردم مسلمان ایران با این اندیشه که انگلیسی ها قصد دارند، کمپانی رژی را به کمپانی هند شرقی و ایران را همانند هند به مستعمره خود تبدیل کنند، به مخالفت گسترده پرداختند. در آن زمان معیشت بسیاری از مردم از طریق فروش توتون و تنباکو تأمین می شد و زارع و تاجر هیچ نوع اختیاری در تولید و فروش این محصول نداشتند؛ بنابراین رفته رفته موج اعتراضات در نقاط مختلف ایران خصوصاً شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز... آغاز شد و برخی از تجار از فروش محصول خود به شرکت رژی خودداری کردند. از همین رو و با توجه به اینکه انگلیسی ها یکی از شریان های اقتصادی کشور را به دست گرفته بودند اعتراضات مردمی از شهرهای مختلف شروع شد. اولین اعتراض از شهر شیراز شروع شد که مرغوب ترین تنباکوی ایران را



بسم الله الرحمن الرحيم
 در حکم محترم امام زمان صلی الله علیه و آله
 در منع هرگونه مداخله بیگانه در امور داخلی کشور

زیر کشت می برد بعد از آن اصفهان، تبریز و تهران نیز به جمع معترضان اضافه شدند و برخی از تجار نیز محصولات خود را به نشانه اعتراض به این قرارداد به آتش کشیدند.

تدبیر مردم

در اصفهان آقاجفی دست به ابتکاری زد و با فتوای خود و سایر علمای اصفهان، تنباکو را تحریم نمود. فتوای تحریم تنباکو در اصفهان موثر واقع شد و کمپانی در آن منطقه فلج گردید، بنابراین به دولت شکایت برد. دولت تهدید کرد که اگر علما تسلیم نشوند و مردم شورش کنند، خانه‌های مردم را به توپ خواهد بست. اما علما به جز یکی دو نفر، بقیه در مقابل این تهدیدها ایستادگی کردند سرانجام میرزای شیرزای حکم تاریخی خود را از سامرا صادر کرد: متن حکم میرزا چنین بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.» الاحقر - محمدحسن الحسینی (۲)»

تحلیل رویداد

ماجرای تحریم تنباکوی ایران، مسئله بسیار پیچیده ای است و در یک یادداشت و تحلیل نمی گنجد. اما فی الواقع شرایط بسیار مشابهی با وضعیت فعلی کشور دارد. در آن روزها وقتی ناصرالدین شاه به بهانه خزانه خالی چوب حراج به سرمایه کشور می زد شاید هیچگاه تصور نمی کرد که آخر سر به ضرب گلوله یک رعیت پنجاه سال سلطنتش بر باد برود.

آنچه که دارای اهمیت است این است که در دوران حضور بسیاری از کشورهای استعمارگر در ایران و به بهانه های اقتصادی شاهد آنیم که نه تنها رشد صنعتی و اقتصادی را شاهد نبوده ایم بلکه تنها ظرفیت های اقتصادی و بازرگانی کشور نیز از بین رفته است. شاید با کمی تساهل بتوانیم بگویم تاریخ ایران شاهد حضور هیچ صنعتی نیست که به صورت ریشه دار از طرف غربی ها وارد کشور شده باشد و با ترکیب با عوامل بومی کشور موتور اقتصادی کشور را جلو رانده باشد

امتیاز رژی یکی از همین قراردادهاست. به بهانه سرمایه گذاری اقتصادی و با اغوای نخبگان و پرداخت رشوه به آنها، سرمایه مردمی کشور را به راحتی در اختیار بیگانگان قرار داده اند و موجبات خسران های



مادی و معنوی کشور شده اند. این قرار داد و سایر قراردادهای از این دست، درس های بسیاری برای سیاسیون و دولت مداران جامعه امروز ایران دارد که تاریخ ایران هیچگاه، تاکید می کنم هیچ گاه خاطره خوشی از هیچ یک از اقدامات نیروهای استعمارگر نداشته و ندارد.

و تنها راه چاره برای برون رفت از این وضعیت تنها اتکا به ظرفیت ها داخلی کشور است و بس. امید است که گاهی سیاست مداران کشور کمی هم تاریخ دویست ساله کشور را بخوانند. تاریخی که حرف های نگفته بسیاری برای دولت مردان امروز جامعه ایران دارد.

منابع:

۱. ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران، کتاب های جیبی، ۱۳۶۱، صص ۲۷
۲. شیخ حسن کربلایی، تاریخ دخانیه، به همت رسول جعفریان، صفحه ۵۷ و ۵۸

گزارش

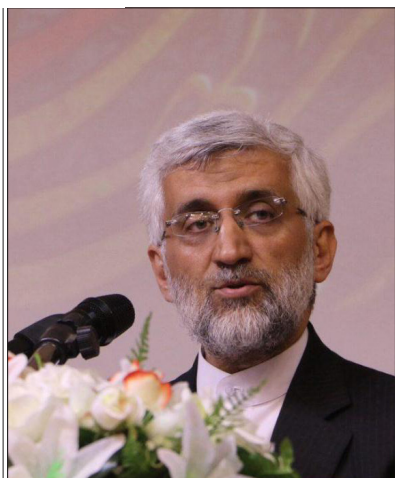
به بهانه سالگرد صدور فتوای تحریم توتون و تنباکو

لغو «رژی» عبرت بزرگ تاریخ برای دولتمردان امروز

رضا حیدری

دانشجوی ارشد علوم سیاسی





برجام، آفتاب تابان یا ابر شتابان؟

دانشگاه گیلان

از برنامه های روز ملی فناوری هسته ای، مراسمی بود که با دعوت بسیج دانشجویی دانشگاه گیلان از دکتر سعید جلیلی در تالار حکمت این دانشگاه برگزار شد. تفسیر انواع اسلام از نظر آمریکا، تفکیک میان نگاه واقع بینانه و بد بینانه به برجام، بد عهدی طرف های مذاکره کننده و لزوم استفاده از منابع داخلی برای پیشرفت همه جانبه کشور از اهم عناوین مورد بحث این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در این سخنرانی بود. دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی در قسمتی از سخنان خود با انتقاد از دولت مردان گفت: «اول برجام را آفتاب تابان و اکنون ابر شتابان می دانند و معتقدند مطالب چند سایت و روزنامه در اجرای برجام مانع ایجاد کرده است!» او تصریح کرد اگر رئیس جمهور بود زیر چنین توافقی را امضا نمی کرد. صحبت های صریح جلیلی واکنش بسیاری از شخصیت ها را نیز در پی داشت. جعفر زاده نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی در واکنش به این اظهارات نامه ای به وی نوشت و طی آن سوال هایی از سعید جلیلی مطرح کرد.

کافه دخترانه

دانشگاه شهید چمران اهواز

حرکت های نو در سطح دانشگاه ها و توسط تشکل های دانشجویی از نیاز های ضروری امروز در میان دانشجویان است. انجام برنامه های کلیشه ای، روتین و به دور از کمترین نوآوری به آفتی برای تشکل های دانشجویی گوناگون تبدیل شده است. از این رو اقدام واحد خواهران بسیج دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز در برپایی «کافه دخترانه» شایسته ی تحسین است. کافه دخترانه با هدف تبلیغ معارف اسلامی و سبک زندگی ایرانی، اسلامی در قالب قسمت های گوناگونی مانند کارگروه های فرهنگی، سیاسی، افزایش جمعیت و پاتوق کتاب برپا شد. از دیگر بخش های جذاب این کافه می توان به برد «کرسی» و «فضای مجازی» اشاره نمود. این کافه به مدت سه روز برگزار شد.



یک علی مطهری همیشه جنجالی

دانشگاه اراک

با دعوت انجمن اسلامی دانشگاه اراک در روز پنجم اردیبهشت، علی مطهری نماینده تهران در مجلس نهم میهمان دانشجویان دانشگاه اراک بود. مشکلاتی که در برنامه های علی مطهری به وقوع می پیوندد دیگر تبدیل به عادت شده است. این مراسم نیز از این قاعده مستثنی نبود و حواشی تلخی داشت. حمایت صریح از سران فتنه با پخش تصاویری از آن ها، زیر سوال بردن قوه قضائیه و شورای نگهبان از جمله قسمت های تلخ این برنامه محسوب می شد. مطهری در این نشست به صراحت، پاره کردن عکس امام در روز دانشجویی سال ۸۸ و وقایع ناگوار روز عاشورای همان سال را زیر سوال برده و آن ها را تنها دلایلی برای ادامه حصر میر حسین موسوی و مهدی کربوبی دانست. در صورتی که حصر سران فتنه که الحق و انصاف لطفی نسبت به سران فتنه بوده است؛ از بهمن ۸۹ آغاز شده است. مورد مهم دیگر در تشریح این مراسم، انتقاد های شجاعانه و سوال های مطالبه گرایانه دانشجویان دانشگاه اراک از این نماینده سابقا اصولگرایی مجلس هفتم و برگزیده مجلس دهم از لیست اصلاح طلبان بود. دانشجویان خطاب به علی مطهری گفتند: «شما از حامیان برجام در مجلس بودید خواستم بدانم شما خبری از اموال در حصر ما دارید؟ آیا فکری به حال رفع حصر اموال بلوکه شده کشور که قرار بود طبق برجام آزاد شود کرده اید؟ آیا به عنوان نماینده مجلس وظیفه نظارت بر برجام را انجام داده اید یا مثل سایر دوستانتان کاسب برجام هستید.»

جشن میلاد با

چاشنی رقص و پایکوبی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

منتاسفانه بسیار دیده شده است جشن هایی که در مناسبت ها و به بهانه های گوناگون در سطح دانشگاه ها برگزار می شود به فرصتی برای انجام اقدامات هنجار شکن تبدیل شده است. یکی از آخرین موارد این گونه جشن ها مربوط به جشن دانشگاه شهید باهنر کرمان به مناسبت میلاد حضرت علی (ع) است. در یکی از قسمت های این جشن که به مسابقه

به تازگی معروف شده «لباهنگ» اختصاص داشت، تعدادی از دانشجویان حاضر به انجام حرکات موزون، رقص و پایکوبی پرداختند که واکنش اعتراض آمیز مسئول فرهنگی دانشگاه به عنوان متولی برگزاری جشن را در پی داشت. اعتراضی که با واکنش متقابل دانشجویان معترض به این مسئول و «عقد ای خواندن او» به نیمه تمام مانده شدن جشن انجامید. حرکت انقلابی این مسئول دانشگاه شایسته تقدیر است آن هم در زمانی که چنین حرکاتی به ندرت از سوی مسئولان دانشگاهی کشور مشاهده می شود.



گزارش ها و افبار دانشگاه خود را می توانید از طریق ایمیل

57magz@gmail.com یا ادمین تلگرامی @staher برای ماهنامه ۵۷ ارسال نمایید.



مستولان و مردم بزند و آن‌ها را آگاه کند. به واقع نتیجه‌ی سه سال گره زدن مشکل معیشت مردم به فناوری هسته‌ای چه شد؟ پس چرا تغییری ایجاد نمی‌شود. چرا هیچ مشکلی حل نشده است؟ چرا صنعت هسته‌ای که جان دانشمندان ما برای سربلندی و پایداری این صنعت داده شده است، امروز این گونه شهید می‌شود. می‌شد با یک برنامه روتین مثل سخنرانی بگویم ما کاری انجام داده ایم اما از آنجایی که ما به دنبال تاثیر گذاری فعالیت‌های خودمان هستیم نیاز دیدیم یک حرکتی انجام بدهیم تا توجه همگان را جلب کند. البته احتمال می‌دادم واکنش تندی نسبت به این حرکت صورت بگیرد برای همین پیش از عملی کردن این ایده، موضوع را علنی نکردیم. تبلیغی صورت نگرفت تا خدای نکرده جلوی برگزاری برنامه گرفته نشود. ایده ما پیچیدگی خاصی نداشت. به گونه‌ای که طرح یک سنگ قبر بر روی بنر چاپ شده و بر روی جعبه‌ای چسبانده شده بود و در مقابل سلف دانشگاه گذاشته قرار داده شده بود. البته میزی هم در کنارش تعبیه کرده بودیم که بر رویش ظرف خرما و دو عدد شمع بود. مکان انجام این کار نزدیک سلف دانشگاه یعنی جای پر رفت و آمدی بود. همین برگزاری این برنامه بسیاری از افراد تعجب می‌کردند. در هر صورت لازمه تاثیر گذاری همین تعجب بود. بعد از برگزاری برنامه عملیات رسانه‌ای خوبی توسط اعضا صورت پذیرفت. این حرکت واکنش‌های متفاوتی را هم در پی داشت. واکنش‌ها در فضای مجازی به دو صورت بود. عده‌ای بر حسب اینکه با ما هم عقیده بودند حمایت کردند و انصافاً هم حمایت خوبی کردند. عده دیگری هم بودند که بنا بر تفاوت عقیده‌شان حرکت ما را محکوم کردند. این مخالفت‌ها به چند صورت بود. دسته اول به همان مخالفت ساده‌ی زبانی خود اکتفا کرده بودند. دسته دومی هم بودند که وارد عمل شده بودند و با مصاحبه و بیانیه‌های خود قصد افراطی نشان دادن این کار را داشتند که به لطف خدا این کار تأثیرش را دیگر گذاشته بود و این بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها تأثیر آن چنانی نداشت البته مصاحبه‌ها حقیر پس از دو روز از گذشت برنامه و در جواب این افراد بسیار موثر بود. مسئولین دانشگاه هم به دلیل اینکه کار خلاف قانونی انجام نشده بود و به این دلیل که دانشجو باید در بیان عقایدش آزاد باشد، بر خورد قهری با ما انجام ندادند.»

قبر فناوری هسته‌ای

دانشگاه علوم پزشکی کرمان

بسیستم فروردین در تقویم به نام روز ملی فناوری هسته‌ای نامگذاری شده است. بسیج دانشجویی بسیاری از دانشگاه‌های کشور در این روز برنامه‌های گوناگونی برگزار کردند. بدون شک پر سر و صدا ترین اقدامی که در دانشگاه‌ها انجام شد، به بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان اختصاص دارد. جایی که به مناسبت این روز از «قبر فناوری هسته‌ای» رونمایی شد. مناسب دیدیم برای اطلاع بیشتر از کیفیت برگزاری این مراسم، انگیزه، هدف و همچنین تبعات احتمالی برگزاری آن مراسم به سراغ آقای «سجاد جعفری» مسئول حوزه بسیج علوم پزشکی کرمان برویم تا گزارشی از این برنامه به ۵۷ ای‌ها ارائه نماید.

«در خود جوش بودن ایده بچه‌های بسیج دانشجویی علوم پزشکی کرمان شکی نیست. اما این ایده از کجا به وجود آمد؟ باید عرض کنم دانشجو خواه ناخواه دارای حس مطالبه‌گری و دغدغه‌مندی است. بسیاری اعتقاد دارند که دانشجویهای خاکستری افرادی بی تفاوت هستند. بله بی تفاوت هستند اما این بی تفاوتی در نهاد آن‌ها نیست. یعنی همه دانشجویها از همان ابتدای ورود به دانشگاه نسبت به مسائل و اتفاقات کشور به اندازه ظرفیت خود تمرکز کرده و می‌اندیشند. فعالین تشکل‌ها بالاخص فعالین بسیج دانشجویی، نسبت به این مسائل دغدغه‌ی بیشتری دارند. زمانی دانشجو مشاهده می‌کند صنعتی که برایش زحمات بسیاری کشیده شده است و اگر از ارزش معنوی‌اش نیز صرف نظر کنیم دارای ارزش مادی بسیاری است. صنعتی که می‌تواند برای کشور تولید سرمایه‌کند و قدرت ایران را در معادلات جهانی بالاتر ببرد این گونه و به بهانه حل معیشت مردم دچار یک مرگ خاموش شده است و به تعبیر عامیانه شهید می‌شود. اینجاست که به نظر بنده برای هر دانشجویی منطقی‌ای سوالی پیش می‌آید. اینکه ما چیزی دادیم تا در عوض آن عایدی نصیب ما شود. وقتی مشاهده می‌شود که معامله‌ای صورت نگرفته است و ما روز به روز داریم از آن پشیمان‌تر می‌شویم. یک دانشجو وظیفه خود می‌داند پا در صحنه بگذارد و با یک حرکت موثر، تلنگری به

تفسیر نوین زنده باد مخالف من!

دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

این روزها شاهد برخورد های سلیقه‌ای تعدادی از مسئولان دانشگاه‌ها در دولت تدبیر و امید نسبت به تشکل‌های دانشجویی هستیم. هفت اردیبهشت روزی بود که لغو برنامه مناظره اصلاح طلبان و اصول‌گرا ها توسط مسئولان دانشگاه از یک سو و اجازه برای سخنرانی ۴ نفر از کاندیداهای لیست امید تبریز از سوی دیگر مصداقی بارز بر عملکرد سلیقه‌ای مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به حساب آمد. اما قسمت تلخ این مراسم مربوط به آنجایی بود که به سوالات دانشجویان مخالف با این کاندیداها پاسخی به غیر از ضرب و شتم از سوی هواداران این لیست انتخاباتی و عده‌ای ناشناس داده نشد. درگیری‌هایی که منجر به نیمه کار ماندن این برنامه شد. بسیج دانشجویی این دانشگاه با انتشار بیانیه‌ای نسبت به این اقدام شنیع واکنش نشان داد. در قسمتی از این بیانیه آمده است: «مذعیان گفتمان و شعار «زنده‌باد مخالف من» در عمل چهره خود را به عموم مردم و دانشجویان نشان دادند»



از دانشگاه‌ها چه خبر؟



گفت و گوی ۵۷ با سردار یدالله جوانی به مناسبت روز پاسدار

در جنگ فرهنگی هم نیاز مند «قاسم سلیمانی» ها هستیم

وظیفه بسیج دانشجویی فریادگفتمان عدالت خواهی است

دانشجو به عنوان قشر جوان و پویای جامعه باید همواره در جهت پاسداری از آرمان های نظام اسلامی گام بردارد و این پاسداری از ارزش ها در مقطع کنونی بیشتر از فضاهای سخت و نظامی ناظر است بر جنگ نرم که نبردی میان افکار به شمار می رود. یکی از بهترین و معتمدترین مامان ها برای فعالیت انقلابی برای حفظ ارزش ها در حوزه جنگ نرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

به مناسبت روز «جوان» و روز «پاسدار» که در اردیبهشت ماه در تقویم به چشم می خورد به گفت و گو با سردار یدالله جوانی؛ مشاور عالی نماینده ولی فقیه در سپاه نشستیم. جوانی، پیش تر معاون سیاسی اسبق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است پاسداری که از همان ابتدای پیروزی انقلاب در سنگر های نظامی علیه دشمنان این نظام مشغول مبارزه بوده است و اینک نیز در فضای سیاسی و رسانه ای به خدمت در این نهاد مقدس مشغول است آن طور که در لیست تحریم دشمنان انقلاب اسلامی به بهانه آن چه «نقض حقوق شهروندان ایرانی» می نامد قرار دارد. متن زیر حاصل گفت و گوی ما با سردار است که با صمیمیت و به دور از تکلف حاضر به قبول در خواست ما شد و شخصا به دفتر تحریریه آمد تا مامان گفت و گوی ما باشد.



اگر بخواهیم برای سپاه سه رسالت نظامی، توسعه - آبادانی و فرهنگی در نظر بگیریم، در هر کدام از این سه زمینه چقدر توفیق داشته است؟ سپاه پاسداران در واقع یک نهاد انقلابی است که بر اساس نیاز های انقلاب انجام وظیفه می کند. وظیفه سپاه پاسداری از انقلاب اسلامی است. باید در امر پاسداری با هر نوع تهدیدی که علیه جمهوری اسلامی وجود دارد مواجه شود، آن را خنثی کند و اجازه ندهد موثر واقع شود. از طرف دیگر سپاه باید به پیش برد انقلاب اسلامی کمک کند. یعنی سپاه علاوه بر نقش پاسداری و صیانت، دارای نقش پیش

برندگی هم باشد که انقلاب بتواند به سمت اهداف و آرمان هایش حرکت رو به جلویی داشته باشد. اما اینکه سپاه در هر کدام از این عرصه های سه گانه مقابله با تهدید سخت، تهدید نرم و بحث آبادانی و سازندگی چه میزان موفق بوده است این را نمی توان به شکل عددی و درصدی بیان کرد. چون به هر حال ما در این سی و هشت سال که پشت سر گذاشتیم مقاطع مختلفی را گذرانیم. در یک مقطعی تهدید نظامی علیه کشور پر رنگ شده بود و دفاع مقدس شکل گرفت. در این دوران سپاه کارنامه درخشانی داشته است. پیش از آن هم تهدیدات امنیتی وجود داشت. اقداماتی که

جریان های تجزیه طلب در مناطق قومیتی انجام می دادند یا اقدامات تروریستی که در داخل کشور بود، سپاه در مقابل همه این اقدامات چنان درخشید که حضرت امام فرمودند اگر سپاه نبود کشور هم نبود. پس از جنگ نیز عرصه های دیگری را شاهد بودیم. یکی از این عرصه ها بحث سازندگی، عمران و آبادانی بود. آن هم با تهدیدات اقتصادی دشمن و همچنین تلاش آن برای اینکه نگذارند جامعه ایرانی پیشرفت کند و فقر و محرومیت جامعه را از پا در بیاورد و نارضایتی ایجاد کند. سپاه پاسداران وارد این عرصه شد و استعداد ها و توانمندی های خود را به میدان آورد و به

کمک دولت‌ها رفت. پروژه‌های بزرگ را در اختیار گرفت و توانست با استعداد داخلی مدیران مختلفی را در این عرصه تربیت کند و خیلی از کارهایی که در این سال‌ها توسط سپاه صورت پذیرفت اگر انجام نمی‌شد مشخص نبود که به وسیله بخش خصوصی می‌توانست انجام شود. در سال‌های اخیر حملاتی که از سوی بیگانگان و به ویژه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها علیه سپاه صورت گرفته است نشان دهنده نقش موثر سپاه پاسداران در خنثی‌سازی جنگ اقتصادی دارد که دشمنان به آن امید بسته بودند. در عرصه فرهنگی در این سال‌ها مقاطعی داریم که وضعیتی ایجاد می‌شد که دشمنان را امیدوار به پایان انقلاب می‌کرد. ما دوران اصلاحات را گذرانیم که به نوعی به دنبال پایان بخشی به انقلاب بود. بحث فتنه ۸۸ هم یک واقعه تلخ بود که ما به عنوان یک تجربه عینی در مقابل چشم داریم. سپاه در همه این مقاطع ورود پیدا کرد. مقام معظم رهبری در دیداری که دو سال قبل با فرماندهان سپاه داشت تصریح کردند کارنامه سپاه در این سال‌ها درخشان بوده است. البته در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی شرایط قدری متفاوت است و امروزه ما کم و کاستی‌هایی داریم که حل آن‌ها اساساً وظیفه سپاه به تنهایی نیست. سپاه در این عرصه‌ها به عنوان معین عمل می‌کند. امروزه نهادها و مجموعه‌های دیگری متولی موضوعات فرهنگی و اقتصادی هستند. ماموریت سپاه در این حوزه‌ها کم‌کم باید همه ظرفیت‌ها در کشور فعال شود.

سپاه در زمینه جنگ نرم آیا توانسته است رشادت‌هایی از جنس رشادت‌های دوران جنگ سخت به خرج دهد؟

این عرصه‌ها دارای مختصات متفاوتی است. زمانی که بحث جنگ نظامی و دفاع از کشور است، رشادت‌ها جلوه‌ی دیگری دارند. وقتی در این حوزه‌ها فردی به فیض شهادت می‌رسد و خبر آن به گوش می‌رسد منشا تأثیر عجیبی در جامعه می‌شود. در بحث‌های فرهنگی و اقتصادی اینگونه نیست که ما تصور کنیم اتفاقاتی با آن مختصات به وقوع بپیوندد. هر چند در این عرصه‌ها نیز افرادی را داشتیم و داریم که مجاهدت می‌کردند. اما مورد مهم این است که در عرصه‌ی فرهنگی پیچیدگی‌ها بیشتر است. ظرافت‌های کار بیشتر است. ما باید از فرهنگ‌های جامعه محافظت کنیم. از ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای کشور صیانت کنیم. از آن طرف هم دشمن با تمام ابزارهای خود وارد میدان شده است. با تمام توان خود وارد صحنه شده است. از شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزار استفاده می‌کند. اگر دشمن در زمان جنگ توپخانه‌اش را به سمت شهرها و روستاهای ما شلیک می‌کرد، موجی از تنفر را در

جامعه ایجاد می‌کرد و فضایی همدلانه در جهت انتقام از این اقدامات در میان مردم پدید می‌آورد. اما امروزه وقتی ماهواره‌ها امواج را بر پشت بام خانه‌های مردم می‌فرستند چنین حسی به وجود نمی‌آید. در حالی که دشمن دیروز به دنبال فرو ریختن سنگرهای مادی بود و قصد نابودی بدن‌ها و اجساد را داشت، امروز به دنبال شکار مغزها و تغییر در ذهنیت‌ها و باورها است. در این جا وضعیت بسیار متفاوت است. اگر در این عرصه‌ها کسانی هم بخواهند وارد عرصه مقابل شوند ممکن است حتی بسیاری از مردم متوجه نشوند. در عرصه‌های دفاعی رشادت‌ها تحسین می‌شود. اما در اینجا برداشت‌ها متفاوت است. بعضی‌ها تصور می‌کنند که می‌خواهند مانع شوند یا محدودیت ایجاد کنند. در مجموع می‌توان گفت که دفاع فرهنگی، قلمی و رسانه‌ای از ارزش‌ها به مراتب سخت‌تر از دفاع با اسلحه برای حفاظت از سرزمین، ذخایر و جمعیت کشور است. عداوت دشمن و تجاوزش در آن عرصه‌ها مشخص است بنابراین این رزمندگان و شهدا در این عرصه‌ها قهرمانان جامعه هستند. شهید همت‌ها، باکری‌ها در این فضا می‌درخشند و امروز هم قاسم سلیمانی‌ها محل افتخار هستند. من معتقد هستم در عرصه‌های فرهنگی نیز در سپاه در حد توان کارهایی صورت گرفته است ولی باید کارهای بیشتری صورت بگیرد و قهرمانان فرهنگی محل افتخار باشند. در دفاع مقدس گردان‌ها، قرارگاه‌ها، محور‌ها، تیپ‌ها و لشکرهای فراوانی تشکیل شد و به وسیله آن عملیات‌های بزرگی صورت پذیرفت. در عرصه فرهنگی و به تناسب این فضا هم نیازمند انجام چنین اقداماتی هستیم. مهم‌ترین کاری که باید در این عرصه انجام بشود همان تشکیل قرارگاه‌های فرهنگی است که بتواند ظرفیت‌ها را سازماندهی و هم‌افزا کند. ما در جنگ فرهنگی به قهرمانانی مثل قاسم سلیمانی نیاز داریم

علاوه بر قوت‌هایی که در سپاه پاسداران وجود دارد اگر بخواهیم با نگاه آسیب‌شناسانه به آن نگاه کنیم چه ضعف‌هایی در مجموعه‌های فرهنگی سپاه وجود دارد؟

در جبهه فرهنگی نیز مانند جبهه نظامی دو عامل نقش اساسی دارد: نیروی انسانی و تجهیزات. به نظر می‌رسد در این دو مورد به تناسب نیاز توانسته ایم نیروهای لازم را تربیت کنیم. به عنوان مثال ما باید در عرصه‌های تئاتر، موسیقی، سینما، رمان، کتاب و... و به تناسب با این عرصه‌ها نیروهایی توانمند و کارآمد تربیت می‌کردیم. در این فضاها تعداد نیروهای ارزشی و حزب‌اللهی بسیار کم است. این نشان دهنده این است که باید در این عرصه‌ها کارهایی انجام دهیم. البته همانطور که عرض کردم در این عرصه‌ها وظیفه اصلی با سپاه نیست. اما سپاه به عنوان یک نهاد موظف است در حوزه‌هایی که نیاز است ورود پیدا کند.

انقلابی بودن نسبت برقرار می‌کند با عدالت‌خواه بودن و آرمان‌خواه بودن. الان برخی انقلابی بودن را زیر بیرق یک تشکل بودن می‌فهمند. این، حرف مفت است. انقلابی بودن به نظرم در مقابل نفتی بودن و دولتی بودن تعریف می‌شود. پول شام هیأت تو را نفت نباید بدهد. ظرف‌های یک‌بار مصرفش را هم، این نفتی شدن و دولتی شدن و به خوشایند مسئول بالاتر کار کردن نسبتی با انقلابی‌گری و مطالبه‌گری ندارد

یعنی اگر دشمن امروز به دنبال این است که با این فضاهای جدید مثل سینما، موسیقی، شبکه‌های اجتماعی و امثالهم ارزش‌های جامعه را به چالش بکشد ما باید به صورت جدی وارد این عرصه شویم. از آن طرف و در بحث تجهیزات و امکانات روز که لازمه کار نیروی انسانی ما است می‌بایست سرمایه‌گذاری‌های مناسب صورت بگیرد. در کنار این دو و متناسب با نیروهای انسانی تربیت شده و امکانات باید به موضوع ایده‌ها نیز توجه شود. مثلاً در زمان جنگ نیرو و تجهیزات داشتیم، اما اینکه کی، کجا و چگونه عملیات بکنیم هم موضوع مهمی بود که مربوط به ایده می‌شود. ممکن بود اجرای عملیات در یک جایی آورده‌ای نداشته باشد ولی با نیروی کمتر در جای دیگر بتوان به دستاورد‌های بیشتری رسید. بنابراین تشخیص این اولویت‌ها نیز نکته حائز اهمیت است.

آیا سپاه در تربیت نیروی کارآمد بعد از دوران دفاع مقدس توانسته است خوب عمل کند. به نظر شما نیروهای کنونی سپاه توانسته‌اند از نظر کارایی خودشان را وفق بدهند با نیروهای قدیمی؟

تلاش این است که پاسداران قدیمی که حاملان فرهنگ ایثار و شهادت هستند آن‌ها را به نسل جدید منتقل کنند. از آن طرف هم تلاش است که در سپاه عضوگیری صورت بگیرد و افرادی با ویژگی‌های خاص گزینش شوند و آموزش پاسداری ببینند. اما واقعیت قضیه این است که نسل اول انقلاب از دل انقلاب بیرون آمدند. در دوران مبارزه این نسل تربیت شده بود. آرمان‌های مشخص شده بود. سپاه در بحبوحه‌ی بحران‌ها و چالش‌های جدی ابتدای انقلاب تشکیل شده است. یعنی کسی لباس سپاه را پوشید که فردایش به کردستان برود و با ضد انقلاب بجنگد. کردستانی که مطرح بود در آن جا پاسدار را سر می‌برند. معلوم نبود که فردای آن روز زنده است یا خیر؟ کسانی وارد این عرصه می‌شدند که آماده رشادت بودند و خود را وقف سپاه کرده بودند. این افراد بودند که مجموعه مقدس سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی را تشکیل دادند. ما امروز بیست و پنج سال از جنگ فاصله گرفته ایم. شرایط تغییر پیدا کرده است. الان آن فضای ابتدای تاسیس سپاه وجود ندارد. شرایط تغییر پیدا کرده است. کارهای آموزشی بیشتری مورد نیاز است. بایستی شرایط و فضا را به گونه ای درست کرد که آن روحیه فداکاری و گذشت در نیروهای جدید به وجود بیاید. البته من معتقدم اگر شرایط نظامی مثل سال های ابتدای انقلاب پیش بیاید همین پاسداران ما چه بسا بسیار بهتر و بیشتر از پاسداران دفاع مقدس حماسه می آفرینند. قضاوت های ما باید متناسب با شرایط زمانی و مکانی باشد. در حال حاضر جوانان این مملکت در شرایط صلح و ثبات زندگی می کنند. درس می خوانند و رفاه و تفریح خودشان هم دارند. بعضی ها قضاوت می کنند چنانچه اگر جنگی به وقوع بپیوندد دیگر جوانان مثل ابتدای انقلاب نیستند. به نظر من این قضاوت نادرستی است. اگر جنگی اتفاق بیفتد چه بسا از همین جوانان باکری ها و همت هایی به وجود می آید. کما اینکه در حال حاضر نیز درون سپاه همینطور است. وجود همین عزیزانی که توفیق پیدا می کنند، در حرکت های مستشاری در سوریه شرکت دارند، در خط مقدم سوریه هستند و توفیق شهادت پیدا می کنند نشانه ای بر این ادعاست. اگر وصیت نامه های این شهدا را ببینید عینا همان وصیت نامه های شهدای دفاع مقدس است. پس این نگاه در نیروهای مردمی و در سپاه ما همچنان وجود دارد که آنجایی که اسلام در خطر است باید آماده فداکاری باشند. منتهی مسئله این است که باید شرایطش به وجود بیاید.

۵۵ چه کارهایی باید کرد تا عملکرد رسانه های مورد حمایت سپاه پاسداران و بسیج متناسب به جناح خاص نشود و واقعا فراجناحی باشند؟ آیا واقعا تا به حال این گونه بوده است؟

به هر حال سپاه و بسیج متعلق به ملت، انقلاب، نظام، مردم و ولایت فقیه هستند. متعلق به یک گروه خاص یا جناح سیاسی نیستند. بین گروه ها و احزاب سیاسی کشمکش هایی وجود دارد. سپاه و بسیج باید همواره از انقلاب، اصول و ارزش هایش دفاع کند. در این دفاع هم اولویت بندی داشته باشد. گرفتار حاشیه ها نشود. چون اسیر حاشیه ها شدن گاهی زمینه را برای متهم کردن سپاه و بسیج به رفتار های جناحی و سیاسی فراهم می کند. اینکه این اتفاق نیفتد نیاز به هوشمندی دارد. اما اینکه در حال حاضر شرایط چگونه است. بنده معتقدم که از همان ابتدا تا به امروز همواره در راهبرد ها، رویکرد ها و سیاست های کلان تلاش بر این بوده است که این حالت

فراجناحی حفظ شود. ولی ممکن است در یک تاکتیک و در جایی که افراد باید اقدام خاصی بکنند، اقدامات هوشمندانه نبوده باشد ممکن است که رنگ دیگری گرفته باشد. این موارد باید اصلاح باشد. شان بسیج و سپاه فراجناحی بودن است. بسیج دانشجویی و اساتید این حزب و آن حزب نیست. فراتر از این حرف ها است. در حالی که ممکن است افراد به طور فردی گرایش خاصی داشته باشند که ابرازی هم ندارد. آنجا که هویت سپاه و بسیج مهم است علقه به یک جناح و گروه خاص معنا ندارد. هویتی که می خواهد حافظ ارزش ها و انقلاب باشد.

۵۶ سهم بسیج دانشجویی از اقدام در مقابل تهاجم فرهنگی که سپاه برای آن برنامه ریزی کرده چیست؟ فعالین بسیج دانشجویی در تقویت جبهه فرهنگی انقلاب چه رسالتی دارند؟

امام می فرمایند اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود. این سهم بالای دانشگاه را نشان می دهد. بسیج دانشجویی می تواند پیشگام بسیاری از مسائل در کشور برای اصلاح دانشگاه و جامعه باشد. به نظر بنده بسیج دانشجویی باید از یک سو حرکتی در جهت اصلاح دانشگاه انجام دهد چون از آن طرف جریان های دشمن تلاش می کنند تا این دانشگاه اسلامی و در تراز انقلاب اسلامی نباشد. از سوی دیگر چون اعضای بسیج دانشجویی از متن مردم وارد دانشگاه شدند باید تلاش کند تا حرکت هایی که جامعه شکل می گیرد رو به جلو باشد. شاید مهم ترین کاری که می تواند بسیج دانشجویی در دانشگاه و جامعه داشته باشد بحث گفتمان سازی و

مطالبه گری باشد. خصوصا اینکه بسیج دانشجویی دارای رسانه است و تربیون این کار را دارد. ما برای حل بسیاری از مشکلات کشور نیازمند گفتمان سازی هستیم. مبارزه با فساد، کم کاری، رکود، بیکاری، تبعیض، بی عدالتی و ... مشکلاتی هستند که وجود دارند. ما باید مسئولان را پای کار برای حل این مشکلات بیاوریم. برای این کار نیاز به مطالبه گری داریم. مردم باید مطالبه کنند. در هر جامعه ای دانشجو در شکل دهی به فضای مطالباتی نقش اساسی دارد. ما این همه دانشجو در کشور داریم. در هر خانواده ای یک یا دو نفر دانشجو پیدا می شود. در همه شهر های ما دانشگاه وجود دارد. دانشجویی که روح لطیف و پاکی دارد. یک نوع عدالت طلبی و آرمان خواهی دارد اگر منسجم شود و تشخیص درست بدهد می تواند کارهای بزرگی کند. هنر بسیج دانشجویی این است که این ظرفیت دانشجویان را برای حل مشکلات کشور بسیج کند. منتها این زمانی حاصل می شود که ما راه را پیدا کنیم که درد چیست و چگونه می توان درد را درمان کرد.

۵۷ به نظر شما بسیج دانشجویی در مقطع کنونی که یکسال تا انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است باید تمرکز خود را بر چه کارهایی بگذارد؟

بسیج دانشجویی بایستی با دنبال کردن مباحث خود، نشست ها، مناظرات و با استفاده از رسانه های خود، این گفتمان غالب را به وجود بیاورد که انتخابات برای مردم ایران یک فرصت است و مبتنی بر این فرصت به گونه ای استفاده شود تا انتخابی صورت پذیرد که افرادی انتخاب می شوند به نیاز های واقعی، پاسخ درست و واقعی بدهند. چون می دانیم که ما در شرایطی هستیم که دشمنان به فضای کشور ما دلبسته اند تا از طریق گروه ها و جریان های سیاسی مقاصد خود را در کشور پیاده کنند. باید بصیرت افزایی و روشننگری کرد تا دانشجویان ماهیت اصلی گروه های سیاسی را درک کنند و شخصیت ها و دیدگاه هایشان را تحلیل کنند تا بتوانند در نهایت انتخاب درستی داشته باشند. ■





دوم خرداد یادگفتمان سوم خرداد

از سوم خرداد ۶۱ تا دوم خرداد ۷۶

ناصرزایی



کارشناس ارشد علوم سیاسی

در طول تاریخ معاصر ایران زمین در خرداد ماه اتفاقات و حوادث فراوانی رخ داده که تشریح بسیاری از آن‌ها کتاب‌ها می‌طلبید، تعدادی دچار حجاب معاصرت شده و آن چنان که شایسته و بایسته است به آن نپرداختیم. شاید آیندگان آن‌ها را مورد مذاقه و کالبدشکافی قرار دهند و بخشی نیز چنان برجسته گردیده که همیشه و همه جا در خاطرها هست ولیکن دو اتفاق و رخداد برآمده از دو اندیشه کاملاً مجزا توانستند به دو گفتمان در ادبیات سیاسی - اجتماعی کشور تبدیل شوند و از رهگذر این گفتمان به دو جریان نیز مبدل گردند، فارغ از ژرفا، فراگیری و به ویژه پایداری این جریانها، کنکاش در این دو گفتمان لازم و ضروری می‌نمایند، زیرا اصطکاک و نبرد آنان ریشه‌ی به قدمت تاریخ دارد.

گفتمان سوم خرداد برخواسته در دهه شصت و در دهه اول انقلاب و سال‌های اولیه آن و گفتمان دوم خرداد با ظهور و بروز در نیمه دوم دهه هفتاد و در سال‌های پایانی دهه دوم انقلاب، البته همانگونه که ذکر شد خاستگاه این دو گفتمان ریشه در اندیشه‌هایی دارد به قدمت تاریخ و به خصوص تاریخ انقلاب گرچه به ظاهر تفکر دوم خرداد با اختلافی بیش از پانزده سال به مخالفت با اندیشه سوم خرداد بر می‌خیزد و سعی در غالب نمودن گفتمان خویش می‌کند ولی این تفکر همزاد انقلاب بوده و در مواقع و نقاط مختلف سعی در اعلام حضور و وجود می‌نماید که مختصات آن در ادوار مختلف موجود می‌باشد اما از آن جا که موضوع این مقاله نیست و بیان آن خود مجال مفصل می‌طلبید به همین اندک بسنده می‌نمایم و با تمام اهمیت، بیان افراد، شاخصه‌ها و ارکان آن را به مقالی دیگر وا می‌نهمیم. در این یادداشت سعی نمودیم با تحلیلی گفتمانی به این دو تفکر بنگریم لذا پس از بررسی دال مرکزی این دو و بیان نقاط افتراق و سنجش زوایایی متفاوت اضلاع آنان در پنج حوزه دال‌های شناور را مورد کاوش قرار خواهیم داد.

دین، دال مرکزی:

نقطه کانونی و محل جدایش گفتمان دوم خرداد از گفتمان سوم خرداد، خدا باوری می‌باشد و تمامی و سایر امور از این رابطه نشأت می‌گیرد. دال مرکزی گفتمان سوم خرداد، خدا و دین خدا است، لذا سعی می‌کند تا در مسیر شریعت اسلام حرکت نماید، چه برنامه ریزی برای امور مهم و چه در سبک زندگی و حتی زمانی که پیروزی بزرگی در سوم خرداد بدست می‌آورد و می‌تواند خرمشهر را که دشمنی که تمام توان و برنامه خویش

را در این محل متمرکز نموده آزاد نماید و نقطه عطفی در طول جنگ باشد به شکلی که جنگ را می‌توان به بخش قبل و پس از آزاد سازی خرمشهر تقسیم نمود، هم چنان این مهم را از الطاف الهی می‌داند، لذا امام را حل به عنوان پیشوا و مدیر این گفتمان با بینشی عمیق و بصیرتی همه جانبه چنین تذکر می‌دهد: «هان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتش و سپاهی و بسیج و زاندارم‌ری و شهربانی و کمیته‌ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هوشیار باشید که پیروزی‌ها هر چند عظیم و حیرت‌انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند؛ که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه‌ی شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم تباهی می‌آورد.»

و اما در آن سوی میدان در آموزه‌ها و اندیشه دوم خرداد مملو و سرشار از نیروی گریز از دین می‌باشد، به عنوان مشتی نمونه‌ای از خروار به موارد ذیل توجه نمائید:

غلامرضا سالار بهزادی، روزنامه صبح امروز، ۷۸/۸/۲۳:

«تفکر شیعه‌گرمی موجب انحطاط مملکت ما و مانعی برای دموکراسی است.»

عبدالکریم سروش، صبح امروز، ۷۸/۶/۱۶: «در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است ولی متأسفانه، فقهای ما اطلاعات برون دینی ندارند، و متوجه این نکات نیستند.»

محسن کدیور، دانشگاه تهران، ۷۹: «امروز خدا در جامعه هیچ کاره است. اگر امروز خدا هم حرفی بزند که با عقل مردم منطبق نباشد نخواهند پذیرفت. امروز خدا در جامعه هیچ کاره است همه کاره مردم اند.»

و اگر چنانچه قصد ادامه بیان این نظرات بدون هیچ گونه توضیحی را داشته باشیم قطعاً این فضا باید چند ده برابری شود، ولیکن از آن جا که سه مؤلفه در تشکیل پارادایم گفتمان دوم خرداد با به تعبیری اصلاح طلبی نقش به سزای داشته به صورت گذرا به آنان اشاره ای می‌کنیم:

پلورالیسم دینی یکی از این ارکان بود که دستاویز این تفکر قرار گرفت جهت برداشت‌های کثرت‌گرایانه از شریعت به نمونه ذیل از زبان اصلی‌ترین نظریه پردازان آموزه دوم خرداد توجه فرمائید:

«...نزاع، عمقاً و نهایتاً بر سر دو مقوله‌ی مهم حقیقت و فهم حقیقت می‌رود... پلورالیست‌ها می‌گویند که یک حق نداریم، بلکه حق‌های بسیار داریم»، وی چنین ادامه می‌دهد: «اولین

کسی که بدر پلورالیسم را در جهان کاشت، خود خداوند بود که پیامبران مختلف را فرستاد. بر هر کدام ظهوری کرد و هر یک را در جامعه‌ای مبعوث و مأمور کرد و بر ذهن و زبان هر کدام تقسیری نهاد و چنین بود که کوره پلورالیسم گرم شد.» تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل!

ضلع دوم مؤلفه‌های این شالوده سکولاریسم به معنی ضدیت با دین است، گرچه در ادبیات مفهومی اصلاحات نقطه مشترک گریز از دین می‌باشد اما در محل فرود و تجمع هیچ فرودگاه ثابتی ندارند لذا این دکترین شامل مجموع پراکنده‌ای از خروجیات می‌باشند با رفتار و آداب متفاوت و بی دلیل نیست که آنان را تجدید نظرطلب خوانده‌اند، به موارد ذیل در خصوص دیدگاه بزرگان این مکتب توجه فرمائید:

«سکولاریسم، منظور منحصر کردن توجه به عالم زمانیات یا عالم ماده است، پس سکولاریسم، یعنی همان عالم ماده گرایی و معطوف کردن توجه از عوامل دیگر (به فرض وجود) به این عالم و چشم برگرفتن از آن عوامل... سکولاریسم ضد مذهب نیست، ولی این سخن باید درست فهمیده شود. ضد مذهب نیست، اما بدتر از مذهب است، برای اینکه رقیب و جانشین مذهب است و جای آن را درست پر می‌کند.»

شبهستری یکی دیگر از تئورسین‌های این گفتمان در این خصوص چنین بیان می‌کند:

«دین، نظام حکومتی ندارد و حکومت کردن دین، ایمان دینی مردم را پزمرده می‌کند. اسلام در طول تاریخ خود نشان داده است که نظام حکومتی ندارد و اصلاً چنین چیزی معقول نیست.»

ضلع سوم این پارادایم به تبعیت از غرب و جنبش اصلاحات دینی و اعتراضی در مسیحیت، پروتستانتیسم اسلامی بود که اینان سعی نمودند با تقلید کاریکاتوری و فارغ از ماهیت و شباهت اسلام با مسیحیت کلیسایی پیش از دگرذیسی رنسانس آن را در ایران اسلامی عملیاتی نمایند، به عنوان نمونه به هتاک‌های آغاچری در همدان توجه نمائید:

«تمام آموزه‌های دینی که در دستگاه رسمی و سنتی مذهب ارائه می‌کرد، آموزه‌های گرد گرفته، سیاه و عتیقه است که باید نقادی می‌شد و به دور ریخته می‌شد.»

قابل بیان و توجه است که در گفتمان اصلاحات سعی نمودند پازل خود را با تساهل و تسامح و بیان تجربی از شریعت تکمیل نمایند که از بیان جزئیات و توضیحات و مصادیق آن به دلیل

کثرت گذر می‌نمائیم. در پایان ضمن توجه به فاصله فراوان دال مرکزی این دو گفتمان در دین‌گرایی و دین‌گریزی، لازم به ذکر می‌دانم، بسیاری از این مطالب در مخالفت و تفسیر دین پیش‌تر توسط نوآندیشان و روشنفکران‌های عرب با تقلید از غرب بیان شده بود و کسانی که داعیه این تفکر را در ایران داشتند (و یکی از ادعاهای همیشگی آنان رعایت حق بود) حداقل انصاف را به خرج ندادند و رعایت حق مؤلف را نمودند. پیش از ورود به بررسی و مقایسه دال‌های شناور این دو مکتب اشاره‌ای دوباره به بعضی بیانات بزرگان و پیشقراولان گفتمان دوم خرداد را در خصوص دین‌مبین اسلام خالی از لطف نمی‌بینم:

ح.م. تبریزی: «صحت قصه حضرت یوسف در قرآن کریم از محالات است» (روزنامه صبح امروز، خرداد ۷۸).

اکبر گنجی در مصاحبه روزنامه تاگس ایشپیگل آلمان: «دین یک قسمت از فرهنگ است، حرکت اصلاح طلبان ما عاقبت به جدایی دین از سیاست خواهد انجامید» (کیهان ۱/۲۴/۷۹). غلامرضا سالار پهن‌زادی، روزنامه صبح امروز، ۲۳/۸/۷۸: «تفکر شیعه‌گرای موجب انحطاط مملکت ما و مانعی برای دموکراسی است».

ابراهیم اصغرزاده: «علیه خدا هم میتوان تظاهرات کرد. اگر مجوز راهپیمایی به هر گروه بر اساس قانون داده شود اشکال ندارد حتی علیه خدا». (آفتاب امروز ۷۸/۶/۳)

اصلاحات:

اولین دال شناوری که در این حوزه مورد کنکاش قرار می‌دهیم (هرچند به صورت موجز) اصلاح طلبی و اصلاح‌گرایی است. در تمام تعاریفی که اصلاحات (Reformism) شده، نقطه هدف آن را شیوه‌ها، روش‌ها، تاکتیک‌ها و یا در صورت لزوم راهبردهای می‌دانند و اگر چنانچه اصلاحات در اصول، ارکان و بنیادها صورت پذیرد، تعریف و نام آن تغییر می‌نماید و به طبع برنامه و رسالت‌اش نیز متحول می‌شود که تعبیر انقلاب برای آن به ثواب نزدیک‌تر است. در گفتمان سوم خرداد یکی از مواردی که همیشه مورد توجه بود اصلاح روش بود. شهید بزرگوار حسن باقری در همان اوایل جنگ از لزوم تغییر استراتژی‌ها نام می‌برد و با همین تغییر شیوه عملیات از کلاسیک به چریکی و شناور بسیاری از عملیات‌ها مانند فتح المبین و طریق القدس و... به نتیجه می‌رسد و همین اصلاح طلبی و تغییر زمین بازی از زمین به رو درخانه‌ها رونق داد که دشمن را غافل‌گیر کرد. محلی که هیچ‌کس فکر ورود نیرو از آن جا را نمی‌نمود، مصادیق این اصلاحات در گفتمان سوم خرداد بسیار فراوان است که بیان آن از حوصله این مقال خارج است اما به عنوان نمونه باید ذکر کرد پیروزی عملیات‌های خارق‌العاده و شگفت‌انگیزی مانند والفجر ۸ و کربلای ۵ و... حاصل همین انعطاف‌پذیری بود. اما در گفتمان دوم خرداد، آنچه مد نظر بود اصلاح اصول و پایه‌های مهم انقلاب و نظام بود (البته به شکلی ناشیانه و سراسیمه)، به موارد ذیل توجه فرمائید:

محسن کدیور: «معضومین فقط در کلیات و اصول اسوه‌اند نه

در جزئیات و فروع» (ماهنامه کیان بهمن ۷۷).

«یک بخش از حاکمیت دوگانه کشور که غیر دموکراتیک است و مبتنی بر آرای مردم نیست، به شدت مشروعیت خود را از دست داده است. به عبارت دیگر، نهادهای قدرت خارج از سلطه اصلاح‌طلبان دچار بحران مشروعیت شده‌اند» (احمد زیدآبادی، هفته‌نامه پیام‌ها، ۲ اسفند ۷۸، شماره ۶۰ ص ۲۰).

«انتخابات دوم خرداد، خبرگان رهبری و شوراهای مشروعیت سیاسی ولی فقیه را زیر سؤال برده است» (عمادالدین باقی، روزنامه نشاط، اردیبهشت ۷۸).

مقاومت:

یکی از اصولی‌ترین مبانی گفتمان سوم خرداد مقاومت است، سراسر تاریخ این آموزه سرشار از لحظات سخت و بحرانی است که نیروهای خداجو و حق‌طلب آن‌ها با اثار جان، مال و آبروی خود (به تأسی از بی‌عبدالله (ع) که همه چیز خود را در این راه فدا نمود) انقلاب، نظام و سرزمین‌های کشور را از گزند دشمنان و اهریمنان حفظ نمودند. از لحظات سخت و طاقت‌فرسا زیر باران خمپاره‌ها تا شکنجه‌گاه‌های استخبارات حزب بعث از تنفس در فضای شیمیایی تا اتمسفر آلوده سیاست زده شهرها اما در گفتمان دوم خرداد با کوچکترین خطری و حتی تهدید به خطر شاهد، عقب‌نشینی و یا پس‌کشیدن از آرمان‌ها هستیم. از فشار بین‌المللی در مسئله هسته‌ای تا هشت سال دفاع مقدس. جالب آنکه مدعیان دوم خرداد نه تنها در جبهه‌ها حق علیه باطل حضور نداشتند (یا حضور نمایشی داشتند) بلکه بیشتر فشارهای وارده از سوی جبهه استکبار به مردمی وارد شد که تا آخرین قطره خون به پای انقلاب و آرمان‌های آن ایستادند همان‌گونه که نشینان، مستضعفین و پابرهنگان که امام خمینی (ره) آنان را صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمتان آن خواند کسانی که بیشترین شهدا را تقدیم نهال انقلاب نمودند.

قانون:

گفتمان سوم خرداد خود را همیشه پای‌بند به قانون می‌دانسته و هیچگاه از آن سرپیچی ننموده نه تنها قوانین کشور و شریعت بلکه قوانین بین‌المللی و حتی قوانین نانوشته مردانگی و مروت که باید سراغ آن‌ها را از خلبانان غیور ارتش گرفت که جان خود را به خطر انداختند ولی حاضر به کشته شدن بی‌گناهان نشدند یا هنگامی که می‌توانستند و همه انتظار داشتند طبق قواعد جنگی پاسخ موشک شیمیایی را با مقابله به مثل بدهند از این کار پرهیز کردند. البته در این راه اگر مدعیانی داشته باشند که به صورت بدلی و قلابی لباس حقیقت به تن کنند دیر یا زود دستشان بر همگان رو می‌شود اما در گفتمان دوم خرداد با ادعای قانون‌آمدند ولی با این ادعا نماند و دست به هر قانون‌گریزی و ساختار شکنی که می‌توانستند زدند. از ارائه لوایح مخالف قانون اساسی تا فساد مالی و اداری و حتی اخلاقی از تحصن تا ادعای تقلب و...

و جالب آنکه در این راه از بیان نظرات خویش و زیر سؤال بردن قانون اساسی که خود را متعهد به اجرائی آن می‌دانستند نیز هیچ ابایی نیز نداشتند، به موارد ذیل توجه نمائید:

«قانون اساسی ما پشتوانه علمی ندارد، زیرا تدوین‌کنندگان آن با حقوق اساسی آشنایی نداشتند» (حسن سیف‌زاده، هفته‌نامه آبان، مرداد ۷۷).

محسن حکیمی: «قانون اساسی در مسأله مشروعیت نظام و آزادی، دچار تناقض درونی است» (ماهنامه فرهنگ و توسعه، اسفند ۷۷)

مردم:

چهارمین نقطه افتراق این دو گفتمان مردم‌مندی است. مردم‌تنها در گفتمان سوم خرداد نقش محوری دارد بلکه مردم به وجود آورنده و عامل حیاتی این گفتمان هستند مردم بودند که انقلاب کردند و مردم بودند که هشت سال جنگ‌نا برابر را با پیروزی گذراندند و مردم قلب‌تپنده تمام پیروزی‌ها و فتوحات این چهار دهه نظام هستند البته با زعامت ولی فقیه که رهبری و مدیریت آن در این ادوار با دو فرزانة استثنایی بود. ولیکن در گفتمان دوم خرداد همیشه سخن از مردم، دموکراسی، رأی، حق و سخن آنان بوده ولی به محض روی گردانی مردم از آنان به دلیل خلیف‌عده‌ها و شناخت مردم از ماهیت و سرشت حقیقی آنان به بی‌رحمانه‌ترین و بی‌ادبانه‌ترین شکل ممکن آحاد جامعه و ملت را مورد نوازش و خطاب قرار دادند و حاضر به پذیرش نظر آنان نگشتند و به راحتی در یک برنامه‌ای از پیش تعیین شده بر کوس قلب گویندند. جالب آنکه وقتی شعارهای تو خالی آنان در اقتصاد رنگ باخت، به کل منکر فعالیت اقتصادی و معیشتی برای مردم شدند و ادعای توسعه سیاسی را برجسته نمودند و صف کشیدند اجباری مردم برای خرید یا دریافت مایحتاج خویش را بارها مورد تمسخر قرار دادند (رجب مزروعی؛ مردم حتی برای دریافت مرگ موش هم صف می‌کشند). جالب‌تر آنکه در این گفتمان توهین به شهرستانی‌ها و جنوب‌شهری‌ها و ارزش‌گذاری به رأی شمال شهر تهرانی امری عادی است.

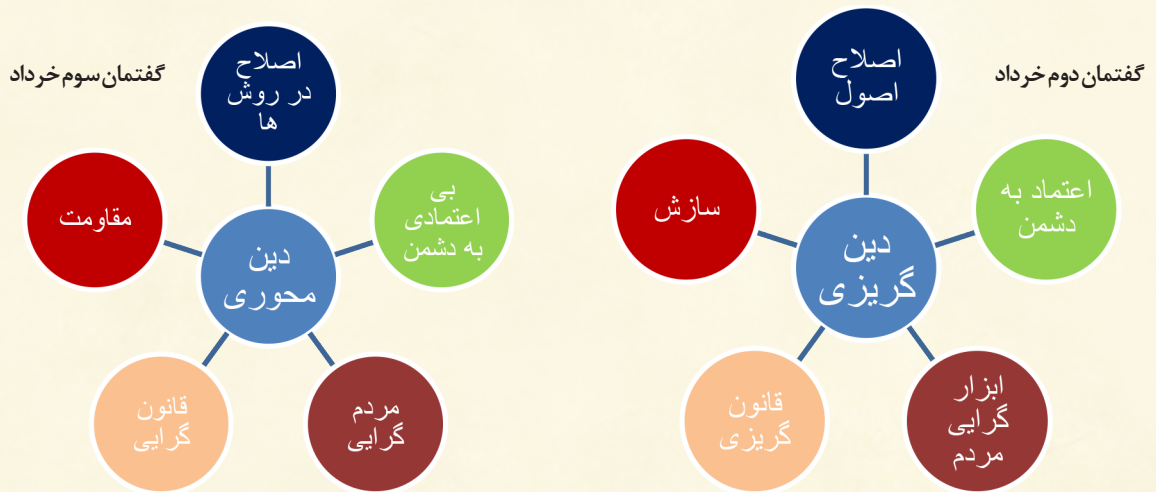
دشمن‌شناسی:

پنجمین و آخرین دال شناوری که در این مقاله مورد کاوش قرار می‌دهیم، ارتباط این گفتمان با دشمن است. دشمن و دسیسه‌های آن همیشه مورد توجه گفتمان سوم خرداد بود تاریخ هیچ‌گاه شاهد نبوده که این تفکر و آموزه به دشمنان به خصوص مستکبرین و کسانی که در سابقه سیاه خود سال‌ها استعمارگری، خون‌ریزی و وحشی‌گری بوده باشد، خوش بین گردد و اعتماد نماید. طبق آموزه‌های قرآنی (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بِبَنِيهِمْ - فتح ۲۹) و روایات معصومین (حضرت رسول (ص): دل‌های مردم با این تمایل فطری آفریده شده است که بدکنندگان به خویش را دشمن دارند، تحفل العقول ص ۳۷) و رهنمودهای زعیمان انقلاب این گفتمان هیچ‌گاه با دشمن قدار و خونخواه خویش سرسازش نداشته و نخواهد داشت زیرا آنان این چنین هستند و به فرموده امام‌راحل تا ما

دست از اسلام برداریم آنان دست از سر ما بر نمی دارند. اما در گفت‌وگو دوم خرداد درست نقطه مقابل این تفکر جاری و ساری است و درست در زمانی که تورسین ها و استراتژیست من های آنان در حال طراحی و اجراء جنگ تمدن ها بودن آنان سخن از گفتگوی تمدن ها می زدند و خوش بینانه دل به دشمن داده بودند (البته خیل عظیم ارتباطات پنهانی و پناهندگی آنان به دامن دشمن نشان دار انقلاب و اسلام، نشان از آن دارد بسیاری از این افراد از سال ها قبل مهره حریف بودند) و در

این راه چنان پیش رفتند که از دست خبیث ترین و منفورترین افراد روی زمین (شیمون پرز و نتانیاهو) مدال، بزرگترین سرمایه و سر باران اسرائیل را دریافت نمودند و دریغ از تنها و تنها یک اعلام موضع و پاسخ در برابر این گستاخی. در پایان ضمن اینکه باید پذیرفت گفت‌وگو دوم خرداد یادگفت‌وگو سوم خرداد است (حقیقتی که خود اصلاح طلبان نیز با آن مخالفتی ندارند) توجه به خاطرات «ران کراکر» مسئول مذاکره کننده آمریکایی در زمان اصلاحات می تواند چراغ راهی باشد

برای شناخت عمق اختلاف این دو گفت‌وگو، وی در خصوص علاقه طرف ایرانی برای حمله آمریکا به افغانستان چنین می نویسد: «من وقتی آنقدر اشتیاق می دیدم، تا پاسی از شب، درباره موضوعات مختلف صحبت می کردیم. برای من خیلی باعث تعجب بود که تیم ایرانی این همه اشتیاق داشت که شیطان بزرگ در کنار مرزهایشان حضور پیدا کند!»





گفت و گوی ۵۷ با استاد سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری

اندیشه مطهر «ایدئولوژی ساز» است

اگر مطهری زنده بود با آفت های امروز انقلاب مبارزه می کرد

یکی از موضوعاتی که با ورود به فضای دانشگاه، فکر فعالین دانشجویی را به خود مشغول می کند برگزاری سیرهای مطالعاتی و در راس آن سیر مطالعه آثار شهید مطهری است. برای تبیین اهمیت مطالعه آثار این استاد - که به تاکید امام راحل (ره) همه آثارش بی استثناء خوب است - با یکی از اساتید مبرز حوزه و دانشگاه و کارشناس در این موضوع گفت و گویی داشتیم. حجت الاسلام و المسلمین صلواتی زاده سال های متمادی است که در کسوت استادی دوره های سیر مطالعاتی آشنایی با اندیشه های شهید مطهری در دانشگاه های گوناگون و حوزه های علمیه سراسر کشور مشغول به تدریس و فعالیت هستند. حاج آقا صلواتی زاده علاوه بر مسئولیت دفتر مرکزی طرح مطالعاتی کتب شهید مطهری در حوزه های علمیه کشور و عضویت در شورای آموزش بنیاد فرهنگی شهید مطهری صاحب کتب و مقالات زیادی در موضوعات گوناگون دینی هستند.

ایشان را انتخاب کنیم تا بچه های دانشجو برای شرکت در مسابقه ظرف مدت یک یا دو ماه به مطالعه این کتاب بپردازند. راه دومی که به صورت عمیق تر انجام می شود و ما نیز در شانزده دانشگاه این برنامه را اجرا کردیم عبارت است از اینکه در ایام تعطیلات، مثلا در بین دو ترم تحصیلی، یک دوره چهار- پنج روزه آشنایی با آثار شهید مطهری برگزار می شود و با برگزاری کلاس به وسیله اساتید، سه یا چهار کتاب از ایشان تدریس می شود. تدریس به صورت صبح تا ظهر انجام می شود و بعد از ظهر نیز مروری بر مطالعات صبح انجام می پذیرد و دانشجو به مرور مطالب صبح پرداخته و رفع و اشکال صورت می گیرد و خلاصه ای از کتاب برای بچه ها ارائه می شود.

سطح آشنایی بچه های شرکت کننده در دوره هایی که معمولا با موضوع مطهری خوانی برگزار می شود، با افکار و اندیشه های شهید مطهری چگونه بوده است؟

تالیفات ایشان متناسب با شرایط روز ما هم می باشد.

با توجه به این که شما در دانشگاه های مختلف کشور سیر مطالعاتی برگزار می کنید، نظر تان در مورد اهمیت مطهری خوانی در دانشگاه ها چیست؟ چگونه می توان برای بچه هایی که انگیزه ای برای کتاب خواندن ندارند، چه راه هایی برای تشویق به مطالعه این آثار وجود دارد؟

بعد از شهادت استاد مطهری در دهه های شصت و هفتاد، تنها به تحلیل از شخصیت ایشان پرداخته می شد و کمتر کارهایی مثل سیر مطالعاتی آثار ایشان انجام می شد. از دهه هشتاد توجه جدی به مطالعه هدفمند آثار شهید مطهری در حوزه و دانشگاه آغاز شده است. دو کار مهمی که در این رابطه می توان انجام داد. مورد اولی که می توان برای تشویق به مطالعه آثار ایشان انجام داد برگزاری مسابقات کتابخوانی با محوریت کتاب های این استاد است. به طور مثال می توانیم کتاب سیره نبوی

برای سوال اول بفرمایید ضرورت مطالعه آثار شهید مطهری چیست؟

اندیشه های شهید مطهری در درجه اول مورد تایید علما و کارشناسان است. امام راحل، مقام معظم رهبری و همه مراجعی که در قید حیات هستند صحت و سلامتی آثار شهید مطهری را تایید می کردند و می کنند. نکته بعدی این است که شهید مطهری در آثار خود از علوم گوناگونی از مسائل دین صحبت کرده اند. در مسائل حقوقی، فلسفی، اخلاقی، تاریخ اسلام و سایر مسائل دینی ایشان تالیفاتی دارند. با مطالعه یک دور از آثار شهید مطهری، می توان با علوم گوناگون اسلامی آشنا شد. این از ویژگی های آثار این استاد شهید است. نکته بعدی این است که ما برای شناخت صحیح دین اسلام، لاجرم باید به مطالعه کتاب های دینی بپردازیم. مستند بودن و مستدل بودن آثار ایشان دلیلی است بر این ادعا که از بهترین کتاب ها برای شناخت دین، آثار شهید مطهری محسوب می شود. کتاب های شهید مطهری متناسب با زمان خود و حتی بخش زیادی از

بسیاری از بچه‌هایی که در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند، افرادی بودند که با ایشان آشنا نبودند یا حداقل با یک وجه فلسفی از ایشان آشنایی داشتند. گمان نمی‌کردند ایشان دارای آثاری در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی بوده باشند. فکر نمی‌کردند ایشان اینقدر محکم، مستند، مستدل و روان مطالب را بیان کرده باشند. در همین دوره‌های اخیر که در دانشگاه جندی شاپور در تعطیلی میان دو ترم برگزار شده بود و بنده نیز تدریس کتاب «جاذبه و دافعه» را بر عهده داشتم، بعد از سه ساعت که این کتاب را تدریس کردم با اشتیاق فراوان بچه‌ها مواجه شدم و بسیار مایل شدند که این بحث‌ها ادامه پیدا کند. حتی ما کتاب «آینده انقلاب اسلامی» را نیز برای این عزیزان تدریس کردیم.

۱۵ برای مطالعه آثار شهید مطهری داشتن استاد را پیشنهاد می‌کنید یا به صورت انفرادی هم می‌توان به مطالعه پرداخت؟

حدود هفتاد درصد از کتاب‌های شهید مطهری که غالباً آثار عمومی ایشان هستند بدون استاد نیز قابل مطالعه است. اما اگر همین کتاب‌های عمومی نیز به دو دلیل بهتر است با استاد مطالعه شود. دلیل اول این است که انجام مطالعه با استاد، در بچه‌ها ایجاد انگیزه می‌کند. دلیل دوم هم این است که در این روش می‌توان به شبهات و سوالات احتمالی بچه‌ها به صورتی مناسب‌تر پاسخ داد.

۱۶ فواید آشنایی با اندیشه‌های شهید مطهری و مطالعه آثار ایشان در شرایط کنونی را در چه می‌دانید؟ آیا با مطالعه این آثار می‌توان به سوالات و شبهات خاص زمان پاسخ داد؟

اولین فایده‌ای که مطالعه آثار شهید مطهری در پی دارد، شکل‌گیری نظام فکری ما است. به این معنا که چارچوب فکری ما شکل می‌گیرد. بعد از اینکه چارچوب فکری ما شکل گرفت، بسیاری از شبهاتی که در حوزه مسائل دینی به صورت واضحی دفع می‌شود. حتی ممکن است سوال‌ها و شبهات جدیدی پیش بیاید اما به این دلیل که در ذهن ما آن چارچوب دینی، اعتقادی، ایدئولوژی و جهان‌بینی به صورت صحیح شکل گرفته است، به راحتی می‌توانیم شبهات را پاسخ دهیم. ممکن است بعضی از شبهات جدید باشند، منتهی با توجه به آن ذخایر دانشی که با آثار ایشان دریافت شد می‌توان به بسیاری از این سوالات پاسخ مناسب داد. البته آثار شهید مطهری را تنها برای پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات نباید مطالعه کرد. بله، مقداری از آثار شهید مطهری، مربوط به دانش ایشان است و با مطالعه به ما منتقل می‌شود و چارچوب فکری ما را درست می‌نماید. دوم اینکه ما با مطالعه این آثار علاوه بر اینکه از دانش وسیع و واقف ایشان بهره می‌بریم، از روش ایشان نیز استفاده می‌کنیم. اینکه در مواجهه با شبهات و سوالات چه نوع برخوردی داشتند. برخورد سلبی داشتند یا برخورد استدلالی و برهانی داشتند؟ چگونه سوال را تحلیل می‌کردند و به شبهات پاسخ می‌دادند. مورد سوم بینش شهید مطهری است. نگاه عمیق شهید مطهری به مسائل دین چه نگاهی بوده است؟ ایشان معتقد بودند که تمام دین منظومه‌ای است. به عبارت دیگر

مباحث تاریخی، اعتقادی، حقوقی و... به صورت جدا از هم جزیره‌ای نیستند. بلکه همه این‌ها منظومه‌ای را شکل می‌دهند. بعد بینیم بینش شهید مطهری در قبال این مسائل دینی در بحث جهان‌بینی و ایدئولوژی چگونه بوده است.

۱۷ با توجه به اینکه مقام معظم رهبری از لزوم بیان تالیف اندیشه‌های نو سخن گفته‌اند، ارزیابی شما درباره توقف در اندیشه‌های شهید مطهری چیست؟

وقتی می‌گوییم می‌بایست آثار جدیدی در حوزه مسائل دینی به وجود بیاید. منظور ما این است که از میان مسائل گوناگون دینی، مسائل جدیدی هم به وجود می‌آیند که باید با استفاده از دین مسائل جدید را استخراج نمود. آن هم با روش‌هایی که متناسب با شرایط امروز هستند. مقداری اندیشه‌های نو آمده است. کارهای تحقیقی، علمی و پژوهشی انجام شده است. در مورد آثار شهید مطهری باید دو نکته را مد نظر قرار داد. اول اینکه انحرافی در آثار ایشان نیست. مورد دوم اینکه ما اعتقاد نداریم که ایشان همه مطالبی را که تا روز قیامت نیاز داریم در آثار خود آورده‌اند. بخشی از مطالب معارف اعتقادی، حقوقی را ایشان مطرح کرده است. رهبری از علما می‌خواهند تا این مسیر را ادامه بدهند. یعنی تا جایی که ایشان مسیر را آمده، درست بوده است و حال سایر افراد باید این مسیر را دنبال کنند. از این بابت هیچ تعارضی میان اندیشه‌های جدید و اندیشه‌های شهید مطهری نیست. اندیشه‌های شهید مطهری بسیار نوآورانه بوده است. هنوز هست در مورد تعدادی از اندیشه‌های ایشان، آثار دیگری نوشته نشده است. مثل کتاب «مسئله حجاب». تأثیر گذارترین کتاب است. در این موضوع من کتاب بهتری نمی‌شناسم. در بحث عدل الهی ایشان از نگاهی فلسفی به موضوع پرداختند. کار نوآورانه‌ای بوده است. هر کس از عدل صحبت کرده یا از نگاه کلامی به آن پرداخته یا از نگاه اعتقادی احساس مسئولیتی که استاد مطهری نسبت به جامعه اسلامی به صورت عام داشته‌اند. شناخت نیازهای جامعه خود و اهتمام بر حل مشکلات و گره‌های جامعه. ارتباطی که با نسل جوان داشت. موجب شد تا ایشان به چنین جایگاهی برسند. البته ایشان بهره‌مند از استعدادی فوق‌العاده بودند.

۱۸ به نظر شما اگر شهید مطهری در قید حیات بودند چه کارهای مهمی انجام می‌دادند؟

قطعاً اگر ایشان در قید حیات بودند تحول بزرگی در علوم حوزوی و دانشگاهی ما می‌توانستند به وجود بیاورند. به نظر می‌آید یکی از بزرگترین کارهایی که ایشان می‌توانستند انجام دهند ایجاد یک ارتباط تنگاتنگ میان حوزه و دانشگاه بود. به عبارتی حوزه و دانشگاه را در جهت رشد و تعالی دنیا و آخرت مردم با یکدیگر همسو کنند. نظام‌سازی در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از دیگر کارهای احتمالی ایشان محسوب می‌شود. البته بخشی از این نظام‌سازی‌ها صورت پذیرفته است. ولی شهید مطهری می‌توانست به این روند شدت بیشتری ببخشد و نظم بهتری به وجود می‌آورد.

اولین فایده‌ای که مطالعه آثار شهید مطهری در پی دارد، شکل‌گیری نظام فکری ما است. به این معنا که چارچوب فکری ما شکل می‌گیرد. بعد از اینکه چارچوب فکری ما شکل گرفت، بسیاری از شبهاتی که در حوزه مسائل دینی به صورت واضحی دفع می‌شود. حتی ممکن است سوال‌ها و شبهات جدیدی پیش بیاید اما به این دلیل که در ذهن ما آن چارچوب دینی، اعتقادی، ایدئولوژی و جهان‌بینی به صورت صحیح شکل گرفته است، به راحتی می‌توانیم شبهات را پاسخ دهیم.

پیشنهاد شما به تشکل‌های دانشجویی برای هر چه بیش‌تر تسری دادن به اندیشه‌های شهید مطهری در سطح دانشگاه‌ها چیست؟

تشکل‌ها باید موضوعات جدیدی را که در جامعه و در میان دانشجویان مطرح می‌شود، شبهات و سوال‌های آن‌ها را استخراج کرده و با توجه به آثار این شهید بزرگوار به آن‌ها پاسخ دهند. به عنوان نمونه مقام معظم رهبری فرمودند که ما باید انقلابی بمانیم. ما انقلابی هستیم زیرا انقلاب کرده‌ایم. باید مراقب باشیم تا از این حالت خارج نشویم. یعنی معلوم می‌شود آفت‌هایی وجود دارد که اگر به آن‌ها دچار شویم دیگر انقلابی محسوب نمی‌شویم. حال می‌خواهیم این موضوع را بررسی کنیم. اگر به کتاب «تهیضت‌های صد سال اخیر» شهید مطهری رجوع کنیم. مشاهده می‌کنیم که ایشان شش یا هفت مورد از آفت‌های انقلاب را مطرح می‌کنند. بسیاری از مسائل روز را می‌توان به همین صورت پاسخ داد. بحث هرمنوتیک و پلورالیسم دینی در کتاب‌های ایشان به زیبایی مطرح شده است. بحث تجربه نبوی که آقای سروش مطرح کرد در کتاب خاتمیت شهید مطهری پاسخ داده شده است. بنابراین اگر تلاش کنیم اندیشه‌های ایشان علاوه بر روش کتابخوانی به صورت موضوعی نیز در دانشگاه‌ها مورد تأکید قرار گیرد، می‌تواند بسیار راهگشا باشد. ■



اقتصاد مقاومتی اصطلاحی است که نخستین بار از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارفرمایان کشور مطرح شد. رهبری در دیدارهای مختلف بر این مفهوم تأکید نموده و رهنمودهایی را در جهت تحقق این مهم ارائه نموده اند. از این رو در این نوشته سعی شده است این مفهوم، ویژگیها و شرایط تحقق آن در فرمایشات مقام معظم رهبری تبیین شود.

تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در برابر انواع مختلف فشار، شوک، تهدید و ... که بر اقتصاد کشور وارد می شود؛ توانایی مقابله دارد. چنین اقتصادی علاوه بر تعامل پویا و سازنده با دنیای خارج، می بایست از تمامی ظرفیت ها و توانمندی های داخل کشور بهره بگیرد.

تعاریف رهبری از اقتصاد مقاومتی

رهبر معظم انقلاب اقتصاد مقاومتی را اینگونه تعریف می کند: «اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن ۱»

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.»

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشه و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا نکند.»

«اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، به معنای در لاک خود رفتن نیست؛ یک معنای کاملاً معقول تر و عمیق تری دارد که قابل فهم و قابل دفاع است؛ و علاج هم همین است؛ ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به وجود بیاوریم که در مقابل بحرانها و جزومدهای بین المللی مقاوم باشد، آسیب نبیند؛ این لازم است.»

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات و تکانه های جهانی، با سیاستهای آمریکا و غیر آمریکا زیور و نمی شود؛ اقتصادی است متکی به مردم.»

«اقتصاد مقاومتی یعنی مقاومت سازی، محکم سازی پایه های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می کند.»

«اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوانها،

به فعالیت ذهنها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. معنای اقتصاد مقاومتی این است که ما نگاه کنیم، ظرفیتهای بی پایانی را که در داخل هست جستجو کنیم، شناسایی کنیم، با برنامه ریزی درست و صحیح این ظرفیتهای را فعال کنیم، این استعدادها به کار گرفته بشوند.»

«اقتصاد مقاومتی یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که تکانه های جهانی در آن اثر نگذارد.»

اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور، یک اقتصاد درون زا متناسب با ظرفیت ها و امکانات کشور و مردم بنیاد و دانش بنیان می باشد. به عبارت دیگر این اقتصاد مردمی است و دولت مسئولیت برنامه ریزی، هدایت و نظارت را برعهده دارد. و از طرف دیگر از پیشرفت های علمی بهره می گیرد. در این اقتصاد عدالت محور قرار می گیرد و توجه به این نوع اقتصاد بهترین راه حل مشکلات اقتصادی می باشد.»

ویژگی های مدنظر رهبری

رهبر معظم انقلاب برای اقتصاد مقاومتی مؤلفه ها و ویژگی هایی را مدنظر قرار دادند که ذیلاً به آنها اشاره می شود: ۱۰

ویژگی اول؛ ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصهای کلان (از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره وری، رفاه عمومی) است. در این میان شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. در واقع بهره گیری طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی جز مؤلفه های مدنظر رهبری برای اقتصاد مقاومتی می باشد.

ویژگی دوم؛ توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا می باشد. کشور می بایست در برابر عوامل تهدیدزایی (بلاهای طبیعی و تکانه های تخصصی مانند تحریم ها و امثال تحریم) توانمند شود.

ویژگی سوم؛ تکیه بر ظرفیتهای داخلی است. تمرکز بر روی امکانات داخلی و داشته های درونی کشور می باشد.

ویژگی چهارم؛ رویکرد جهادی است که رهبری در سیاست های اقتصاد مقاومتی آن را مطرح کرده اند. ایشان در این رابطه می فرمایند: «همت جهادی، مدیریت جهادی، با حرکت عادی نمی شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب آلوده و بی حساسیت نمی شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد.»

مردم محوری ویژگی پنجم اقتصاد مقاومتی می باشد.

خودکفائی و امنیت اقلام (غذا و دارو) به عنوان ویژگی ششم راهبردی و اساسی است.

کاهش وابستگی به نفت به عنوان ویژگی هفتم از سوی رهبری مطرح شده است. ایشان بیان می کنند: «یکی از سخت ترین آسیب های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول دهها سال مایه فروریختگی های اقتصادی و فروریختگی های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید ما یک فکر اساسی بکنیم. ما نمی گوئیم از نفت استفاده نشود، [بلکه] تکیه ما بر استفاده حداقلی از فروش نفت خام است؛ نفت را می توان به صورت فرآورده در اختیار گذاشت.»

ویژگی هشتم اقتصاد مقاومتی اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف است.

فسادستیزی و فراهم کردن امنیت در صحنه اقتصادی یکی دیگر از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی است.

مسئله دانش محوری ویژگی دهم اقتصاد مقاومتی است. اگر این مهم اتفاق بیفتد به فرموده مقام معظم رهبری چرخه علم تا ثروت به راه خواهد افتاد و امتداد پیدا خواهد کرد.

شرایط حصول به اقتصاد مقاومتی

برای اینکه اقتصاد مقاومتی محقق شود لازم است شرایط حصول به این مهم را فراهم کرد. ذیلاً به برخی از این شرایط که مورد تأکید مقام معظم رهبری است و می بایست مورد توجه قرار گیرد اشاره می شود:

یکی از شرایط لازم برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی مقاوم بودن اقتصاد است. در صورتی که اقتصاد کشور مقاوم باشد، توانایی مقابله با توطئه های دشمنان را خواهد داشت. از این رو حربه های دشمن کشور را با مشکل جدی روبه رو نمی کند.

اتکا به مردم و توانمندی های آنان از شرایط حصول به اقتصاد مقاومتی می باشد. در واقع باید به مردم تکیه کرد و سیاست های اصل ۴۴ با اهتمام و دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد.

دستگاه های دولتی، سیستم بانکی، قوه مقننه و ... می بایست شرایط را برای توانمندسازی بخش خصوصی فراهم نمایند. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی زمانی محقق می شود که از ظرفیت های مردمی، از افکار و اندیشه های صاحب نظران مختلف استفاده شود.

مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر باید مورد توجه آحاد مردم (دستگاه های دولتی، دستگاه های غیردولتی، خانواده ها و ...) قرار گیرد تا اقتصاد مقاومتی حاصل شود. وقتی مردم مصرف متعادلی داشته باشند؛ در شرایط فشار و تهدید توانایی مقابله با

تهدید زدایی از اقتصاد

چیستی اقتصاد مقاومتی در بیانات رهبر معظم انقلاب

در کشور به وجود می‌آید. اگر در اقتصاد داخلی تنبلی نباشد و همگان از توانمندی‌های خود استفاده نمایند و مسئولین به این توانمندی‌ها توجه نموده و از این توانمندی‌ها بهره‌گیرند، قطعاً بیگانگان ناامید شده و حربه‌های تکراری خود را علیه کشور به کار نمی‌گیرند.

حال که کشورهای غربی با تحریم و فشار سعی دارند حوزه‌های مختلف کشور را تحت تأثیر قرار دهند بهتر است شناسایی توانمندی‌های نیروی انسانی کشور که به عنوان سرمایه‌های ارزشمند برای کشور تلقی می‌شوند در اولویت قرار گیرد؛ چرا که سرمایه‌های سرگردان، دانشجویان متخصص، نیروهای کار فراوانی در کشور وجود دارد که اگر بخش اندکی از آن فعال شوند می‌تواند همه مشکلات اقتصادی کشور را حل کرده و کشور را در بعضی تولیدات در ریف بزرگترین صادرکنندگان قرار دهد. بی تردید شرط رسیدن به چنین جایگاهی این است که «ما می‌توانیم» جدی گرفته شود.

پاورقی

۱. بیانات رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش بنیان، ۸/۵/۱۳۹۱.
۲. بیانات رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱.
۳. بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱.
۴. بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۶/۶/۱۳۹۲.
۵. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۱۳۹۳.
۶. همان، ۱/۱/۱۳۹۳.
۷. بیانات رهبری در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲۳/۲/۱۳۹۳.
۸. بیانات رهبری در دیدار مردم آذربایجان، ۲۹/۱۱/۱۳۹۳.
۹. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری راجع به اقتصاد مقاومتی.
۱۰. مجموعه نکات این بخش (ویژگی‌های مدنظر رهبری) برگرفته از بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۲۰/۱۲/۱۳۹۲) می‌باشد.
۱۱. بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲.
۱۲. همان، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲.
۱۳. بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۲/۶/۱۳۹۱.
۱۴. بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۳/۵/۱۳۹۱.
۱۵. بیانات رهبری در دیدار مردم آذربایجان، ۲۸/۱۱/۱۳۹۲.
۱۶. بیانات رهبری در دیدار کارگران در گروه صنعتی مینا، ۱۰/۲/۱۳۹۳.



مشکلات را خواهند داشت.

در اقتصاد مقاومتی تولید داخل مهم قلمداد می‌شود. در واقع برای حصول به اقتصاد مقاومتی می‌بایست از تولید داخلی استفاده کنیم. مردم باید خود راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند و مصرف تولیدات داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارکهای خارجی ترجیح دهند. به عبارت دیگر «حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.»^{۱۳}

یکی از مهم‌ترین الزامات اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی به نفت می‌باشد. «این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم ما در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش بنیان از جمله کارهایی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند. همت ما بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.»^{۱۴}

«علاج مشکلات کشور پیمودن راه اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی تکیه به درون. چشم را ندوزیم به دست دیگران؛ ما تواناییم، ما ثروتمندیم، هم ثروت انسانی داریم - نیروی انسانی ما در دنیا کهنظیر است، اگر نگوئیم بی نظیر - [اهم] ثروتهای زیرزمینی؛ ثروتهای ما فوق العاده است. دنیا به ما احتیاج دارد؛ به قدری که دنیا به ما احتیاج دارد، ما به دنیا احتیاج نداریم.»^{۱۵}

نتیجه

اقتصاد مقاومتی در شرایط امروزی کشور که روزبه روز با تحریم‌های گسترده‌ای روبه‌رو می‌شود؛ اهمیت دو چندان یافته است. اقتصاد مقاومتی متکی به مردم است؛ به عبارت دیگر در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است؛ به فرموده مقام معظم رهبری ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است.^{۱۶} لذا توجه به توان و ظرفیت‌های داخلی و بهره‌گیری از نیروهای داخل در این اقتصاد و کاهش واردات مهم تلقی می‌شود.

وجود منابع ارزشمند طبیعی در هر کشوری موهبتی الهی محسوب می‌باشد. اما نوع استفاده از درآمدهای حاصل از

این منابع مهم محسوب می‌شود؛ به طوری که عدم استفاده صحیح از این منابع، می‌تواند این موهبت و نعمت الهی را به بلا تبدیل کند. درآمدهای حاصل از بهره‌گیری از نفت به صورت خام اثرات مخربی را بر اقتصاد هر کشوری وارد می‌کند. درحالی که با بهره‌گیری خردمندانه از این موهبت می‌توان نه تنها دچار این اثرات مخرب نشد؛ بلکه از دستاوردهای مثبت آن نیز بهره‌برد. قیمت بین‌المللی نفت بسیار متغیر است، لذا وقتی درجه وابستگی اقتصاد به دلارهای نفتی زیاد باشد، تغییر در قیمت نفت، بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی را در هر کشوری تشدید می‌کند.

کشور ما با توجه به منابع ارزشمند نفتی به شدت به نفت وابسته است؛ به عبارت دیگر اقتصاد کشور ما وابسته به نفت است. لذا کشورهای غربی بیشترین تحریم‌ها را در این حوزه قرار داده و با کاهش قیمت نفت سعی دارند اقتصاد کشور را به زانو درآورند. با این اوصاف تأکید مقام معظم رهبری بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اتکا به توان داخلی و بهره‌گیری از توانمندی و ظرفیت‌های بومی حکایت از این دارد که می‌بایست حوزه وابستگی اقتصاد کشور به نفت و درآمدهای حاصل از آن کاهش و در مقابل توجه به تولیدات داخل و نیرو و توان مردم افزایش یابد. باید به این نکته توجه نمود که کشور علاوه بر منابع طبیعی چون نفت و گاز از ظرفیت‌های مهم دیگری چون نیروی انسانی، موقعیت جغرافیایی، زیرساخت‌های نرم افزاری و سخت افزاری ارزشمندی برخوردار است و می‌بایست توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مختلف در این حوزه‌ها فعال شود.

با توجه به نیرو و توان داخلی و مبادرت به تولید در داخل کشور علاوه بر اینکه می‌توان به مردم و توان آنان اتکا نمود؛ همچنین می‌توان از وابستگی به نفت و درآمدهای حاصل از آن کاست. در این صورت است که تحریم، کاهش قیمت و یا هر حربه دیگری نمی‌تواند کوچکترین خللی در اقتصاد کشور وارد نماید.

سرمایه‌گذاری بر نیروهای متخصص و متعهد درون کشور، ارتقای بنیان‌های تولید، پرهیز از واردات بی‌رویه در جهت حمایت از تولیدات داخلی و ... می‌تواند جز راهکارهای مؤثر در جهت رسیدن به اقتصادی توانمند و پویا باشد. در واقع با تولید و فعال کردن ظرفیت‌های درونی کشور رونق اقتصادی

ایران را غربی کنیم

باید اصلاحات اقتصادی ایران را غربی کنیم

حسین صداقت

کارشناس ارشد مطالعات اقتصادی



ایده اقتصاد مقاومتی که توسط رهبر معظم انقلاب به عنوان یک گفتمان اقتصادی حاکم بر دولت و جمهوری اسلامی عنوان شد، توسط مراکز مطالعاتی غربی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و این راهبرد جمهوری اسلامی به عنوان یک خطر محتمل در پروژه مدرنیزاسیون ایران شناخته می شود. در تحلیل محتوای گزارش های مرتبط با اقتصاد مقاومتی نکات مهمی وجود دارد که در ادامه ضمن بازخوانی چند گزارش مرتبط، به اهم نکات اشاره می نمایم

اقتصاد مقاومتی، علاج درد اقتصاد ایران

اندیشکده مطالعات امنیت ملی اسرائیل در گزارشی به قلم دکتر موشه افرات از مسئولان سابق وزارت اطلاعات این رژیم و از پژوهشگران ارشد سابق دانشکده اقتصاد لندن می نویسد: «سیاست اقتصادی - راهبردی ایران از سند ۲۴ ماده‌ای «اقتصاد مقاومتی» برگرفته شده که در تابستان سال ۲۰۱۰ (به دنبال ممنوعیت صادرات بنزین به ایران) توسط [آیت‌الله] خامنه‌ای رهبر ایران ابلاغ شد. [آیت‌الله] خامنه‌ای و روحانی بارها بر تعهد خود در قبال اجرای این برنامه تأکید کرده‌اند. بنابراین، به گفته منابع نزدیک به جناح‌های سیاسی عمده (از جمله علی لاریجانی رئیس مجلس و یحیی آل اسحاق رئیس پیشین اتاق بازرگانی تهران) تحریم‌ها تنها عامل ۲۰ تا ۳۰ درصد از مشکلات اقتصادی ایران بوده‌اند و اکثر مشکلات اقتصادی کشور از سیاست‌های زیگزایی احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور سابق نشأت گرفته‌اند، اگرچه این اظهارات با برداشت‌های رایج در خارج از ایران در تضاد هستند. به همین خاطر، دولت روحانی اکنون تلاش می‌کند تا فرآیند بهبود اقتصادی را شتاب ببخشد و در عین حال «میراث» احمدی‌نژاد را کنار می‌زند. اینگونه به نظر می‌رسد که ایده اقتصاد مقاومتی پس از توافق نیز تداوم خواهد یافت تا بر اساس آن توسعه حوزه‌های مختلف اقتصاد (به جز نفت) اولویت‌بندی شود و این ایده همچنان در کانون سیاست اقتصادی - راهبردی دولت روحانی قرار خواهد گرفت.»

پروژه تهدیدات حیاتی اندیشکده امریکن انترپرایز در گزارشی راهبردی به قلم امیر توماج راهبرد اقتصاد مقاومتی را راه کاهش آسیب پذیری ایران از بحران‌های جهانی دانسته و

در این گزارش چنین می نویسد:

«حکومت ایران بحران اقتصادی کشور را در قالب یک مشکل امنیتی تعریف کرده و بدین طریق تلاش دارد در یک چارچوب امنیتی به راهکارهای اقتصادی دست یابد. [آیت‌الله] خامنه‌ای دکترین «اقتصاد مقاومتی» را پاسخ به تحریم‌ها در قالب «جنگ نرم» اعلام کرد و بدین ترتیب سیاست‌گذاری برای اقتصاد ایران را تحت‌الشعاع دکترین امنیت ملی قرار داد.

هدف از دکترین اقتصاد مقاومتی مقاوم ساختن اقتصاد ایران در برابر همه فشارهای اقتصادی بیرونی، از جمله تحریم‌های غرب و بحران‌های مالی جهانی، در بلندمدت است. طرح‌های اقتصادی ایران در حال حاضر هدفشان تقویت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه بخش انرژی و همچنین ایجاد «اقتصاد دانش» حول محور بخش فناوری اطلاعات کشور است. ایجاد فضای مورد نیاز برای رشد بخش خصوصی مستلزم اقدامات اساسی جهت گذار از اقتصاد دولتی است. اصلاح بازار مالی در داخل و ممانعت از ادغام این بازار در سیستم مالی بین‌المللی باعث می‌شود از میزان آسیب‌پذیری در برابر بحران‌های جهانی کاسته شود و در عین حال به شکل‌گیری یک سیستم جریان سرمایه خودکفا منجر می‌گردد. ایران در راستای تقویت روابط با چین و مسکو و مصون نگاه‌داشتن فعالیت‌های تجاری خویش در برابر فشار تحریم‌های غرب دست به اقداماتی زده است.»

اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا، با رصد مواضع رهبر انقلاب، هوشمندی رهبری در فاصله گرفتن از جنجال‌های هسته‌ای و تمرکز بر مسائل اقتصادی پس از توافق برجام را مدنظر قرار داده و می نویسد:

«[آیت‌الله] خامنه‌ای فوراً از توافق هسته‌ای فاصله گرفت و بر روی آنچه «اقتصاد مقاومتی» می‌نامد، متمرکز شد.

این گزارش سپس می‌افزاید که به نفع تمامی عوامل درگیر در پویایی‌های منطقه است تا ایران را ترغیب کنند که گزینه دیگری یعنی اجرای اصلاحات گسترده و هماهنگ مد نظر غرب را اختیار کند و سیاست اقتصادی مورد نیاز و اصلاحات ساختاری را اجرا کند

همانطوری که رهبر عالی ایران تبیین می‌کند، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که از صادرات نفتی فاصله گیرد، از صنایع داخلی در برابر رقابت‌های خارجی پاسداری کند، از تجارت به سود بازارهای محلی اجتناب ورزد و دارایی‌هایش را از بانک‌های بین‌المللی دور نگاه دارد. رهبر عالی ایران خاطر نشان کرد: چنانچه حکومت ایران به چنین اقتصادی روی آورد، «احتمالاً این کشور مصونیت پیدا خواهد کرد، طوری که دیگر نگران تحریم‌ها و احتمال اعمال آن‌ها نخواهد بود. اگر اقتصاد مقاوم شود، تحریم‌های دشمن تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر جای نخواهد گذاشت.»

این گزارش ادامه می‌دهد: «تجربه‌ای که [آیت‌الله] خامنه‌ای از مسئله هسته‌ای کسب کرده این است که وابستگی بیش از اندازه ایران به فروش نفت و نهادهای مالی بین‌المللی موجب آسیب‌پذیری این کشور در برابر فشار آمریکا شد. وی بر این باور است که ایران باید از غرب کناره‌گیری کند و از بازارهای جهانی دور بماند. تنها در آن صورت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ارزش‌های انقلابی‌اش را حفظ کند و در برابر ایالات متحده بایستد.»

اصلاحات غربی، بهترین راهکار

راهبرد غرب برای مقابله با این مسئله یعنی حفظ ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، نزدیک شدن به اقتصاد و اصلاحات مدنظر غرب است.

اندیشکده امریکایی «میدل‌ایست» به گزینه مقامات دولت ایران یعنی اجرای اصلاحات سیاسی نرم و خنثی مطلوب غرب اشاره می‌کند که در صورت اتخاذ این گزینه توسط مسئولان ایرانی، پیشنهاد می‌دهد که سهامداران منطقه‌ای و جهانی می‌بایست گام‌های لازم را بردارند تا مقامات ایرانی به سوی موضع‌گیری سیاسی فعال مدنظر غربی‌ها حرکت کنند: «کاهش محدودیت‌های تجاری و همکاری سرمایه‌گذاری در بخش غیرنفتی می‌تواند منوط به اصلاحات سیاسی داخلی (در ایران) شود. به همین سان، سازگاری تولیدکنندگان اصلی نفت در تنظیم قیمت‌های نفت می‌تواند انگیزه‌ای برای به چالش کشاندن اصلاحات سیاسی باشد.»

این گزارش سپس می‌افزاید که به نفع تمامی عوامل درگیر در پویایی‌های منطقه است تا ایران را ترغیب کنند که گزینه دیگری یعنی اجرای اصلاحات گسترده و هماهنگ مد نظر غرب را اختیار کند و سیاست اقتصادی مورد نیاز و



اعتباردهندگان خارجی به استقلال ایران خدشه وارد کند. از دیدگاه اصولگرایان هرچه بیشتر در اقتصاد جهانی ادغام شود، شاید این کشور تمایل کمتری برای به چالش کشیدن غرب پیدا کند. آن‌ها خواستار توسعه بازارهای داخلی ایران و گسترش روابط اقتصادی این کشور با کشورهای همسایه مانند عراق و افغانستان هستند. گرچه جناح عملگرایی سیاست ایران چنین راه‌کارهایی را برای کشوری که جهت تأمین بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمدش به صادرات نفتی متکی است، ناکافی قلمداد می‌کند.»

اقدامات روحانی جهت مقاوم کردن اقتصاد ایران در برابر تحریم باعث شده غرب در گفتگوهای هسته‌ای اخیر با مخاطرات بیشتری مواجه گردد. طرفداران کاهش تحریم‌ها همواره استدلال کرده‌اند که غرب قادر است در صورت سرپیچی ایران از هرگونه توافق هسته‌ای مجدداً مجازات‌های اقتصادی علیه این کشور وضع کند. اما بیش از این نمی‌توان چنین فرضیه‌ای را پذیرفت

از مجموع این گزارش‌ها به نظر می‌رسد غرب به منظور تحقق اهداف اقتصادی خود در ایران و باتوجه و تأکید بر این که اقتصاد مقاومتی ممکن است ایران را از اقتصاد غرب بی‌نیاز و در مقابل آن مستحکم سازد؛ اولاً می‌کوشد به مسئله تحریم همچنان به عنوان یک ظرفیت برای غرب جهت مانع سازی پیشبرد اقتصاد ایران بنگرد؛ ثانیاً نسخه‌های متمایل به غرب را به دولتمردان ایران برای اصلاحات اقتصادی پیشنهاد نماید و ثالثاً از آن چه اختلاف میان دیدگاه دولت و رهبری می‌نامد حداکثر بهره برداری را انجام دهد.

منابع:

- سایت اندیشکده اشراف
- سایت اندیشکده تبیین
- سایت اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا
- سایت اندیشکده امریکن اینترپرایز
- سایت اندیشکده میدل ایست
- سایت اندیشکده مطالعات امنیت ملی اسرائیل

داخل کشور وضعیت اقتصادی احتمالاً بهبود نخواهد یافت. آیت‌الله خامنه‌ای اما همواره بدبینی خود را در این رابطه ابراز داشته و گفته است که غرب حتی در صورت حصول توافق تحریم‌ها را بر نخواهد داشت. بنابراین، اقتصاد مقاومتی ظاهراً به گونه‌ای طراحی شده که حتی در صورت پابرجا ماندن تحریم‌ها هم قابل اجرا باشد، هر چند به نظر می‌رسد روحانی چندان اعتقادی به این امر ندارد.»

این اندیشکده نهایتاً دیدگاه روحانی را مورد قبول قرار می‌دهد و می‌نویسد: «تقریباً به طور قطع می‌توان گفت حق با روحانی است. نمی‌توان تصور کرد دکترین اقتصاد مقاومتی با وجود تحریم‌ها در بلندمدت به موفقیت دست یابد، زیرا تحریم‌ها مانع رشد اقتصادی پایدار هستند. در نتیجه، روحانی با تجدید ساختار اقتصادی در داخل تلاش دارد ایران را در موقعیتی قرار می‌دهد که از هرگونه کاهش تحریم‌ها نهایت استفاده را ببرد و از میزان آسیب‌پذیری کشور در برابر تداوم یا وضع مجدد تحریم‌ها در بلندمدت کاسته شود. اقدامات روحانی جهت مقاوم کردن اقتصاد ایران در برابر تحریم باعث شده غرب در گفتگوهای هسته‌ای اخیر با مخاطرات بیشتری مواجه گردد. طرفداران کاهش تحریم‌ها همواره استدلال کرده‌اند که غرب قادر است در صورت سرپیچی ایران از هرگونه توافق هسته‌ای مجدداً مجازات‌های اقتصادی علیه این کشور وضع کند. اما بیش از این نمی‌توان چنین فرضیه‌ای را پذیرفت. روحانی ممکن است با بهره‌گیری از کاهش چشمگیر تحریم‌ها ایران را به اندازه کافی در برابر تحریم‌های آتی مقاوم سازد و بدین ترتیب از جذابیت تحریم نزد غرب بکاهد، به ویژه اگر وی بتواند پیوندهای اقتصادی معنادار میان ایران و جهان ایجاد کند. بنابراین، غرب باید دورنمای یک توافق هسته‌ای «نهایی» را مدنظر قرار دهد که در راستای خاتمه دادن به تحریم‌ها در ابتدا به میزان قابل توجهی از فشار تحریم‌ها می‌کاهد. چنین توافقی می‌تواند یک سیاست کارآمد در قبال تهران قلمداد گردیده و روابط آتی میان جمهوری اسلامی و غرب را دگرگون سازد.»

اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا نیز در قسمتی از گزارش خود به این اختلاف دیدگاه اشاره می‌کند: «حاکمان روحانی از هنگام برقراری نظام دین‌سالار آدر ایران در سال ۱۹۷۹ بر سر مسائل اقتصادی اختلاف نظر داشته‌اند. اصولگرایان از مالکیت و بازرگانی خصوصی حمایت می‌کنند، اما آن‌ها نگران هستند مبدا که اتکالی بر صادرات و

اصلاحات ساختاری را اجرا کند و در این رابطه می‌نویسد: «تمرکززدایی از تصمیم‌گیری در خصوص سیاست اقتصادی و ایجاد نقش بزرگتر برای بازار در تخصیص منابع، همراه با نقش کاهش‌یافته بخش عمومی در اقتصاد، حیاتی است. این گام‌ها رشد را به همراه خواهد داشت، فرصت‌های شغلی را افزایش خواهد داد، و از یکپارچگی ایران با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی حمایت می‌کند. آنها همچنین باعث قدرتمند شدن بخش‌های متوسط جامعه خواهد شد که در انتخابات ۲۰۱۳ روحانی را انتخاب کردند و در پیروزی‌های انتخابات تازه مجلس نیز نقش داشتند.»

این اندیشکده آمریکایی، شرکای تجاری اصلی تحت حمایت آمریکا، سرمایه‌گذاران بین‌المللی و آژانس‌های وام‌دهی را به‌عنوان عواملی که می‌توانند نقش مهمی در این فرایند اصلاحات مطلوب غرب در ایران داشته باشند، معرفی می‌کند و معتقد است: «در حالی که نیروهای داخلی بر بحث پیرامون استفاده از درآمدهای نفتی کمتر پیش‌بینی شده فایز خواهند آمد، نیروهای خارجی می‌توانند بر مسیر تخصیص منابع اثر گذاشته و به دستیابی ایران به اهداف دومنظوره خود کمک کنند.»

پروژه اختلاف میان رهبران ایران

اندیشکده امریکن اینترپرایز البته در گزارش خود پیرامون اقتصاد مقاومتی به اختلاف میان دیدگاه رهبری و رئیس جمهور ایران در مسئله تحریم و نیز میزان ادغام در اقتصاد جهانی اشاره می‌کند: «روحانی و آیت‌الله خامنه‌ای به نظر بر سر میزان تلفیق با اقتصاد جهانی تحت دکترین اقتصاد مقاومتی با هم اختلاف‌نظر دارند. روحانی از عادی‌سازی اقتصادی سخن به میان آورده و روابط قوی با بقیه دنیا، از جمله غرب، را پیشنهاد داده است. با این حال، آیت‌الله خامنه‌ای به شدت نسبت به اینگونه روابط اقتصادی شک و تردید دارد و از این نگران است که چنین روابطی باعث شوند ایران با گذشت زمان یکبار دیگر در برابر فشارهای اقتصادی آسیب‌پذیر گردد. رئیس جمهور و رهبر همچنین بر سر نیاز به رفع تحریم‌ها در راستای تداوم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ظاهراً با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. روحانی و متحدان تکنوکرات وی اینگونه استدلال می‌کنند که اقتصاد ایران در چنان تنگنای سخت و دشواری گرفتار آمده که در صورت سرازیر نشدن سرمایه‌گذاری‌ها و فناوری‌های غربی به

چه منابعی در اختیار داریم؟

محمد حسن صادق پور

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی



سیاست های اقتصاد مقاومتی، اهداف و تا حدودی سازو کار رسیدن به آن ها را مشخص می کنند. اما آن چه به وسیله آن می توانیم، به سمت تحقق آرمان های پیش بینی شده در این مدل بومی اقتصاد جمهوری اسلامی برویم، ظرفیت هایی است که -به لحاظ ساختار سیاسی، اجتماعی و یا جغرافیایی ایران- در اختیار ما قرار گرفته است و ما باید جهت تحقق آرمان اقتصاد مقاومتی، در مرحله اول به استفاده حداکثری از ظرفیت های موجود بپردازیم و در گام های بعد، به دنبال تدوین و ایجاد منابع مقتضی حسب نیازهای عملیاتی و بازخوردهای قبلی باشیم.

مهم ترین منابعی که به حیث ثنوری، مادی، انسانی و ساختاری جهت پیاده سازی سیاست های اقتصاد مقاومتی در اختیار داریم را از نظر می گذرانیم.

الف. منابع مفهومی

۱- فرهنگ تشیع:

فرهنگ ناب شیعی که منبعث از معارف و سیره پیامبر اعظم و حضرات معصومین علیهم السلام می باشد. از معدود مکاتب دینی است که به معیشت و سبک زندگی اقتصادی تا حد بسیار زیادی پرداخته است. از آن جا که اسلام دین دنیا و آخرت به صورت توانمان است، خود را موظف به ارائه الگوی اقتصادی خاصه در حوزه رفتار اقتصادی مردم می داند. خاصه آن که فرهنگ اقتصاد اسلامی در تعارضات مبنایی با فرهنگ اقتصادی نظام سرمایه داری است. آموزه های دین مبین اسلام می تواند چراغ راهی برای تعیین مدل سعادت محور اقتصاد تلقی گردد.

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله قوانین اساسی مترقی در نظامات سیاسی به حساب می آید. تاکید بر استقلال اقتصادی و خودکفایی به عنوان اصل تغییر ناپذیر نظام سیاسی ایران، اصل چهل و سوم و چهل و چهارم قانون اساسی که معرفی گر اصول و بخش های اساسی اقتصاد ایران می باشد و نیز اصل تفکیک

قوا و هماهنگی و نظارت قوا توسط مجتهد عادل و فقیه، راهنمای خط حرکت جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصادی است.

۳- اسناد بالادستی و نقشه های جامع:

اسنادی هم چون چشم انداز ۱۴۰۴، و سیاست های کلی در حوزه های مختلف اقتصاد خاصه در تبیین اصل ۴۴ قانون اساسی که با تدبیر رهبر معظم انقلاب به عنوان دورنمای اقتصاد ایران و اهداف راهبردی تنظیم و تدوین شده اند، این ظرفیت را ایجاد می نماید که برنامه های پنج ساله توسعه و قوانین بودجه سالیانه و سایر هدف گذاری های کلان اقتصادی دولت و سایر قوا و نیز برنامه های عملیاتی آن ها، در راستای این سیاست ها تنظیم شوند و در هماهنگی و ارتباط تا تکمیل گام به گام این اهداف باشند.

ب. منابع انسانی

۱- جمعیت جوان:

یکی از مهم ترین ظرفیت های فعلی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی جوانی جمعیت است به گونه ای که جمعیت تا ۲۹ سال ما بالغ بر ۳۱ و نیم درصد می شود. از آن جا که مهم ترین عامل در توسعه پایدار هر کشور نیروی انسانی فعال در آن کشور می باشد، جمعیت جوان حال حاضر ایران می تواند به عنوان موتور محرکه اصلی رشد و توسعه در سال های آتی تلقی شود. در همین راستا رهبر معظم انقلاب می فرمایند: «جمعیت جوان و بانشاط و تحصیلکرده و باسواد کشور، امروز یکی از عاملهای مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده میشود، نقش جوانهای تحصیلکرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را می بینید.»

۲- اساتید و محققین حوزه و دانشگاه:

در حال حاضر بیش از چهار و نیم میلیون دانشجو در مراکز آموزش عالی سراسر کشور در حال تحصیل اند. از این تعداد حدود پنجاه هزار نفر دانشجوی ارشد و حدود ۱۰۰ هزار نفر دانشجوی دکتری می باشند. استفاده از چنین ظرفیت عظیمی در صورتی که پیوند صحیح بین

صنعت و دانشگاه برقرار گردد و پروژه های تحقیقاتی دانشگاهی در راستای نیازهای اقتصادی کشور تعریف گردد، بی شک می تواند تحولی شگرف در پیشرفت اقتصاد ایران در حوزه علوم مختلف را به ارمغان آورد.

۳- متخصصین و کارشناسان:

هم اکنون حدود ۶۰ هزار عضو هیئت علمی در دانشگاه های کشور مشغول فعالیت اند که بیش از ۷ هزار نفر از آنان استاد و دانشیار می باشند که تعداد زیادی از همین افراد شامل را نخبگان جوان کشور می شوند. در صورتی که اساتید دانشگاه خود را به حضور فعال در عرصه خلاء های مختلف تئوریک و عملی نظام اقتصادی ملزم بدانند بسیاری از ناممکن ها را ممکن خواهند نمود.

۴- کارآفرینان و سرمایه گذاران:

در حال حاضر تعداد زیادی از کارآفرینان در عرصه صنایع گوناگون مشغول به فعالیت هستند. از سویی سرمایه گذاران بسیاری نیز وجود دارند که آمادگی هزینه جهت راه اندازی کسب و کارهای کوچک و بزرگ را دارند. در صورتی که سیاست گذاران، بتوانند بازار را برای سرمایه گذاری به آرامش و تعادل نسبی برسانند تا سرمایه گذاران نسبت به حاشیه سود قطعی خود اطمینان کافی داشته باشند و نیز کارآفرینان از توسعه کسب و کار خود احساس ضرر نکنند، می توان سرمایه های سرگردان بسیاری را در خدمت رشد و توسعه اقتصادی به کار گرفت.

پ. منابع ساختاری:

۱- نهادهای اساسی حکومت:

همانگونه که اشاره شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طبق اصل تفکیک قوا، اختیارات و وظایف مشخص تقنینی، اجرایی و قضایی را بر عهده قوای سه گانه گذارده است که اگر هر یک از این قوا بدون محافظه کاری و مصلحت اندیشی های غیر صواب، به انجام کامل وظایف خود در چارچوب قوانین روی آورند، عقربه بسیاری از ناهماهنگی های موجود را به سمت پیشرفت و توسعه همه جانبه در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی خواهد چرخانید.

اختیار رشد اقتصاد قرار می‌دهد. هم چنین ایران بنا به دلایل بسیاری همچون قرار گرفتن در فلات ایران (شامل سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان) مناطق کوهپایه ای و مراتع گسترده ای را در خود جای داده است که امکان کشاورزی در وسعت کلان را در اغلب مناطق کشور پدید آورده است. حتی کویرهای ایران، سرشار از منابع طبیعی ناب و کمتر استفاده شده است.

از طرفی ایران دارای تنوع آب و هوایی گوناگون است و اقلیم‌های سرزمینی گوناگونی اعم از خشک و بیابانی، سرد و خشک، معتدل و مرطوب را در برمی‌گیرد. همه این موارد در صورت بهره برداری مناسب، استخراج بهینه، استفاده از ظرفیت‌های توریستی و... می‌توانند به خدمت پیشرفت اقتصادی و تامین اقلام راهبردی مورد نیاز در اقتصاد درون‌زا درآیند.

۴- مزیت‌های راهبردی سرزمینی

جمهوری اسلامی از لحاظ سوق الجیشی، در مرکز خاورمیانه و به تعبیری در مرکز نقل مهم ترین نواحی آسیا قرار گرفته است. این موقعیت ممتاز، ایران را به شاهراهی برای مبادلات بازرگانی تبدیل نموده است.

از سوی دیگر، موقعیت ایران در قرار گرفتن میان دو دریای خزر و خلیج فارس، فضای حیاتی کاملاً مطلوبی را در اختیار قرار می‌دهد. به طوری که تنها حدود ۴۰ درصد حجم مبادلات نفت و گاز دنیا از طریق نفت کش‌ها، از تنگه هرمز واقع در خلیج فارس عبور می‌کند. ایران به خاطر چنین موقعیتی از نظر جغرافیای سرزمینی (ژئوپولیتیک) امکان اثر بخشی در اقتصاد جهان را به خوبی داراست. به نحوی که در صورت برنامه ریزی صحیح در زمینه مبادلات تجاری و کنترل و استفاده آب‌های خزر، خلیج فارس و عمان می‌تواند کمک شایانی به پیش برد اقتصاد ملی نماید.

در مجموع طبق رویکرد سیستمی، هر نظام اجتماعی و به طور خاص سیستم اقتصادی چهار عنصر ورودی، پردازش، خروجی و بازخورد می‌باشد که همین امر شامل سیستم اقتصاد مقاومتی نیز می‌گردد. مجموعه عوامل یادشده فوق را می‌توان به مثابه منابع و ورودی‌های این اقتصاد در نظر گرفت که در صورت پردازش و بازخورد صحیح می‌توانند ما را به غایت مطلوب و خروجی‌های مورد انتظار این نظام سوق دهند.

انسانی :
- جمعیت جوان
- اساتید و محققین حوزه و دانشگاه
- متخصصین و کارشناسان
- کارآفرینان

مفهومی :
- فرهنگ شیعی
- قانون اساسی
- اسناد بالادستی و نقشه‌های جامع

منابع در دست جهت تحقق

اقتصاد مقاومتی

مادی :
- ذخایر آلی
- ذخایر معدنی
- منابع طبیعی و زیستی
- مزیت‌های استراتژیک سرزمینی

ساختاری :
- نهادهای اساسی حکومت
- نهادهای هماهنگ کننده
- نهادهای موازی

نفت و گاز) در جهان را داراست. به طوری که حدود ۱۸ درصد از ذخایر نفتی و حدود ۲۴ درصد ذخایر گاز جهان در خاک ایران نهفته است. استفاده بهینه از این منابع در راستای توسعه صنعت و ایجاد ارزش افزوده می‌تواند علاوه بر ایجاد رشد اقتصادی، در بهبود شاخص‌های اقتصادی همچون سطح اشتغال سهم به سزایی ایفا کند.

۲- ذخایر معدنی
خاک غنی و پهناور ایران، آن را به یکی از ۲۰ کشور اول از نظر ذخایر معدنی تبدیل نموده است. نه تنها از حیث میزان ذخایر بلکه از نظر تنوع مواد معدنی، ایران جزو منحصر به فرد ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. معادن آهن، مس، طلا، روی، سرب، منگنز، اورانیم، ذغال سنگ و... برخی از این معادن هستند. در صورت کشف، استخراج و به کارگیری در صنایع سنگین - کما این که در صنایعی چون سیمان شاهدیم - نه تنها می‌توان از بسیاری وابستگی‌ها رها شد که می‌توان زمینه اشتغالزایی را تا حد زیادی ارتقا داد.

۳- منابع طبیعی
ایران از لحاظ منابع طبیعی نیز از جمله کشورهای ثروتمند به شمار می‌آید. حدود ده درصد از وسعت کشور را جنگل فراگرفته است که قابل بهره برداری مناسب و بهینه است. گونه‌های متنوع جانوری و گیاهی سرزمین ایران نیز ظرفیت‌های بی‌شمار استفاده نشده‌ای را در

۲- نهادهای هماهنگ کننده:

نهادهایی همچون شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... به شرط استفاده از تمام ظرفیت‌ها، امکان برنامه ریزی راهبردی را فراهم می‌نماید و از طرفی در بحران‌های اقتضایی، امکان برون رفت از گلوگاه‌ها را فراهم می‌آورد.

۳- نهادهای موازی:
از ابتدای انقلاب اسلامی، بنا به تدبیر حضرت امام خمینی (ره)، به منظور تسریع در تحقق آرمان‌های انقلاب، نهاد‌هایی همچون جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و کمیته امداد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان‌های بسیج اقشار گوناگون را بنا نهادند که گرچه برخی از این نهادها در سایه بی‌تدبیری و کج فهمی مسئولان پس از دفاع مقدس کارایی لازم خود را از دست دادند، لکن برخی این نهادها همچنان می‌توانند با برنامه ریزی صحیح در زمینه توسعه اقتصادی ایران خاصه در پروژه‌های ملی و کلان که بخش خصوصی امکان حضور را فراهم نمی‌بیند، سهم چشمگیری ایفا نمایند.

ت. منابع مادی :

۱- ذخایر آلی :

کشور ایران بیشترین مجموع ذخایر هیدروکربن (مجموع



اقتصادمان عاریتی است یا مقاومتی؟

مقایسه مؤلفه های اقتصادی در دورویکرد

و شریک کردن مردم در پروژه های ملی، جبران کاهش سرمایه گذاری خارجی را کرده و علاوه بر رونق پروژه های اقتصادی کشور و تقویت تولید ملی، موجب کاهش تقاضا و تورم خواهد شد و اثرات قابل ملاحظه ای بر سطح رفاه اقتصادی جامعه خواهد گذاشت.

ارزش افزوده

اقتصاد عاریتی

خام فروشی هر چه بیشتر

در حالی سخن از پیاده سازی اقتصاد مقاومتی گفته می شود که برنامه عملیاتی مصوب شورای اقتصاد در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی برای وزارت نفت، افزایش صادرات نفت و گاز و حفظ جایگاه ایران در بازارهای جهانی صادرات نفت است. وزیر نفت نیز برنامه خود را افزایش صادرات نفت خام به بیش از ۲ میلیون بشکه عنوان می کند.

اقتصاد مقاومتی

صادرات فرآورده ها و حداکثرسازی ارزش افزوده

میانگین ارزش افزوده ایجاد شده از یک بشکه نفت خام حدود ۱۳۰۰ دلار در کشورهای صنعتی است (بیش از ۲۶ برابر با احتساب نفت بشکه ای ۵۵ دلار). لذا با برنامه ریزی برای صادرات فرآورده به جای نفت خام، ضمن حفظ منابع تجدید ناپذیر نفتی، از این نعمت الهی بهره حداکثری خواهیم برد.

داران خارجی که به چیزی جز سود شخصی خود فکر نمی کنند. نتیجه نگاه نخست می شود افزایش وابستگی و روحیه خمودی و کمبود اعتماد به نفس ملی و نتیجه رویکرد دوم می شود استقلال اقتصادی و رشد پایدار و افزایش اعتماد به نفس ملی.

نقش مردم در اقتصاد

اقتصاد عاریتی

انتظار منجی از خارج کشور

افزایش سرمایه گذاری خارجی در صورت رفع تحریم ها و پیشرفت پروژه های ناتمام از مسائلی است که به آن امید بسته شده و به عنوان یکی از مهمترین آثار مثبت توافق بر روی آن تبلیغات می شود؛ این در حالی است که اوج سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور در سال ۲۰۱۲ و بالغ بر ۴.۲ میلیارد دلار (کمتر از یک درصد تولید ناخالص داخلی) بوده است، رقمی که پس از اوج گرفتن تحریم ها و در پایین ترین سطح خود با اندکی بیش از ۲۵ درصد کاهش، به ۳.۱ میلیارد دلار رسیده است.

اقتصاد مقاومتی

اعتماد به مردم

جذب تنها یک درصد از حجم نقدینگی داخلی کشور که بالغ بر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان (بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار) است و هدایت آن به بازار سرمایه

اقتصاد عاریتی در یک جمله خلاصه می شود: نگاه به بیرون. در این منظومه فکری تکیه بر توان و ظرفیت های داخلی نمی تواند به عنوان یک اصل ثابت محور پیشرفت اقتصاد قرار بگیرد. از همین رو زمانی که کشور با مشکل کم آبی روبرو می شود، راه حلی که پیشنهاد می شود واردات کالاهای کشاورزی است. در این فضا جامعه علمی ما توان تولید دانش و حرکت دادن اقتصاد را ندارد. دیگر ذخایر پولی کشور صرف ساختن زیربنای اقتصادی کشور نمی شود. صادرات نفت خام به عنوان مهمترین سیاست وزارت نفت در نظر گرفته می شود. سیاست خارجه می تواند اقتصاد را از بحران خارج کند و غیره. اما در اقتصاد مقاومتی زمانی که با مشکل کم آبی روبرو می شویم مشکل را پیدا و رفع می کنیم. می بینیم که راندمان آب در کشاورزی کمتر از ۳۰ درصد است و به فکر افزایش راندمان آب می افتیم نه رها کردن تولید در بخش کشاورزی. نفت خام را پالایش کرده و محصولات آن را صادر می کنیم و سود چند برابری می کنیم. «ما می توانیم» که در حوزه نظامی ما را پیشرفت داده را سرلوحه قرار می دهیم و به توان علمی دانشمندان و دانشگاهها اعتماد می کنیم. مصرف کالای داخلی را هدف خود قرار میدهم نه توجه به برندها و مارکهای خارجی را. در یک کلام نگاه ما به ظرفیت های بی شمار و استفاده نشده در داخل است نه دست تجار، بازرگانان و سرمایه

مناطق آزاد

اقتصاد عاریتی

قطب‌های خروج ارز و واردات

با تأسیس پاساژها و مراکز خرید مناطق آزاد به عنوان مراکز واردات کالاهای لوکس، مرکزی برای گردشگری اشرافی و فساد اخلاقی، و مراکز ترویج مصرف‌گرایی هستند. در طی سالهای اخیر، تراز تجاری (صادرات منهای واردات) مناطق آزاد، همواره منفی بوده است. بر اساس آمار منتشرشده از سوی شورای عالی مناطق آزاد در سال ۱۳۹۲ میزان واردات مناطق آزاد تجاری ۴/۵ برابر صادرات بوده است.

اقتصاد مقاومتی

قطب‌های جذب سرمایه و صادرات

با حذف عوارض گمرک مواد اولیه و نهاده‌های تولید و حذف عوارض صادرات در مناطق آزاد زمینه جذب سرمایه‌ها را فراهم می‌کند این منطق متداول در مناطق آزاد، قطب‌های تولید و صادرات را ایجاد می‌کند و نه قطب‌های مصرف و واردات.

دیپلماسی اقتصادی

اقتصاد عاریتی

دیپلماسی منفعل اقتصادی

- از سفر هیئت‌های تجاری غربی به کشور استقبال می‌کنیم؛ این در حالی است که اغلب هیئت‌های تجاری نمایندگان اتاق‌های بازرگانی کشورهای غربی هستند و برای ایجاد بازار مصرف تولیدات خود، تلاش می‌کنند. در سال ۹۳، ایران میزبان ۲۰ هیئت تجاری و ۱۱ هیئت از ابتدای سال ۹۴ بوده است.

- علیرغم سابقه فرانسوی‌ها در منع فروش قطعات خودرو و خروج شرکت نفتی توتال از ایران پس از تحریم‌ها، از سفر تجاری آنها ذوق زده می‌شویم. یکی از مقامات تجاری فرانسه در خصوص سفر هیئت تجاری ۱۵۰ نفری به تهران گفت: «ما با روحیه فتح دوباره، به مفهوم دقیق کلمه، به آنجا می‌رویم اما به این نکته هم واقفیم که کارهایی برای انجام دادن داریم.»

اقتصاد مقاومتی

دیپلماسی فعال اقتصادی

ایران با داشتن ۱۵ همسایه، دومین کشور دنیا به لحاظ تعداد همسایگان است. از میان این همسایگان ۷ کشور دارای مرز خشکی با کشور ما هستند. دسترسی

به آب‌های آزاد، مسیر ریلی سراسری و اتصال شمال و جنوب کشور به یکدیگر، قرار گرفتن در شاه‌راه اقتصادی و غیره، ظرفیت بالقوه‌ای در تعاملات اقتصادی با کشورهای منطقه برای کشور ایجاد کرده است. با توجه به اینکه اغلب همسایگان ایران از کشورهای در حال توسعه هستند، مقاصد خوبی برای کالاهای صادراتی ما هستند.

حمایت از صادرات

اقتصاد عاریتی

عدم اعتقاد به مزیت‌های صادراتی

- وقتی به ظرفیت‌ها و مزیت‌های بالقوه اقتصادی کشور، اعتقادی وجود نداشته باشد و مزیت‌رقابتی کشور به قورمه‌سبزی و آبگوشت بزباش خلاصه می‌شود:

- سهم عمده صادرات کشور به نفت خام، خام‌فروشی مواد معدنی اختصاص می‌یابد.

- رتبه دوم را در صادرات نخبگانی و مغزهای متفکر به دنیا کسب می‌کنیم؛ بنیاد ملی علوم در آمریکا (NSF) طی گزارشی اعلام کرد که ایران در زمینه فرار مغزها میان سایر کشورهای جهان رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. در حال حاضر بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و فیزیکدان ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با مدارک علمی بالا در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کنند.

اقتصاد مقاومتی

فعال‌سازی مزیت‌های بالقوه صادراتی

در صورت به کارگیری دیپلماسی فعال اقتصادی و سیاست‌های تسهیل صادرات، ما دارای مزیت‌های بالقوه صادراتی هستیم:

- فرآورده‌های نفتی به جای نفت خام؛
- محصولات پتروشیمی؛
- صادرات دانش و فناوری پیشرفته به جای صادرات مغزهای متفکر کشور؛
- صادرات محصولات کشاورزی، دامی و شیات در صورت ایجاد سردخانه‌ها و صنایع پیشرفته بسته‌بندی؛
- محصولات نساجی؛
- صنایع دستی؛

سرمایه‌گذاری

اقتصاد عاریتی

نگاه به سرمایه‌داران

در این نگاه پیشرفت کشور در گرو سرمایه‌گذاری خارجی است. اگر سرمایه‌های خارجی نیاید، کشور پیشرفت نمی‌کند. سرمایه‌گذاری خارجی هم مستلزم تغییر سیاست خارجی ایران است. پس باید با آمریکا کنار بیاییم تا سرمایه‌گذاری خارجی به ایران سرازیر شود. وقتی آنها در ایران سرمایه‌گذاری کردند، خودشان هم برای حفاظت از سرمایه خودشان، امنیت ما را تأمین می‌کنند و به جنگ اقتصادی پایان می‌دهند. اما چند سؤال:

- چرا سرمایه‌های عظیم حتی آمریکایی‌ها از آمریکا به چین فرار کرد و چین را در رأس اقتصاد دنیا قرار داد؟

- چرا سرمایه‌داران آمریکا حتی تسلیم فشارهای دولت نشدند و سرمایه‌ها را بردند و در جواب فشارهای آمریکا برای عدم خروج سرمایه حتی دولت آمریکا را تهدید به ترک تابعیت آمریکایی خود کردند؟ زیرا: سرمایه‌گذار به دنبال سود است و مانند آب به سوی گودی‌رها می‌شود.

اقتصاد مقاومتی

خارجی‌مدیریت سرمایه‌های داخلی

آیا کشور با مشکل سرمایه‌های برای سرمایه‌گذاری مواجه است؟ اگر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی ریالی داخلی به سوی سرمایه‌گذاری کشیده شود، به تبع آن سرمایه‌های خارجی هم می‌آیند و هیچکس نمی‌تواند جلوی سرمایه‌هایی را که به دنبال سود می‌گردند بگیرد. متوسط میزان سرمایه‌گذاری خارجی در برابر ظرفیت اقتصاد کشور تقریباً معادل یک درصد است. پس قطعاً کشور برای سرمایه‌گذاری در کشور معطل ورود سرمایه‌داران غربی نیست. اقتصاد راه حل اقتصادی می‌خواهد نه سیاسی.

بیشتر از ۱۵ هزار کارخانه و واحد تولیدی و صنعتی در شهرک‌های صنعتی و خارج از آن در سراسر کشور داریم که به طور کامل تعطیل یا در شرف تعطیلی کامل است. امروز این واحدها که تعطیل هستند، بیشتر از ۵۰ میلیارد دلار ارزش دارند. به جریان افتادن این سرمایه عظیم اولویت دارد یا جذب سرمایه جدید؟

فناوری

اقتصاد عاریتی

واردات دانش و تکنولوژی

پیشرفت فناوری در گرو واردات صنایع تک است و نه علم‌های تک. نمونه بارز این دیدگاه کشورهای

عربی هستند که علیرغم سطح بالای رفاه در علوم و اقتصاد دانش بنیان هیچ جایگاهی ندارند. آنها صرفاً مصرف کننده کالاهایی با تکنولوژی بالای غرب هستند. این موضوع در کشور ما هم در صنعت خودرو اتفاق افتاده است. ۵۰ سال از صنعت خودرو گذشته است و ما به هیچ عنوان قدرت رقابت با کشورهای دیگر را نداریم. علت وابستگی به فناوری خارجی بوده است و نه طراحی و پیشرفت داخلی در این صنعت. در واقع اقتصاد عاریتی دغدغه ای نسبت به رشد علمی کشور ندارد. پس ما در حدی نیستیم که بتوانیم در فناوری در میان کشورها رقابت کنیم بلکه باید روابط خارجی را تغییر دهیم و از کشورهای صنعتی فناوری وارد کنیم.

اقتصاد مقاومتی

تولید ثروت بر اساس دانش تولیدی

اقتصاد دانش بنیان به عنوان محوریت پیشرفت اقتصادی در دنیای امروز مورد توجه است. یعنی دانش در خدمت تولید ثروت. بنابراین باید به تولید دانش و نه واردات تکنولوژی اندیشید. صنعت و فناوری وارداتی میراست. صنعت فناوری ای ماندگار و با قابلیت رقابت است، که بومی باشد و ریشه در خاک وطن داشته باشد. باید به دانشمندان خودمان اعتماد کنیم و از ظرفیت های دانشگاهها برای تولید فناوری استفاده حداکثری داشته باشد. پیشرفت ما در صنایع نظامی، موشکی، دریایی و هوایی مولود همین تفکر بوده است. توان ساخت بومی موشک ماهواره پر با چندین هزار کیلومتر برد، انواع زیردریایی، اژدر، سلاح، جنگنده، رادار و غیره نمونه های بارز اهمیت دادن به تولید و نه واردات دانش بوده است.

عدالت اجتماعی

اقتصاد عاریتی

توسعه به هر قیمتی

در این دیدگاه توسعه مقدم بر عدالت است. از همین رو ذات نظام سرمایه داری بر تشکیل طبقات بسیار قوی و بدنه عادی جامعه است. جنینش ۹۹ درصدی در اعتراض به همین موضوع شکل گرفت. چون عدالت مینا نیست، بلکه توسعه اقتصادی مقدم بر عدالت است، پس طبعاً گروهی در جامعه در نوک هرم قدرت اقتصادی قرار می گیرند که هرگز دست یافتنی نیستند.

اقتصاد مقاومتی

پیشرفت بدون عدالت ممنوع

عدالت اجتماعی به عنوان یک اصل پیشینی پذیرفته می شود؛ یعنی توسعه بدون عدالت مطلوب کشور نیست. در اقتصاد مقاومتی عدالت لازمه توسعه پایدار است. از همین رو اصل چهارم سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی اشاره دارد: «استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی.»

سهام هریک از عوامل در زنجیره تولید تا مصرف

اقتصاد عاریتی

تعیین سهم بر اساس بازار

نباید هیچ دخالتی در اقتصاد بشود. اقتصاد را باید به حال خود رها کرد تا عرضه و تقاضا، سهم هر کس را از سود معلوم کند. مکانیسم قیمت هاست که سهم عوامل را تعیین می کند. پس: باغدار بعد از یک سال زحمت و صرف هزینه های سنگین سیب را که هر کیلو هزار تومان برایش تمام شده میفروشد ۱۲۰۰ تومان، یعنی سود حدود ۲۰۰ تومان در طول یک سال. دلال همان محصول را از باغدار می گیرد و به بازار می برد و ظرف همان روز آن را ۲۵۰۰ تومان می فروشد؛ یعنی ۱۳۰۰ تومان در طول یک روز. مغازه دار می فروشد ۶۰۰۰ تومان، یعنی ۳۵۰۰ تومان سود در یک هفته. بنابراین: تولید صرف ندارد و باغ رها می شود.

اقتصاد مقاومتی

تعیین سهم بر اساس مقدار تولید ارزش

سهم عوامل در زنجیره تولید تا مصرف باید عادلانه باشد. باید کاری کرد که تولیدکننده سهم مناسبی ببرد تا شوق تولید و سرمایه گذاری در تولید باشد. طرحریزی اقتصاد باید به گونه ای باشد که سود تولید در مقایسه با توزیع و دلالی، مناسب باشد. هر زمان که کشور در مسیر تولید باشد، اقتصاد پیشرفت می کند. اما توسعه روحیه دلالی و واسطه گری برای اقتصاد بسیار مضر است. یکی از عوامل اساسی افزایش تورم در کشور وجود سیستم واسطه گری غیر ضروری در برخی از تولیدات کشور است. در واقع ایجاد ارزش مبنای کسب سود نیست. در مسیر رسیدن کالا به دست مصرف کننده، تولیدکننده که بیشترین سهم را باید داشته باشد، کمترین سهم را دارد. در این صورت دخالت در بازار و کنترل آن الزامی است.

تولید نهاده ها و کالاهای اساسی

اقتصاد عاریتی

فروش نفت برای واردات کالاهای اساسی

اقتصاد عاریتی فروش بیشتر نفت را برای واردات بی رویه کالاهای اساسی پیشنهاد می کند. شاید این کار در کوتاه مدت بتواند رضایت مندی در اقتصاد به وجود آورد، اما قطعاً در بلندمدت موجبات رشد تورم و کاهش سطح تولید کشور را به دنبال دارد. روابط خارجی برای تأمین کالاهای اساسی باید با کشورهایی باشد که می توانند تولیدات انبوه و مستمر داشته باشند و بدون دردسر می توانیم کالا را از آنها بخریم (کشورهای بزرگ غربی). خرید گوشت از برزیل بجای خرید از پاکستان و آسیای میانه با یکدوم یا یکسوم قیمت.

اقتصاد مقاومتی

افزایش تولید نهاده ها

و کالاهای اساسی در داخل

اقتصاد مقاومتی بر اساس اصل استقلال و اقتدار اقتصادی و بستن راه نفوذ دشمنان به کشور سیاست تولید نهاده ها و کالاهای اساسی در داخل کشور را تجویز می کند. اقلامی مانند گندم، ذرت دامی، برنج و کنجاله از مواردی هستند که در سالهای گذشته رشد واردات داشته اند. این در حالی است که ظرفیت خودکفا شدن در بسیاری از اقلام اساسی در کشور وجود دارد. آمارها نشان می دهد در میان ۵ قلم کالای عمده وارداتی به کشور، چهار قلم جزء غلات بودند و به ترتیب گندم، ذرت دامی، برنج و کنجاله در این لیست قرار دارد. برای حل مشکل، بخش مهمی از درآمدهای حاصل از فروش نفت باید به این حوزه تخصیص داده شود که در حال حاضر اینگونه نیست.

امنیت غذایی

اقتصاد عاریتی

واردات محصولات کشاورزی

چون ما کشور کم آبی هستیم و وسعت کشور کم است باید سیاست «تکاشت» را پیگیری کنیم. در واقع تولید بسیاری از محصولات کشاورزی به صرفه نیست و باید از خارج از کشور وارد کنیم. مشکل کم آبی هم مزید بر علت است. این در حالی است که بازدهی آب در بخش کشاورزی در کشور زیر

جراحی زیبایی بینی، در دنیا اول است.

صندوق توسعه ملی

اقتصاد عاریتی

صندوق امور جاری

در این نگاه درآمد حاصل از صادرات نفت خام به صندوق توسعه ملی نمی رود بلکه صرف امر واردات یا امور جاری کشور می شود. در حالی سهم صندوق از درآمدهای نفتی ۲۰ درصد است که مطابق قانون باید سهم آن از زمان تأسیس صندوق سالانه سه درصد افزایش پیدا می کرده که این اتفاق رخ نداده است.

اقتصاد مقاومتی

ذخیره پیشرفت آتی

کارکرد اصلی این صندوق برای کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت است. درآمدهای حاصل از فروش نفت باید در این صندوق ذخیره شود تا برای پیشرفت زیرساخت های کشور و ذخیره آینده به کمک بیاید. مطابق قانون سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای حاصل از فروش نفت در کشور ۲۰ درصد است

که زنان جهان را در برمی گیرد، مقوله زیبایی، سالانه ۱۶۰ میلیارد دلار برای زنان جهان خرج دارد. سرانه مصرف لوازم آرایشی هر فرد در خاورمیانه، سالانه ۳۳۴ دلار است. امارات متحده عربی، پررونق ترین بازار خرده فروشی محصولات آرایشی و بهداشتی را به خود اختصاص داده است.

اقتصاد مقاومتی

کنترل مصرف و عدم اسراف

بر اساس اقتصاد مقاومتی مصرف بدون حد و مرز ممنوع است. ترجیح مصرف کالای ایرانی از منظر علمی و دینی توجیه دارد. اسراف یعنی بیش از حد لزوم مصرف کردن و تبذیر یعنی بجا مصرف نکردن از خطوط قرمز است. تجم لگرایبی و تجمیع ثروت در یک قشر خاص از دید اقتصاد مقاومتی مردود است. مصرف کردن باید قاعده مند باشد. ایرانی ها از نظر رشد مصرف لوازم آرایشی، رتبه سوم را در دنیا دارند. در کشور ما تنها ۱۰ درصد لوازم آرایشی موجود در بازار از مجاری قانونی وارد کشور شده اند و ۹۰ درصد آن به صورت غیرقانونی وارد کشور می شود. ایران پس از عربستان، دومین مصرف کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه است. ایران از نظر تعداد

۳۰ درصد است. یعنی اگر راندمان این بخش را بالا ببریم با همین مقدار آب می توان سطح زیر کشت کشور را تا سه برابر افزایش داد.

اقتصاد مقاومتی

ممکن بودن خودکفایی غذایی

بنابر تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای داشتن یک جسم سالم می دانند. برای این منظور کشور باید در محصولات مرتبط با این حوزه به خودکفایی برسد تا خطرات احتمالی در آینده این مهم را تحت تأثیر قرار ندهد. با ۱۶۵ میلیون هکتار و ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بارندگی در سال موضوع امنیت غذایی کاملاً قابل دسترسی است.

مدیریت مصرف

اقتصاد عاریتی

مصرف بدون قید

در اقتصاد عاریتی مصرف نه تنها ضابطه ندارد بلکه باید هرچه بیشتر و بیشتر باشد تا اقتصاد غرب زنده بماند. کنز ثروت و تشکیل اقلیت ۱ درصدی هم مذموم نیست. در نتیجه این تفکر طبق بررسی هایی

اقتصاد عاریتی	اقتصاد مقاومتی	
انتظار منجی از خارج کشور	اعتماد به مردم	نقش مردم در اقتصاد
خام فروشی هر چه بیشتر	صادرات فرآورده ها و حداکثرسازی ارزش افزوده	ارزش افزوده
قطبهای خروج ارز و واردات	قطب های جذب سرمایه و صادرات	مناطق آزاد
دیپلماسی منفعل اقتصادی	دیپلماسی فعال اقتصادی	دیپلماسی اقتصادی
عدم اعتقاد به مزیت های صادراتی	فعال سازی مزیت های بالقوه صادراتی	حمایت از صادرات
نگاه به سرمایه داران	خارجی مدیریت سرمایه های داخلی	سرمایه گذاری
واردات دانش و تکنولوژی	تولید ثروت بر اساس دانش تولیدی	فناوری
توسعه به هر قیمتی	پیشرفت بدون عدالت ممنوع	عدالت اجتماعی
تعیین سهم بر اساس بازار	تعیین سهم بر اساس مقدار تولید ارزش	سهم هریک از عوامل در زنجیره تولید تا مصرف
فروش نفت برای واردات کالاهای اساسی	افزایش تولید نهاده ها و کالاهای اساسی در داخل	تولید نهاده ها و کالاهای اساسی
واردات محصولات کشاورزی	ممکن بودن خودکفایی غذایی	امنیت غذایی
مصرف بدون قید	کنترل مصرف و عدم اسراف	مدیریت مصرف
صندوق امور جاری	ذخیره پیشرفت آتی	صندوق توسعه ملی

جبهه‌های نبرد عملیات اقتصاد مقاومتی

راهکارهای عملی برای تحقق شعار سال

محمد حسینی



تعریف اقتصاد مقاومتی به‌عنوان تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن‌ها و در شرایط آرمایی تلاش برای تبدیل این فشارها به فرصت است. این موضوع البته در شرایط پساجام هم به قوت خود باقی است و علت این مسئله هم کاملاً روشن است: وضعیت بیمار اقتصادی کشور.

مروری بر برخی متغیرهای اقتصادی خود نشانگر این موضوع است. بر اساس گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی مجلس، متوسط رشد اقتصادی کشور از سال ۱۳۸۷ تاکنون ۱۰۶ درصد بوده است. همچنین متوسط درآمد حقیقی ناخالص سالانه خانوارهای شهری و روستایی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ روند نزولی داشته است. متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت از سال ۱۳۸۸ تا انتهای ۱۳۹۳ ۲۸- بوده است. صادرات غیرنفتی نیز نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. رشد بخش خدمات هم که بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد در سال ۹۴، ۲- را نشان می‌دهد. همچنین بخش صنعت هم رشد منفی ۳- را نشان می‌دهد. رشد اقتصادی هم در سال ۱۳۹۴ قطعاً منفی بوده که البته آمار دقیق آن به‌صورت مختلف بیان می‌شود. همه این مسائل و مقدمات نشان می‌دهد که کشور به شدت به اقدام عملیاتی در حوزه اقتصاد مقاومتی نیاز دارد. اقداماتی که هم اثرات کوتاه مدت داشته باشند و هم نقشه راه بلند مدت را مد نظر قرار دهند.

وقتی صحبت از اقدام و عمل در اقتصاد مقاومتی می‌شود در واقع بایستی در ۴ جبهه به صورت همزمان و مستمر فعالیت اتفاق بیافتد.

۱. جبهه علمی (با هدف تکمیل نظریه اقتصاد مقاومتی، به‌خصوص در عرصه‌های کاربردی آن)
۲. جبهه فرهنگی (با هدف گفتمان سازی و فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی و نفی گفتمان اقتصادی لیبرال، غیردینی و ضددینی)
۳. جبهه سیاسی (با هدف مطالبه‌گری و تواصی به اقتصاد مقاومتی)

۴. جبهه اجرایی (با هدف برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند و اقدام عملی همه اهالی اقتصاد)

در جبهه اول که جبهه علمی است بحث در مورد نظریه پردازی و تولید علم کاربردی در عرصه اقتصاد مقاومتی است. یعنی ما بایستی در حوزه‌های کاربردی مربوط به اقتصاد مقاومتی تولید علم انجام دهیم. برای مثال فرض کنید که ما اگر بخواهیم در ارتباط با تربیت فرزندان خود یک کاری انجام بدهیم، از قبل بایستی علم آن را تولید کنیم. یعنی اینکه بدانیم اصلاً چه کارهایی را در مورد تربیت فرزند می‌توانیم انجام دهیم. یا اینکه نسخه‌های درونزای حل مشکلات اقتصادی کشور را تولید کنیم. مثلاً مشکل رکود را چگونه باید حل کرد؟ نگاه درونزا چه سیاستی را برای حل مشکل رکود در کشور پیشنهاد می‌دهد؟

در محورهای دهگانه اقدام اساسی در حوزه اقتصاد مقاومتی، در صنعت خودرو، در مبارزه با مفاسد اقتصادی، در ارتباط با احیای تولید ملی و غیره باید تولید علم انجام شود، بدین معنا که همگی این مسائل نیاز به یک تولید علمی دارند. پژوهشگران، طلاب، دانشجویان و غیره کسانی هستند که باید در این عرصه فعال بشوند. اگر در این جبهه (علمی) فعالیت نشود و بیکار بماند، سه جبهه دیگر هم نمی‌توانند فعالیت موثری داشته باشند.

در محورهای دهگانه اقدام اساسی

در حوزه اقتصاد مقاومتی، در صنعت خودرو، در مبارزه با مفاسد اقتصادی، در ارتباط با احیای تولید ملی و ... باید تولید علم انجام شود، بدین معنا که همگی این مسائل نیاز به یک تولید علمی دارند. پژوهشگران، طلاب، دانشجویان و ... کسانی هستند که باید در این عرصه فعال بشوند. اگر در این جبهه (علمی) فعالیت نشود و بیکار بماند، سه جبهه دیگر هم نمی‌توانند فعالیت موثری داشته باشند

جبهه دوم، جبهه فرهنگی است که بحثش گفتمان سازی است. اینکه اندیشه اقتصاد مقاومتی به گفتمان و فرهنگ و عمومی تبدیل بشود. گفتن خیلی مهم است و یکی از اقدامات همین است که ما مرتباً یک مسئله را در جامعه بگوییم و تکرار کنیم.

عده‌ای به غلط فکر می‌کنند که اقدام و عمل یعنی اینکه کسی دیگر حرف نزند و همه فقط عمل (کار اجرایی) کنند.

در واقع تبیین اقتصاد مقاومتی برای گروه‌ها و اقشار مختلف مصداق اقدام و عمل محسوب می‌شود. چراکه با این کار، دیگران یک چیزی را دریافت می‌کنند و بعد کارهایی را انجام می‌دهند که در جبهه‌های دیگر اقدام و عمل می‌باشد.

جبهه سوم که جبهه سیاسی است، به بحث مطالبه‌گری می‌پردازد. در واقع امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی است. دو تا از فروع دین ما امر به معروف و نهی از منکر است. صرفاً از جنس گفتن و مطالبه کردن. با این حال وقتی در روایات جستجو می‌کنیم همه واجبات در مقابل امر به معروف و نهی از منکر، مثل قطره است در مقابل دریا. اینکه اقتصاد مقاومتی در جامعه توسط مردم و مسئولین پیگیری بشود وابستگی زیادی دارد به مطالبه‌گری. این مطالبه به معنای همان امر به معروف و نهی از منکر است. یکی از بهترین روش‌ها برای اینکار، امر به معروف و نهی از منکر عملی است. یعنی ما خود اولاً عامل به حرف‌هایی که می‌زنیم و مطالبه‌گری‌هایی که می‌کنیم باشیم تا اثرگذاری داشته باشد. مثال عینی مطالبه‌گری عملی در واقع مصرف کالای داخلی است که می‌تواند خود مصداق امر به معروف باشد. البته این جبهه وجه مشترکی با حوزه اجرا دارد که البته از دریچه گفتمان سازی باید به آن نگاه کرد.

البته فعالیت در تمام این جبهه‌ها، مقدمه‌ای است برای جبهه چهارم یا همان جبهه اجرایی. در جبهه اجرایی دیگر حرف زدن وجود ندارد و فقط عمل کردن است. برای مثال وقتی به یک شخص نگاه می‌کنیم در تمام



مصرف کالاهای داخلی چه توسط مردم و چه از طرف دولت و نهاد های دولتی و حکومتی.

مدیریت

در عرصه مدیریت که بیشتر معطوف به مدیران واحد های صنعتی می شود بایستی به بهترین نحو مدیریت (فنی، مالی، بازاریابی و ...) واحد های صنعتی را انجام دهند تا بیشترین بازدهی و بهره وری را در تولید داشته باشیم.

تربیت

در عرصه تربیت، دو مسئله فرهنگ سازی و آموزش باید مورد توجه قرار گیرد. برای مثال ترویج فرهنگ سرمایه گذاری در بخش های دارای مزیت کشور و همچنین آموزش ها و دانش اقتصادی در مورد بخش های دارای مزیت کشور به افرادی که نیازمند این دانش می باشند.

انتخاب

این عرصه هم مربوط به انتخاب های مردم در انتخابات های مختلف می باشد که افرادی را برای تصدی کرسی های مجلس یا ریاست جمهوری انتخاب کند که تفکراتی همسو و همجهت با اقتصاد مقاومتی و به طور خاص مثلاً در زمینه تقویت بخش های دارای مزیت کشور داشته باشد. با این انتخاب های مردم فردی انتخاب می شود که عمل کننده در مسائلی است که مردم به آن ها اعتقاد داشته و تمایل به انجام آن ها دارند. یک بار دیگر این مساله را تاکید می کنم که جهت تحقق اقتصاد مقاومتی بایستی تمامی این ۴ جبهه به صورت همزمان و مداوم فعال شده و در زمینه اقدام و عمل فعالیت کنند. در غیر این صورت نباید انتظار پیشرفت در زمینه اقتصاد مقاومتی را داشت.

اینکه اقتصاد مقاومتی در جامعه توسط

مردم و مسئولین پیگیری بشود وابستگی زیادی دارد به مطالبه گری. این مطالبه به معنای همان امر به معروف و نهی از منکر است. یکی از بهترین روش ها برای اینکار، امر به معروف و نهی از منکر عملی است. یعنی ما خود اولاً عامل به حرف هایی که میزنیم و مطالبه گری هایی که میکنیم باشیم تا اثرگذاری داشته باشد. مثال عینی مطالبه گری عملی در واقع مصرف کالای داخلی است که می تواند خود مصداق امر به معروف باشد

مطالبه گری از هر کسی (حقیقی یا حقوقی) که توان و اختیارات لازم را برای تقویت مزیت های کشور دارد، بشوند. نهادهای مردمی و دانشجویی می توانند نقش مهمی در این حوزه ایفا کنند.

۴. جبهه اجرایی: وقتی به جبهه اجرایی می رسیم هر کسی از احاد جامعه (مردم و مسئول دولت) بایستی وظایف خود را در ۵ عرصه ی اجرایی بداند:

تولید

در بحث تولید، کار اجرایی که از طرف مردم میتوان انجام داد در چند مورد زیر تقسیم می شود. یک اینکه یا خود مردم ورود مستقیم به عرصه تولید بکنند و یا پول خود را به طور در اختیار سرمایه گذار در مزیت های کشور بدهند (مستقیم و غیر مستقیم (بورس)). راه دیگری که می توانند در عرصه تولید انجام دهند، ورود به عنوان کارگر در صنایع مزیت دار کشور است. نقش دیگری که می توانند مردم انجام دهند، دادن مشاوره اقتصادی (البته افرادی که صلاحیت این کار را دارا می باشند) به افرادی است که سرمایه دار می باشند برای ورود به سرمایه گذاری در مزیت های کشور.

مصرف

در عرصه مصرف نیز تماماً در این جمله خلاصه می شود.

ابعاد شخصی او ببینیم که چه کرده است. مثلاً چه پوشیده (ایرانی یا خارجی)؟ چه طور کار می کند (بهره وری)؟ چطور می خوابد و کی بیدار می شود و چه می خورد (سبک زندگی)؟ چطور سفر می رود؟

در ارتباط با ابعاد حاکمیتی و جمعی مثلاً یک مدیر چطور رفتار می کند؟ چطور هزینه می کند؟ چه را امضا می کند و کدام را امضا نمی کند؟ و غیره؛ این یعنی عمل و اجرا در واقعیت.

برای مثال در یکی از ۱۰ مورد اقدام اساسی در اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری در سخنرانی ابتدای سال در حرم مطهر رضوی به آن اشاره کردند یعنی تقویت مزیت های کشور، ببینیم چه کارهایی در هر یک از جبهه های ۴ گانه می توان انجام داد:

۱. جبهه علمی: اولین کار در این جبهه شناسایی مزیت ها و مشکلات اقتصاد در فضای علمی است. هر یک از افرادی که تولید کننده علم در کشور هستند از دانشجو و استاد گرفته تا طلبه و پژوهشگر و ... باید مزیت های کشور و در ابعاد کوچکتر منطقه خودشان را به صورت علمی در قالب های مختلف (مقاله، پایان نامه، گزارش و ...) تولید کنند.

نهاد ها و مراکز دولتی و حاکمیتی هم که در حوزه های پژوهشی و آماری فعالیت می کنند بایستی در این مورد فعال شده و تولیدات علمی درباره مزیت های کشور داشته باشند.

۲. جبهه فرهنگی: ترغیب سرمایه داران برای فعالیت در حوزه مزیت های کشور، چه از طرف دولت که باید با استفاده از ابزار های هدایتی و تشویقی فضا را برای سرمایه دار آماده کند و بعد از آن پشتیبانی از آن را انجام دهد که موجب بشود فضای امن و ایمنی برای سرمایه گذاری در مزیت های کشور ایجاد گردد و چه از طرف مردم که مثلاً با تشویق سرمایه داران شهرشان به ورود به عرصه های مزیت دار کشور موجب رونق بحث گفتمانی تقویت مزیت های کشور بشوند.

۳. جبهه سیاسی: در این جبهه همه باید وارد مقوله

سیاست‌های

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فر



تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط. ۱



پیش‌تازای اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه. ۲



محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور. ۳



استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها برای افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت اثری و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی. ۴



سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه‌انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه. ۵



افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص. ۶



تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید مواد اولیه و کالا. ۷



مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید. ۸



اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی. ۹



حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاهای خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت. ۱۰



توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور برای انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج. ۱۱



افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق دیپلماسی فعال و استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. ۱۲

- ۱- سازمان خصوصی‌سازی وزارت اقتصاد - معاونت کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها
- ۲- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری - وزارت علوم - دفاتر ارتباط با صنعت مراکز آموزش عالی
- ۳- سازمان ملی بهره‌وری معاونت برنامه‌ریزی و توسعه امور انسانی - وزارت کشور و استانداری‌ها - شرکت‌های دولتی
- ۴- سازمان هدفمندی یارانه‌های وزارت اقتصاد
- ۵- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - شرکت‌های دولتی
- ۶- وزارت صنعت، معدن و تجارت - وزارت جهاد کشاورزی

- ۷- وزارت بازرگانی - وزارت بهداشت و امور درمان - وزارت جهاد کشاورزی
- ۸- وزارت بازرگانی - وزارت صنعت، معدن و تجارت - دستگاه‌های دولتی نهادهای فرهنگی حاکمیت
- ۹- وزارت اقتصاد و امور دارایی
- ۱۰- سازمان توسعه تجارت و موسسات حمایت از صادرات وزارت صنعت، معدن و تجارت - مجلس شورای اسلامی
- ۱۱- معاونت مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی ریاست جمهوری

اقتصاد مقاومتی

سادگی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله، سیاست های
صنعت ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برون گرا ابلاغ می شود:



مقابله با ضربه پذیری در آمد حاصل از صادرات
نفت و گاز از طریق انتخاب راهبردهایی چون
انتخاب مشتریان راهبردی، تنوع در فروش محصولات و افزایش
صادرات گاز، برق و فرآورده های نفتی. **۱۳**



افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور
به منظور اثر گذاری در بازار جهانی نفت و
گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و
گاز به ویژه در میدان مشترک. **۱۴**



صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور
با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها،
منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و
غیر ضروری و هزینه های زاید. **۱۶**



اصلاح نظام در آمدی دولت با افزایش سهم
درآمدهای مالیاتی. **۱۷**



افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع
حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی
بودجه به نفت. **۱۸**



شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از
اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزادر حوزه های
پولی، تجاری، ارزی و... **۱۹**



تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید
ثروت، بهره وری، کار آفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال
مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته
در این زمینه. **۲۰**



تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن
به ویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای
و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی. **۲۱**



هماهنگ سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور،
شناسایی ظرفیت های علمی و فنی موجود، رصد
برنامه های تحریم و مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق طرح های
واکنش هوشمند. **۲۲**



شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و
روزآمدسازی شیوه های نظارت بر بازار. **۲۳**



افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات
داخلی و ترویج آن. **۲۴**

۱۳- وزارت امور خارجه - شورای عالی امنیت ملی
۱۴- سازمان امور مالیاتی وزارت اقتصاد - مجلس شورای اسلامی
۱۶- وزارت اقتصاد - وزارت داده گستری - قوه قضائیه
۱۷- سازمان امور مالیاتی وزارت اقتصاد - مجلس شورای اسلامی
۱۸- وزارت امور خارجه - شورای عالی امنیت ملی
۱۹- وزارت اقتصاد - وزارت داده گستری - قوه قضائیه

۲۰- نهاد و سیستم و نهادهای فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزارت علوم - وزارت آموزش و پرورش
۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی
۲۲- هماهنگ سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، شناسایی ظرفیت های علمی و فنی موجود، رصد برنامه های تحریم و مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق طرح های واکنش هوشمند
۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه های نظارت بر بازار
۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن



یک اقتصاد مقاومتی چه ویژگی‌هایی دارد؟

اقتصاد مقاومتی در ۷ پرده

مسعود صباغی

عضو کارگروه اقتصاد مقاومتی قرارگاه شهید باقری



مجامع علمی و آکادمیک برای ارائه آن به عنوان الگو در جهان امری جدی به نظر می‌رسد. با ذکر این مقدمه از اقتصاد مقاومتی و اهمیت آن لازم است با مفهوم آن و ویژگی‌های کمی بیشتر آشنا شویم که در ادامه تعدادی از این موارد آورده شده است.

پویایی

پویایی در مقابل ایستایی و انفعال قرار می‌گیرد و وقتی گفته می‌شود اقتصاد مقاومتی اقتصادی پویاست به این معناست که به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر نیست و قابل تکمیل و انعطاف است و می‌تواند با شرایط گوناگونی که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید وفق یابد. این ویژگی باعث می‌شود کشور اقتصادی انعطاف پذیر داشته باشد و در مقابل تکانه‌های اقتصادی شکنندگی کمتری داشته باشد.

عدالت

یکی دیگر از مولفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی، عدالت است. بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی همانند رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی، تولید، بهره‌وری، اشتغال و ... همگی جز نتایج عمل به اقتصاد مقاومتی خواهد بود اما اگر توجه به مسئله عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت نگردد بی‌فایده است. در واقع هدف اصلی در این بخش عدالت اجتماعی است و الا برای مثال کشور‌های زیادی وجود دارند که دارای رشد اقتصادی و سرانه تولید ناخالص ملی بالایی می‌باشند اما رعایت نکردن عدالت اجتماعی موجب افزایش شکاف طبقاتی و فقر در جامعه‌شان می‌گردد.

دانش بنیان

اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است متکی بر علم و

اقتصاد ایران از همان ابتدای انقلاب با چالش‌ها و مشکلات زیادی مواجه بوده است. تعدادی از این مشکلات ریشه داخلی داشته و مربوط به ساختارهای غلط اقتصادی و رفتارهای غلط اقتصادی بوده است که می‌توان به مواردی چون حجیم بودن دولت و نقش آن در اقتصاد، نبود شفافیت اطلاعاتی، عملکرد بد بانک‌ها و خام‌فروشی اشاره کرد. اما تعداد دیگری از مشکلات کشور ناشی از داخل کشور نبوده و مربوط به محیط اطراف آن است که می‌تواند در دو دسته تخصصی و غیر تخصصی دسته‌بندی شود. از معضلات غیر تخصصی می‌توان به بحران جهانی سال ۲۰۰۸ و کاهش ناگهانی قیمت نفت (با اغماض) اشاره نمود و از معضلات تخصصی می‌توان به تحریم‌هایی که از ابتدای انقلاب شکل گرفته است و روز به روز افزایش یافته اشاره نمود.

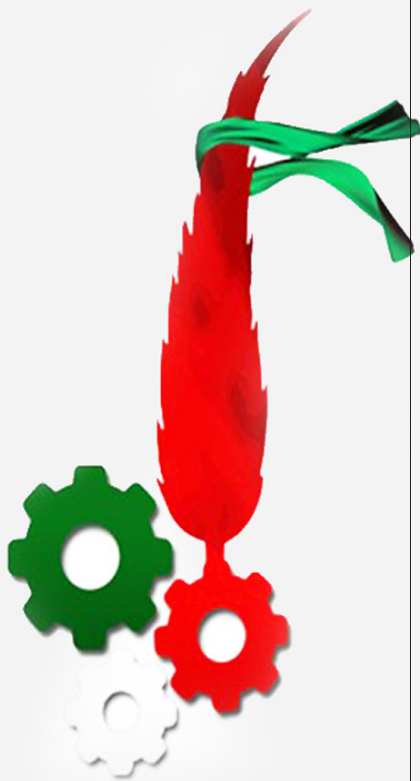
با توجه به موارد اشاره شده اقتصاد مقاومتی یک ضرورت برای اقتصاد ایران است؛ البته باید به چند نکته توجه داشت؛ یکی این که اقتصاد مقاومتی فقط مختص زمان تحریم‌ها نیست و برای امروز و فردای کشور است دوم اینکه گرایش به اقتصاد مقاومتی فقط مخصوص کشور ایران نیست و در سال‌های اخیر با توجه به بحران اقتصادی جهانی، بسیاری از کشورها با توجه به شرایط و ساختارهای درونی خود به دنبال مقاوم سازی اقتصاد هستند و سوم اینکه اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست.

هر چند که در دنیا به مفاهیم مشابهی با اقتصاد مقاومتی با کلیدواژه‌هایی مثل مستحکم (solid)، انعطاف پذیر (Resilience)، شکست ناپذیر (Antifragile) و ... در مراجع علمی و پژوهشی پرداخته شده است اما هیچ یک به جامعیت مباحثی که در کشور ما بدان پرداخته شده است (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی) نمی‌باشد. بنابراین پرداختن به مفاهیم اقتصاد مقاومتی و تبیین آن در

می شود .

- برای روشن شدن مطلب می توان مثال کشور آمریکا را مطرح کرد. این کشور به عنوان وارد کننده نفت در شوک نفتی سال ۱۹۷۳ صدمات زیادی دید و تعداد زیادی از کارخانه های آن تعطیل شدند. آمریکا بعد از این شوک تصمیم گرفت خود را نسبت به شوک های نفتی مقاوم کند و برای این کار ذخایر استراتژیک نفت و گاز ایجاد نمود و شرکای خود را افزایش داد و سعی کرد در تأمین نفت به یک کشور وابسته نباشد. با انجام چنین اقداماتی در مواجهه با شوک های نفتی دیگری که در سال های بعد رخ داد آمریکا آمادگی لازم را داشت و می توانست آن شوک ها را با کمترین تأثیر و اثرگذاری از سر بگذراند.

در مجموع مولفه ها و ویژگی هایی که ذکر شد تعدادی از مهمترین ویژگی های اقتصاد مقاومتی بود که به صورت جامع در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی گردآوری شده اند. مولفه هایی که اگر به آن ها توجه شده و جامع عمل به آن ها پوشانده شود می تواند، آینده و چشم اندازی روشن را برای کشور عزیزمان و بسیاری از کشورهای مستضعف دنیا رقم بزند و نقشه راهی باشد برای کشورهای دنیا باشند.



هر چند که در دنیا به مفاهیم مشابهی با اقتصاد مقاومتی با کلیدواژه هایی مثل مستحکم (Solid)، انعطاف پذیر (Resilience)، شکست ناپذیر (Antifragile) و ... در مراجع علمی و پژوهشی پرداخته شده است اما هیچ یک به جامعیت مباحثی که در کشور ما بدان پرداخته شده است (سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی) نمی باشد

مردمی (مردم محور)

یکی دیگر از ویژگی های اقتصاد مقاومتی مردمی بودن آن است. بدین معنی که مردم و بخش خصوصی واقعی (و نه بخش عمومی غیر دولتی که به عنوان بخش خصوصی نیز شناخته می شود) بایستی محرک اصلی در اقتصاد کشور باشند و نقش دولت در اقتصاد تنها در سه بخش هدایت و تشویق ، حمایت و پشتیبانی و در نهایت در موارد ضروری ورود مستقیم به بخش تولید برای مدیریت بازار تعریف می شود . بنابراین طبق سیاست های کلان جمهوری اسلامی مثلا در اصل ۴۴ مردم باید بدنه اصلی اقتصادی کشور را تشکیل دهند و آن را به حرکت در بیاورند. یکی از تجارب ورود مردم در اقتصاد که توانستند تأثیرات مثبتی بر روی آبادانی کشور داشته باشند الگوی جهاد سازندگی است که لازم است به طور دقیق مورد مطالعه قرار گیرد و از آن ها استفاده شود . - به عنوان نمونه اگر فقط ۱۰ درصد از حجم نقدینگی امروز در جامعه که حدود ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان است ، که می شود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان وارد بخش تولید گردد، تحول و تغییر محسوسی در وضعیت شاخص های اقتصادی شاهد خواهیم بود. برای درک بهتر مسئله مبلغ فوق تقریبا معادل فروش یک سال نفت ایران با قیمت ۴۰ دلار و فروش روزانه ۲ میلیون بشکه است! (که متاسفانه این درآمد حاصل از فروش نفت صرف هزینه های جاری کشور می گردد و نه بخش های زیربنایی کشور)

تاب آوری

یکی از ویژگی های مهم اقتصاد مقاومتی، توانایی مقاومت و انعطاف پذیری نسبت به تکانه ها و تهدید هاست. این ویژگی به قدری مهم است که اگر اقتصاد کشوری تاب آور و شکست ناپذیر باشد می تواند در صورت مواجهه با هرنوع تهدید و یا تغییری مانند بحران جهانی اقتصادی ، خم به ابرو نیاورد و بدون تأثیر پذیرفتن و یا با حداقل تأثیر از بحران ها بگذرد. خود اتکالی در اقلام اساسی به خصوص در بخشی از محصولات کشاورزی یکی از این مواردی است که موجب افزایش تاب آوری یک کشور

دانش که با استفاده از استعداد نیروی انسانی مستعد و فرهیخته به وجود آمده و پروراند شده است. اقتصادی که نه در منابع و ظرفیت های آن هیچ محدودیتی وجود دارد از این نظر که روزی سرمایه انسانی مولد دانش تمام بشود و نه حدی از اشباع برای بازار مصرف آن تعریف می شود، چرا که اول علم و دانش ماهیت فیزیکی ندارند که محدودیتی داشته باشند و در ثانی مرز های علم روز به روز در حال گسترش است و به تبع آن هر روز شاخه ای جدید از علم به روی دانشمندان باز می گردد.

در بند دوم سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی به موضوع پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، لزوم پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات با فناوری بالا و دانش بنیان تاکید شده است. علاوه بر آن در سایر بندها نیز به صورت صریح یا ضمنی به موضوع انتقال فناوری و نوآوری، افزایش بهره وری و نوآوری تاکید شده است. این موارد اهمیت اقتصاد دانش بنیان را در تحقق اقتصاد مقاومتی نشان می دهد.

درونزا

اقتصاد مقاومتی درون زاست. بدین معنی که رویکردش استفاده از ظرفیت ها و امکانات داخلی است مثل سرمایه مالی، منابع طبیعی، نیروی انسانی، موقعیت آب و هوایی و جغرافیایی و غیره. نه اینکه ظرفیت ها و امکانات خارج از کشور را نبیند و استفاده نکند بلکه هم می بیند و هم به صورت حداکثری استفاده می کند اما بدان اعتماد نمی کند و تکیه و نگاهش به داخل کشور است. چرا که به دلایل مختلف ممکن است ظرفیت ها و امکانات خارجی دست رد به سینه ما بزنند. علاوه بر این دلایل استفاده از ظرفیت داخل موجب تقویت روحیه ی خودباوری و ما می توانیم در مردم می گردد.

برونگرا

اقتصاد مقاومتی در عین درونزایی برونگرا نیز هست. برخی در تعریف اقتصاد مقاومتی ، اقتصادی با درهای بسته را ترویج می دهند که این کاملا غلط است. همچنین در اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه با اقتصادی ریاضتی مواجه نیستیم. برونگرایی در عین درونزایی بدین معنی است که همزمان که ما در حال استفاده از ظرفیت های داخلی هستیم ، نگاه به مرز های خارج از کشور برای صادرات محصولات خود و پیدا کردن بازار های بین المللی را نیز داریم. استفاده از ظرفیت همجواری با ۱۳ کشور در و جمعیتی بالغ بر ۳۵۰ میلیون نفر فرصتی است که باید در اولویت برنامه هایمان برای صادرات قرار بگیرد.



گفت و گو با دبیر کارگروه نظارت بر اجرای اقتصاد مقاومتی در مجلس نهم

مجلس قوانین زائد را حذف کند اقتصاد مقاوم می شود

تورم بوده است و به همین اساس جهت گیری های حرکت مجلس این سمت و سو را نشانه گرفت. در همین راستا تشکیل کمیسیون اصل ۴۴ و کارگروه اقتصاد مقاومتی در مجلس و کارگروه نظارت بر اجرای اقتصاد مقاومتی توسط قوای سه گانه در کمیسیون اصل نود و انعقاد جلسات متعدد با تیم اقتصادی دولت برای ایجاد اشتغال و تحرک اقتصادی و تصویب قوانین مربوطه به خروج از رکود و رفع موانع تولید رقابت پذیر صورت پذیرفت. همچنین افزایش بودجه اشتغال از هزار میلیارد تومان پیشنهادی در لایحه دولت به چهار هزار میلیارد تومان و تخصیص ۵۰۰ میلیون دلار به امر اختصاص

عملکرد مجلس نهم را در زمینه اقتصاد مقاومتی چگونه می بینید؟ چه لوايح و طرح هایی در این مجلس تصویب گردید که مصداق تقویت اقتصادی می دانید؟ یکی از اولویت های اصلی و جدی مجلس نهم نگاه معطوف به موضوع اقتصاد بود چرا که در نامگذاری سال های اخیر بلکه یک دهه اخیر هم مقام معظم رهبری نقطه ثقل و اتکا بیاناتشان بر تقویت بنیه اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، افزایش ضریب بهره وری با همت و کار مضاعف و جهادی استوار بوده و هم مطالبه جدی و اساسی مردم توجه به اشتغال، معیشت و رفاه، ارتقاء قدرت خرید و مهار گرانی و

مجلس نهم، یکی از پر سر اتفاق ترین مجالس پس از انقلاب اسلامی بود. از دوران دوساله پایان ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد که چالش جدی میان مجلس و دولت در آن جلوه داشت، تا اختلافات مجلس با دولت بعد در موضوع استیضاح و سوالات مکرر از وزرا. این بحبوحه اشتغالات آن قدر زیاد بوده که کمتر به نقش مجلس نهم و انتظاراتی که از این قوه در حوزه تحقق اقتصاد مقاومتی می رفت، توجه شده است. برای بررسی نقش قوه مقننه در تحقق اقتصاد مقاومتی با داوود محمدی نایب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و مسئول کارگروه نظارت بر اجرای اقتصاد مقاومتی گفت و گو کردیم. محمدی معتقد است مجلس بعدی می تواند مجلسی شاداب تر و کاراتر از مجلس پیشین در زمینه تحقق منویات رهبری در زمینه اقتصاد مقاومتی باشد.

اقتصاد مقاومتی به عمل آورد.

در مورد تنقیح قوانین و تأثیری که در

اقتصاد مقاومتی دارد توضیح بفرمایید؟

یکی از مشکلات جدی ما در مجلس شورای اسلامی تورم قوانین است. در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ عنوان جرم در سامانه سازمان زندان ها به ثبت رسیده است معنای این آمار اینست که در جرم انگاری پد طولایی داریم و این بر خلاف آموزه های دینی ماست که بر بزه پوشی و جرم زدایی و عدم جرم انگاری تأکید دارد و در مورد سایر قوانین هم همین وضعیت را داریم اصولاً وقتی هفته ای ۳ روز در مجلس قانون تصویب می کنیم قطعاً در مدت زمانی نه چندان طولانی حجم قوانین مصوب وضعیت سرسام آوری پیدا خواهد کرد و لذا تنقیح قوانین، شناسایی قوانین زائد، منسوخ، متروک و متضاد از ضروریات انکارناپذیر است.

گرچه در حال حاضر پالایش قوانین در دستور کار مجلس است ولی بایستی این موضوع بسیار جدی تر مورد توجه قرار گیرد و از طرفی در بعضی از موارد نیز مانند مالکیت فکری و به رسمیت شناخته شدن امضاهای الکترونیکی، فضاهای مجازی و اینترنتی... و نیز بایستی خلایق قانونی مرتفع شود و در بعضی از موارد مانند پدیده زمین خواری و مشکلات زیست محیطی نیز باید روز آمدسازی قوانین در دستور کار قرار گیرد.

مجلس در مورد اینکه برنامه ششم را به

نقشه راهی برای تحقق اقتصاد مقاومتی تبدیل بکند چه برنامه ای دارد؟

اولاً عقیده بنده این است که در بحث رسیدگی به برنامه ششم توسعه بایستی با وقت موعود و فرصت کافی در مجلس دهم صورت پذیرد و عملاً هم امکان بررسی آن در مجلس نهم به خاطر مضایق طمانی و مدت کوتاهی که از عمر این مجلس باقی مانده وجود ندارد ضمن اینکه بررسی عجولانه برنامه ای که ریل گذاری برای حرکت پنجساله آینده نظام را ترسیم می کند و مقرون به مصلحت نیست مضافاً بر اینکه باید در برنامه ششم توسعه نسبت به تقویت تولید داخلی، کنترل تورم و خروج از رکود، مهار گرانی، ایجاد اشتغال و افزایش ضریب بهره وری و تسهیل و تسریع در سرمایه گذاری و اصلاح قوانین بانکی (که بیش از نهمصد هزار میلیارد تومان از نقدینگی جامعه را در اختیار دارند و می توانند نقش فوق العاده موثری را در تحرک و پویایی اقتصادی و تقویت تولید و ایجاد اشتغال ایفاء نمایند) تأکید گردد. ■

در ترکیب مجلس دهم ۱۰۶ نفر از منتخبین سابقه حضور در مجلس را دارند و بعضاً از یک تا پنج دوره در قوه مقننه حضور داشته اند که این تجربه توانمندی های نمایندگان را در حوزه های مختلف به ویژه از لحاظ اقتصادی در جایگاه مناسبی قرار می دهد. ثانیاً سطح عالی تحصیلات و دانش راه یافتگان به خانه ملت به نوعی است که مجموعاً مجلس خوب، با طراوت و توانمندی را نوید می دهد

مردم شریف کشورمان متجلی شود که این اقدامات موجبات نگاه جدی تر و اهتمام بیشتر برای عملی شدن سیاست های مربوط به اقتصاد مقاومتی را فراهم می سازد.

مجموعاً مجلس آینده را از لحاظ توانمندی نمایندگان از لحاظ اقتصادی و حرکت در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی چه پیش بینی می کنید؟

در ترکیب مجلس دهم ۱۰۶ نفر از منتخبین سابقه حضور در مجلس را دارند و بعضاً از یک تا پنج دوره در قوه مقننه حضور داشته اند که این تجربه توانمندی های نمایندگان را در حوزه های مختلف به ویژه از لحاظ اقتصادی در جایگاه مناسبی قرار می دهد. ثانیاً سطح عالی تحصیلات و دانش راه یافتگان به خانه ملت به نوعی است که مجموعاً مجلس خوب، با طراوت و توانمندی را نوید می دهد.

به هر حال به نظر بنده مجلس دهم به مقوله اقتصاد، اشتغال و تولید باید نگاهی معنادار و دارای اولویت ویژه داشته باشد و قوانین و مقررات زائد و دست و پاگیر را حذف و با مقررات زدایی، سهولت و سرعت برای سرمایه گذاری را افزایش دهد و در مواردی هم که خلا قانونی وجود دارد باید فوراً نسبت به رفع خلا های قانونی اقدام کند و دولت تیز بایستی در اعمال سیاست خارجی موضوع دیپلماسی اقتصادی را در دستور کار جدی قرار دهد و چابک سازی دستگاه های حاکمیتی و واگذاری امور تصدی گری به بخش خصوصی را عملیاتی کند و با کاهش هزینه ها و هدایت سرمایه های موجود کشور به تولید کالاهای قابل رقابت و صادرات، ایجاد رقابت سالم و عزم جدی برای واگذاری طرح های نیمه تمام عمرانی، ایجاد برندهای معروف با قدرت رقابت با محصولات خارجی و نهایتاً سرمایه گذاری در حوزه های سودآوری مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، نفت و گاز و پتروشیمی، معادن و صنایع اقدامات لازم را برای اجرایی شدن

جوانان و پیش بینی جوایز صادراتی به منظور ایجاد انگیزش در تولید کنندگان و صادرکنندگان و اعمال معافیت های مالیاتی برای صادرکنندگان و توجه به تجاری سازی علوم و شرکت های دانش بنیان و اخیراً تصویب اصلاح قوانین بانکداری طبق اصل ۸۵ قانون اساسی از جمله اقدامات خوب مجلس بود.

درباره ی کارگروه نظارت بر اجرای اقتصاد مقاومتی که در کمیسیون اصل ۹۰ و به ریاست شما تشکیل شد بیشتر توضیح دهید.

به دنبال فرمایشات مقام معظم رهبری و ابلاغ سیاست های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی بلافاصله کارگروهی در کمیسیون اصل نود شکل گرفت که نسبت به پیگیری موضوع و اجرای سیاست های ابلاغی نظارت کند و بر همین اساس از طریق قوای مختلف اجرای موضوع تعقیب شد و مداوماً از دستگاه های مختلف اقدامات به عمل آمده مورد سوال واقع شد که پاسخ های واصله بالغ بر چند مجلد حاوی دستورالعمل ها و آئین نامه های صادره و تعیین شرح وظایف سازمانی و شناسایی موانع و راهکارهای نیل به اهداف می باشد.

*شما به عنوان مسئول این کارگروه عملکرد خود را در این زمینه چطور ارزیابی می کنید؟

گام های مقدماتی و تمهیدات اجرای اقتصاد مقاومتی فراهم شده ولیکن هنوز به منصفه بروز و ظهور به نحوی که آثار آن برای مردم ملموس و محسوس باشد نرسیده است و قطعاً قوای سه گانه بایستی با همدلی و هم گرایی و هم افزایی از تمامی ظرفیت های موجود برای تحقق نامگذاری سال جاری که تأکید بر اقدام و عمل در عرصه اقتصاد مقاومتی است بهره گیری کنند تا مردم عزیز ما آثار آن را به طور مشهود رویت کنند به نحوی که نتایج آن در سفره های مردم هویدا شود و قدرت خرید عمومی افزایش یابد و معضل بیکاری جوانان عزیز و تحصیلکردگان ما که به شدت از آن گله مند هستند به طور ملموسی کاهش یابد.

آیا تداوم این کارگروه را در مجلس آینده مفید و ضروری می دانید؟

بی تردید یکی از عوامل موثر بر نحوه اجرای سیاست های ابلاغی، نظارت نسبت به اجرایی شدن برنامه ها و دستورالعمل هاست که وجود چنین کارگروهی در کمیسیون اصل نود می تواند در قالب تذکر به مسئولین و وزارتخانه ها و در مواقعی ارسال پرونده ها به قوه قضائیه یا قرائت عملکرد سازمان ها، دستگاه ها و وزارتخانه های مختلف در صحن علنی مجلس به



بررسی اقتصاد مقاومتی از منظر قوانین در گفت و گو با عادل پیغامی

نمایندگان مجلس شهوت وزیر شدن دارند!

سوال برای سوال نخست باید پرسید آیا قانون اساسی ما جامعیت لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی را دارد؟ قانون اساسی ما که ۳۰ سال پیش نوشته شده است آیا مسائل امروز اقتصاد

ما را می تواند (و باید) پشتیبانی بکند؟

در یک بخش هایی جواب مثبت است، مثلا در قانون اساسی آمده است که مردم آزاد اند و مختار و ... ولی ممکن است جواب در بخش هایی هم منفی باشد. در واقع سوال از جامعیت قوانین کلان است. قانون اساسی خوب، قانون اساسی است که به نحوی نوشته شده باشد که کاملا قابل تفسیر باشد. چون قانون اساسی را مدام عوض نمی کنند. بعضی در کشور ما، قابل تفسیر بودن قانون اساسی را نقطه ضعف می دانند و می گویند شما یک اصل ۴۴ نوشته بودید که با آن یک بار آمدید و تمام بانک ها و معادن را دولتی کردید و یک بار آمدید و همه آن را با هم خصوصی کردید! این چه قانون اساسی است؟!

اتفاقا قانون اساسی درست، همین قانون اساسی است. قانون اساسی که تفسیر نشود کاربرد ندارد. قانون اساسی که کلماتش به نحوی نوشته نشده باشد که بتوان از آن ده ها مدل تفسیر کرد؛ حتی تفاسیر

یکی از دغدغه های جدی برای مجلس دهم، نبود برگزیدگان اقتصاد دان و کارشناس اقتصادی زیاد برخلاف مجلس قبل و حضور افراد سیاسی با غلظت بیشتر است. این که چگونه باید این خلاء جبران شود و کدام نیازهای قانونی گرفته -از قانون اساسی گرفته تا قوانین مادر یا قوانین جزء- موضوع گفت و گوی ما با دکتر عادل پیغامی شد. پیغامی استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) و یکی از تئوریسین های گفتمان اقتصاد مقاومتی در کشور است که دانشجویان و اساتید زیادی را به این رویکرد معطوف کرده است.

نقش مجلس شورای اسلامی در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی،

نقش محوری دارد. در حقیقت مجلس را می توان گلوگاه دولت برای اجرای برنامه های خود در نظر گرفت. اگر مجلس قوانین را با دقت بالا تصویب و به دولت ابلاغ نماید و نظارت جدی بر اجرای آن داشته باشد، می توان انتظار داشت نتایج اقتصاد مقاومتی در عمل مشهود شود. اما اگر مجلس بدون توجه به کار کارشناسی و عواقب قوانین و طرح های خود آن را به دولت واگذار کند، یا با عدم اجرای دولت و یا با اجرای سلیقه ای توسط آن مواجه می شود. بعد از انتخابات ۹۴

متناقض - تا این حد پررنگ می گویم - کاربرد ندارد. مگر در آرمان ها و اصول که باید ثابت باشد. اینکه ربا حرام است جز اصول حاکم است اما در حوزه اصل ۴۴ که ما چقدر باید در بخش معدن دولتی باشیم یا نباشیم، اتفاقا بخشی است که باید تفسیر بشود. خیلی از اصل های قانون اساسی هنوز دست نخورده و بکر مانده اند به دلیل این که تفسیر نشده اند. زیرا به محض این که بخواهید قانون اساسی را اجرا کنید، باید یک تفسیر از آن داشته باشید که بر اساس آن قوانین کلان استخراج شود. مثلا اصل ۴۵، که مربوط به حوزه انفال است (نفت هم جزئی از آن است)، تا بحال تفسیر نشده است. قانون نفتی که اتفاقا از اول انقلاب تا به حال نداشتیم بدلیل این است که تفسیر اصل ۴۵ را نداریم. بسیاری از اصول قانون اساسی ما الان معطل مانده است چون آن ها را تفسیر نکردیم. چون توان تفسیری در بدنه نخبگانی کشور و بدنه اجرایی کشور متأسفانه نیست.

از قانون اساسی که بگذاریم، آیا قوانین کلان و مادر ما از جامعیت لازم برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی برخوردارند؟

اصلاً و ابداً؛ مثلاً ما در اقتصاد مقاومتی چیزی به اسم قانون ضد انحصار لازم داریم. بند هایی لایه لای یک سری قوانین داریم ولی کاربرد ندارد. قانون شفافیت اطلاعات و گردش اطلاعات لازم داریم. قانون خصوصی سازی را تا یک حدی برایش فکر شد ولی باز هنوز به نظر من قانون نیست. قانون محیط زیست، مسائل زیست محیطی، قانون هوای پاک (که در آمریکا ۴۹۶ صفحه است!) را لازم داریم که وجود ندارند.

مواردی که اگر جستجو کنید در فضا دولتی آمریکا یا انگلیس یا... در قالب Act نامیده می شود (Energy act, Clean air act).

Act های کلان و بزرگ، مثلاً Energy act در آمریکا 590 صفحه است یک قانون عجیب و غریب و کلانی که کل انرژی آمریکا را می خواهد یکجا مدیریت کند. انرژی همه جا حضور دارد، اینجا شما انرژی مصرف می کنید، کارخانه، ماشین توی خیابان و... انرژی مصرف می کنند. مثل قانون تجارت که همه جا سرریان دارد، انرژی و محیط زیست هم همین طور هستند و همه جا سرریان دارند. این ها نمونه هایی از قوانین کلان هستند که ما به آن ها نیاز داریم.

ما زنجیره ای از قوانین کلان را در کشورمان کم داریم. یا ابه اسم هستند ولی جامعیت ندارد و یا کلاً وجود ندارد. مثل قانون انرژی، قانون ضد انحصار

اغلب لوابیحی که دولت به این مجلس می دهد، بیش از ۶۰-۷۰ درصد تغییر می کند. وقتی من لایحه ای بدهم و ۶۰-۷۰ درصد تغییر بکند چه چیزی از آن می ماند؟! از جمله قانون بودجه و برنامه های توسعه. یعنی واقعا دولت ها کاره ای نیستند

(ضد کارتل) و قانون شفافیت اطلاعاتی که نداریم. برای قانون مالکیت معنوی هم اخیراً یک پیش نویس هایی نوشته شده است ولی هنوز به نتیجه نرسیده است. تصویب این قوانین کلان شاید مهمترین مساله است که ما باید نسبت به آن جدی باشیم.

مشکلات موجود در اجرای قوانین موجود و فعلی ما چیست که ما شاهدیم بسیاری از قوانین مصوب می شوند اما مجریان به سادگی از اجرای آن سر باز می زنند؟

اولین مشکل در حسن اجرا این است که ما چیزی به اسم تنقیح قوانین در کشور نداریم. اسم و کمسیون آن را هم داریم ولی خودش رو نداریم. حتی یکی دو بار در متن قانون، مجلس مصوب کرده که دولت باید بیاید و با کمک و نظارت مجلس تنقیح قوانین بکند، ولی اجرایی نشده است. در انتها هم ما را به سازمان بازرسی سپرده اند که تاکنون نتیجه ای حاصل نشده است. واقعیت این است که هر قانونی ۱۰۰ بند و ۱۰۰۰ تا شاخه دارد و شاخه های آن با شاخه های ده قانون دیگر در هم تنیدگی دارد؛ این ها باید در یک نهادی رسیدگی شود.

هر قانون جدیدی که می خواهد وضع بشود باید با تمام بدنه درخت قوانین کشور، پیوند های افقی و عمودیش بررسی شود. به این کار می گویند تنقیح قوانین که در کشور ما صورت نمی گیرد؛ مخصوصاً در قوانین جاری این اتفاق نمی افتد. چون ما حتی یک بار هم همه قوانین را یک جا جمع نکنیم. ما یک قانون داریم که سال ۴۲ نوشته شده، یک قانون داریم سال ۶۲ نوشتیم و یک قانون داریم که سال ۸۲ نوشتیم. حتی برخی اوقات ما کار کتابخانه ای آن را نکرده ایم. الان به عنوان مثال یک کسی بیاید و بگوید قوانین حوزه نفت را می خواهم در یک کتاب کلسش را ببینم. قوانین حوزه پولی و بانکی و... را می خواهم در یک کتاب ببینم چنین چیزی را ما نداریم.

چرا لوابیح و برنامه هایی که برای تصویب به مجلس می آیند، این قدر دچار تغییر می شوند و آیا این تغییر خصوصاً در برنامه های اقتصادی فی نفسه چیز خوبی است؟

مجلس به جای اینکه برود در قسمت های نتیجه

ای - آن هم نتیجه های خاص که اگر یک مورد را بیرون بکشیم ده مورد دیگر حاصل خواهد شد - بایستد و مطالبه بکند در حسن اجرا، وارد فرآیند اجرا می شود.

اصطلاحی که من دارم این است که اکثر نمایندگان مجلس ما - نه این نماینده ها! نمایندگان قبلی - چون شهوت وزیر شدن داشته اند و مدیر کل شدن و معاون وزیر شدن، وقتی نماینده مجلس می شوند، پا در کفش مدیر کل و وزیر و معاون وزیر می کنند. انگیزه خدمت داشتن را رهبری به همه می گویند، ولی وقتی به نماینده مجلس می گویند معنی اش چیست؟ معنی اش این است که خدمت خودت را بکن. الان ممکن است که من بهترین دندانپزشک کشور باشم، الان ایستاده ام در اینجایی که باید به عنوان معلم مجلس عمل بکنم. اگر حین کار شروع بکنم روی دندان های یکی از شما هم کار کنم، می گویند اینجا جای این کار نیست. بعضی از کسانی که الان نماینده مجلس اند قبلاً وزیر بوده اند و ممکن است وزرای خیلی خوبی هم بوده باشند و یا بالقوه وزرای عالی باشند اما الان اسمشان نماینده است. خدمتی که الان از آن ها متصور است، خدمت نمایندگی است، خدمت تقنینی است، نه خدمت ورود به فرآیند های اجرایی.

اگر در عملکرد نمایندگان مجلس از کمسیون ها گرفته تا نوع تعاملی که با دولت می کند نگاه کنید همه ورود در فرآیند های اجراست. این بسیار بسیار خطرناک است. نتیجه اش این می شود که قدرت دارد و استیضاح می کند و مجلس هم که در راس امور است. اتفاقاً مدیران از این برخورد مجلس استقبال می کنند، چراکه اگر طرحی موفق باشد که هیچ اما اگر طرحی موفق نشود می گوید به من چه! نماینده مجلس گفته است. اتفاق بارها افتاده است که وقتی خراب می شود مصاحبه می کند که چرا از ما می پرسید؟! مجلس ما را مجبور کرد به اجرای این قضیه.

این از مشکلات کشور ماست. اغلب لوابیحی که دولت به این مجلس می دهد، بیش از ۶۰-۷۰ درصد تغییر می کند. وقتی من لایحه ای بدهم و ۶۰-۷۰ درصد تغییر بکند چه چیزی از آن می ماند؟! از جمله قانون بودجه و برنامه های توسعه. یعنی واقعا دولت ها کاره ای نیستند.

آن لایحه ای که در دولت نوشته شده معمولاً بدنه کارشناسی داشته است ولو بدنه کارشناسی نصفه نیمه باشد. بالاخره یک دانش انباشته شده ی رسوب شده ای در سازمان برنامه وجود دارد. ولی وقتی می آید در مجلس تقریباً هیچ بدنه کارشناسی وجود

ندارد. آن حدی هم که هست در مرکز پژوهش ها، خود مسئولین مرکز پژوهش ها و اساتید و مدیر گروه های آن می گویند که مجلس به حرف های ما گوش نمی دهد و اصلا مطالب ما را نمی خواند. مجلس باید بفهمد که اجازه ورود به مسائل اجرایی را ندارد. مجلس اگر عاقل باشد در هر قانونی مثلا اگر مجلس در زمینه ارز نگران است، اشکال ندارد بیاید دو تا قاعده کلان با سه تا خروجی خاص را مطالبه بکند از دولت و بقیه اش را بسپرد به دولت و بگوید هر طور دوست داری انجامش بده.

مشکلات امروز مجلس ما چیست؟

در نظام انگلستان وقتی قانونی می آید صحن مجلس ممکن است ۵ تا ۵۰۰ صفحه باشد، ۱۰۰۰۰ صفحه باید اسناد پشتیبان داشته باشد. در کشور ما اکثرا اسناد پشتیبان ندارند. ما قانون نداریم، کلی گویی هایی داریم به اسم قانون، ما فهرستی از تکالیف کلان کلی داریم که قابل بازخواست نیست و شاخص های ملموس ندارد.

انفعال و مطوعه مجلس در مقابل دولت به این معنا که مجلس همیشه می گوید ما آماده ایم تا هر قانونی لازم است دولت بفرماید و ما انجام بدهیم. این که اسمش مجلس نشد که دولت و هیئت دولت که خیلی بهتر از تو عقل کارشناسی دارد برای تصویب یک قانون.

قانون باید پیشگیری بکند به جای اینکه پسگیری بکند. مجلس باید مثل شطرنج باز بیاید و بگوید اگر من این قانون را بگذارم او چه واکنشی انجام می دهد که من دوباره باید آن را هم پیش بینی بکنم. گاهی اوقات باید تا ۱۰ مرحله بازی خوانی بکند تا یک قانون وضع بشود. مثلا قانون بگذاریم بعد ببینیم ده ها فرصت رانت ایجاد کرد و ده ها رانت خوار را



در نظام انگلستان وقتی قانونی می آید صحن مجلس ممکن است ۵ تا ۵۰۰ صفحه باشد، ۱۰۰۰۰ صفحه باید اسناد پشتیبان داشته باشد. در کشور ما اکثرا اسناد پشتیبان ندارند. ما قانون نداریم، کلی گویی هایی داریم به اسم قانون، ما فهرستی از تکالیف کلان کلی داریم که قابل بازخواست نیست و شاخص های ملموس ندارد.

خودمان به طور قانونی مجوز دادیم.

مجلس در کوتاه مدت برای اقتصاد

مقاومتی چه می تواند بکند؟

یک وجه اش این است که آیا مجلس توانایی های لازم را برای اقدام در اقتصاد مقاومتی دارد یا نه. خب مثلا مدتی طول می کشد تا آن ۷۰-۸۰ درصدی که جدید هستند، اساسا با قانون و تقنین و آیین نامه ها و گردش کمیسیون های مجلس آشنا بشوند. مثلا کاری که مرکز پژوهش های مجلس انجام می دهد این است که در ابتدای ورود این ها و قبل از آغاز مجلس جدید معمولا دوره های آموزشی می گذارد که معمولا بخش عمده ای از این نمایندگان جدید اساسا در این دوره ها شرکت نمی کنند. اصل مشکل از آن جایی آغاز می شود که این نمایندگان با مسئله اقتصاد مقاومتی و پیش زمینه های تقنین و کارهایی که در این زمینه انجام شده و باید بشود آشنا نیستند، به همین دلیل فضا خیلی مناسب نیست و زمینه اش فراهم نیست برای این که بگوییم چه کار باید کرد.

اما در مقام تئوریک و با فرض این که این مقدمات فراهم باشد، مجلس می تواند در کوتاه مدت نسبت به یک سری از نیاز های تقنینی اقتصاد مقاومتی اقدام عاجل بکند. من معتقدم که مجلس بایستی ورود فعال داشته باشد. این که بگوییم اصل کار قوه مجریه است و دولت باید لایحه بدهد و دولت تصویب کند، نتیجه اش این می شود که قوه مجریه نقش فعال را می گیرد و مجلس در نقشی قرار می گیرد که باید یا تصویب بکند و یا نکند. اگر تصویب نکند پس قوه مجریه چه کاری می تواند بکند و اگر تصویب کند پس اساسا چرا ما قوه مقننه قرار دادیم. می توانستیم به خود دولت این اختیار را بدهیم که پیش نویس را بنویسد و یک کمیسویی شکل حقوقی و قانونی به آن بدهد و سپس به شورای نگهبان ارسال شود و اگر تایید کرد خود به خود قانون محسوب بشود. مشابه اختیاری که به شورای عالی انقلاب فرهنگی داده شده است که مصوباتش در حکم قانون است. این نشان دهنده این است که مجلس هنوز نقش اساسی و تقنینی خودش را نمی شناسد. اگر مجلس ورود تقنینی خودش را بکند در کوتاه مدت هم می تواند در اقتصاد مقاومتی اثرگذار

باشد می تواند نیاز ها را برطرف بکند. اما در مقام واقع مواجهیم با این مسئله که مجلس در سال ۹۵ بایستی برنامه ششم را تصویب بکند و فرض بر این است که این برنامه بایستی مشتمل بر اقتصاد مقاومتی تصویب بشود. به نوعی می توان گفت که یک برنامه ۵ ساله است برای تحقق اقتصاد مقاومتی. این یکی از اقداماتی است که باید در سال ۹۵ انجام بشود. علاوه بر این که کوتاه مدت است از نظر فاصله زمانی تا تصویب آن بسیار اساسی است و ریل گذاری هایی که باید در ۵ سال آینده در چارچوب آن ها عمل بشود.

آیا این دوره مجلس با کمبود بدنه

کارشناس اقتصادی دچار مشکل خواهد شد؟ درست است که مجلس دچار تغییرات اساسی می شود اما مجلس یک مرکز پژوهش هایی دارد که بدنه کارشناسی آن خیلی تغییر نمی کند. اگر آن مرکز درست عمل بکند و سازمان مجلس پذیرای نظر کارشناسی مرکز پژوهش هایش و همین طور کمیسیون های تخصصی مثل کمیسیون اقتصادی، تلفیق و ... باشد لازم نیست حتما یک تعداد قابل توجهی از اقتصاددانان در مجلس باشند تا بدنه مجلس به لحاظ اقتصادی خوب عمل بکند. به شرطی که کمیسیون ها نیز کاررویه های مربوط به خود را به درستی انجام بدهند و علاوه بر مرکز پژوهش ها با بدنه نخبگانی کشور خوب ارتباط بگیرند ما نگرانی از این قضیه نداریم.

در مورد امنیت روانی فعالین اقتصادی

برای ورود به حوزه تولید مجلس چه می تواند بکند؟

تولید کننده قبل از تولیدش، یک امنیت روانی نسبت به این که سرمایه اش از بین نمی رود لازم دارد، و این که محصولش بتواند بازار خود را پس از تولید پیدا کند. مشکل بارز این است که بخش خصوصی واقعا نمی داند که دولت چه وقت برای واردات کالای خارجی تصمیم می گیرد. یعنی امنیت بازار بعدی و مصرفی خودش را ندارد. یک بخشی از ناامنی اقتصادی هم آن جایی است که ما بی ثباتی قوانین داریم. گاهی اوقات دولت در بحث های مالیاتی، قانون کار و مقررات گذاری هایی که می کند، امنیت تولید کننده را بهم می زند. مثل ورود هایی که دولت در واردات کالاهای واسطه ای می کند، تخصیص ارز برای واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، تصمیم گیری های تولید کننده را متاثر می کند. در مجموع امنیت اقتصادی تولید کننده به سه قسمت قبل، حین و پس از تولید تقسیم بندی می شود. ■

شاید برای عده ای این سوال به وجود

آمده باشد که اقتصاد مقاومتی که

در مقابل تحریم ها به وجود آمد، چرا

امروز و در دورهی برداشته شدن تحریم ها

هنوز مطرح و مورد تاکید است؟ آیا با وجود این

دولت اصلا سخن گفتن از اقتصاد مقاومتی ناظر

به واقعیات هست؟ و سوالاتی از این دست. در

این باب چند نکته گفتنی است.

۱- اقتصاد مقاومتی ویژگی ها و ارکان متعددی دارد مثل دانش بنیان شدن، مردم محور بودن، شفافیت و مبارزه با فساد، تقویت تولید ملی و... که صرفا یکی از آنها مقابله با تحریم های دشمن بوده است. پس در دوره پسایر جام و با فرض برداشته شدن تحریم ها هم خللی به اصل و ضرورت اقتصاد مقاومتی وارد نمی شود و نیازمندی های دیگر به جای خود کماکان باقی است.

۲- زمانی که در دوره ماقبل برجام تحریم های شدید و ظالمانه ای علیه کشور اعمال شده، چه تضمینی وجود دارد که در آینده نیز مجددا شاهد چنین تحریم هایی نباشیم، پس ضرورت عقلی ست که تدابیر لازم را برای آسیب ناپذیری در مقابل تهدیدات احتمالی در نظر بگیریم. مثل خانه ای که دزد چندین بار به آن زده و سارقش هنوز دستگیر نشده اما چون چندصاحی به این خانه سر نزده، صاحب خانه مراقبت از خانه اش را رها می کند. علاوه بر این با فرض عاید شدن دزد اول، نمی توان اطمینان داشت که از دزد های دیگر در امان باشیم. در نتیجه از لحاظ ضرورت اقتصاد مقاومتی دوره پسایر جام تفاوتی با دوره ماقبل برجام ندارد.

۳- برخی از دولتمردان و کارشناسان نزدیک به دولت معتقد بودند که تقویت و مقاوم سازی اقتصاد کشور در شرایط تنگناهای مالی و ساختاری تحریم امکان پذیر نیست. با این حساب هم اکنون بهترین دوره برای اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی است.

۴- قراردادهای پسایر جام مهم ترین فرصت برای نفوذ و رخنه در کشور از طریق نظام اقتصادی است؛ چه در سطح سیاست ها و چه در سطوح پایین تر. کسی هم اصل این خطر را انکار نمی کند، در حالی که شاید بر سر مصادیق آن اختلاف نظر وجود داشته باشد. پس مستحکم سازی نظام اقتصادی کشور اگر بیش از پیش مورد نیاز نباشد، کمتر نیست.

۵- گشایش ها، فرصت های زیادی را جهت تعاملات گوناگون قرار است ایجاد کند و هر تعامل جدیدی موقعیتی برای یک انتخاب است بین چند گزینه. انتخاب این گزینه ها

در مجموع از نوع نگاه و اصول خاصی باید پیروی کند که رویکرد حاکمیت (دولت) را نسبت به اقتصاد کشور نشان می دهد. انتخاب هایی بین انتقال فناوری یا وابستگی فناوری، خام فروشی نفت یا توسعه پایلایگاه و پتروشیمی و... اولویت ارتباط با کشورهای همسایه و نزدیک یا کشورهای با سابقه ی معارضا و صدها انتخاب دیگر.

زمانی که کار به رویکرد و تعیین نگاه کلی می رسد، قاعدتا برای مسئولین نوع نگاه تعیین شده ی بالادستی نظام در قالب قانون اساسی، سیاستهای ابلاغی و بیانات مقام معظم رهبری در اولویت اجرا باید باشد. این امر از لحاظ قانونی هم مسجل است و نیازی به اعتقاد قلبی و... برای اجرای فرمان رهبری و قوانین بالادستی نیست. کسانی که مسئولیت هایی در جمهوری اسلامی پذیرفته اند، قبل از آن به صورت خودکار، اجرای این فرامین و قوانین را پذیرفته اند.

۶- مرور بیانات مقام معظم رهبری و اقدامات دولت ها در دوره های مختلف حاکی از یک اصل نانوشته ای دارد، معظم له با دادن اختیارات، با ارائه رهنمودهای خود در مواقع لازم و با تجربه و شناخت بالای خود از مسئولیت ها و مسیر جمهوری اسلامی، همواره توانسته اند دولت ها را به اجرای سیاست های صحیح سوق دهند، حتی اگر آن شعار در ظاهر مخالف مشی دولت روی کار باشد. در این مورد صرفا برای یادآوری می توان به تصویب قوانین و سیاست های اشتغال در دوره ی دولت اصلاحات (بی توجه به توسعه اقتصادی) و ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ در دولتی که با تابلوهای مخالف پررنگ شدن بخش خصوصی فعالیتش را آغاز کرده بود، اشاره کرد.

ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی در اوج دوران مذاکرات و توافقات دولتی که دال گفتمانیش نگاه به خارج و مذاکره است و اعلام امید به دیدن تاثیر اجرای این سیاست ها در دوره ی همین دولت، در کنار صدور مجوز مذاکره همراه با اعلام عدم خوش بینی و... گام هایی بودند که در چند سال اخیر برداشته شدند تا دولت پس از روبرو شدن با واقعیات استکبار و برجام و اقتصاد کشور (البته در صورت جهل)، به گزاره ی «اقتصاد مقاومتی؛ علاج مشکلات و تنها راه نجات» برسد.

امروز با دولتی روبرو هستیم که بسیاری از مسئولان کم کم به بردن کلمه ی اقتصاد مقاومتی عادت می کنند و در حال برنامه ریزی (حداقل روی کاغذ) برای اجرای سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی هستند؛ خلاف میل قلبی، چرا؟! چون راه دیگری برای ادامه مسیر ندارند. واقعیات اقتصاد کشور، اجازه محدود و مشروط به آنان برای پیاده سازی راهکار متفاوتشان و تجلی نتایج اجرای این راهکار، راهی برای ادامه

خوش خیالی ها و داستان سرایی ها در مقابل مسئولان ارشد نظام و در اجرا گذاشته است. در نتیجه دولت علیرغم اعتقاد اولیه و میل درونی، در حال حرکت برای تحقق اجزایی از اقتصاد مقاومتی است؛ گرچه با سرعتی بسیار کم.

۷- در بین بدنه نخبگانی و مشاوران نامعتقد به این سیاست ها هم اجماع کلامی و وفاق برای حرکت در این زمینه وجود دارد. امروز واژه ی اقتصاد مقاومتی و یادداشت هایی با مضمون «اقتصاد مقاومتی؛ علاج مشکلات و تنها راه نجات» از زبان تئوریسین های برنامه چهارم توسعه و اساتید مکتب نیابوران و... شنیده می شود. چرا؟! چون با در اختیار داشتن این دوره از قوه مجریه، دیگر بهانه ای برای نداشتن فرصت و توجیه ناکارآمدیشان ندارند و فی الحال نسخه جایگزین دیگری با توجه به آموزه های غربیشان برای وضعیت فعلی اقتصادی و خروج از رکود و... در دسترس شان نیست. برخی موضع گیری های رسانه ای البته برای خالی نبودن عریضه انجام می گیرد اما باید به یادداشت های تحلیلی جدی تر و جلسات درس و بحث این اساتید توجه بیشتری کرد.

۸- امروز برای تحقق اقتصاد مقاومتی در دوره پسایر جام (و ماقبل از بین رفتن برجام) بیش از هر چیزی به نقش آفرینی نخبگان معتقد در حوزه اجرا و فعالان فرهنگی و مردمی در حوزه گفتمان سازی نیاز داریم که پازل برخی وقایع مثبت در حال وقوع را تکمیل کنیم.

۹- منتظر خبرهای بهتری از دل این دولت نامعتقد به اقتصاد مقاومتی، در زمینه اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی باشید.

۱۰- شاید به عنوان حسن ختام این یادداشت، باید به دولت دوازدهم بابت تحویل گرفتن دولت در شرایطی که دولت فعلی زیرساخت گفتمانی اقتصاد مقاومتی را با ناامید کردن مردم از «امریکا» و «نگاه به بیرون»، و زیرساخت اجرا را با «تدوین برنامه برای سازمان های مرتبط» و «اجرای (از روی ناچاری نه باور و میل) برخی پروژه ها» در این راستا فراهم کرده است، پیشاپیش تبریک گفت و آن را دولت تحقق اقتصاد مقاومتی نامید!

✳️ این یادداشت ابتدا اقتصاد مقاومتی در دوره «پساتحریم» نام داشت که به دلیل اینکه کسی را نیافتیم که اعتقاد به برداشته شدن کامل تحریم ها داشته باشد، به «پسایر جام» تغییر نام یافت.

عرض تبریک پیشاپیش به دولت دوازدهم!

اقتصاد مقاومتی در پسایر جام



برنامه ششم توسعه در حالی امسال باید به تصویب مجلس رسیده و به عنوان راهنمای اقدامات ۵ ساله آتی دولت به شمار خواهد رفت که در برنامه پنجم توسعه، دولت مکلف شده بود پیش از تصویب برنامه ششم، الگوی اسلامی ایرانی را به عنوان ضمیمه و پیوست این برنامه توسعه ارائه نماید. اما در حالی برنامه ششم در چندماه آینده نهایی می شود که هیچ خبری از این ضمیمه نیست و گویا این بند از برنامه توسعه نیز همچون بسیاری دیگر از بندها، به محاق رفته است. اهمیت این ضمیمه در حدی بوده است که به گفته رهبر معظم انقلاب؛ «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نقشه جامع اداره کشور می باشد» و مفاهیمی چون اقتصاد مقاومتی شالوده و وجه مادی چنین نقشه ای را تشکیل می دهند. بی شک اقتصاد مقاومتی مجموعه راهکارها برای اداره اقتصاد کشور می باشد. حال باید دید اقتصاد مقاومتی یا به تعبیری وجه مادی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و از آن بالاتر خود الگو در برنامه ششم توسعه چه جایگاهی دارد؟!»

همزمان با تکاپو دولت یازدهم برای بررسی و تصویب لایحه برنامه ششم توسعه در مجلس شورای اسلامی، انتقادات برخی از نمایندگان و به خصوص کمیسیون فرهنگی مجلس و همچنین تعدادی از کارشناسان فرهنگی کشور نسبت به نادیده گرفته شدن مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی در تدوین لایحه برنامه ششم همچنان ادامه داشت و هر روز به تعداد منتقدین لایحه پیشنهادی افزوده می شد.

دکتر نوبخت از دست پر دولت درباره الگوی پیشرفت اسلامی سخن گفته که تامل در آن خالی از لطف نیست. وی اظهار داشته است: «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تهیه و قرار بود به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و بعد برنامه ششم بر پایه آن تهیه شود، تا سال سوم این اتفاق عملی نشد به جهت اینکه در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام الگوی اولیه آن از سوی این مرکز تهیه شده بود ما در این خصوص دست پر بودیم و نمی خواستیم از منابع سازمان مدیریت و برنامه ریزی استفاده کنیم!»

پنجم آبان ماه ۹۴ دولت یازدهم قسمت اول لایحه برنامه ششم را با قید یک فوریت به صحن مجلس آورد. محمدباقر نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سخنگوی دولت با حضور در مجلس از یک فوریت این لایحه دفاع کرد و در نهایت پس از طرح نظرات نمایندگان موافق و مخالف، مجلس با یک فوریت این لایحه مخالفت کرد. دولت در حالی این لایحه را به صحن علنی مجلس آورد که طبق بند اول برنامه پنجم

سخنگوی دولت در تیرماه سال ۱۳۹۴

نیز در پاسخ به مجری تلویزیونی درباره زمان تدوین لایحه برنامه ششم توسعه اعلام کرد که کتاب برنامه ششم توسعه نوشته شده است و آماده می باشد که مبنای آن همان متن «امنیت ملی و نظام های اقتصادی» تهیه شده در مرکز استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد

کشور «دولت موظف است با همکاری سایر قوا الگوی توسعه اسلامی-ایرانی را تا پایان سال سوم برنامه، تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه های بعدی قرار می گیرد.»

سخنگوی دولت در تیرماه سال ۱۳۹۴ نیز در پاسخ به مجری تلویزیونی درباره زمان تدوین لایحه برنامه ششم توسعه اعلام کرد که کتاب برنامه ششم توسعه نوشته شده است و آماده می باشد که مبنای آن همان متن «امنیت ملی و نظام های اقتصادی» تهیه شده در مرکز استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد. با ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۹۰ توسط مقام معظم رهبری؛ در نهایت ماده اول قانون برنامه پنجم توسعه دولت را موظف کرد ابتدا

الگوی پیشرفت اسلامی را تدوین و پس از تصویب آن در مجلس، برنامه ششم توسعه را بر مبنای آن تدوین نماید. در تبصره این ماده آمده است که «دبیرخانه تهیه این الگو در قوه مجریه مستقر خواهد بود و رؤسای قوای سه گانه کشور موظفند با اتخاذ سازوکارهای لازم در هر قوه به فرآیند تهیه آن کمک کنند»

بنابراین طبق این دو ماده قانونی در برنامه پنجم، قوای سه گانه و این دو سازمان به لحاظ قانونی مکلف هستند تا تولید الگوی پیشرفت اسلامی را بپذیرند. این در حالی است که نه خبری از تدوین الگوی پیشرفت اسلامی بود و نه خبری از تصویب آن در مجلس! در نتیجه نسبت برنامه ششم با تکلیف قانونی برنامه پنجم مسکوت مانده و باید پرسید کتاب نظام های اقتصادی شامل چه مطالبی است که گفته می شود به جای الگوی اسلامی-ایرانی چراغ راه تدوین برنامه ششم قرار گرفته است؟!

مهمترین نکته در این کتاب، تاکید بر نگرش جریان نوکینزی ها در الگوی توسعه به عنوان مدلی است که قابلیت پیاده سازی در فضای اقتصاد ایران را دارد. (صفحه ۷۸۲ کتاب امنیت ملی و نظام های اقتصادی ایران) اما نوکینزی ها چه دیدگاهی دارند که برای تدوین الگو و اقتصاد مقاومتی راه گشاست؟!

مکتب کینزی ها و نوکینزی ها

کتاب مقدس نوکینزی ها

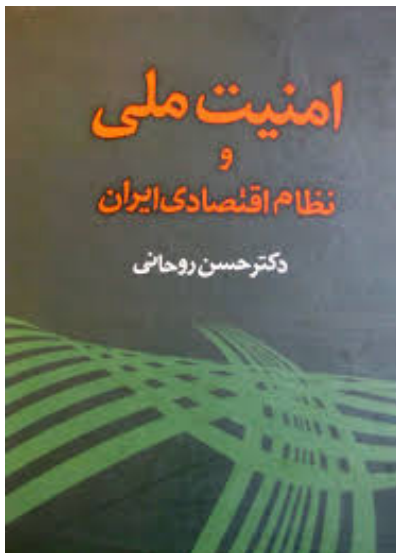
جایگزین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چه تفکری به جای اقتصاد مقاومتی برنامه ششم را تدوین کرده است؟

پوریا پرتو

مسئول بسیج دانشکده اقتصاد تهران





از شاخصه های این تفکر است. مثال آن اعطای وام خودرو در ایران بود.

با مرور اجمالی این جریان فکری و با تفاسیر گفته شده نباید از برنامه ششم انتظاری بیش از یک برگردان فارسی تئوری های ناکارآمد و عقیم غربی داشت.

«مفهوم عدالت، مفهوم آزادی، مفهوم تکریم انسان - با معانی اسلامی خودش مورد نظر ماست، نه با معانی غربی خودش. آزادی در منطق اسلامی معنایی دارد، غیر از آن معنایی که آزادی در منطق غرب دارد.

تکریم انسان، احترام به انسان، ارزش دادن به انسانیت

انسان در مفهوم اسلامی مغایر است با این مفهوم در معنای غربی و تلقی غربی. یکی از مشکلات ما در طول این سالها این بوده که افرادی آمده اند مفاهیم

اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده اند، حرفهای غربی ها را تکرار کرده اند، دنبال تحقق آنها بودند؛ در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. آزادی غربی

در زمینه اقتصاد، همین مطالبی است که می بینید؛ همین «اقتصاد آدم اسمیتی» و رسیدن به این وضع دیکتاتوری اقتصادی موجود دنیا، که الان دارد انحلال

و فروریختگی خودش را به تدریج نشان میدهد. مراد ما از آزادی که این نیست. آزادی انسانی به معنای آزادی اخلاقی بی بندوباری فرهنگی غربی نیست. ما

نباید برای اینکه خودمان را در چشم غربیها شیرین کنیم، دم از حرفی بزنیم که آنها می زنند؛ که حرف غلط است، باطل است و امروز دارد بطلان خودش را

نشان میدهد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴/۰۷/۱۳۹۰)

حال باید منتظر بود و دید که اقتصاد پول محور و نهادگرای نئوکینزی نقشه راه اقتصاد ایران را در ۵ سال آینده تعیین می کند یا الگوی اسلامی-ایرانی که فعال خبری از آن نیست...

این مورد از نظر سیاسی هم مطلوب است چون اگر دستمزد کاهش پیدا کند کارگران اعتراض می کنند اما اگر قیمتها زیاد شود با افزایش تقاضا، این خارج از حیطه دخالت کارگراها است و جلوی اعتراض آنها گرفته می شود.

فرضیه دیگر کینزی نرخ بهره است. کینز نرخ بهره را تابع عرضه پول توسط مقامات می دانست. به باور وی نرخ بهره پاداش نقد نگه داشتن پول است، چون پول در فعالیت های اقتصادی بسیار مؤثر است. باید پرسید که اسلام هم به بهره و ربا این گونه می نگرد یا آن را جنگ با خدا می داند؟!

برخی دیگر اصول و عقاید مکتب کینزی

چسبندگی قیمت و دستمزد

دستمزدها همیشه رو به پایین چسبندگی دارد (کاهش می یابد) به دلیل عواملی مثل قراردادهای اتحادیه ها، قوانین حداقل دستمزد و...

به عقیده وی کاهش در تقاضای کل باعث کاهش تولید و اخراج کارگران می شود، در نتیجه بیکاری و رکود و در شرایط بحرانی باعث کاهش قیمتها می شود. حال آنکه هر آمریکایی ۱۲ برابر یک فرد غیر آمریکایی مصرف می کند، ولی باز هم در آمریکا بحران مالی، رکود و بیکاری وجود دارد!

اهمیت پول

به عقده کینز پول نقش اساسی در تعیین درآمد و اشتغال دارد. پول اهمیت زیادی دارد خصوصاً زمانی که نرخ بهره بالا باشد و همچنین نقش اساسی در محصول حقیقی دارد. در این دستگاه فکری، رواج پول پرستی انسان را به سمت پیگیری منافع شخصی سوق می دهد.

و اما تفاوت های جریان کینزی و نئوکینزی در ادامه می آید. مجموعاً ایده های محوری این مکتب بیشتر تئوریک هستند تا اینکه مربوط به مسائل سیاستگذاری باشند.

نئوکینز به نوع نگاه ترکیب نئوکلاسیک به دنیا را قبول دارند: اقتصاد میتواند در کوتاه مدت از سطح تعادلی خود منحرف شود و سیاستهای پولی و مالی

اثرات مهمی بر عملکرد حقیقی اقتصاد دارند. به اعتقاد نئوکینزها، ترکیب نئوکلاسیک آنگونه که لوکاس و دیگران میگویند دچار اشکال نیست. هدف مکتب

نئوکینزی این است که اشکالاتی را که توسط لوکاس مطرح شده بود، رفع کند. این مکتب این ادعای لوکاس را که ما نیازمند مدلهایی هستیم که بر مبنای اقتصاد

خرد مبتنی باشند، قبول میکند. زیرا نقطه ضعف مدل کینز را در ضعیف بودن رابطه مدل کلان وی با اقتصاد خرد می دانستند. اعتقاد به دخالت دولت در

عرصه اقتصاد به منظور ایجاد تقاضا جهت رفع رکود،

این مکتب بعد از بحرانهای ۱۹۲۲-۱۹۳۳ شکل گرفت و بر محور دخالت دولت برای جلوگیری از بحران و رکود بود. قبل از آن، مکتب مسلط کلاسیک و نئوکلاسیک مبتنی بر عدم دخالت دولت در اقتصاد با بحران های دهه ۳۰ ناکام ماند. در سال ۱۹۷۰ با انتقاد به مکتب کینزی به خاطر کم توجهی به زیربنای اقتصاد خرد مکتب نئوکینزی شکل گرفت.

از نظر کینز نوسانات در تقاضای کل، منبع اساسی تغییرات در فعالیت های اقتصادی در سطح کلان است.

کینز در کتاب نظریه عمومی؛ به دنبال این است که چه چیزی درآمد ملی یا به عبارتی میزان اشتغال را مشخص می کند؟ تئوری کینز در پاسخ، تقاضای مؤثر را مطرح می کند. (تقاضایی که توسط مصرف، سرمایه گذاری و مخارج دولت مشخص می شود) یعنی تعدیل در مقدار به جای تعدیل در قیمت، یعنی اینکه تقاضا عرضه را مشخص می کند. (برعکس نظریه کلاسیکها)

نتیجه این طرز تفکر پیشنهاد وارد کردن شوک تقاضا به اقتصاد برای رونق در عرضه است. از اینجا بود که تبلیغات، پروپاگاندا (جهت دهی از طریق تبلیغات)، مصرف گرایی و غیره برای اغوا و تشویق افزایش تقاضا به وجود آمد. این اسراف و تبذیر یکی دیگر از ره آوردهای نظام سرمایه داری است.

افزایش قیمت ها هم با افزایش تقاضا صورت می گیرد.



تعداد ۳۱ درصد و از لحاظ ارزش ۳۰ درصد رشد داشته است.



۳- قرارداد های جدید نفتی (IPC)

هدف از قرارداد های جدید نفتی ایجاد انگیزه در شرکت های خارجی برای سرمایه گذاری در میدان مشترک و با ریسک بالا عنوان شده است. در صورت مطالعه قراردادهای جدید متوجه مشکلات زیاد آن خواهیم شد که از آن جمله می توان به اختیار بیش از اندازه و سود بیش از حد شرکت های خارجی در کنار ریسک نزدیک به صفر برای آنها اشاره نمود. مهم تر از این نه تنها در عمل انتقال فناوری خاصی صورت نمی گیرد بلکه موجب از بین رفتن شرکت ملی نفت نیز می شود.



۴- قرارداد توتال

بیژن زنگنه وزیر نفت اعلام کرده است که درباره میدان آزادگان با شرکت توتال فرانسه قرارداد محرمانه ای امضا شده است. میدان آزادگان بزرگترین میدان توسعه نیافته نفتی کشور می باشد و با کشور عراق مشترک می باشد. این میدان از جمله میادینی است که توسعه آن از نظر مهندسی مخزن تقریباً با هیچ پیچیدگی یا ریسک خاصی روبرو نیست. این میدان در یک دشت مسطح در خشکی قرار دارد و به تجهیزات پیچیده و خاص هم نیاز ندارد. در نتیجه نیازی به شرکت های خارجی وجود ندارد. حتی در صورت نیاز به چنین تجهیزاتی نیز با توجه به فضای پساتحریم، تهیه کردن آنها از بازار بین المللی کار دشواری نخواهد بود. حال این سوال پیش می آید که چرا این میدان جزو اولویت قراردادهای نفتی قرار گرفته در صورتی که ایران در برداشت از میادین دریای خزر مشکل دارد؟ چرا با وجود توانایی شرکت های داخلی به یک شرکت خارجی سپرده شده است؟ و چرا با شرکت توتال که مدارک خیانتش در میدان مشترک پارس جنوبی و رشوه های دریافتی آن اثبات شده است، این قرارداد (محرمانه) منعقد شده است؟

سیاست های اقتصاد مقاومتی در ۲۹ بهمن ۹۲ توسط مقام معظم رهبری برای اجرا ابلاغ شد و از آن تاریخ بیش از دو سال گذشته است. اما هرچند دولتمردان در همایش ها و سمینارها متعدد از ضرورت اجرای منویات رهبری سخن می گویند، اما گویا تئوریسین های اقتصادی دولت اعتقادی به اصول اقتصاد مقاومتی ندارند و نتیجه آن تعارض شدید عمل دولت با شعارهایی است که از دهان رئیس جمهور و سخنگو و معاون اول و وزرای اقتصادی خارج می شود. در این گزارش قصد داریم اقدامات اقتصادی دولت یازدهم و رابطه آن را با سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بررسی نماییم. در ادامه تعدادی از این اقدامات مورد اشاره قرار می گیرد.



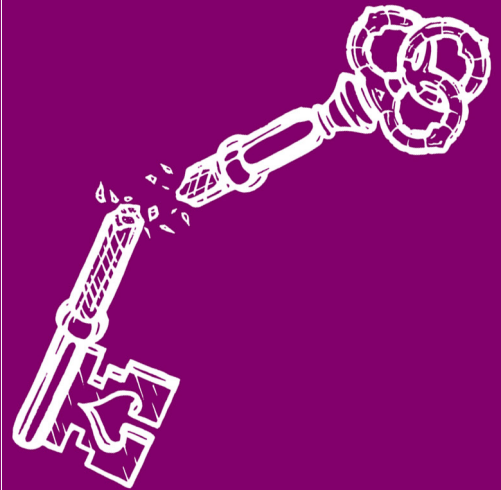
۱- واردات بنزین

یکی از اقدامات رسانه ای که از همان ابتدای دولت پیگیری شد، پرداختن به بنزین تولید داخل پتروشیمی ها به عنوان علت آلودگی تهران و کلانشهرها بود. بنزین پتروشیمی مانع تحریم فروش بنزین به کشورمان در سال ۸۶ شده بود. دولت با این استدلال تولید بنزین پتروشیمی ها را متوقف نمود و به واردات بنزین یورو ۴ مبادرت ورزید. در صورتی که بعد ها مشخص شد بنزین وارداتی دارای استاندارد یورو ۲ هم نمی باشد و آلایندهی آن نسبت به بنزین های داخلی هم بیشتر بوده است.



۲- آزادسازی واردات کالاهای لوکس

در دولت گذشته ثبت سفارش کالاهای گروه اولویت ۱۰ ممنوع اعلام شد اما این دولت با روی کار آمدن آن را لغو نمود. در صورتی که کشور همچنان به دلار دسترسی ندارد و در منابع ارزی با مشکل مواجه است. نتیجه این اتفاق در سال ۹۳ ورود ۱۰۲ هزار دستگاه خودرو به ارزش ۲ میلیارد و ۱۲۸ میلیون دلار به کشور است که این رقم در مقایسه با سال ۹۲ از لحاظ



اقتصاد نامقاومتی اعتدال

۲۰ مصداق از عملکرد مغایر اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

واردات کالاهایی مانند برنج و گندم مبنی بر عدم نیاز به واردات این کالاها، وزارت صنعت، معدن و تجارت اجازه ورود این کالاها را به صورت انبوه صادر کرد.



۱۱- قرارداد تعرفه ترجیحی واردات با ترکیه

وزیر صنعت علت میزان بالای قاچاق کالا را تعرفه های بالای واردات می دانست و در نتیجه کاهش تعرفه ها را راه حل کاهش قاچاق عنوان می کرد. به همین منظور (۹) قراردادی با ترکیه امضا شد که طی آن تعدادی از کالاهای توافق شده طرفین با تعرفه کم تری نسبت به حالت طبیعی اتفاق بیفتد. اتفاقی که در عمل پس از اجرای این قرارداد افتاد افزایش واردات ایران از ترکیه (در کالاهایی که تولید با کیفیت داخلی وجود داشت) و کاهش صادرات ایران به ترکیه بود. میزان قاچاق کالا به کشور هم کاهش نیافت.



۱۲- عدم اعتماد به تولیدکننده های داخلی

امضای قراردادهایی با طرف های خارجی مثل پروژه های نیروگاهی، پروژه های ریل و لوکوموتیو و یا حتی موارد ساده تری مانند کنترلر برق هوشمند و... در حالی که توان داخلی در آنها بالاتر یا مشابه شرکت های خارجی وجود دارد، نشان عدم اعتقاد به توان تولیدکننده های داخلی است.



۱۳- اصرار به جذب سرمایه ی خارجی به هر

قیمت، به عنوان راه نجات کشور

دولت یازدهم از بدو روی کار آمدن خود، راه حل نجات کشور را جذب سرمایه ی خارجی به میزان زیاد عنوان کرد. در حالی



۸- تلاش برای افزایش مناطق آزاد بدون تغییر در

وضعیت فعلی

هدف از ایجاد مناطق آزاد کمک به واردات فناوری تولید و صادرات بوده است در حالی که آمار نشان می دهد نه تنها این هدف محقق نشده بلکه این مناطق به عنوانی پلی برای واردات کالاهای مصرفی تبدیل شده اند و نسبت واردات به صادرات مناطق آزاد حدود ۲۴ برابر است. طبق سیاست های ابلاغی لازم است این مناطق به محلی برای صادرات تبدیل شود. برای این کار لازم است قوانین وضع شده برای مناطق آزاد به درستی اجرا شود و در برخی موارد قوانین اصلاح شود. در حالی که اکنون بیش از ۳۰ منطقه آزاد و ویژه اقتصادی با شرایط بیان شده وجود دارد، دولت قصد افزایش ۷۰ منطقه آزاد و ویژه دیگر به این مناطق را داشت. در صورتی که هنوز نتوانسته است این مناطق را به سمت تولید و صادرات سوق دهد و مسئول آن اعتقاد دارد ایران فقط در آبگوشت و قورمه سیزی می تواند با بقیه کشورها توان رقابت دارد.



۹- طرح نکاشت

مسئولین به علت مشکل کم آبی طرحی را مطرح نموده اند که در برخی از مناطق محصولی کشت نشود و در عوض پولی بابت حق آب خود بگیرند. این اقدام به میزان تولید محصولات اساسی ضربه می زند در حالی که می توان از روش های دیگری مثل مدیریت و افزایش بهره وری آب استفاده کرد.



۱۰- واردات گسترده غلات برخلاف نظر وزارت

جهاد کشاورزی

با وجود اعلام وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی



۵- حذف طرح شبنم

طرح شبنم برای جلوگیری از قاچاق کالا ایجاد شده بود و ساز و کار آن به این صورت بود که بر روی کالاهای وارداتی یک برچسب شبنم می خورد و دارای یک کد بوده مردم با خرید کالا می توانستند کد کالا را به شماره ای که روی آن نوشته شده بود پیامک بزنند تا از ورود قانونی کالا اطمینان حاصل نمایند. دولت جدید با شروع فعالیت با بیان وجود مشکل در اجرای طرح شبنم اقدام به حذف آن نمود در صورتی که می توانست مشکلات اجرایی آن را اصلاح نماید و شفافیت اقتصاد را افزایش دهد.



۶- حذف کارت سوخت

در زمان تحریم ها دولت مردان وقت به محض اطلاع از نیت کشور های غربی برای تحریم بنزین اقدام به سهمیه بندی بنزین و ایجاد کارت سوخت نمودند. کارت سوخت کارکردهای اساسی مانند کاهش میزان مصرف سوخت، شفافیت اطلاعاتی، جلوگیری از قاچاق سوخت و عدالت بیشتر در مصرف افراد داشت.



۷- عدم حذف یارانه ثروتمندان و پرداخت سهم تولید

دولت در ابتدای کارش انتقاداتی را نسبت به نحوه اجرای هدفمندی یارانه در دولت قبل بیان نمود و امید این می رفت که سهم تولید از هدفمندی یارانه ها در این دولت پرداخت شود اما هر چه از زمان دولت گذشت، نه یارانه ی دهک های بالای درآمدی حذف گردید و نه یارانه تولید پرداخت شد.

که نقدینگی بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار در کشور وجود دارد. علاوه بر این سرمایه گذاران در جایی سرمایه گذاری می نمایند که برای آنها سودآوری بیشتری داشته باشد اما با مشاهده ی وضعیت سرمایه گذاران داخلی چگونه انتظار می رود با چنین شرایطی سرمایه گذار خارجی تشویق به سرمایه گذاری در ایران شود. نکته جالب اینجاست که میزان ورود سرمایه خارجی در زمان این دولت کمتر از دولت قبلی شده است!



۱۴- اعتقاد به سیاست های بانک جهانی

دولت تقاضای وام از بانک جهانی کرده است. دریافت وام بانک جهانی هم اولاً منوط به اجرای سیاست های مدنظر بانک جهانی در کشور دارد که تجربه ی تلخ دولت سازندگی را در پی دارد و ثانیاً صرفاً در مصداق مورد نظر باید هزینه شود که خطر زمینه های نفوذ را دارد.



۱۵- تلاش برای افزایش خام فروشی نفت

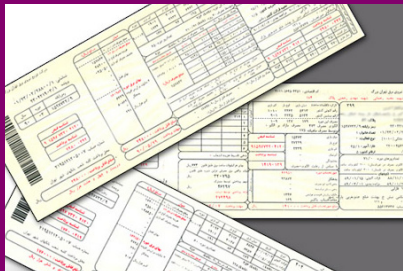
وزارت نفت دولت یازدهم از ابتدا و همواره اعلام داشته که قصد دارد صادرات نفت خام را به ۴ میلیون بشکه برساند. این هدف نه تنها مخالف سیاست های اقتصاد مقاومتی است بلکه به عقیده برخی کارشناسان جزو دلایل پایین آمدن قیمت جهانی نفت نیز بوده است.



۱۶- افزایش هزینه های جاری دولت

آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد هزینه های جاری دولت در میانه سال ۱۳۹۲ و با روی کار آمدن دولت جدید به ناکه تا دو برابر افزایش پیدا کرد و این رشد ناهنگام در سال های ۹۳ و ۹۴

نیز ادامه یافت، به گونه ای که افزایش میانگین ماهیانه مخارج جاری دولت یازدهم بسیار بالا رفته است، این در حالی است که مسئولان دولت در سه سال اخیر بارها نسبت به کسری بودجه و خزانه خالی و افت فاحش درآمد نفتی گله کرده اند.



۱۷- مخالفت با تعرفه گذاری پلکانی آب و برق

وزارت نیرو مجوز افزایش ۲۴ درصدی برق را کسب کرده بود و در مرحله اجرا با توجه به تورم عمومی کشور و برای حمایت از تولید، تعرفه بخش صنعتی و کشاورزی را کمتر از ۲۴ درصد و بخش خانگی را بیش از ۲۴ درصد افزایش داده بود. تا افزایش درآمدی ۲۴ درصد را به طور متوسط محقق نماید. این وزارتخانه با این اقدام از بخش تولیدی کشور حمایت کرده و زمینه صرفه جویی و اصلاح الگوی مصرف را در بخش خانگی فراهم کرده بود. نحوه تعرفه گذاری این وزارتخانه در آرایه تعرفه های پیشنهادی روشی پیشرو به شمار می رفت که بر مبنای آن افزایش هزینه برای مشترکین پر مصرف بیش از مشترکین کم مصرف در نظر گرفته شده بود. در نتیجه مشترکین پر مصرف به صرفه جویی تشویق می شدند یا در صورت ادامه دادن به مصرف بی رویه هزینه واقعی تری را می پرداختند. قبوض برق اسفند ماه بر اساس تعرفه های جدید صادر شد و به دست مشترکین رسید اما با وجود دریافت مجوز قبلی با اعلام نظر رییس جمهور ملنی و قبوض جدیدی برای مشترکین دوباره صادر و ارسال شد که در آنها برای همه مشترکین به یک اندازه افزایش در نظر گرفته شده بود.



۱۸- راه اندازی کارخانه ی اتکلیسی تولید سیگار

در صنعت دخانیات که از جمله صنایع قدیمی در ایران است و تعداد زیادی نیروی شاغل زندگی شان با تداوم این صنعت گره خورده است، در حالی که در درون مجموعه خود با مشکلات ساختاری، ماشین آلات فرسوده و قدیمی، پلاتکلیفی مدیریتی، نداشتن راهبرد تولید، عدم برندسازی در درون ساختار خود مواجه است و بیرون مجموعه خود نیز با رکود اقتصادی، قاچاق، عدم توان رقابت با محصولات

خارجی، واردات بی رویه، عدم تمایل مصرف کننده به استفاده از تولید داخلی دست و پنجه نرم می کند، به جای رفع این مشکلات شاهد یک مصیبت جدید با ادعای اجرای اقتصادی مقاومتی است، به تازگی اخباری مبنی بر حضور شرکت بریتیش آمریکا توپاکو (BAT) انگلیس در رسانه ها منتشر شده است که این شرکت با احداث کارخانه ای در استان البرز و شهر اشتهارد سالیانه هشت میلیارد نخ سیگار وارد بازار خواهد کرد، در حالی که یکی از مسئولان استانی راه اندازی چنین شرکتی را در راستای اقدام عملی اقتصاد مقاومتی تحلیل کرده است. شرکت در سال ۸۲ نیز به دلیل داشتن رانت به ایران آمده بود، اما با اعتراض کارخانه تولیدی در کشور روبهرو شد و نتوانست فعالیت خود را ادامه دهد و همه اینها در حالی است که براساس برنامه پنجم توسعه صنعت دخانیات کشور که عملاً در شرایط کنونی توان رقابت با شرکت هایی اینچنینی را نخواهد داشت باید تا پایان برنامه تمام نیاز کشور را از واردات بی نیاز کند.



۱۹- عدم اقدام جدی برای تکمیل پالایشگاه ستاره خلیج فارس و طرح خرید سهام پالایشگاه های خارجی

مدیر عامل شرکت مهندسی و ساختمان نفت، از مذاکره برای مشارکت در ساخت پالایشگاه در شش کشور مالزی، اندونزی، آفریقای جنوبی، سیرالئون، برزیل و هندوستان خبر داده است! این خبر درست زمانی منتشر می شود که پروژه ملی پالایشگاه ستاره خلیج فارس به علت عدم اختصاص بودجه، راکد و متوقف مانده است.



۲۰- قرارداد با پژو فرانسه و افزایش بدهی خارجی

در قرارداد با پژو توافق شده این شرکت در سال ۲۰۱۷ ماشین های مدل ۲۰۰۸ خود را در ایران تولید کند، موضوعی که مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان حوزه اقتصاد قرار گرفته است. در حالی که انتقال فناوری صورت نمی گیرد و صادراتی هم به وجود نخواهد آمد. چرا که هیچ کشوری خودروی مدل ۱۰ سال قبل را از ما نخواهد خرید.

نهادسازی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

دکتر عادل پیغامی، کارشناس اقتصاد اسلامی و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام در این یادداشت دیدگاه‌های مختلف نسبت به نحوه تحقق «اقتصاد مقاومتی» و الزامات آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه‌ی نظر و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه‌ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهای است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است.

اگر تمام دانش انباشته و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنید، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره‌ی اقتصاد مقاومتی نخواهید یافت. در تمام متون و کتاب‌های اقتصاد، هیچ پیشینه‌ای نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی نخواهید دید و از آن‌جا که این امر تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، در طبقه‌بندی‌های محرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد. نتیجه اینکه اقتصاددانان انقلاب اسلامی نمی‌توانند از نظریه‌های متداول برای حل مشکل و مسأله‌ی خود بهره بگیرند. لذاست که جنبش نرم‌افزاری و الگوی اسلامی-ایرانی اداری جامعه، شکل بدیعی به خود می‌گیرد که الهام‌بخش جمیع ملت‌های آزاده خواهد بود.

چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی

مطلبی که در این نوشته درآمده بر آن خواهم داشت، مسأله‌ی اقتصاد مقاومتی است. ابتدا لازم است که یک تبیین و تعریف علمی از اقتصاد مقاومتی ارائه دهیم. اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه‌ی آنها را در کشور به عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد.

اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد

مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی برنمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاست‌گذاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی-مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی



وجود ندارد. اما باز هم منطقی‌تر می‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشده و غیرمعمول به حساب آورد.

اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را

بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسأله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به‌طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یکصد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلاص در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتعل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود.

البته همه‌ی این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص من‌وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برآیند به تصویر می‌کشند.



بررسی موانع بهبود کسب و کار در گفت و گو با «سید امیر سیاح»

دولتمردان به تولید کنندگان حسادت می کنند

سیاست های اصل ۴۴ نیازمند بازنگری توسط رهبری است

یکی از موانع جدی تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور، عدم حمایت از تولید کنندگان و فضای نامساعد کسب و کار است. عدم وجود فضای مناسب کسب و کار مساوی است با رکود و رکود مساوی است با اقتصادی بیمار. اما کدام نهادها و چه میزان در رفع موانع کسب و کار نقش دارند؟ در این زمینه با «سید امیر سیاح» گفت و گویی را پیش بردیم. سیاح یکی از اهالی اقتصاد است که از یک سو خود را به دایره بسته تئوری پردازی های اقتصادی و مباحث نظری محدود نساخته و از سوی دیگر فاصله خود را از فضای مدیریتی دولتی حفظ کرده است و همین صراحت لهجه باعث می شود تا در بیان آسیب ها ملاحظه نکند و حتی به سیاست های ابلاغی رهبر انقلاب ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی منتقد باشد. با او که با توجه به حضورش در شبکه اول سیما به عنوان مدیر گروه اقتصادی و تهیه کننده برنامه های اقتصادی این شبکه آشنا به مباحث فرهنگ ساز در این زمینه است و از سوی دیگر با توجه به حضورش در مرکز پژوهش های مجلس آسیب های اقتصاد ایران را تحت نظر دارد، به گفت و گو پیرامون موانع بهبود فضای کسب و کار در کشور نشستیم.

بدترین حالت ۱۰ باشد (یعنی زمانی که بنگاه ها کسب و کارشان را تعطیل می کنند و کسب و کارشان دچار توقف می شود) وضعیت ما حدوداً نزدیک ۶ ارزیابی شده که این از نصف و میانه هم بدتر است و این بعضی سال ها در حالتی خطرناک به ۷ هم رسیده است و در بعضی استان ها بسیار خطرناک است. برای مثال در استان های جنوبی بد ارزیابی می کنند و البته در بعضی استان ها نسبتاً خوب ارزیابی می کنند مثل خراسان و گیلان و کردستان. مجموعاً محیط کسب و کار کشور ما چه در گزارش های داخلی و چه گزارش های بیرونی خوب ارزیابی نمی شود.

- به نظر شما آیا در آمارهای جهانی غرض ورزی وجود دارد؟

بالاخره هر گزارشی چه گزارش داخلی مرکز پژوهش ها و چه گزارش های بین المللی هر کدام یک نقص هایی دارند یعنی در کل همه گزارش ها به تنهایی نقص هایی دارند و

کشوری که در آن مطالعاتشان سنجیده می شود ما رتبه ی ۱۷ از ۲۱ را داریم. یک مطالعه ی دیگری هم وجود دارد بنام «GCI» (شاخص رقابت پذیری جهانی) که در آن نیز از ۱۴۰ کشور دنیا ما در رتبه ی ۷۴ ام قرار داریم و در بین ۱۸ کشور منطقه که سند چشم انداز برایشان سنجیده می شود ما ۱۳ ام هستیم یعنی نسبتاً در رده های آخر قرار داریم. سنجه ی دیگر، شاخص «حقوق مالکیت» می باشد که در گزارش سال ۲۰۱۵ جهان در رتبه ی ۱۰۸ ام از ۱۲۹ کشور جهان قرار داریم یعنی باز هم نزدیک به آخر و از ۲۰ کشور منطقه که این شاخص برایشان سنجیده می شود ۱۷ ام هستیم.

تنها گزارش داخلی که مرکز پژوهش های مجلس از حدود سال ۸۹ به بعد با مشارکت تشکل های اقتصادی سراسر کشور اندازه گیری می کند؛ بیانگر این است که آن ها هم نمره ی خوبی به ما نمی دهند و مجموعاً معتقدند که اگر

می دانیم که یکی از بازوهای عملیاتی شدن سیاست های اقتصاد مقاومتی، بهبود وضعیت کسب و کار در کشور است. به گونه ای که افراد بتوانند به سادگی و در فضایی مناسب به کسب بپردازند. با توجه به شاخص ها، وضعیت تولید و کسب و کار در کشورمان چگونه است؟

آمارهای داخلی و بین المللی نشان می دهد محیط کسب و کار در ایران هم به نسبت به وضعیت آرمانی و هم به نسبت کشورهای منطقه فاصله ی زیادی دارد چندین مطالعه ی مشهور بین المللی است که سه نوع آن را نسبتاً معتبر یافتیم.

یک مورد از آن در بانک بین المللی جهانی انجام می شود به نام «سهولت در انجام کسب و کار» و در گزارش مربوط به سال ۲۰۱۶ ایران از بین ۱۸۹ کشور در رتبه ی ۱۱۸ ام آن قرار دارد که در منطقه ی سند چشم انداز، از ۲۱

۵ مهمترین مشکل تولیدکنندگان از نظر خودشان و از نظر شما که در مرکز پژوهش‌ها متولی حوزه تولیدکنندگان هستید چیست؟

در این ۵ سال در بین مطالعات مستمر بدست آمده که حدوداً ۹۰۰ تشکل در این ۵ سال با ما همکاری کردند، مهم‌ترین مشکل، تامین مالی و گرفتن تسهیلات از بانک‌ها و از بازار سرمایه (بورس) بوده است. به جز یکی دو فصلی که در زمان اوج بی‌ثباتی دولت قبلی بود که آن موقع می‌گفتند بی‌ثباتی بازارها مهم‌ترین مشکل است. اینکه نظر

من آن زمان که معاون اول رییس‌جمهور سابق در پرونده‌ی فساد اقتصادی محکوم شد، گفتم ایشان نه تنها بخاطر این باید محکوم بشوند بلکه باید به دلیل ضربه‌ی وحشتناکی که به اعتماد سرمایه اجتماعی زدند مجازات بشوند چرا که این ضربه تاثیر بیشتری و بدتری داشته است

مرکز پژوهش‌ها چیست، به جز انعکاس درست نظر دیگران نظری از خودمان نداریم چون که خودمان تولیدکننده نیستیم، ما سعی می‌کنیم که واقعیت‌ها را از ذی‌صلاح‌ترین افراد استخراج کنیم و تحلیل کنیم.

۵ مهمترین اقدام فوری و عملیاتی برای بهبود واقعی فضای کسب و کار را چه می‌دانید؟

من فکر می‌کنم نظام جمهوری اسلامی مهم‌ترین کاری که باید برای بهبود محیط کسب و کار انجام بدهد، این است که سرمایه اجتماعی را تقویت بکند. در درجه‌ی اول اساسی‌ترین کار بالا بردن سرمایه اجتماعی است، تا وقتی که سرمایه‌ی اجتماعی ما زیر بمباران شایعات و اخبار مغرضانه باشد، هرچقدر هم رتبه‌ی محیط کسب و کار ما خوب باشد، کسی سرمایه‌گذاری انجام نمی‌دهد و اشتغال ایجاد نمی‌شود و اگر هم اشتغال ایجاد بشود، رفاه احساس نمی‌شود.

۵ منظورتان را از سرمایه اجتماعی واضح‌تر بفرمایید.

منظور از سرمایه‌ی اجتماعی اعتماد متقابل مردم به حکومت و مردم به مردم است. این اعتماد مردم به حکومت چندین سال است دارد به شدت تخریب می‌شود. برای مثال فسادهای اقتصادی و انعکاس آن در همان ماجرای سه هزار میلیاردی که واقعا اینطور نبوده و یا دزدیده شدن دکل نفتی. اینگونه سوء استفاده‌ها به نام مبارزه با فساد که هم بی‌تدبیری داخلی بوده است و هم بدجنسی خبری و شیطنت رسانه‌های خارجی که باعث پایین آمدن اعتماد

نمی‌شود گفت که با بدجنسی تکمیل می‌شوند. البته ما سال ۹۳ در گزارش بانک جهانی نشان دادیم که اطلاعاتی که از ایران می‌رود ناقص و یا اشتباه است و افرادی که این گزارشات را می‌فرستند بعضاً در ایران سکونت ندارند و یا نمی‌دانند راجع به چه چیزی اطلاعات می‌فرستند. برای مثال یکی از سوالات آن پرسشنامه این است که چند روز طول می‌کشد یک کانتینر کالا از بندرعباس به پایتخت اقتصادی کشور یعنی تهران برسد؟ و در آن پرسشنامه آمده بود ۱۲ روز؛ ما اطلاعات را در عمل بررسی کردیم و دیدیم که یک کانتینر جنس از بندر تا به تهران در مدت یک روز و نیم و حداکثر در دو روز می‌رسد. به بانک جهانی از طریق وزارت اقتصاد اطلاع دادیم که این اطلاعات اشتباه است و آن‌ها تلاش کردند درست بشود. اگر اطلاعات درست به آنجا برسد از بین ۱۸۰ کشور رتبه ما حدوداً ۸۰ هست.

۵ چه کارهای باید برای بهبود رتبه ایران در شاخص‌های بین‌المللی انجام داد؟

ببینید مسئولان کشورمان راجع به بهبود کسب و کار دچار یک اشتباه عجیب هستند. آن‌ها تصور می‌کنند که بهبود کسب و کار یعنی خوب شدن رتبه ما. حتی آقای رییس‌جمهور کاهش رتبه را در نظر می‌گیرند. این یک اشتباه واقعی است چرا که حتی اگر رتبه‌ی ما ۱ هم بشود اما در کف بازار کشور داد و ستد با مشکل روبرو باشد، ماموران دولت تولیدکننده‌ی داخلی رو دچار مشکل کنند و تولیدکننده قدرت دریافت حقوق خود را نداشته باشد و یا کلاهبرداری و فساد رایج باشد، محیط کسب و کار خوب نمی‌شود و آن را با رتبه‌های بین‌المللی نمی‌سنجند.

نمی‌خواهم کلاً این‌ها را رد کنم اما در بهتر است که از داخلی‌ها و کسانی که دستشان در تولید است پرس و جو بشود و نه بانک جهانی و از وکلا و کسانی که حتی در داخل ایران نیستند، از کسانی پرسیم که در واقع در ایران سرمایه‌گذاری کردند.

بانک جهانی یک اشکالات تکنیکی جدی دارد. البته من نمی‌خواهم کلاً نفی اش کنم اما اینکه ما بگوییم رتبه ما مانده پایین پس بهتر شدیم و یا تلاشمان این باشد که رتبه ما را پایین بیاوریم برای بهبود کسب و کار این اشتباه و به بیراهه رفتن است.

گزارش مرکز پژوهش‌ها به واقعیت نزدیکتر است. البته در این گزارش استان‌های ایران را با هم مقایسه می‌کند اما گزارش‌های بین‌المللی کشور ایران را با بقیه کشورها مقایسه می‌کند. یک مشکلی که وجود دارد، مخاطب گزارش‌های بین‌المللی بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی هستند، چون بیانگر رونق سرمایه‌گذاری در کشورها می‌باشد اما گزارش‌های داخلی ما نشانگر عملکرد و احساس و ادراک و اداره تشکل‌های اقتصادی در داخل کشور می‌باشد.



مطالعات انجام شده بیش از نیمی از این احکام انجام نمی شود و مجلس باید به این قوانین رسیدگی کند.

یک کار اساسی دیگر که در فراموش شده حقوق مالکیت است. مسئولان تصور می کنند چون دادگاه و پاسگاه وجود دارد، عدالت برقرار است در حالی که فعالان اقتصادی به این نوع سیستم احقاع حق بی اعتماد شده اند. برای مثال اگر کلاهبرداری و یا از این قبیل اتفاقات بیفتد دیگر امیدی به بازپس گیری پول خود از طرف مقابل ندارد و طرف متهم بعد از مدتی حتی می تواند آثار جرم خود را به فراموشی بسپرد و یا در مثالی دیگر که شخصی پولی برای خرید مسکن می پردازد و سر موعد متوجه می شود این خانه به چند نفر دیگر فروخته شده، اگر بخواهد پیگیری کند می بیند سال ها پرونده اش در دادگاه در جریان خواهد بود و در این مدت ارزش آن خانه و پول تغییر کرده و دیگر پیگیری نتیجه مطلوب را ندارد.

مجلس باید به داد قوه ی قضائیه برسد زیرا این قوه از لحاظ تجهیزات نرم افزار و سخت افزار و نیروی انسانی ضعیف است و مجلس بعد هم باید پیگیری کند. من اگر به جای مجلس بعد بودم اولین کاری که می کردم افزایش بودجه ی تضمین حقوق مالکیت می باشد. پلیس و دادگاه ها را مجهز می کنم حتی اگر شده از بودجه مدرسه و بیمارستان و ... بزنم اما از بودجه ی قضا نه چون لازم و ضروریست.

یکی از کارهایی که مجلس آینده باید انجام

دهد، درخواست اصلاح سیاست های کلی اصل ۴۴ از مقام معظم رهبری می باشد. در این قانون بخش عمومی غیر دولتی به رسمیت شناخته شده است؛ بنیادها، تامین اجتماعی، بازنشستگی ها و اینها به قدرتی دست پیدا کردند که توانستند بخش خصوصی واقعی را از میدان خارج کنند. به طوری که الان وقتی یک بیزینس بزرگ در مملکت به وجود بیاید کسی فکر نمی کند که توسط یک بخش خصوصی راه افتاده باشد و همه به دنبال فلان بنیاد و نهاد و قرارگاه می گردند

ظاهرا نامحدود قوانین اقتصادی را کمی مرتب کند که فعال اقتصادی ای که می خواهد وارد بازار کار بشود، بداند که با کدام قانون روبرو است. یعنی به تنقیح عوامل موجود بپردازد. بخصوص با وضعی که الان نسبت به قوانین در مجلس اخیر ایجاد شده است (تورم قوانین به قول حقوقدان ها) و کسی پیگیری انجام نمی دهد. وظیفه ی مهم دیگر نظارت بر احکام قبلی هستش که چون از سال ۸۵ به این طرف، تعداد زیادی قانون ناظر به محیط کسب و کار تصویب شده و این قوانین دیگر دارد از حد می گذرد. طبق

شده است. فقط هم راجع به فساد نیست، اخیرا پیامی در شبکه های اجتماعی مطرح شده که در مشهد سوسیس و کالباس را از سگ تهیه می کنند. خب این چه بلایی می تواند به سر تولید کننده ی داخلی بیاورد؟ اعتماد را به تولید کننده ی داخلی از بین می برد و یا از همین قبیل پیام های شیطنت آمیز به به شدت در این چند سال اخیر باب شده است.

لذا باید به درست کردن و حفظ سرمایه اجتماعی با گفتن حقیقت و اجرای قانون در برابر بدخواهان بپردازیم. من آن زمان که معاون اول رییس جمهور سابق در پرونده ی فساد اقتصادی محکوم شد، گفتم ایشان نه تنها بخاطر این باید محکوم بشوند بلکه باید به دلیل ضربه ی وحشتناکی که به اعتماد سرمایه اجتماعی زدند مجازات بشوند چرا که این ضربه تاثیر بیشتر و بدتری داشته است. خلاصه باید به حفظ سرمایه ی اجتماعی در کشور دقت بیشتری شود و به پاسخ گویی به شبهات و شفاف سازی جریان ها و اتفاقات پرداخته شود.

نقش مجلس آینده (دهم) را در این فضا چه

می بینید؟

مجلس آینده باید برای بهبود کسب و کار و اصلاح وضع اقتصاد دو کار اصلی انجام بدهد اول این جنگل انبوه و

نقش دولت در بهبود فضای کسب و کار

چيست و چگونه می تواند به بهبود سریع شرایط بپردازد؟ برای بهبود کسب و کار اولین کار در کشور ما بهبود شرایط دادگاه و پاسگاه می باشد. در کشور ما دولت به سد سازی، چاه سازی و یا بندر می پردازد اما در یک کشور با اقتصاد سالم دولتش در درجه ی اول به بهبود شرایط دادگاه و پلیس می پردازد. پیام مطالعات شش ساله ی ما در حوزه ی کسب و کار نظام و مجلس جمهوری اسلامی این است که پول به جای هزینه در حوزه ی سد و نیروگاه و راه آهن و هواپیما و از این قبیل زیر ساخت ها به دادگاه و پاسگاه داده شود. زیرا اگر این دو سامان پیدا کنند امنیت اقتصادی فراهم می شود و کسی جرأت کلاهبرداری و عدم انجام تعهدات مالی نخواهد داشت و حقوق مالکیت نیز تضمین می شود.

این اقدامات زیرساختی است و تحقق آن زمان بر. اگر «اقدام و عمل» فوری بخواهد در دستور کار دولت قرار بگیرد چه کاری را در اولویت باید انجام دهد؟

هیچ کاری نکنند؛ فقط امنیت را درست کند. هم در کوتاه مدت و هم بلند مدت، تا وقتی حقوق مالکیت تضمین نداشته باشد و من فعال اقتصادی بتوانم کلاه شما را بردارم و خیالم راحت باشد که کسی نمی تواند من را مجازات بکند هر کاری تاکید می کنم هر کاری که مجلس و دولت انجام بدهند برای حمایت از تولید بی نتیجه است. کما اینکه تجربه در بیست سال گذشته نشان از این داشته است. برای مثال بنگاه های زود بازده و تسهیلات تبصره فلان و ... تا وقتی که تضمین حقوق مالکیت وجود نداشته باشد اینها اثربخش نخواهد بود.

باید فعال اقتصادی امنیت خاطر داد که حکومت حواسش به مال تو هست و اگر کسی به هر عنوانی به مال تو تجاوز کرد، حکومت ضامن مال تو است. این امکان پذیر نیست جز با سر و سامان دادن به دادگاه و پاسگاه. اگر اینها تامین و مجهز نشده باشند با نیروی انسانی مرغوب، با نرم افزار و دانش روز، با سخت افزار و فرهیخته ترین و عاقل ترین نیروها در پلیس و دادگاه نباشند و سریع نتوانند حق فعال اقتصادی را به او بدهند، تا وقتی تجاوز به حقوق دیگران راحت باشد، یعنی من راحت بتوانم ورود ممنوع بروم، پارک ممنوع کنم و بتوانم وارد طرح ترافیک بشوم و هوا را آلوده و حق مردم را ضایع کنم و قانون نتواند گوش من را بیچاند و من را تنبیه کند و در واقع قوه قضاییه ناکارآمد باشد، هر تصمیمی برای محیط کسب و کار بی فایده است مثل این است که در سطل سوراخ آب بریزید.

رکود سنگین فعلی اقتصاد کشور را ناشی از

چه عاملی می دانید؟

مهم ترین دلیل رکود ویژه ای که تقریباً از سال ۹۲ به وجود آمد، وعده هایی است که دولت فعلی داده است. جریان مذاکره و قول هایی که به مردم داده شد باعث شد که هر فعال اقتصادی ای هم که می خواست شروع به سرمایه گذاری بکند دست نگه دارد. نزدیک به دو سال و خورده ای این جریان طول کشید و فعال اقتصادی هم کاری انجام نداد و منتظر نتیجه ی مذاکره ماند و این یکی از ریشه های تشدید رکود ۹۲ می باشد. ریشه ی دیگر نداشتن پول دولت برای تزریق در بازار و در نتیجه عدم پرداخت پول کارگران توسط پیمانکاران است. ولی در واقع مهم ترین عامل رکود کم سابقه فعلی همین وعده های دولت و دست نگه داشتن فعالان اقتصادی بود.

میزان اثرگذاری تحریم را چقدر می دانید؟

اثر تحریم را دقیق نمی دانم اما به طور کلی می توان گفت تحریم داخلی بیش از تحریم خارجی اثر گذاشته است. یعنی اینکه کارگزاران دولت زیاد با تولید کنندگان داخلی همکاری به عمل نمی آورند و یا بحث حسادتی که نسبت به آن ها در دلشان وجود دارد و کسی که به عنوان مسئول دولتی در پشت میز است به فعال اقتصادی حسادت می کند و کارش راه نمی اندازد. یا قوانین ناکارآمد و یا اختلاف مدیران که نتیجه اش ضربه خوردن به تولید کننده ی داخلی می باشد. به جمیع این مشکلات می گویند تحریم داخلی. اگر اثر اینها بیشتر از تحریم های خارجی نباشد کمتر نیست چون تحریم های خارجی را می شود به نحوی دور زد اما اینها را نمی شود دور زد.

مهم ترین لایحه ای که به نظر شما در مجلس آینده برای رفع این موانع داخلی باید مطرح شود

چیست؟

یکی از کارهایی که مجلس آینده باید انجام دهد، درخواست اصلاح سیاست های کلی اصل ۴۴ از مقام معظم رهبری می باشد. در این قانون بخش عمومی غیر دولتی به رسمیت شناخته شده است؛ بنیاد ها، تامین اجتماعی، بازنشستگی ها و اینها به قدرتی دست پیدا کردند که توانستند بخش خصوصی واقعی را از میدان خارج کنند. به طوری که الان وقتی یک بیزینس بزرگ در مملکت به وجود بیاید کسی فکر نمی کند که توسط یک بخش خصوصی راه افتاده باشد و همه به دنبال فلان بنیاد و نهاد و قرارگاه می گردند. جسارتاً باید بگویم، این اشتباهی بود که در سیاست های کلی اصل ۴۴ وجود داشت و الان پی به این اشتباه بردیم و گرنه در آن وقت می گفتیم که چه خوب که مثلاً صندوق های بازنشستگی در اقتصاد فعال بشوند و جرخ اقتصاد به تحرک در بیاید. الان بعد از ده سال از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ فهمیدیم که به این طریق، عرصه برای فعالیت بخش خصوصی کم شد و میدان دادن به آن ها اشتباه بود. هدف سیاست های اصل ۴۴ ابلاغیه ی رهبری، آمدن مردم و بخش خصوصی به میدان و کارا شدن اقتصاد می باشد و اساساً هدف خصوصی سازی کارایی اقتصاد است. در حالی که ماهیت خصولتی ها (بخش عمومی غیر دولتی) مثل شرکت ها و نهاد های وابسته به شهرداری ها و نهاد های نظامی و تامین اجتماعی (که کارآفرین بالای سر آن ها نیست که از جیبش سرمایه گذاری کرده باشد و منفعت شخصی اش درگیر باشد) این نیست. در این ده سال نشان داده شد که نباید به این ها میدان داده شود و یکی از کارهای مهم مجلس آینده اصلاح سیاست های کلی قانون اصل ۴۴ با استیذان از رهبری است. در نتیجه قانون های مربوطه هم اصلاح می شود. نتیجه این که دست بخش عمومی غیر دولتی از بازار قطع بشود و اینها بنگاه داری نکنند بلکه سهام داری انجام بدهند و بنگاه داری را بخش خصوصی واقعی انجام بدهد. ■



اقتصاد خود را چنان به دنیا گره می‌زنیم که دیگر هیچ کشوری جرئت تحریم ایران را در سر نیاورد

جمله‌ای آشنا و پر تکرار از زبان بعضی مسوولین فعلی کشوری با شمایل جدید در نوع خود: «فلسفه لیبرال سرمایه داری!» از جمله واقعیات جاری در جهان امروز عدم توانایی کشورها در تامین منافع خویش به صورت منزوی گونه می‌باشد و هر کشوری خواه ناخواه باید و مجبور است مرزهای جغرافیایی و اجتماعی و فضای حاکم بر جامعه خود را به گونه‌ای تغییر دهد که هم بتواند با این تغییرات سازگاری داشته باشد و هم مورد تهدید آن قرار نگیرد.

به همین دلیل در حال حاضر در محافل سیاسی ایران بحث اصلی بر روی این موضوع تاکید دارد که چگونه و به چه نحوی ترتیبات امنیتی و اقتصادی و روانی حاکم بر جامعه را در نظر بگیریم. به عبارتی بهتر در حالی که که از تهدیدات دور می‌شویم، بتوانیم فرصت سازی مناسبی را انجام دهیم. با نگاهی به دستگاه حاکمه و تقسیم بندی های سیاسی می‌توان دیدگاه مسوولین کشوری را در دو دسته‌ی زیر تقسیم بندی کرد:

دیدگاه اول قایل به این اصل می‌باشد که بدون تعامل با جهان و ورود سرمایه اساسا پیشرفت در هیچ حوزه‌ای امکان پذیر نیست. دیدگاه دوم بر خلاف دیدگاه اول معتقد به بازسازی زیر ساخت های اقتصادی و فرهنگی از درون و سپس دنبال کردن دیدگاه نگاه به بیرون برای پیدا کردن بازار هدف است.

دیدگاه پیشرفت و توسعه ای که از فلسفه حاکم بر دولت بعد از توافق برآمده است و بر تصمیم گیری های آن تاثیر می‌گذارد اساسا از نوع اول می‌باشد به واقع برای توسعه وجود سرمایه گذاری خارجی در تمام ابعاد توسعه ای لازم است و اینکه بعد از این ورود قرار است چه اتفاقی بیافتد مشخص نیست.

این دیدگاه دولت که بر گرفته از نوع نگاه و جهان بینی آن می‌باشد بیش از این که تابع شرایط واقعی کشور باشد تابع سیستم فکری حاکم بر آن می‌باشد و مسوولین متولی این تفکر بدون

توجه لازم به نقاط ضعف بسیار خطرناک این دیدگاه همچنان راه خود را ادامه می‌دهند.

لازم است به چند مورد نقد اساسی که بر این دیدگاه وارد است اشاره شود تا شاید مسوولین دولتی که خیر بلکه مردم درک کنند منظور رهبری و سایر افراد به اصطلاح دلپوش چه بوده است و به چه دلایلی همچنان مصرند که این دیدگاه تهدید کننده منافع کشور می‌باشد.

اقتصاد امنیت محور

مهمترین نقد وارد بر این دیدگاه دولت آن است که اصولا جهان نا امن و بی نظم و در حالت جنگل مانند، توسط قدرت های استکباری اداره می‌شود و ما نیز در ملتهب ترین قسمت آن قرار گرفته ایم و اصولا منطقه ما محل چشم داشت بسیاری از قدرت های غربی و تاخت و تاز آن‌ها بوده است، به همین دلیل دنبال کردن این اصل که امنیت کشور را میتوان با وصل کردن اقتصاد آن به مراکز سرمایه داری تضمین کرد امری غیر محتمل به نظر می‌رسد.

مؤید این حرف را شاید بتوان در جهت گیری های چند ساله اخیر سازمان ملل پیدا کرد چرا که تنها ۵ کشور برای سایر کشور های جهان تصمیم گیری می‌کنند و زمانی که قرار باشد از کشور دیگری حمایت کنند به طور قطع بدون مشورق های اقتصادی و امنیتی حاضر به این دفاع نیستند در واقع برای وصل کردن اقتصاد کشور به سیستم جهانی باید تابعی از آن شد و هر زمانی که نیاز شد از منافع خویش به آن‌ها بدهیم تا همچنان ما را در این سیستم حفظ نمایند.

تجربه تاریخی ایران نیز نشان داده است که وابستگی به سیستم قدرت طراحی شده توسط کشورهای قدرتمند هیچ گاه مانع از وضع تحریم بر علیه ایران نشده است بلکه تنها وابستگی به داخل مانع از اعمال درخواست های زورگویانه آن‌ها شده است. البته لازم به ذکر است که دیدگاه لیبرال سرمایه داری در دوران ۱۶ ساله سازندگی و اصلاحات آغاز شد و ادامه پیدا کرد. در آن

دوران بدون بازسازی واقعی ساختار پیشرفت و تنها با هدف در مسیر آن ساختار قرار گرفتن، صرفا بر ورود سرمایه توجه شد و اصل مهم انتقال تکنولوژی مدیریتی و مهندسی به طور کامل کنار گذاشته شد.

به دنبال آن در دوران تحریم شاهد بودیم که شرکت های مختلف حتی با وجود ضرر های بسیار باز هم بازار ایران را ترک کردند و این امر باعث ضربه سنگین به صنایع ایران شد چرا که در اکثر آن‌ها صرفا دیدگاه بر استفاده از تکنولوژی بود نه انتقال آن.

گفتمان حاکم

واقعیت جاری در دستگاه تفکر و تصمیم گیری ایران بر این امر تاکید دارد که دستگاه سیاسی ایران اصل را بر تقابل دایمی با جبهه جهانی استکبار قرار داده است و تمام برنامه ریزی های خود را بر این اساس انجام می‌دهد حال وجود یک دیدگاه اقتصادی مبتنی بر فلسفه لیبرال سرمایه داری که پایه و اساس امپراطوری استکبار جهانی را تشکیل داده است باعث عدم سنخیت آن با ساختار تصمیم گیری ایران می‌شود.

نقد بسیار مهمی که به این دیدگاه وارد می‌شود آن است که اگر کشور بخواهد تابعی از این سیستم جهانی حاکمه باشد باید حالت ارباب رعیت را دنبال کند در حالی که اساسا تفکر انقلابی ایران به هیچ وجه با این دیدگاه کنار نمی‌آید و قبول نمی‌کند برای پیشرفت کشور در مقابل استکبار زانو بزند.

در واقع یکی از الزامات اساسی این دیدگاه آن است که همواره تعامل با غرب بر تقابل با غرب اولویت دارد و مطمئنا این دیدگاه باعث تضعیف جایگاه منطقه ای ایران می‌شود چرا که حاکمیت تعامل بر تقابل باعث ایجاد تضاد هایی در راهبرد مقاومت می‌شود. در حال حاضر نیز این دیدگاه در برخی گروه های سیاسی کشور دیده می‌شود، مطرح کردن موضوعاتی مانند لزوم رابطه با امریکا و قطع رابطه با حزب الله به دلیل محاسبه ی ضرر زیان اقتصادی و سایر موضوعاتی که همه روزه در تمجید از رابطه با امریکا مطرح می‌شود به واسطه حاکم شدن این دیدگاه می‌باشد.

دوگانه استکبارستیزی - سازش در اقتصاد ایران

نقدی بر فلسفه اقتصادی حاکم بر دولت یازدهم

میثم امیری





را به نظام سرمایه داری متصل کند باید آن ارزش ها را بوجود بیاورد. فرهنگ مصرف، پوشش، خوراک، فرهنگ مذهبی، فرهنگ مقاومت، فرهنگ مطالبه حق و... همه از جمله موارد هستند که اگر قرار باشد دولت فلسفه لیبرال سرمایه داری را راهبرد خود قرار دهد باید در آن ها تغییراتی بنیادین بوجود آورد در غیر این صورت هر کدام از این فرهنگ ها به خودی خود اگر نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی و ایرانی ما باشند می توانند مانع از برقراری ارزش های نظام سرمایه داری در جامعه شوند. که این امر خود می تواند تضاد های هویتی در جامعه بوجود آورد.

به واقع می تواند گفت هر فلسفه ی پیشرفتی، فرهنگ خاص خودش را می خواهد و تمام تلاش خود را در این جهت قرار می دهد که بتواند فرهنگ خاص خود را یا بوجود آورد و یا فرهنگ موجود را متناسب با نیاز خود تغییر دهد. لازم به ذکر است در باب این دیدگاه موارد نقد متعددی وارد شده است ولی در نظر نگارنده چهار اصل: اقتصاد امنیت محور، گفتمان حاکم، حاکمیت دیدگاه حل مشکلات از بیرون، فرهنگ اقتصاد محور از جمله مواردی هستند که باعث ایجاد روزه های نفوذ تدریجی در بدنه و ساختار حاکمه نظام جمهوری اسلامی ایران می شوند.

دلیل ضعف ساختاری نظارت در ایران سریعاً باعث بروز مشکلات اقتصادی ناشی از فساد می شود. جالب است که مسولین فعلی اقتصادی ایران هیچ کدام در مقام پاسخگویی حاضر نیستند جواب دهند اصولاً چه سنخیتی بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری وجود دارد و چرا هم چنان بر استفاده از آن تاکید می کنند در حالی که این ابزار اقتصادی مدت ها پیش آزمونش را در ایران پس داده و نشان داده که برای کشوری مانند ایران با دیدگاه های عدالت طلبانه تنها و تنها ظلم و تبعیض مالی را به همراه آورده است.

بوجود آمدن طبقه اشراف و پول دار ها و ماشین های گران قیمت در کنار رانت خواری و فساد اقتصادی و رشوه همه و همه نتیجه این دیدگاه بوده است.

حال اینکه مسولین کشوری چگونه می خواهند اقتصاد کشور را به رونق ببندازند در حالی که این اقتصاد فساد زا رسماً هیچ گونه ارگان نظارتی قدرتمندی برای آن تعریف نشده است سوالی است که خود باید جوابگوی آن باشند. شاید فراموش کرده اند که یکی از فقرترین جلسات از نظر تعداد برگزاری مربوط به کارگروه مبارزه با فساد اقتصادی در تمامی سه دولت قبل می باشد.

فرهنگ اقتصاد محور

دیدگاه لیبرال اقتصادی در ذات خود دارای ارزش هایی است که تنها با وجود آن ارزش هاست که این دیدگاه میتواند در عرصه جامعه تاثیر گذار باشد. در صورتی که دولت بخواهد اقتصاد ایران

به طور کلی در این دیدگاه کشور به جای تلاش برای پیشبرد اهداف انقلابی خود در همه جهات تنها باید به فکر داخل آن هم ناقص باشد و مواردی که امنیت ایران را در خارج از مرز هایش تهدید می کند را به واسطه رابطه با غرب حل کند. بسیار جالب است که این دیدگاه تنها نسخه ای که برای امنیت ایران مطرح می کند گفت و گو می باشد و هیچ نسخه ی شفافبخش و مفیدی برای مواردی مانند حال که کشور در معرض تهدید امنیتی تروریست ها قرار گرفته ارایه نمی کند.

حاکمیت دیدگاه حل مشکلات از بیرون

یکی از اساسی ترین مشکلات اقتصادی ایران در حال حاضر عدم وجود شفافیت مالی و نظم اقتصادی می باشد، به همین دلیل برخی در پیش گرفتن فلسفه سرمایه داری و استفاده از تعوری اقتصادی آن را راه کار حل مشکلات می دانند. عدم وجود شفافیت و نظم اقتصادی به نوبه ی خود باعث بوجود آمدن انواع فساد اقتصادی می شود. مشکل بزرگ این دیدگاه از آن جا شروع می شود که این اقتصاد در ذات خود فساد زاست و دقیقاً به همین دلیل دستگاه های نظارتی در غرب بسیار فعال هستند. حال دنبال کردن این دیدگاه در ایران حتی اگر به منظور استفاده از آن در ساختار اقتصاد کشور باشد به دلیل ضعف بسیار شدید دستگاه های نظارتی حاکمیتی به هیچ وجه به صلاح نیست چرا که با کمترین تنش ها در عرصه سیاسی این اقتصاد منفعته طلب شروع به جمع آوری سرمایه می کند و به تبع آن به



درد و دل یک نماینده اصلاح طلب درباره «فساد سیستماتیک» در گفت و گو با ۵۷

وقتی وزیر بودم هیچ کس لیست اموال مرا بررسی نکرد!

مهم‌ترین عامل فساد آور، نبود «اطلاعات» است

در ایجاد فساد اقتصادی خصوصاً در میان مسئولین چه کسی مقصر است؟ آیا دولت‌ها مقصرند یا ساختار و سیستم؟ ساده زیستی مسئولان در این مسئله چقدر اهمیت دارد؟ این پرسش‌ها محور سوالاتی بود که از این نماینده اصلاح طلب پرسیدیم. پزشک‌های از جمله نمایندگان اصلاح طلبی است که در مقوله ساده زیستی جناحی نمی‌اندیشد. او همان‌طور که علی‌رغم انتقادات جدی‌اش به احمدی‌نژاد معتقد است ساده زیستی رئیس‌جمهور سابق از ویژگی‌های مثبت اوست، به رفتارهای اشرافیت برخی از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان انتقاد جدی دارد. در عین حال معتقد است عدم وجود ساختار و سیستم داده و اطلاعات، علت اصلی بروز فساد در بستر جامعه است. او از نوعی دگرگونی فرهنگی در جامعه کنونی ما سخن می‌گوید که محصول جابجا شدن نقش‌ها و ارزش‌های اجتماعی است. حاصل گفت و گو با ۵۷ با این نماینده مجلس شورای اسلامی را در ادامه می‌خوانید:

که هر لحظه کشتی کجا می‌رود و چرا تأخیر کرده و نرسیده است. وقتی ما به کره جنوبی سفر کرده بودیم مجموعه‌ای از اطلاعات و دارایی یک فرد در آن سیستم اطلاعاتی منطقه که مربوط به کشور بود وجود داشت و بر اساس این اطلاعات مالیات از او می‌گیرند و به او کمک می‌کنند و شغل به او می‌دهند و غیره. در چنین سیستمی من فردا نمی‌توانم ادعا کنم که این زمین برای من است؛ برای اینکه از قبل داده من آنجا بوده و اگر بگویم زمین برای من است می‌گویند تو با این دارایی و حقوق از کجا آورده‌ای؟! سیستم کاملاً هوشیار است. ولی در مملکت ما می‌گوییم جلوی زمین خواری را می‌گیریم. حتی اگر اداره هم درست کنند غیر ممکن است که بتوانند جلوی آن را بگیرند برای اینکه نمی‌دانند من چه داشته‌ام. کسی که اطلاعات ندارد، نمی‌تواند تصمیم درست بگیرد. اطلاعات درست ابزار، علم، مهارت، تکنیک و عزم و اراده سیاسی می‌خواهد. ممکن است چون من نمی‌خواهم اطلاعاتم مشخص شود، خودم مانع به وجود آمدن چنین زیرساخت‌هایی شوم برای اینکه خودم در این مملکت مسئول هستم و دارم می‌خورم. اگر اطلاعات رو شود معلوم می‌شود که فرضاً آن پول، زمین، سهم یا ماشین یا هر چیزی که در این بین به عنوان رانت به من می‌دهند را نباید می‌گرفتم. در مجلس، قوه قضائیه و دولت همه این گیر

امکان ندارد یک نفر بدون آگاهی دست اندرکاران بالایی مملکت بتواند یک کشتی را ببرد و جنس بفروشد و پول آن را برنگرداند. اینها حتماً اجازه دادند و همراهی کردند و پیگیری کردند و خواستند. الان آیا بانک به من نماینده به این سادگی پول می‌دهد؟ یا بگویم به من نفت دهید تا بفروشم می‌دهند؟ مشابه این تا دلتان بخواهد از کسانی که برده‌اند و نیاورده‌اند هست. حالا این را بروز داده‌اند. ساختار وقتی شکل نگرفت و عدم شفافیت بود حالا بگویم من با فساد مبارزه می‌کنم!

زیر مجموعه‌ای که باید جلوی چشم ما باشد نداریم. اطلاعات زیادی جمع می‌شود ولی در دست من مدیر چیزی نیست که بدانم کجا می‌روم و جهت من کجاست و مشکلات من چیست یا پولی که خرج کردم کجا و چقدر رفته یا مانده است. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که یک کشتی یا دکل در آن گم می‌شود، و بعد از ده سال تازه متوجه می‌شویم که کشتی را خورده و برده‌اند. تازه می‌گردیم آن شخص را پیدا کنیم ولی به عکس در یک رویکرد سیستماتیک کاملاً دیده می‌شود

۱۵ مبارزه با فساد مالی و ایجاد شفافیت مالی آیا به عهده دولت‌هاست یا پیش از مطالبه از دولت باید ساختارها اصلاح شوند؟

به نظر من مشکل ساختاری و سیستمی است. اگر ساختار درست نباشد دولت‌ها خیلی نمی‌توانند و یا امکان آن را ندارند که چنین روندی را اصلاح کنند و فقط ممکن است شعار آن را بدهند ولی در عمل امکان پذیر نیست و اگر نتوانیم ساختار را شکل دهیم و برای آن برنامه داشته باشیم، مبارزه با فساد و رانت و مسائل مختلف غیر ممکن است. برای اینکه «ان النفس الاماره بالسوء» همیشه انسان به طرف آنجایی که می‌شود بیشتر به دست آورد و خورد گرایش پیدا می‌کند. همان گونه که خدا می‌بیند و از ما حساب خواهد خواست، مدیر هم اگر یک سیستم را مدیریت می‌کند باید بتواند هر لحظه روند حرکت را نظارت و کند تا بتواند انحرافات را کنترل کند تا بعد پاداش دهد یا مجازات کند. مدیری که نمی‌بیند مدیریت نمی‌کند در نتیجه روند و راهی را می‌رود که معمولاً به طرف سرازیری است.

۱۶ آیا ساده زیستی یک مسئول می‌تواند متضمن عدم شکل‌گیری فساد در مجموعه شود؟

هیچ ربطی ندارد، فقط ممکن است تا حدودی می‌تواند کنترل کند. اما اگر علم و مهارت‌های اجرای آن مسئولیت را نداشته باشیم نمی‌شود. ساده زیست باشیم یا نباشیم اگر ذهنیت درستی نداشته باشیم ممکن است ما هم در آن سیستم بنشینیم بخوریم. و این که اگر من نخورم معنی آن این است که در آن سیستم کسی چیزی نمی‌خورد، نیست. برای اینکه من صرفاً یک نفر هستم و اگر ابزار لازم و کافی برای آن مهارت‌ها را در اختیار نداشته باشم، حتی اگر خودم ساده زیست باشم دیگران سر من کلاه می‌گذارند و خیلی بیشتر از آن چه ممکن است می‌خورند. شاید از سادگی و ساده زیستی من سوء استفاده کنند و فرصت‌های دیگر را هم به دست آورند و بخورند. در نتیجه این ساده زیستی نمی‌تواند ابزاری باشد برای اینکه سیستم درست اداره شود.

۱۷ بالاخره از نقطه‌ای باید شروع کرد برای اصلاح این ساختار که به آن اشاره می‌کنید در گام اول چگونه باید اصلاح شود؟

قدم اول اطلاعات و داده است. وقتی یک نفر می‌خواهد هواپیما را براند ذهنی کنترل نمی‌کند که بگوید من فکر می‌کنم بنزین دارم یا حس می‌کنم ارتفاع اینقدر است. همیشه یکسری ابزارهای کنترلی جلوی او است که فاصله و ارتفاع و جهت و میزان سوخت و همه داده‌های دیگر را به او می‌گوید و نظارت می‌کند. ما اطلاعاتی از



با در پیگیری و مبارزه با فسادهای کلان، بگم

بگم‌ها و تهدید به افشاگری‌ها چقدر مؤثر است؟ نتیجه‌اش این شده که ما وضع را بدتر کردیم. در سیستم از میان همان کسانی که «به گم به گم» می‌گفتند چند نفر را که اضافه بر حشاش برداشته‌اند قوه قضائیه دارد محاکمه می‌کند. یک وقت هست تهدید به افشاگری می‌کنم تا طرف مقابل و رقیب را از میدان به در کنم تا خودم و دوستانم بخورند نه اینکه عدالت و جلوگیری از فساد را در جامعه نهادینه کنم. جلوگیری از فساد با «بگم بگم» که نمی‌شود. مگر اینکه ابزار و زیرساختی داشته باشیم که بتواند آن را پیشگیری کند و یا داده‌هایی داشته باشیم که نشان دهد این نوع رفتار ما باعث کاهش چنین پدیده‌ای شده که ما در جامعه با آن مواجه بودیم. ولی اگر بررسی کنید بیشترین رانت‌ها و فسادها در آن بگم بگم‌ها خودش را شکل داد. کسی که فرض کنید الان یک میلیارد و هفتصد میلیون یورو به دولت و بودجه دولت و مملکت به خاطر اینکه نفت را با کشتی‌اش برداشته و برده است بدهی دارد، این شخص خودش که نبرده است. امکان ندارد یک نفر بدون آگاهی دست اندرکاران بالای مملکت بتواند یک کشتی را ببرد و جنس بفروشد و پول آن را برنگرداند. اینها حتماً اجازه دادند و همراهی کردند و پیگیری کردند و خواستند. الان آیا بانک به من نماینده به این سادگی پول می‌دهد؟

به نظر شما الان بزرگان ما ارزش را به چه چیزی می‌دهند؟ به آنهایی که ساده زیست و عالم هستند یا آنهایی که پرطمطراق هستند؟ مثلاً من خودم را به عنوان یک پزشکی که در سیستم دارم کار می‌کنم و پول نمی‌گیرم و هر مریضی هم آمد می‌بینم در نظر بگیرید. به نظرتان فرماندار یا استاندار وقتی مریض می‌شوند می‌آیند پیش من یا پیش کسی که در مطبش ده برابر پول می‌گیرد، کراوات دارد، نظام را هم قبول ندارد؟

ساخته‌ایم. اگر بخواهید ارزیابی کنید در آن متغیرهای مختلفی را می‌توانید پیدا کنید که همه ما در این رابطه هر یک به اندازه‌ای مقصریم. از بالا تا پایین. شورای محترم نگهبان هم قانون را هیچ وقت بر اساس اینکه این قانون عادلانه نیست لغو نمی‌کند؛ در صورتی که باید بر اساس عدالت سهم تقسیم کنیم. پول بدهیم، آدم بفرستیم، دانشگاه را توسعه دهیم. این عدالت است که ثبات ایجاد می‌کند. بی عدالتی بی نظمی ایجاد می‌کند. اگر در بی عدالتی شما به دنبال نظم و جلوگیری از رانت بگردید بی معنی است.

را داریم. اگر کسی ادعا کند چنین چیزی نیست دارد غیر واقعی حرف می‌زند برای اینکه اگر بروید در دادگاه می‌بینید با پول می‌شود حکم گرفت. در مجلس بیاید می‌بینید نماینده با رابطه می‌تواند برای شما کاری کند. یک تعداد از نماینده‌ها خیلی راحت پول می‌دهند و رأی می‌گیرند. حالا ما باور کنیم یا نه؛ واقعیت یک چیز دیگر است و می‌توانید در روندها این را ببینید. در دولت هم باز همین روند هست. حتی ممکن است من به دروغ لباس ساده بپوشم و سوار پیکان شوم و این‌طور بخواهم فریب دهم. هیچ وقت نباید آدم فریب ظاهرها را بخورد. آن داده است که واقعیت‌ها را مشخص می‌کند. مجلسی که می‌خواهد برای مملکت سیاست‌گذاری کند باید جلوی چشمش داده باشد. که ما نداریم. مثلاً من نماینده اگر با فلان دولت یا مدیر آشنا باشم خیلی آسان می‌روم سهم اضافه می‌گیرم، نماینده دیگری که وابسته به یک جناح دیگر است و آشنا نیست و رابطه ندارد سهم اش را نمی‌دهند. در صورتی که اگر بر اساس عدالت یک چیزی تقسیم شود حق ندارند سهم دیگران را به من بدهند. حالا هر کس می‌خواهم باشم. اینکه در این مملکت تهران و تبریز و شیراز بزرگ می‌شود و شهرهای دیگر کوچک و کوچک‌تر می‌شود نشانه بی عدالتی است. آسمان برویم و زمین بیاییم ما داریم مملکت را خارج از چهارچوب عدالت مدیریت می‌کنیم. واقعیت این چیزی است که





عنوان یک پزشکی که در سیستم دارم کار می‌کنم و پول نمی‌گیرم و هر مرضی هم آمد می‌بینم در نظر بگیرید. به نظرتان فرماندار یا استاندار وقتی مرض می‌شوند می‌آیند پیش من یا پیش کسی که در مطبش ده برابر پول می‌گیرد، کراوات دارد، نظام را هم قبول ندارد؟ می‌بینند یک نفر برای یک عمل سی میلیون تومان پول می‌گیرد و یک نفر دیگر پول نمی‌گیرد می‌گویند این کسی که پول نمی‌گیرد حتماً یک گیری دارد دیگر؟! غیر از این است؟ می‌گویند مگر می‌شود یک نفر از سی میلیون تومان بگذرد؟! از بالا تا پایین به این یک نفر که دارد سی میلیون تومان می‌گیرد و دارد تخلف می‌کند احترام می‌گذارند و به این کسی که دارد ساده کار می‌کند گیر می‌دهند، سؤال می‌کنند و انگ می‌چسبانند. خب او می‌گوید مگر من بی عقل هستم، من هم می‌روم مشابه آن مطب می‌زنم و کسی را تحویل نمی‌گیرم و قیافه می‌گیرم. مگر ما در این مملکت به آنهایی که ساده زیست بودند و صادقانه کار کردند، در سیستم‌های مدیریتی ارزش قائل شدیم؟ حضرت علی (ع) در دستورالعمل به مالک می‌فرماید: «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءِ قِيَانٍ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ» ■

یک اطلاعاتی می‌دهیم و چون داده ندارند نمی‌توانند تطبیق دهند این داده‌هایی که دادم درست است یا غلط. در نتیجه هیچ فرقی نمی‌کند. من اگر همان موقع می‌خواستم کار دیگری بکنم آنها اصلاً متوجه نمی‌شدند. همان‌طور که الان در پر کردن فرم اطلاعات برای هدفمندی یارانه‌ها، خیلی‌ها، خیلی چیزها داشتند و ننوشتند و پول گرفتند و سیستم هم نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد. در نتیجه سر این سیستم کلاه گذاشتن که کاری ندارد مگر اینکه بخواهند به یک نفر گیر بدهند که بحث آن جداست که مثلاً سیستم بیاید کنترل کند که من چه چیزی دارم و راست گفتم یا نه ولی در کلان قضیه ساختاری وجود ندارد که سره را از ناسره بتواند تشخیص دهد.

با توجه به شیوع اشرافیت میان مسئولین از دولت آقای هاشمی رفسنجانی که تا دوره‌های بعد هم نمونه‌هایی از آن مشهود بود و با در نظر گرفتن مقوله «الناس علی دین ملوکهم» بر سبک زندگی مردم اثر گذاشت. این موضوع را چگونه بررسی می‌کنید؟

به نظر شما الان بزرگان ما ارزش را به چه چیزی می‌دهند؟ به آنهایی که ساده زیست و عالم هستند یا آنهایی که پرطمطراق هستند؟ مثلاً من خودم را به

یا بگویم به من نفت دهید تا بفروشم می‌دهند؟ مشابه این تا دلتان بخواهد از کسانی که برده‌اند و نیاورده‌اند هست. حالا این را بروز داده‌اند. ساختار وقتی شکل نگرفت و عدم شفافیت بود حالا بگویم من با فساد مبارزه می‌کنم! حضرت امام (ره) راجع به بحث مبارزه با کشف شخصیت که بنی صدر در این مورد کتاب نوشته بود و سخنرانی می‌کرد، می‌گفتند همان آدم‌هایی که دم از کشف شخصیت می‌زدند خودشان مبتلا به کشف شخصیت هستند. در نتیجه واقعیت عدد و رقم‌ها را اگر نگاه کنید بیشترین انحرافات مالی در گذشته به خاطر عدم شفافیت به وجود آمد. آن آدم‌هایی که به گم به گم می‌گویند دیدید که خیلی از این بگم بگم‌ها در سیستمشان بود. در هیچ دولتی معاون اول و رابطین نزدیکش به این شکل گرفتار نشده بودند که آنها را زیر سؤال ببرند. اینجا قصد این نیست که به گم فلائی مقصر است و فلائی مقصر نیست. وقتی عدم شفافیت اطلاعات در سیستم هست مشکل پیش می‌آید.

شما به شفافیت مالی مسئولین نظام در حال حاضر چه نمره‌ای می‌دهید؟

صفر. ما چنین شفافیتی نداریم. من وزیر که بودم یک چیزهایی کلی از ما گرفتند به اسم لیست اموال ولی کسی نیامد راستی آزمایی کند که راست گفتم یا دروغ!

فساد؛ گلوگاه اصلی اقتصاد

راهکارهای فسادستیزی به عنوان یکی از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی

سید بهرام بقایی

دانشجوی ارشد MBA دانشگاه تهران

یکی از مواردی که یک اقتصاد لازم دارد تا بتوان آن را مقاوم نامید، اعتماد مردم نسبت به سیستم اقتصادی و محیط کسب و کار است. در صورت وجود همدلی و اعتماد بین مردم و مسئولان هر مشکل یا فشار و تحریمی برای مردم قابل تحمل خواهد شد و به زانو درآوردن چنین اقتصادی برای دشمنان دشوار خواهد بود. اما عواملی می‌توانند این اعتماد را خدشه دار نمایند مثل وجود فساد مالی و اقتصادی در یک کشور که می‌تواند به اشکال گوناگونی مانند اختلاس، رشوه، رانت، ویژه خواری و ... در جامعه ظهور و بروز پیدا کند.

در صورتی که فساد در جامعه ای افزایش یابد باعث می‌شود آن جامعه از درون سست شود و در مقابل کمترین تکانه ای از هم فرو پاشد. اثر دیگری که می‌تواند فساد مالی داشته باشد هدر رفت سرمایه ملی است. مسئولانی که فاسد شدند با گرفتن رشوه، پروژه‌هایی را تعریف می‌کنند که یا اصلاً اولویت کشور نیستند و یا باعث تأخیر در اجرای پروژه‌های با اولویت بالاتر می‌شود (در مدل‌های توسعه لازم است پروژه‌های عمرانی نسبت مشخصی با درآمدها داشته باشد. در صورتی که سقف نداشته باشد و قرار بر تأمین منابع آن‌ها با استقراض و کسری باشد اثرات بدی بر روی اقتصاد کشور خواهد گذاشت). اثر دیگری که ممکن است به وجود بیاید تضعیف شرکت‌های لایق و توانمند است به گونه‌ای که یا پروژه‌ها با رانت واگذار می‌شود و یا به پیمانکاران خارجی خریداری فروخته می‌شود.

فساد علاوه بر موارد بالا اثرات دیگری هم دارد که مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۹ دی سال ۸۰ خود به آن‌ها اشاره نموده‌اند که عبارتند از:

- ۱- تصاحب بیت‌المال توسط اشخاص طماع و حریص
 - ۲- کسانی که قصد سرمایه‌گذاری در تولید را دارند هنگامی که مشاهده می‌کنند از راه‌های نامشروع درآمد‌های هنگفتی را می‌توان کسب کرد آن‌ها هم تشویق به انجام کار نامشروع می‌شوند. بنابراین باعث می‌شود سرمایه‌گذاری صورت نگیرد و کشور از فعالیت‌های اقتصادی باز بماند.
 - ۳- افراد فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشند و برای انجام دادن فعالیت‌های خود به مسئولین و کارمندان رشوه می‌دهند.
 - ۴- در صورتی که پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شود، گناه در جامعه رایج می‌شود. فساد مالی مقدمه ورود به میدان انواع و اقسام فساد هاست.
 - ۵- وقتی مدیران فاسد شوند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آن‌ها برای اهداف سیاسی خود در کشور به خوبی استفاده می‌نماید.
- حال باید ببینیم طبق فرمان هشت ماده‌ای، در برخورد با فساد چه مسائلی باید در نظر گرفته شود.

باید ها و نباید های برخورد با فساد

- ۱- قاطعیت همراه با دقت
- ۲- برخوردهای یکسان با مجرمان و دوری از تبعیض نسبت به دستگاه‌های مختلف و خویشاوندان
- ۳- ایستادگی در برابر هیاهوها
- ۴- پرهیز از توجیه و بزرگ‌نمایی
- ۵- پرهیز از جنجال و هیاهو در مبارزه با فساد
- ۶- پرهیز از آلوده کردن مبارزه با فساد به اغراض سیاسی و لزوم پرهیز از سیاسی‌کاری

پس از بیان باید‌ها و نباید‌های برخورد با فساد لازم است به وظایف نهاد‌های مختلف در بحث مبارزه با فساد پرداخته شود. البته تمرکز بحث بیشتر بر روی وظایف قوه قضائیه خواهد بود و برای باقی‌قوا به چند نکته بسنده خواهیم کرد. «در تمام دنیا، قوه قضائیه، ملاک و معیار سلامت جامعه است. اگر قوه قضائیه ای سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد، به مرور تمام دستگاه‌های کشور و جامعه اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آن‌که دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید. اگر دستگاه قضایی سالم نباشد، دستگاه‌های دیگر هم به تدریج به فساد خواهند گرایید» (۷۸/۴/۷)

قوه مجریه

وجود ابهام و نقص و عدم شفافیت در گلوگاه‌های فساد مانند بخش‌های پولی، مالی، بازرگانی و گمرکی یکی از عوامل بروز فساد است که لازم است. دولت باید با صدور دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌ها و همچنین ایجاد سیستم‌های شفافیت‌زا جلوی فساد را از همان ابتدا بگیرد.

قوه مقننه

با نگاهی اجمالی به مفاد قوانین حقوقی به راحتی می‌توان دریافت که برخی مفاصد اقتصادی حاضر نظیر استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و پولشویی و امثالهم با قوانین جزایی موجود قابل تعقیب کیفری نیستند و این امر با توجه به اصل حقوقی «قانونی بودن جرم و مجازات» دست مردان قضا را در برخورد با مفسدان اقتصادی بسته است. از این رو به نظر می‌رسد که قوه مقننه باید هرچه سریع‌تر با توجه به مقتضیات روز، قوانین جزایی جامعی را برای برخورد با مفسدین اقتصادی در موارد خلأهای قانونی به تصویب برساند. مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره‌مندی مفسدین اقتصادی، سیاسی و پولشویی و نیز ثروت‌های نامشروع تحصیل شده در داخل کشور و همچنین انتقال ثروت‌های

۲- مجازات

- برخورد قضایی قاطع و بدون تبعیض با مجرمین اولین و مهمترین راهکار این بخش است که لازم است دستگاه قضا با قاطعیت آن را دنبال نماید. در زمینه بازنگری در قوانین کیفری در ارتباط با برخورد با جرایم اقتصادی به نظر کمبود قانون جزایی نقش اساسی ندارد و با همین قوانین هم امکان برخورد قضایی فراهم است. - توسعه همکاری واحدهای حراست مراکز اقتصادی و مؤسسات بانکی، پولی و مالی با حفاظت و اطلاعات دادگستری هم قطعاً موجبات کمک به کشف جرایم اقتصادی و مخل اقتصاد و امنیت عمومی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر اجرای قوانین متروک یا مقرراتی که به طور ناقص اجرا شده مانند قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور قوانین مناسبی هستند که هنوز به مرحله اجرا درنیامده‌اند.

که باعث ریشه کنی فساد خواهد شد.

- بازسازی و اصلاح و تقویت ساختار دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور به عنوان دو بازوی اصلی قوه قضاییه برای مقابله با فساد اقتصادی بسیار ضروری به نظر می‌رسد زیرا هم اکنون سازمان بازرسی کل کشور به عنوان عالی‌ترین نهاد نظارتی کل کشور که وظیفه نظارت بر تمام مراکز اقتصادی را به عهده دارد به دلیل کمبود مکانیزم‌های لازم برای نظارت قضایی، به یک نهاد تشریفاتی تبدیل شده است. - اصلاح قوه قضاییه از فساد درونی نیروهای انسانی اعم از قضایی و اداری از طریق بهبود وضعیت معیشتی آن‌ها و همچنین تأمین امنیت شغلی و حیثیتی قضات و پرهیز از تعرض مسئولان به آن‌ها در ارتباط با تصمیمات قضایی که می‌گیرند. - تشکیل دادگاه و نیروی انسانی ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی.

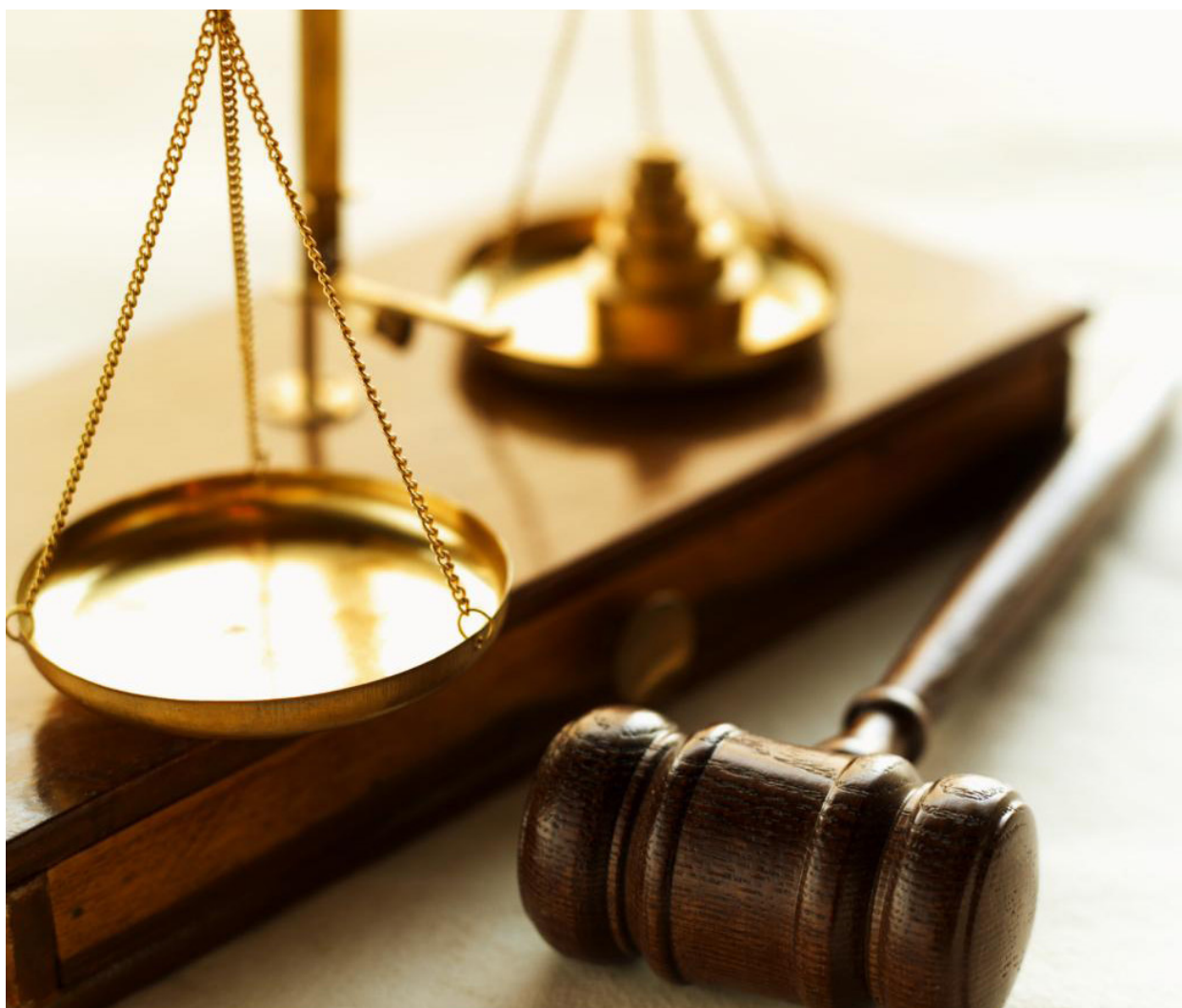
نامشروع خود به خارج از کشور و بانک‌های خاص و حساب‌های ناشناخته از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین جدید است.

قوه قضاییه

طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف قوه قضاییه در دو بخش تعریف می‌شود یکی پیشگیری از جرم و دیگری مجازات مجرمان و این دو کار باید به طور همزمان و موازی پیگیری شود.

۱- پیشگیری

لازم است پروژه‌های پژوهشی در جهت یافتن ریشه وقوع جرایم و راهکارهای مقابله قضایی با آن تعریف شود تا از درون آن بتوان به تدریج لوایح قانونی استخراج کرد و بتوان خلأهای قانونی را پوشش دهد. - بازسازی ساختار اداری قوه قضاییه و روان تر کردن روند پیگیری جرایم. - تربیت و به کارگیری قضات شجاع، متدین و مستقل





احمد توکلی در گفت و گو با ۵۷ از «داد» می گوید:

مبارزه عملی با فساد نیازمند استادهای مردم نهاد در مجلس قبل برخی کمیسیون ها مسئله دار بودند

دکتر احمد توکلی بیش از هر چیز به فسادستیزی اش مشهور است. از پیگیری مفاسد آفازاده های معروف تا افشای اسناد فساد برخی معاونین و مدیران جنجالی دولت سابق. احمد توکلی به همراه چند نفر دیگر از اقتصاد دانانی که به قول خودش مهمترین ویژگی شان سلامت اقتصادی است و از نظر سیاسی نگرششان اهمیتی ندارد؛ اقدام به تاسیس شبکه دیدبانی برای شفافیت و مبارزه با فساد نموده اند. پنجاه و هفت در گفت و گو با احمد توکلی از کارکردهای این سازمان مردم نهاد در راستای حرکت عملی به سوی اقتصاد مقاومتی و مقاومت های پیش رو مقابل اقدامات ضد فساد می پرسد.

مشکل می شود. برای این که آنها حضور دارند، مانع تراشی می کنند و شما را دور می زنند و قانونگذاران را قانع می کنند که این کارها ضرر دارد. در کشور هایی که گرفتار این مرحله شده اند، راه مبارزه را این طور دیده اند که، یک مرکز ستادی فوق قوا درست می شود، زیر نظر بالاترین مقام کشور که آدم ها و نیرو های لازم برای مبارزه را از نهاد های موجود و خوب دستچین می کنند، اطمینان به این دستچین ها به طور نسبی خیلی بیشتر است و احتمال نفوذ بر این ها کمتر هست. به همین دلیل این ها

دستگاه ها همه اش آلوده شود تا به آن فساد سیستماتیک بگوییم، اگر فاسدان امکاناتی داشته باشند تا در سیستم نفوذ کنند می توانیم آن را به عنوان فساد سیستماتیک قبول کنیم. از این یک مقدار پیچیده تر این است که فاسدان در مجاری تصمیم گیری، قانون گذاری و سیاست گذاری ورود کنند که مرحله خطرناک تری نسبت به فساد سیستماتیک است. در این مرحله مبارزه با فساد دشوار می شود برای این که شما باید به سراغ مفسدین و قوانین و ساختار های فساد زا بروید و آن ها را اصلاح نمایید. هر سه ی آن دچار

۵۸ چه شد که تصمیم به راه اندازی سازمان مردمی دیده بان شفافیت و عدالت گرفتید؟ وضع فساد در کشور به مرحله خطیری رسیده و شکلی پیدا کرده است که در اقتصاد به آن فساد سیستماتیک می گوییم. مقصود از فساد سیستماتیک مرحله ای از فساد است که نهاد ها و دستگاه های مسئول مبارزه با فساد و نظارت بر آن خودشان دچار فساد می شوند؛ مانند قوه قضائیه، مجلس و نیروهای انتظامی. چرا که هر چه بگنند نمکش می زنند وای به روزی که بگنند نمک. البته این معنایش آن نیست که این

سود ویژه داشت.

ما به لفظ، هزار میلیارد تومان ساده می‌گوییم و رد می‌شویم. باید چند میلیون جیب خالی بشود تا بخشی از این هزار میلیارد تومان تامین بشود؟ یکی می‌رود یک سبد پلاستیکی یا مگس کش بخرد از جیبش می‌رود. خب این بورس به عدالت نزدیک است، به شفافیت نزدیک است، از سوء استفاده و رانت خواری جلوگیری می‌کند.

یا فرض بفرمایید همان قرار داد نفتی که ما دو جلسه مفصل با آقای زنگنه داشتیم، دیده بان شفافیت این کار را کرد. چهار پنج نفر از نمایندگان گانه که عضو دیده بان هستند با هم کار کردیم رفتیم با آقای زنگنه صحبتی داشتیم. خیلی مثبت بود و امیدواریم که نتیجه خوبی بگیریم. موارد از این دست باز هم هست که من بیشتر نمی‌گویم و سر موقعش گزارش می‌دهیم و فکر می‌کنیم داریم در یک کار خیر و مجاهدت بزرگ خدا پسندانه موفق می‌شویم.

آقای دکتر جایگاه کشور ما در حوزه ی فساد اقتصادی در دنیا چطور هست؟

جایگاه همه کشور ها را سازمان TI (شفافیت بین المللی) در سال شاخص گیری می‌کند و اعلام می‌کند. شاخصی که از آن استفاده می‌کند شاخص ادراک فساد است، نه عینیت فساد. به آن CPI می‌گویند که با مصاحبه جمع آوری اطلاعات می‌شود. از مدیران شرکت های خصوصی، مدیران دولتی، سازمان های دیگر مصاحبه می‌گیرند به طور تصادفی و نمره می‌دهند و جمع بندی می‌کنند، یک عددی می‌شود که این شاخص می‌شود. ایران وضع خوبی ندارد، یعنی پایین های جدول است و ۱۳۴ یا ۱۳۵ است.

در این شاخص گیری ها غیر از اینکه در خود شاخص فساد حرف و بحث های زیادی هست؛ مثلا اینکه ادراک افراد ممکن است منطبق بر واقع نباشد و تماس هایی که می‌گیرند ما نمی‌دانیم چقدر دقت درست بوده است. یک شاهد مثال می‌آورم که شاخص بهبود محیط کسب و کار قبل ۱۴۰-۱۵۰ بوده و مرکز پژوهش های مجلس کار کردند و با شاخص های آنها اطلاعات جمع کردند و ۲۰ رتبه وضع ما بهتر شد. با بانک جهانی مذاکره کردند و توانستند ثابت بکنند که شما دارید اشتباه می‌کنید و ۲۰ رتبه وضع ما بهتر شد. چون شاخص، نگاه و امید مردم را تغییر می‌دهد. ممکن است اینجا هم اگر ما پیش برویم چنین ظرفیتی پیدا کنیم که به واقع نزدیکتر بشیم و امیدواریم که وضع ما بهتر باشد.

چرا با وجود ۱۵ سال از صدور فرمان هشت ماده ای اقدامات اساسی در این حوزه مثل این حرکت شما به ندرت انجام شده است؟

ببینید مردم بیشتر مبارزه با فساد را در مبارزه با مفسدان می‌بینند، البته در فضای فساد سیستمی درست هم هست.

این نهاد کاملا غیر سیاسی است.

هیچ دسته بندی وجود ندارد. چپ و راست و اصلاح طلب و اصولگرایی و ... ملاک این است که چه کسی سالم است، رانت خوار نیست، حقوق دیگران را هم ضایع نمی‌کند و حاضر است برای این کار مایه بگذارد و خطر بپذیرد. با این منطق که همه ی دوستان پذیرفتند، راه افتادیم و رفتیم سراغ چهل نفر از کسانی که می‌شناختیم و کسانی که این صفت دارند

و کوثری از تهران و آقای امیر آبادی هم از قم و سه نفر هم از بیرون، آقای مرتضی نبوی، آقای محمود فرشیدی و آقای پرویز سروری هستند.

مراحل ثبت و کسب جواز شرکت یک سال و نیم طول کشید. بالاخره حدود اوایل پاییز سال گذشته یعنی حدود شش هفت ماه پیش ما از این فارغ شدیم و کار را شروع کردیم. طبق اساسنامه، ما در زمینه کشف روش ها و ساختار های فسادزا کار پژوهشی می‌کنیم و پیشنهاد جایگزین می‌دهیم. می‌رویم در مجلس و جاهای دیگر مذاکره می‌کنیم یا اگر راجع به سیاست ها باشد با دولت مذاکره می‌کنیم. برای توسعه فرهنگ مبارزه با فساد، تلاش می‌کنیم، کلاس آموزشی می‌گذاریم، خلق ادبیات می‌کنیم. در آینده انشالله برای تز های دانشگاهی کار می‌کنیم و این سایتی هم که دعوت کردیم daad.ir سایت «دیده بان شفافیت و عدالت» همین کار را انجام می‌دهد؛ یعنی کتاب معرفی می‌کند، ترجمه می‌کند و یک سایت تخصصی مبارزه با فساد و دفاع از حقوق شهروندی هست. ضمنا با مفاسد مفسدان هم برخورد می‌کنیم. مردم به ما اعتماد دارند، اطلاعات می‌آورند. البته هنوز کمپین تبلیغاتی راه نیانداخته ایم. هر موقع مطلع بشوند اطلاعات می‌آورند ما اطلاعات را عوض اینکه خام بدهیم به دستگاه نظارت و بازرسی کل کشور یک ماه و نیم روی آن کار می‌کنیم. گروهی برای آن قرار می‌دهیم تا روی آن کار بشود و تحقیق می‌کنیم. در قانون بیشتر روی ساختارها و روش هایی که پیش آمد کار کردیم.

تا الان اقداماتی که شده مثبت بوده است، مثلا از بورس کالا اطلاع رسید که آقای نعمت زاده به اصرار می‌خواهد دولت را به سمتی ببرد که محصولات پتروشیمی از بورس کالا بیرون بیاید. خب این عقبگرد بود و شفافیت در قیمت گذاری را زیرسوال می‌برد و سر مردم کلاه می‌رفت. پس از بررسی ها من به عنوان ریاست هیئت مدیره نامه نوشتم به جناب آقای شریعتمداری معاون محترم رئیس جمهور. بعد در جلسه ای بررسی کردند و پیشنهاد وزیر صنعت معدن و تجارت را رد کردند. در همین ماجرا برآورد ما این بود که اگر این اتفاق می‌افتاد، هزار میلیارد تومان در سال برای عده ای خاص

در مبارزه موثرتر واقع می‌شوند و دیگر نمی‌توانند به اصطلاح همکاری بکنند. ضمنا کار های مردمی را توسعه می‌دهند، چون مبارزه با فساد دفاع از خود شهروندان است. بستگی به این که موسسه آنها چقدر به این صفت شناخته بشود و بتوانند اطمینان مردم را جلب کنند، محل رجوع مردم می‌شوند. طبیعتا بهترین کمک برای حکومت همین سازمان های مردم نهاد می‌توانند باشند. با این منطق، دوستان من آمدند و گفتند: «چرا به صورت فردی و تک نفره به دنبال حل مسئله فساد هستی؟ شما امروز هستی معلوم نیست فردا هم باشی و بتوانی کار کنی. بیا و از آبرویی که پیش مردم و رهبری داری استفاده کن. آدم هایی مثل خودت را هم جمع کن و یک سازمان مردم نهاد تشکیل بده، ما هم در کار به شما کمک می‌کنیم که این جمع شما، بتوانند با کمک هم این نهاد را ایجاد کنند، آن را به مردم بشناسانند و اعتماد مردم را جلب کنند. بعد این نهاد می‌ماند و وقتی که شما عمرت سر آمد، یک کار مهمی برای این مسئله انجام دادی.» این طور شد که ما رفتیم به دنبال حل مسئله و تامین این هدف.

چه افرادی از چه طیف های سیاسی در این سازمان مردم نهاد حضور دارند و الان در چه مرحله ای از کار است؟

این نهاد کاملا غیر سیاسی است. هیچ دسته بندی وجود ندارد. چپ و راست و اصلاح طلب و اصولگرایی و ... ملاک این است که چه کسی سالم است، رانت خوار نیست، حقوق دیگران را هم ضایع نمی‌کند و حاضر است برای این کار مایه بگذارد و خطر بپذیرد. با این منطق که همه ی دوستان پذیرفتند، راه افتادیم و رفتیم سراغ چهل نفر از کسانی که می‌شناختیم و کسانی که این صفت دارند. اعم از دوستان اصولگرا و اصلاح طلب مان؛ از دکتر نمازی بگیر تا مرتضی نبوی، از دکتر سبحانی بگیر تا آقای دکتر راغفر، از دکتر نادران بگیر تا آقای دکتر فرشاد مومنی. با همه آنهايي که می‌دانستیم عدالت خواه هستند و پاک زندگی کرده اند و حاضرند برای مردم فداکاری کنند، صحبت کردیم. شاید یک نفر هم در این چهل نفر نبود که بگوید این کار نشود یا زود است و ... بلکه همه می‌گفتند انجام بده. خیلی هم دیر هم شده. شما هم از پس کار بر میایی و توانایی داری و ما هم کمکت می‌کنیم. البته دوستان اصلاح طلب می‌گفتند که عضو هیات موسس نمی‌شویم ولی کمک می‌کنیم حتی شاید یادتان بیاید در جلسه اولی که ما گرفتیم و حدود سیصد نفر را هم دعوت کردیم، پنج شش نفر از این دوستان سرشناس ما آمدند؛ آقای فرشاد مومنی، آقای عباس شاکری، آقای راغفر، آقای واعظ مهدوی و ... این دوستان همشان بودند و خیلی هم مشوق ما هستند. بالاخره ده نفر موسس شدند که هفت نفرشان در مجلس نهم هستند؛ آقای دکتر بحرینی نماینده مشهد، آقای دکتر دهقان نماینده چناران و طر قبه، آقایان نجابت، نادران

چون فاسد ها آن قدر شبکه ای شده اند که اگر جلوی آنها را نگیری جلوی اصلاح و قانون را می گیری. یک مثال بزمن. من نماینده ی مجلس در شورای پول و اعتبار هستم. در ابتدای دوره نهم مجلس، من اصرار داشتم بر اینکه تخلفات موسسات مالی را قانون محکم برخورد کند. چون استدلال می کردم دوستان شورا هم رای می دادند و اینها یکی پس از دیگری گوششان پیچیده می شد و مجبور بودند یا خودشان را اصلاح کنند یا رای ابطال برای پروانه شان داده می شد. شاید من تنها نماینده ای بودم از نماینده های مجلس که بر جاهای مختلف نظارت می کردم، گزارش می دادم و در رسانه ها منتشر می شد. یکی از کارهایی که در آن زمان شد آن هفتاد و هشت هزار میلیارد تومانی بود که آقای احمدی نژاد می خواست با تغییر ارزیابی دارایی خارجی بانک مرکزی خلق کند و خیلی خطرناک بود. این بدعت خیلی بدی می شد و ما می خواستیم دیگران طمع نکنند. متأسفانه این دولت هم این کار را می خواست انجام دهد و تاکنون سه بار خواسته این کار را انجام دهد. بعد از این که من فهمیدم چند دفعه به دیوان عدالت عالی شکایت کردیم. دیوان عدالت دستور توقف اجرای مصوبه بانک مرکزی را داد، آقای احمدی نژاد دور زد و گفت از شورای اقتصاد و شورای پول و اعتبار اجازه می گیرم. از طریق شورای پول و اعتبار که اکثر دولتی هم هستند سعی کرد که مسئله را به شکل قانونی عمل کند. در مجلس دو فوریتی دادیم و جلوی کار را گرفتیم. در واقع ماده ای از قانون که برای آنها سند بود را لغو کردیم و جلوی گرفته شد.

آیا اصلاً توان مقابله با این فسادهای سیستماتیک و پیچیده وجود دارد و فشارها به دستگاه های مبارزه با فساد چه میزان است؟

فشار که بسیار است. بگذارید مثالی بزمن. روزی من در مورد یکی از موسسات فاسد گزارشی آوردم و اصرار داشتم که با آنها برخورد شود و در جلسه تصویب شد. من از جلسه رفتم بیرون و دیدم یکی از وزرای سابق زنگ زد. با من حال و احوال کرد و گفت کجا هستی می خواهم ببینمت. گفتم فلان جا هستم و بیا اینجا. گفت من با فلان کس می آیم. دیدم اسم آشناست. گفتم کی هستی؟ گفت مدیر عامل فلان موسسه. گفتم با او نباید بیای خودت می توانی بیایی. اصرار کرد گفت من کار دارم. گفتم نه او وضعیت خراب است و به زودی هم موضوع رسانه ای می شود، برای شما هم خوب نیست. از او کناره بگیر... خلاصه حرف من را نپذیرفت و خیلی از من گله مند شد که من راه ندادم. قسم می خورم که من بیرون آمدم خیر به او رسید و می خواست یک نفر را بیاورد که آشنا باشد و وساطت کند. این ها را می گویم به خاطر اینکه معلوم شود فاسدان را باید زد. این که این ها نیرو دارند یار دارند و اجازه نمی دهند که شما کارهای درست را به ثمر برسانید. البته اکثراً پیروز نمی شوند و هنوز آن قدر قدرتمند نشدند که بتوانند جلوی کارها را بگیرند ولی می خواستم بگویم که مردم بیشتر این جنبه را حس می کنند.

در چند سال اخیر چند قانون خیلی خوب در جهت تصویب شده است. یکی قانون اصلاح قانون برگزاری مناقصات است که

از بورس کالا اطلاع رسید که آقای نعمت زاده به اصرار می خواهد دولت را به سمتی ببرد که محصولات پتروشیمی از بورس کالا بیرون بیاید. خب این عقبگرد بود و شفافیت در قیمت گذاری را زیرسوال می برد و سر مردم کلاه می رفت. پس از بررسی ها من به عنوان ریاست هیئت مدیره نامه نوشتم به جناب آقای شریعتمداری معاون محترم رئیس جمهور. بعد در جلسه ای بررسی کردند و پیشنهاد وزیر صنعت معدن و تجارت را رد کردند. در همین ماجرا برآورد ما این بود که اگر این اتفاق می افتاد، هزار میلیارد تومان در سال برای عده ای خاص سود ویژه داشت

شفافیت دارد که تمام قرارداد های متوسط و بزرگ (قرارداد ها سه دسته اند کوچک، متوسط و بزرگ) باید در سایتی که سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه کرد قرار بگیرد. متأسفانه از سال ۹۱ به بعد مهلتش تمام شد پیگیری نکردند این نشان می داد که این قرار داد چه هست؟ چه طور تنظیم شده و اصلاحش و تغییرش و برندش همه روی سایت هست. یکی قانون آزادی دسترسی به انتشار اطلاعات. بسیار قانون مترقی هست که احاد ملت را محق دانسته که از دستگاه دولتی اطلاعات بخواهند و او حق ندارد بپرسد برای چه می خواهید. ده روز فرصت دارد بدهد و اگر ندهد جرم است و مجازاتش در قانون تعیین شده است. البته اطلاعات محرمانه را نمی شود داد ولی هر سندی را هم نمی شود محرمانه بکنند. تصمیمی که متضمن حق یا تکلیف مردم شود، مشمول محرمانه کردن نیست که خیلی از محرمانه ها را از بین می برد و شفاف سازی می شود. یا قانون امر به معروف و نهی از منکر که حق همه مردم دانسته شده که امر به معروف و نهی از منکر کنند. اگر کارمند دولت هستند و مقام بالاتر را امر به معروف و نهی از منکر



فرد دیگری که قاضی بود و از قضاوت خلع شد و ۲۰۰ هزار تومان جریمه شده باعث تمسخر شد. البته من در جلسه دانشجویی هم گفتم که شما نمی دانید وقتی به یک قاضی با سابقه می گویند که تو دیگر صلاحیت قضاوت نداری، این مرگ شغلی است و مجازات کمی نبود. با این وجود معتقدم که جرمش بیشتر از این حرف ها بود که با این مجازات جواب داده بشود

وجود دارد. بعد آقازاده ها، گاهی به کسانی که وابسته به کانون های ثروت هستند، میدان می دهند. تاجر متوسط را تحویل نمی گیرند ولی یک تاجر مساله دار بزرگ را تحویل می گیرند. اینکه دولت هردفعه مساله ای مطرح می شود فوراً تکذیب می کند و سند هم ارائه می کنی باز تکذیب می کند، خوب نیست. قوه مجریه می تواند با اجرای قانون و اصرار بر اجرای قانون حقوق شهروندی را رعایت کند، اهمیت قانون را بالا ببرد. قانون گرایی خودش مردم را قانون گرا می کند. مجلس و قوه قضائیه نیز در جای خودش اما چون قدرت دست دولت است، هر جا قدرت و پول باشد در آن جا فساد بالا می رود. اگر قانون حاکم شد و حقوق شهروندی رعایت شد که عمدتاً دست دولت است، آنگاه اگر کسی از مسیر خارج شد قوه قضائیه یقه اش را می گیرد. در آخر کار برای اینکه منطقی پیشگیری از جرم هم بخواهد انجام دهد باید از دولتی که دارد این کارها را انجام می دهد حمایت کند.

۱۵ به نظر شما مجلس کاری که باید انجام می داده و نداده چیست؟ چه قانونی هست که خلا آن وجود دارد برای مجلس آینده؟

من بیشتر از اینکه غصه قانون ها را بخورم، غصه آدم ها را می خورم. یعنی می گویم که مدیریت مجلس طوری باشد که آدم های مساله دار رئیس کمیسیون نشوند. در مجلس نهم آدم های مساله داری بودند که رئیس کمیسیون شدند. مجلس باید اولین کاری که می کند حساس باشد به این مساله.

۱۵ به عنوان آخرین سوال توصیه شما به تشکل های دانشجویی چیست؟

حمایت روحی و معنوی باعث دلگرمی هست و دانشجویان چون به اصطلاح گاو و گوسفندی پیدا نکرده اند که دل بسته بشوند فرصت خوبی دارند برای اینکه بتوانند با فساد مبارزه کنند، به ما و امثال ما کمک کنند، خودشان موضع بگیرند و عمدتاً به سراغ مبارزه با فساد بروند. حکومت ما باید خود را در مبارزه با فساد ثابت کند و گرنه انقلاب مخملی و کودتا و تجاوز نظامی، نمی تواند جمهوری اسلامی را از بین ببرد. ■

نشان می دهد که آن گرفتاری هایی که ما می گوئیم، هست. ثانیاً نشان می دهد که رییس این سیستم در صدد اصلاح کار هست. بعد محاکمه هایی صورت گرفته در این چند سال که قابل اعتراض هست. ما همه می دانیم که اگر معاون رییس جمهور یک وقتی خطا کرد به موقع باید بهش رسیدگی بشود، نشد، ضعفی بود نشد، ولی نتوانست در برود، بعد محاکمه شد. یا فرد دیگری که قاضی بود و از قضاوت خلع شد و ۲۰۰ هزار تومان جریمه شده باعث تمسخر شد. البته من در جلسه دانشجویی هم گفتم که شما نمی دانید وقتی به یک قاضی با سابقه می گویند که تو دیگر صلاحیت قضاوت نداری، این مرگ شغلی است و مجازات کمی نبود. با این وجود معتقدم که جرمش بیشتر از این حرف ها بود که با این مجازات جواب داده بشود.

۱۵ همان طور که گفتید قوانین خوبی در چند سال اخیر وضع شده اما مشکلی که وجود دارد این است که بسیاری از این قوانین به مرحله اجرا نمی رسند. مثلاً قانون شفافیت دارایی های مسئولین به تصویب رسیده ولی عملی نشده و مردم ثمره آن را ندیده اند. به نظر تان ضعف قوانین بیشتر باعث فساد می شود یا اجرا نشدن قوانین؟

می توان گفت هر دو اما فکر می کنم بیشتر از عدم اجراء است. بعضی وقت ها اتفاقات خوبی هم می افتد مثل رد صلاحیت برخی از نمایندگان فعلی مجلس؛ یعنی سیستم به خودی خود جاهایی اقدام می کند ولی کفایت نمی کند. ما کمک می کنیم که این موارد بیشتر شود و چیزی که ما احتیاج داریم حمایت است. حمایت از طریق عضویت در سایت daad.ir، از طریق دادن اطلاعات، از طریق شناساندن روش های اداری که منجر به فساد می شود، معرفی سازمان های فساد خیز، ارائه راه حل جایگزین برای این روش های فساد خیز، گزارش مصادیق سوءاستفاده مالی و... حداقل این است که عضو غیرفعال باشد زیرا ما طبق قانون می توانیم تجمع و تظاهرات داشته باشیم و می توانیم در هر جا که باشد به یک مصداق خاصی اعتراض کنیم. من از شما و مردم خواهش می کنم که کمک کنید تا همه ما را بشناسند و بعد از شناخت هم پا جلو بگذارند و کمک کنند.

۱۵ آقای دکتر اشاره کردید در بحث اجرای قانون عمده اهمیت مبارزه با فساد به گردن دولت است و قوه قضائیه در مرحله آخر است، دولت باید در این زمینه چه کار کند؟

از همه مهم تر دولت انضباط مالی را رعایت کند. هر مناقصه ای شرایطی دارد. اینکه یک مسئول به هر طریقی به در و دیوار بزند که حتماً مناقصه برگزار نکند و برود با مذاکره خرید کند، این خوب نیست که میل شدید به این کار در قوه مجریه

کردند، آن مقام نمی تواند پست او را تغییر بدهد یا حقوقش را کم کند و تویبیشش کند. اینها همگی در جهت سلامت جامعه دارد ریل گذاری می کند. یا قانون ارتقاء سلامت اداری که در مجلس تصویب شده و می بینید که احکام بسیار صریحی دارد که می خواهد کمک کند به افراد سالم. یک سری زمینه ها هم فراهم شده هنوز البته ما به ازای خارجی ندارد.

۱۵ مردم چه طور باید خودشان باید برای مبارزه با فساد به عنوان یک رکن جدی اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل کنند؟

آموزش. حقوق شهروندی اول باید شناخته بشود بعد برای استیفای مردم اقدام کنند. مردم نمی دانند، خبرنگار نمی داند که می تواند برود به اداره ای بگوید که نسخه ای از فلان نامه ها را می خواهم و اگر گفتند نمی شود می تواند شکایت کند. وقتی یکی دوتا سه تا ده تا شکایت بشود، این ها صدا می کند، در رسانه ها پخش می شود. جزو کارهایی که در همین دیده بان خواهیم کرد ان شاء... برگزاری کارگاه های آموزشی ست تا مردم به حقوقشان واقف بشوند. در موضوعی اسناد جمع آوری کردم، کیفرخواست نوشتم و به قاضی دادم، قضیه فرق کرد و جدی تر برخورد شد. دیده بان در آینده از این کارها می کند، کمک می کند به قوه قضائیه.

بحث دیگری که خیلی مهم است این است که دیدبان شفافیت و عدالت چه طور کار می کند؟ از چه ابزارهایی استفاده می کند؟ یکی از این ها قوانینی هست که ذکر کردم، از جمله قوانین خوبی که در ۳، ۴ سال اخیر تصویب شده و از سال ۹۳ اجرائی شده، قانون دادرسی کیفری هست که ماده ی ۶۶ در دفاع از سمن ها به آنها اجازه می دهد که در موضوع خودشان علیه افراد و دستگاه ها، بیابند اعلام جرم کنند. با شرایطی پذیرفته می شود و می توانند براساس همین حق در تمام مراحل دادرسی حضور داشته باشند و به نتایج دادرسی اعتراض کنند. ما می توانیم از این قانون استفاده کنیم در همین قوه ی قضائیه ی پی حق بگردیم و نتیجه می گیریم. یا مثلاً در قانون بازرسی کل کشور ماده ۱۱ داریم که بازرسی کل کشور با افرادی که مورد اعتماد هستند می تواند تفاهم نامه امضا کند و ما نیز به بازرسی کل کشور کمک خواهیم کرد و من نامه هایی به جناب آقای سراج نوشتم که بی تاثیر هم نبود.

۱۵ هم اکنون عملکرد قوه قضائیه را در این زمینه چطور می بینید؟

قوه ی قضائیه در این دوره ۴،۵ سال اخیر خیلی بهتر از گذشته عمل کرده است. مثلاً در یک تصمیم در دوره ی اول آقای آملی لاریجانی ۱۷۵ قاضی عزل شدند. خوب این اولاً



روایت فیروزآبادی از «ایتان» در گفت و گو با ۵۷ سنگرهای بدون «مصطفی»

یکی از نهادهای پژوهشی موفق در زمینه پژوهش، پیگیری و مطالبه‌گری مسائل اقتصاد مقاومتی، مرکز ایتان است. ایتان که مخفف واژه (Iran Think thanks Network) یا شبکه کانون‌های تفکر ایران است، مشتمل از کارگروه‌های مختلفی است که در زمینه‌های گوناگون بانک، بورس، مسکن، کشاورزی و... به بررسی و آسیب‌شناسی مسائل کشور و ارائه راهکارهای عملیاتی می‌پردازند. برای معرفی بیشتر این مرکز با مرتضی فیروزآبادی به گفت و گو نشستیم. مدیرعامل ۳۵ ساله ایتان، دانشجوی دکتری اقتصاد آموزش عالی دانشگاه تهران است که در دوران دانشجویی دبیر جنبش عدالتخواه بوده است. او از سال ۸۶ وارد مجموعه ایتان شده و از سال ۹۰ تاکنون مسئول این مجموعه است. فیروزآبادی البته در سال‌های ۹۳ و نیمی از سال ۹۴ هم معاون علمی سازمان بسیج دانشجویی بوده است.

آن تصمیم درست بگیریم و بعد آن تصمیم درست را درست اجرا کنیم. برداشت ما این است که بسیاری از مسائل کشور، در تشخیص و تصمیم‌دهی دچار اشکال است. یعنی ما در بسیاری از مسائل، مسائل را خوب تشخیص نمی‌دهیم که این مسئله اصلاً چه چیزی است، بیماری چیست، مشکل چیست. بعد هم به تبع آن تصمیم خوبی برایش نمی‌گیریم. حالا البته یک جاهایی هم در اجرا می‌لنگیم، اما آن وزن تشخیص و تصمیم، وزن پر رنگی است. لذا همین الان که می‌بینید، بالاخره کشور مسائل اقتصادی دارد، یکی تحلیل می‌کند که ریشه آن تحریم‌هاست، یکی تحلیل می‌کند که ریشه اش چیز دیگری است. ما در همه مسائل کشور این چالش را داریم که تشخیص

هم به آن مبتلا بودیم. نقد و بررسی کردند که چقدر و چه نوعی نیاز داریم. مسائل مربوط به سیاست صنعتی کشور در آن مقطع؛ تقریباً سال‌های ۸۱، ۸۲ و ۸۳ که سیاست‌های صنعتی کشور چه می‌شود؟ این دسته موضوعاتی که مسائل و راهبرد‌های کلان کشور محسوب می‌شود، در آن مقاطع مورد بررسی قرار گرفتند.

نگاه خاص ایتان به مسائل و مشکلات کشور چیست؟

معتقدیم که اگر ما در کشور یک ناکارآمدی می‌بینیم، این ناکارآمدی ممکن است در سه سطح باشد، یعنی برای حل آن باید سه کار را انجام دهیم. تشخیص درست بدهیم، برای

«ایتان» چه زمانی و بر اساس چه دغدغه‌ای تشکیل شد؟

ایتان در حواشی سال ۷۹ تشکیل شد، یعنی یک قدمت ۱۶ ساله دارد. روزی که ایتان تشکیل شد، مسئله مهم کشور در آن ایام (دوره اصلاحات) دعوای سیاسی بود و برداشت دوستان این بوده که در این دعوای سیاسی، مسائل اصلی کشور که مستقل از جریان‌های سیاسی است، دارد گم می‌شود. مسائلی مثل علم و فناوری در آن مقطع، به عنوان مسئله مهم و بعد هم مسائل دیگر، این‌ها به حاشیه می‌روند. لذا بر این اساس مجموعه ایتان در آن مقطع تشکیل می‌شود. در آن زمان موضوعاتی مثل خرید هواپیما را هم پیگیری کردند که حالا هم به آن مبتلا هستیم، آن زمان

است که کار می‌کنند. در موضوعات مسکن، کشاورزی، صنعت، سلامت، آموزش و پرورش، فناوری‌های نرم، جمعیت، انرژی و دیپلماسی اقتصادی، کار می‌کنیم. در هر کدام از این‌ها موضوعاتی را پیش برده ایم؛ مثلا ما به طور مشخص در نقشه جامع علمی ورود مختصری داشتیم، بیشتر از آن بعدا در قالب قرارداد هایی درباره شاخص‌های ارزیابی نقشه، اقدامات و اولویت‌های نقشه و مسائلی از این دست با ستاد نقشه همکاری کردیم. در تدوین سند نخبگان و اجرایی سازی سند، مشارکت کردیم. در پیگیری و اجرای سند تحول آموزش و پرورش هم به همین شکل. در وزارت نفت الان محور هایی را پیگیری می‌کنیم که آن موردی که می‌شود به عنوان پروژه نام برد، موضوع ساخت داخل است که چگونه از ظرفیت‌های داخلی کشور در نفت استفاده بشود. خوب این یک کار تحقیقاتی بوده است که پیگیری کرده ایم و داریم آن را انجام می‌دهیم تا به ثمر برسیم. در موضوعات کشاورزی به همین ترتیب؛ از موضوع ریزگرد که ما با آن مواجه هستیم، موضوع مدیریت آب و... که این‌ها موضوعات مورد مطالعه و کار هست و کلان اقتصاد مقاومتی که الان اولویت مهم کشور ما است. اینکه منظومه‌ای از اقدامات اقتصاد مقاومتی را احصاء کنیم و به دستگاه‌های مسئول بدهیم، جزء پروژه‌های مهم ما بوده است که برای یکی از دستگاه‌های کشور انجام داده ایم و بعد هم شاخص‌هایش را در آورده ایم؛ شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر اساس سیاست‌های کلی که اقا ابلاغ کردند، آن را هم با یکی از دستگاه‌ها انجام دادیم.

سواى از این که چه دولتی بر سر کار است، شما در واقع یک حالت اتاق فکر دولت‌ها را بر عهده دارید. برای حل مسائل و مشکلات کشور، مثلا موضوع مسکن، چطور می‌شود که شما اتاق فکر هستید ولی از این دولت به آن دولت، راهکارها و راه حل‌ها صد و هشتاد درجه با هم متفاوتند؟

ما اتفاق فکر به معنای این که دولت گفته باشد برای من فکر کنید که نیستیم! ما خودمان فکر می‌کنیم. بعد باید برای این فکرمان تلاش کنیم. البته درست است که دولت‌ها متفاوتند، اما بالاخره در یک دولت تلاش ما برای موضوع مسکن جلو می‌رود و مثلا می‌شود مسکن مهر، در یک دولت دیگر نمی‌شود حوزه مسکن را جلو برد، دولت ورودی ندارد، پذیرش ندارد. ولی ممکن است که کشاورزی جلو برود، مثلا در کشاورزی اعتقاد وجود داشته باشد، پذیرش آن را داشته باشند. مثلا در خودکفایی، مبانی و مفاهیم یکی باشد و این کارها با هم جلو برود.

*نقش‌های اینان در شکل‌گیری گفتمان اقتصاد مقاومتی چه بوده است؟ بعضی از اینانی‌ها این مرکز را جزو مجموعه‌های پیشرو در این زمینه می‌دانند.

ببینید ما قبل از این که گفتمان اقتصاد مقاومتی شکل

به عنوان بچه‌های دغدغه‌مند حزب الهی، باید تلاش کنیم که هر کسی بر روی یک مسئله مهم و اساسی کشور متمرکز بشود و آن مسئله را پیگیری کند. مثالی که من زدم، عرض کردم که کشور مشکلاتی دارد که ما به هر کدام از آن‌ها می‌توانیم بگوییم «سنگرهای بدون مصطفی»؛ یک سنگر بدون مصطفی احمدی‌روشن که یک نفری باید عمرش را بگذارد، وقتش را بگذرد، مانند شهید احمدی‌روشن با جانفش برود و آن سنگر را «با مصطفی» کند و پیگیری بشود

چه تعداد نیروهای انسانی که با شما همکاری می‌کنند؟

ما الان مستقیم با انواع و اقسام همکاری‌هایی که داریم نزدیک به شصت نفر. این افراد در چهارده-پانزده محور سازماندهی می‌شوند.

ایتان با حمایت چه نهادی فعالیت‌هایش را انجام می‌دهد؟ هزینه‌هایش را از چه راهی تامین می‌کند؟

ما این‌جا بیشترین کارمان را با مجموعه‌های علمی دولت‌ها و برخی نهادها غیر دولتی مثل مجلس انجام می‌دهیم. البته همکاری ما با همه این‌ها، عموما جنس پروژه دارد. یعنی ما با این‌ها قرارداد می‌بندیم و در قالب قرارداد کار انجام می‌دهیم. بنابراین بعضی از این تعاملات ما پررنگ تر و بعضی کم‌رنگ‌ترند. جنس کار ما از جنس قراردادی با مجموعه‌های دیگر است.

در طول سالیان فعالیت ایتان، چه پروژه‌ها و خروجی‌هایی صورت گرفته است؟

ببینید الان که ما درباره ایتان صحبت می‌کنیم، ایتان تقریبا در همه حوزه‌های اقتصاد، صاحب مجموعه و گروه‌هایی



درستی از مسئله داده بشود و بعد از آن تصمیم‌درستی گرفته بشود. ایتانی‌ها فکر می‌کنند که سطح تشخیص و تصمیم خیلی مهم هست. باید بچه‌ها روی تشخیص و تصمیم تمرکز کنند بویژه کسانی که برای کشور دغدغه دارند، برای انقلاب دغدغه دارند و فکر می‌کنند که باید آرمان‌های انقلاب را پیگیری کنند، باید روی سطح تشخیص و تصمیم متمرکز شوند. همین الان چقدر از کانون‌هایی که مثل ما دارند بر روی سطوح تشخیص و تصمیم فکر می‌کنند، حزب الهی و با دغدغه‌های حزب الهی‌ها نسبت به مسائل کشورند؟ خیلی اندکند. این جبهه خالی است، برای همین هم باید به این جبهه توجه ویژه کرد. بنابراین یک وجه بچه‌های ما این است؛ یعنی به مسائل مهم کشور، با نگاه کلان و سیاست‌گذاری توجه می‌کنند. یعنی با این نگاه که فرض می‌کنند یک مسئول کشوری بخواهد این مسئله را حل بکند، فرض این نیست که ما خودمان آستین بالا بزنیم و برویم آن را حل کنیم، فرض این است که یک مسئول کشور می‌خواهد این را حل بکند، مثلا مسئولی داریم که میخواهد مثلا مسئله مسکن را حل کند؛ برود چه کار کند؟ ممکن است جوابش این باشد که برود مسکن مهر بگیرد، ممکن است جوابش این باشد که یک وام را به شکل خاصی بدهد، هر جوابی ممکن است به آن داده بشود. ما این‌جا مشغول این هستیم که به مسئله‌ها به این شکل نگاه کنیم و این جواب‌ها را برای آن بدهیم.

یکی دیگر هم این بوده است که فرض نکردیم که اگر ما به مسئله‌ای فکر کردیم و برای آن راه حلی پیدا کردیم، بعد این‌جا بنشینیم و بگوییم یا ایها الناس بیایید راه حل ما را گوش کنید. معمولا این کار را نمی‌کنیم؛ ما به دنبال راه حلمان می‌دویم. می‌رویم مثل «طیب دوار بطبه». از این مسئول به آن مسئول، از این نهاد به آن نهاد، به هر جایی که فکر می‌کنیم به حرف ما گوش کند و به حرف ما توجه کند، می‌رویم و سعی می‌کنیم در آن‌جا ورود کنیم و با آن‌ها حرف بزنیم، تبیین کنیم، قانع کنیم تا مسئله پیش برود. بنابراین ما به دنبال حرفمان هم می‌دویم.

توجه سوم مان هم این بوده است که مسائل کشور مستقل از جریان‌های سیاسی است. البته این نتیجه‌ی کار است. یعنی این کشور یک سری مسائل ریشه‌ای دارد که این مسائل ریشه‌ای نه در این جریان و نه در آن جریان و نه در دیگری است که کار سیاسی می‌کنند مورد توجه واقع نمی‌شود. چه آن جریان بر سر کار باشد و چه این جریان بر سر کار باشد باید افرادی باشند که به این مسئله فکر کنند و برای آن راه حل ارائه دهند و اگر آن افراد نباشند، خیلی مهم نیست چه کسی بر سر کار است. چون هر کسی هم که بر سر کار باشد، باید برای مسئله فکر کرده باشد والا خیلی نمی‌تواند برای آن مسئله کاری انجام بدهد. معمولا هم فکر نکردند بنابراین مجبور است کارهای دم‌دستی انجام بدهد یا الگوهای وارداتی را تقلید کند. این هم از جمله نگاه‌های ماست.



هیچ مشکلی را از کشور حل نمی کند. موقعی که کار کشور به یک نقطه ای رسید، پیش رفت و مسئله حل شد، آن وقت کشور پیشرفت می کند. این، یک خط گفتمانی است که مسئله اول ما در فضای دانشگاه می باشد، همین مسئله های اقتصادی و مسائلی از این دست.

برای خود ما توسعه موضوعات مان خیلی مهم است و مهم تر تعمیق موضوعات مان است. یعنی ما باید موضوعات مان را از نظر پژوهشی، تجربیات داخلی، خارجی، از پیشنهاد تا عرصه ی اجرا عمق بدهیم. بالاخره الان دایره موضوعات ما خیلی زیاد است، شاید اگر بشماریم، پنجاه-شصت محور الان دارد کار می شود که این ها وزن های متفاوتی دارد و باید همه عمیق شود و مهم تر از عمیق شدن این است که همه در کشور به ثمر برسند. یعنی برنامه ما این است که بالاخره اگر ما روی یک موضوع تصمیم گرفتیم که مثلا فرض کنید خط پالایشگاه سازی در کشور شکل بگیرد و راه بیفتد، این فکر باید به ثمر برسد، نباید در حد مطالعه باقی بماند، حتی در گفتمان هم نباید باقی بماند، باید به اقدام و عمل برسد. ما باید پیگیری کنیم که برسد. یعنی نقش بچه های ما در اقدام و عمل این است که پیگیری کنند که آن اقدام و عمل در کشور محقق شود. این جهت دوم بحث. غیر از جهت اول بحث که گفتمانی است و جهت دومی که تعمیق است، جهت سوم آن این است که به ثمر برسد و جهت چهارم این است که با توجه به محدودیت هایی که

بدون هیچ تجربه ای و حتی بدون این که آن علم دانشگاهی اش خیلی به دردش بخورد، بتواند در یک مجموعه ای به گونه ای آموزش ببیند، به گونه ای توانمند شود که در مسائل کشور به درستی و با تشخیص و تحلیل درست نقش آفرینی کند. این یک فرایند است، این یک تکنولوژی است که چگونه آدم می تواند این فرایند را اجرا کند؟ خوب ببینید، این مسئله در این جا بوده است.

الان مسئله اصلی که ما داریم به دنبال آن می رویم یکی حرف روز اول تشکیل ایثار است، یعنی به عنوان بچه های دغدغه مند حزب الهی، باید تلاش کنیم که هر کسی بر روی یک مسئله مهم و اساسی کشور متمرکز شود و آن مسئله را پیگیری کند. مثالی که من زدم، عرض کردم که کشور مشکلاتی دارد که ما به هر کدام از آن ها می توانیم بگوییم «سنگر های بدون مصطفی»؛ یک سنگر بدون مصطفی احمدی روشن که یک نفری باید عمرش را بگذارد، وقتش را بگذرد، مانند شهید احمدی روشن با جانش برود و آن سنگر را «با مصطفی» کند و پیگیر بشود. این فرهنگ باید در جامعه جوان ما به وجود بیاید؛ هر کسی یک کار برای یک عمر، یک سنگر برای یک عمر. این کار را حفظ کنیم، به ثمر برسانیم و می بینیم که کشور با این یک کاری که ما انجام دادیم، رفت جلو. اگر واقعا رفت جلو، برویم و دومی را انجام بدهیم، این که ما از مسئولیتی به مسئولیت دیگری بپریم، از جایی به جایی بپریم، از موضوعی به موضوعی بپریم، این

بگیرد، در اقتصاد فعال بودیم و کار کرده بودیم و مهم ترین مسئله هایی که در اقتصاد ممکن است که پیش بیاید، ما این ها را مطالعه کرده بودیم. البته این که بگوییم ما در شکل گیری گفتمان اقتصاد مقاومتی نقش داشتیم، غلط است. ما نقشی نداشتیم. گفتمان اقتصاد مقاومتی حاصل شرایط کشور بوده است و خود حضرت آقا بالاخره بر اساس یک تدبیر و تشخیص و تحریر هایی که به ایشان داده می شود این گفتمان را مطرح کردند. اما ما بعد از مطرح شدن گفتمان، برای این گفتمان خیلی کار کردیم. اولینش این بوده است که تمام حیطه های اقتصاد را در این جا سامان دادیم و برای آن نیرو پیدا کردیم و داریم کار می کنیم. در گفتمان سازی و مطالبه گری آن نقش ایفا کردیم؛ همان کاری که با بسیج یا تشکل های دیگر می کنیم، و یا کمک به رسانه ها و کلا هر چیزی که مربوط به اقتصاد مقاومتی است، در آن ها کار جدی را انجام دادیم.

دغدغه ها و مسائل اصلی شما برای آینده چیست؟

خب ما به هر حال مجموعه موفقی محسوب می شویم؛ به دلیل زحماتی که دوستان می کشند. این شکل از ایفای نقش جوان در اداره کشور را ما در هیچ الگوی دیگری نداریم. یعنی اگر کسی که در سرش تمام می شود، مثلا لیسانسش را می گیرد، یا دانشجوی ارشد است، یک راست بتواند بیاید و

از نظر دیگران یک گروه دانشجویی بود. امروز یک مجموعه تصمیم ساز جدی محسوب می شود. این استقامت در کار است. یعنی بچه ها نباید زود خسته شوند، بالاخره هر کاری برای ما آسان است. در کوه چند قدم اول را که شما برداشتید و از آرزو درآمیدید، جدی شد، خسته می شوید. در ابتدا بالاخره هیجان و احساس و بچه ها با هم برویم... بالاخره صد متر، دویست متر که شما بالا می روید، دیگر متفاوت می شود. آن کسی که بایستد تا پایان کار و بالا برود، به قله می رسد؛ این رمز اصلی است. حالا مشکلات دیگر هم دارد، این کارها مشکل تامین مالی دارد، مشکل حقوقی دارد... این ها بالاخره حل می شود، همان طور که ما حل کردیم، بقیه هم حل می کنند.

اگر الان مسئول بسیج دانشجویی یک دانشگاه بودید ناظر بر اینکه این شعار سال را تحقق بدهید، چه کار و اقدامی انجام می دادید؟

اقدام بسیج دانشجویی مطالبه و گفتن است. زمانی ما در بسیج دانشجویی یک دانشگاه کارنامه موفقی داریم که اگر از بچه های آن دانشگاه درباره اقتصاد مقاومتی سوال کردیم، بچه ها قبول داشته باشند، درست فهمیده باشند و اعتقاد داشته باشند. هر قدر این گونه بود، کارنامه ما در گفتن سازی اقتصاد مقاومتی جلوتر است. مثلا اگر دانشجویان دانشگاهی مثل دانشگاه های تهران، شریف و امیرکبیر باورشان در اقتصاد مقاومتی افزایش پیدا کند، آن زمان می گوئیم بسیج درست کار کرده است. اگر یک موضوعی را در کشور مطالعه کردیم و منتج به اثر شد، یعنی مسئول شنید؛ مطالبه دقیق، علمی، عمیق و با روش درست، نه از جنس مطالبه هایی که انجام می دهیم که خودمان را راضی کنیم که اعتراض کردیم - و منتج شد به واکنش مسئول، تغییر در تصمیم مسئول، به مطالبه دیگران از مسئول و او را حرکت داد به سمتی که یک کاری را اصلاح کند، حتما بسیج دانشجویی خوب عمل کرده است. مصادیق اقدام و عمل بسیج دانشجویی در دانشگاه ها الان این هاست.

وقتی بچه ها بزرگ تر بشوند، وقتی دانشجوی تحصیلات تکمیلی بشوند، وقتی فارغ التحصیل بشوند، مسیرشان عوض می شود. آن وقت باید مثل ما بیایند و بگویند که آقا ما این را از این جا برداشتیم و این جا گذاشتیم. اما وقتی که در دانشگاه و در بسیج هستند، از بسیج این دو اقدام خواسته شده است؛ یعنی اقدام و عمل، این دو کار می شود. حالا اردو های جهادی هم جزء اقدام و عمل است، ولی این دو کار پر رنگ تر و جدی تر است. ■

دانشجویان، واقعا چقدر امکان پذیر است؟
سخت هست، ولی شدنی هم هست.

شما خودتان در آن اوایل مشکلاتی نداشتید؟

داشتیم، الان هم مشکلاتی داریم. ببینید از نظر شدنی بودن، هر کاری که انسان پای آن بایستد، شدنی است. وقتی انسان به فضا رفته است و توانسته است که به فضا برود، یعنی هر کاری را می تواند انجام دهد. شدنی هست، نیاز مندی های آن چیست؟ یک سری نیاز مندی های ذاتی آن آدم است. یعنی یک کار احساسی و اجرایی نیست، یک کار تفننی نیست. یک کار جدی است. بچه ها بخواهند این کار را انجام دهند، باید یک مقدار تحلیلی باشند، یک مقدار فکری باشند، یک مقدار تشکیلاتی باشند. بالاخره یک بچه سطح بالایی می تواند این کار را جلو ببرد. خودش باید بداند که می تواند یا نه، هر کسی نسبت به خودش شناخت دارد. ما می توانیم بگوییم بالاخره این کار یک کار این چنینی است، تحلیلی است، آدم در آن نیاز به زوایای مختلف دارد، اقتصادی که فکر می کند باید حواسش به بینش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هم باشد. رابطه با فضای علمی و غیره بتواند فکر کند، خلاقیت داشته باشد، اسیر راه حل غرب و شرق و دیگران نشود و متفاوت فکر کند. این ویژگی هایی است که خود بچه ها باید تشخیص بدهند.

بعد از آن، مولفه موفقیت، مشورت و تعامل است. یعنی اگر ما این جا هستیم و ده - پانزده سال و تقریبا شانزده سال تجربه داریم و دیگرانی هم در کشور هستند که ممکن است شبیه ما کار کرده باشند، از تجربیات آن ها استفاده کنید. ما خودمان کمک فکری می کنیم به هر کسی که بخواهد، دیگران هم حتی انجام می دهند. این مسئله دوش است، یعنی باید از تجربیات استفاده بکنند تا بتوانند. مسئله سومش که مسئله اصلی است، استقامت این کار است. یعنی با شش ماه و یک سال و نشد و این ها، شکل نمی گیرد. این جا هم اگر می بینید، این جا بالاخره مانده اند و در آن استقامت انجام شده است که ما الان به این نقطه رسیدیم تا این پانزده - شانزده سال. والا ایاتن هم روز اول که تشکیل شد،

اگر یک موضوعی را در کشور

مطالعه کردیم و منتج به اثر شد، یعنی مسئول شنید؛ مطالبه دقیق، علمی، عمیق و با روش درست، - نه از جنس مطالبه هایی که انجام می دهیم که خودمان را راضی کنیم که اعتراض کردیم - و منتج شد به واکنش مسئول، تغییر در تصمیم مسئول، به مطالبه دیگران از مسئول و او را حرکت داد به سمتی که یک کاری را اصلاح کند، حتما بسیج دانشجویی خوب عمل کرده است

هست اگر امکانی برای توسعه وجود داشته باشد، خلاهای موضوعی را پر کنیم. خوب بعضی از موضوعات هست که ما کمتر روی آن کار کرده ایم، موضوعاتی که مهم هستند که حالا یا نیرو پیدا نشده است یا فرض کنید، توان ما نبوده است و هر چیز دیگری مثلا نظام اداری که ابر مسئله اقتصادی کشور است. خوب ما این را کار نکرده ایم و اگر روزی نیروی خوبی پیدا شود و ما هم توانش را داشته باشیم، توسعه در این مشکلات به حدی که بشود مدیریت کرد هم ارزشمند است.

با وجود این که می دانم شاید برایتان خوشایند نباشد، می خواهم خاطره یا توصیه ای از دیدار مقام معظم رهبری با ایاتن برای خوانندگان بازگو کنید.

همانطور که می گوئید من معتقدم این نقل های غیر رسمی پدیده مناسبی نیست. به هر حال حضرت آقا ده ها توصیه علنی دارند که برای راهنمایی ما کافی است و نیازی به استنادات غیر رسمی نیست. اصرار می فرمایید؛ ما در یکی دو دیدار که خدمت آقا گزارش فعالیت های مجموعه را دادیم، ما همین روال را خدمت ایشان عرض کردیم که مجموعه ما تولید فکر می کند، تصمیم گیری می کند و بعد پیگیری تصمیم را انجام می دهد. ایشان روی پیگیری تصمیم در هر دو دیدار به ما تاکید کردند و گفتند در انقلاب هر نقطه ای به نتیجه رسید، خود انقلاب و هر کاری بعد از انقلاب به نتیجه رسیده است، برای این است که عده ای از افراد استقامت کردند، ایستادند پای یک موضوعی، حتی اگر صد بار زمین خوردند، بلند شدند و راه را ادامه دادند تا آن کار به نتیجه رسید. این به نظرم توصیه خیلی خوبی است که ایشان به ما و مجموعه دوستان کردند.

آیا این امکان برای دانشجویانی که تمایل به همکاری با مجموعه ایاتن داشته باشند وجود دارد؟

ما این جا علاقه مندیم که بچه ها شکل کار و مدل کار ما را یاد بگیرند و هر کس خودش برود و کار کند. یعنی این کار به این شکل بهتر در کشور توسعه پیدا می کند تا این که به این جا بیاید. بالاخره با این حجم انبوه آدم ها، طبیعتا نمی توانیم همه را به این جا بیاوریم. برای این جا به طور معمول ما از بچه ها رزومه دریافت می کنیم، رزومه را بررسی می کنیم. در رزومه برای ما چند مولفه مهم است؛ یکی قدرت تحلیلی بچه ها است، چون جنس این کار تحلیل است، یکی توان تشکیلاتی بچه هاست، یکی سلامت شخصیتی و ویژگی های شخصیتی آن هاست. بحث دیگر مصاحبه های کاری است که با هم انجام می دهیم و بعد با هم یک همکاری آزمایشی می کنیم. نتیجه را همکاری آزمایشی تعیین می کند که مراحل بعدی همکاری مان با هم به چه شکل باشد. یعنی فرایند ما الان با دوستان به این شکل است.

تشکیل مراکز مشابه و موازی ایاتن توسط



گفت و گوی «۵۷» با دبیر کانون غیردولتی «تربیت و اقتصاد»

کاش غربی می شدیم!

از زاویه اقتصاد مقاومتی خیلی وقت ها نباید به مردم وام داد!

«کانون تربیت و اقتصاد» یکی از مراکز فعال در زمینه اقتصاد مقاومتی است که کارویژه تخصصی این کانون، آن را از سایر نهادهای غیردولتی مرتبط با فضای اقتصاد مقاومتی متمایز نموده است. این کانون تمرکز خود را بر روی تربیت اقتصادی مردم گذاشته است، به گونه ای که اعتقاد غالب این مجموعه که بنیانگذار آن حجت الله عبدالملکی است؛ بر این است که تنها زمانی تحقق عملی اقتصاد مقاومتی ممکن است که مردم به عنوان مصرف کننده رفتار اقتصادی خود را اصلاح نموده و در حقیقت این مساله از کف جامعه حل شود و به ساختارهای فوقانی جامعه برسد. برای آشنایی بیشتر با این کانون و نوع نگاه آن ها به اقتصاد مقاومتی با «دکتر محمود کریمی» دبیر این کانون به گفت و گو نشستیم.

هم که در این سه سال اخیر انجام شده در راستای همین نگاه به مسئله اقتصاد مقاومتی و اقتصاد کشور هست که در نوع خودش بدیع و تازه است و در موسسات آموزشی و پژوهشی و دانشگاه های کشور متأسفانه نگاه تربیتی به اقتصاد نداریم. جا دارد اینجا بگویم ما که داریم اینجا این همه مسئله ی تربیت درباره ی اقتصاد مقاومتی را مطرح می کنیم؛ مدیون وارد کننده ی اصلی این نگاه جدید به اقتصاد ما، یعنی جناب دکتر عادل پیغامی هستیم که مسئله ی تربیت اقتصادی را اولین بار مطرح کردند در نظام علمی دانشگاهی کشور و خود ایشان گرایش تربیت و اقتصاد

تربیتی عینی در کشور بعد از انقلاب اسلامی باشد. حلقه های صالحین با موضوع تربیت کار خودشان را شروع کردند و چند سالی است که حلقه ها تشکیل شدند روز به روز هم پیشرفت می کنند و به تعداد آنها افزوده می شود. موضوع محوری مرکز همانطور که عرض کردم موضوع تربیت است، که تربیت دارای ابعاد گوناگون و موضوعات گوناگونی است.

ما از دریچه تربیت وارد موضوع اقتصاد می شویم که اگر از همین منظر بخواهیم به موضوع اقتصاد مقاومتی نگاه کنیم، کاملاً یک ارتباط مفهومی بین تربیت و اقتصاد مقاومتی می توانیم مطرح بکنیم. محصولات و کارهایی

کانون تربیت و اقتصاد را معرفی کنید و بفرمایید که از چه زمانی شروع به کار کردید و چه شد به فکر تاسیس چنین مرکزی افتادید؟ اینجا قبلاً یک مدرسه مجازی بود که بعدش تبدیل شد به مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی. این مرکز به صورت رسمی و با ابلاغ فرمانده کل سپاه پاسداران از سال ۱۳۹۱ فعالیت خودش را آغاز کرد و نقشه راه مرکز در واقع همان ابلاغیه فرمانده کل سپاه پاسداران است. یکی از مهم ترین کارهای اجرایی که در زمینه تربیت در چند سال اخیر در کشور ما انجام شده پرداختن به موضوعات حلقه های صالحین است و شاید تجلی کار

را در مقطع ارشد تشکیل دادند. به تبع ایشان جناب آقای دکتر طغیانی هم این نگاه را خیلی پیگیری کردند.

س شما بیشتر روی چه حوزه‌ای از اقتصاد مقاومتی تمرکز کرده‌اید و اگر امکان دارد بصورت جزئی تر قالب‌هایی را که برای انتقال مفاهیم اقتصاد مقاومتی و بحث تربیت روی آن کار کردید توضیح دهید؟

کانون تربیت و اقتصاد وظیفه خودش را به عنوان یک گروه اجرایی و عملیاتی در عرصه اقتصاد تعریف نکرده و ظرفیت کانون هم این نیست و طبعاً ما این را پیش نمی‌گیریم. مسئله محوری که ما در کانون تربیت و اقتصاد، یعنی راهبرد اساسی که برای عملیات در اقتصاد مقاومتی در این چندسال درپیش گرفتیم، بحث گفتمان سازی، تولید راهبرد در اقتصاد مقاومتی، تولید محتوا و فعالیت‌های آموزشی و مجازی و حضوری مختلفی که همه آنها یک هدف را در نظر می‌گیرند.

ما برای اینکه اقتصاد مقاومتی به مرحله گفتمان شدن در جامعه اسلامی برسد چند مرحله قائلیم. در مرحله اول باید تشخیص صورت بگیرد. یعنی مسئله اساسی ما در کشور اکنون چیست که فرمانده مسئله را تشخیص دادند که اقتصاد است. در مرحله دوم تبیین انجام می‌شود. فرمانده بعد از تشخیص راهکار می‌دهد که راهکار اقتصاد مقاومتی است. این تبیین در حد کلیات به عهده فرمانده، امام خامنه‌ای است و در وهله دوم به عهده دانشگاهیان، حوزه، مراکز پژوهشی است مثل مرکز مطالعات راهبردی.

ما در کانون اقتصاد در طی این ۳ سال با این دور برد به مساله اقتصاد نگاه کردیم. البته این به معنی این نیست که ما کار فرهنگی کف جامعه انجام ندادیم. جلوتر برای شما توضیح خواهم داد که اتفاقاً خیلی کارهای اجرایی ریز هم در کانون انجام شده ولی شان اصلی کانون تربیت و اقتصاد شان راهبردی است. شان تولید محتوا و پشتیبانی از نظریه اقتصاد مقاومتی است.

س جامعه هدف‌تان صرفاً دانشجویی است؟

اقتصاد مقاومتی موضوعی است که برای همه رده‌های مردمی جامعه تولید شده است. برای رده حاکمان، مدیران، مردم معمولی، اقشار بسیج، طلاب و بانوان. ما هم جامعه‌ی هدف خودمان را صرفاً دانشجویان نگرفتیم. در حد توانمان در این مدت سعی کردیم برای اقشار و رده‌های مختلف محتوا تولید کنیم. سعی کردیم با زوری فکری و تولید راهبرد باشیم و حتی در بعضی از این اقشار مثلاً در اقشار دانشجویی همایش‌های دانشجویی برگزار کردیم و اصلاً یک الگوی جدید همایش‌های اقتصاد مقاومتی طراحی کردیم.

از طرفی ما قائل نیستیم به اینکه اقتصاد مقاومتی فقط

برای دولت است، یعنی اگر دولت به وظایف خودش عمل کند اقتصاد مقاومتی محقق می‌شود، خیر. بارها مقام معظم رهبری گفتند که مردم در اقتصاد نقش دارند، دولت نقش دارد، نهادهای نظامی و بسیج و سپاه و... به لحاظ ساختاری زیر این مجموعه است.

اگر نگاهمان از اقتصاد نگاه تربیتی باشد، نقش مردم بیش از همه قسمت‌های دیگر محل تمرکز می‌شود. وقتی ارزش‌گران می‌شود ما می‌توانیم به مردم بگوییم ارزش خرید چون به اقتصاد کشور آسیب می‌زند. اگر نگاهتان نگاه دانشگاهی باشد ما اصلاً کاری به مردم نداریم. توصیه‌ای نداریم که بکنیم. مسئله محوری شما فقط دولت است، بودجه‌ی دولت است، درآمد‌ها و سیاست‌های دولت است. ما نمی‌گوییم او نقش ندارد. وقتی از درجه تربیت نگاه کنیم می‌گوییم مردم وقتی قیمت یک کالا افزایش می‌یابد، اتفاقاً برای بهبود اوضاع کشور شما نباید از اون کالا بخرد. نمی‌توانیم به مردم توصیه بکنیم که شما باید اقتصاد یاد بگیریم اما نهاد‌های دیگر نمی‌توانند توصیه کنند. اینها تفاوت‌های میان نگاه تربیتی و غیر تربیتی به اقتصاد است. مردم همه باید سواد اجتماعی داشته باشند و به کودکانشان از دوران کودکی اقتصاد آموزش دهند. شما اینها را در کدام یک از نهاد‌های پژوهشی کشور می‌توانید ببینید. ما به این نتیجه می‌رسیم که مردم در اقتصاد باید رشد کنند. ما هدفمان رشد اقتصاد مردم نیست، هدف ما رشد مردم در اقتصاد است.

شما وقتی از درجه تربیت نگاه می‌کنید می‌گویید که خیلی جاها به مردم هم نباید وام داد. چون وام دادن به مردم یعنی مقروض کردن مردم. یعنی برای یک مدت طولانی سیستم مالی آن شخص بسته شده و تحرک مالی ندارد. ما می‌گوییم چرا از طریق سیستم‌های اقتصادی-اسلامی مثل سیستم وقف وارد نمی‌شویم؟ چرا تأمین مالی‌هایی که در جریان تاریخ اسلامی داشتیم استفاده نمی‌کنیم.

این مثال‌ها را می‌زنم که بگویم وقتی شما از درجه تربیت به اقتصاد نگاه می‌کنید توصیه‌های سیاستی‌تان فرق می‌کند. نگاهتان به اقتصاد فرق می‌کند. حتی نگاهتان به نقش مردم در اقتصاد. یک تعریف خیلی رایجش در اقتصاد متعارف می‌شود خصوصی سازی. ولی ما می‌گوییم تازه خصوصی سازی اول کار است. خصوصی سازی که به معنی مردمی کردن اقتصاد نیست. ما می‌گوییم مردمی کردن اقتصاد یعنی کارآفرین کردن مردم. این تفاوت نگاه تربیتی و غیر تربیتی است. شما اگر دنبال نگاه تربیتی نباشید می‌گویید باید درصد بیکاری رو کاهش بدهید. ما می‌گوییم شما اگر نگاهتان تربیتی باشد چرا به بیکاری نگاه می‌کنید؟ به کارآفرینی نگاه کنید. ببینید مردم چقدر کارآفرین شدند.

می‌خواهم بگویم مبنای متفاوت باشد، اثرات سیاستی دارد، اثرات در تولید راهبرد و محتوا دارد و در حوزه‌های مختلفی که به اقتصاد ورود پیدا می‌کنید. شما وقتی نگاهتان به اقتصاد نگاه متعارفی که الان هست باشد، می‌گویید اقتصاد مقاومتی یعنی افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به کشور یعنی مدیریت مصارف و منابع. این را اقتصاد دان‌های بزرگ کشور می‌گویند. اینها نگاه‌های دانشگاهی است که حاصل از همین علمی است که در دانشگاه‌هاست. حالا نکته جالب‌تر این است که بگوییم همین نگاه تربیت اقتصادی، اتفاقاً در یک بخشی از اقتصاد لیبرالیسم کاملاً مشاهده می‌شود که متأسفانه در کشور ما کنار می‌گذارند. یعنی ما وقتی وارد دانشگاه‌ها می‌شویم و موضوع تربیت اقتصادی را می‌گویید دانشجویان و اساتید می‌خندند. می‌گویند یک مدل ریاضی یا سنجی طراحی کن. ما منکر این مدل‌ها در اقتصاد نیستیم. ما می‌گوییم همه اقتصاد این نیست. همه اقتصاد را اینطور دین، غلط است.

مگر قرار نیست دولت در اقتصاد نقشی نداشته باشد چه توصیه‌های سیاستی به مردم می‌خواهید بکنید؟ اگر نگاه تربیتی نداشته باشید، شما در اینجا لنگ می‌مانید و این همان نقاط تمایز اساسی بین دو دیدگاه است.

در دیدگاه متعارف تعریف علم اقتصاد یک بُت وجود دارد: تخصیص منابع کمیاب به نیازهای نامحدود. یعنی علم تولید، توزیع و مصرف. یعنی همه جامعه هدفی که در تعاریف کنونی اقتصاد وجود دارد، اصلاً ناظر به مردم نیست، ناظر به سازمان‌ها و ساختارهای فیزیکی جامعه است.

س با توجه به این نکته می‌توان نتیجه گرفت تمرکز اصلی شما بر مباحث اقتصاد خرد و رفتار مصرف‌کننده است تا از طریق اصلاح آن به تغییر ساختارهای اقتصادی و اصلاح آن کمک کنید؟

«اقتصاد علم انتخاب است.» این عبارت اتفاقاً در متون اصلی توسط اندیشمندان برجسته غربی مطرح شده

شما وقتی از درجه تربیت نگاه می‌کنید می‌گویید که خیلی جاها به مردم هم

نباید وام داد. چون وام دادن به مردم یعنی مقروض کردن مردم. یعنی برای یک مدت طولانی سیستم مالی آن شخص بسته شده و تحرک مالی ندارد. ما می‌گوییم چرا از طریق سیستم‌های اقتصادی-اسلامی مثل سیستم وقف وارد نمی‌شویم؟ چرا تأمین مالی‌هایی که در جریان تاریخ اسلامی داشتیم استفاده نمی‌کنیم

است. ولی چرا این تعاریف در کتاب های دانشگاهی ما رایج نمی شود؟ به دلیل اینکه ما گزینشی عمل کردیم حتی در غربی شدن. ما در اقتصاد غرب زده شدیم نه غربی. کاش غربی می شدیم. ما اگر دانشگاه ها را غربی می کردیم بهتر بود و این بلاها به سرمان نمی آمد اما الان غرب زده شدیم. یک بخش محدودی از دانش اقتصاد را که ساده و بی دردسر بوده وارد کشور کردیم، در صورتی که اصلا اقتصاد متعارف غربی این نیست.

از درپچه تربیتی هم اقتصاد علم انتخاب است. یعنی هر تصمیمی که یک فرد در زندگی می گیرد چه در بعد فرهنگی و چه در بعد سیاسی و اجتماعی، حتی در انتخاب همسر، در کوچک ترین انتخاب هایی که افراد در طول روز انجام می دهند، روی اقتصاد تاثیر دارد و این می شود نگاه تربیتی به اقتصاد. وقتی اینطوری بود می گوئید من اگر انتخاب بکنم بین کالای داخلی و خارجی این تاثیر دارد در اقتصاد. ولی وقتی از دید اقتصاد متعارف نگاه می کنید می گوئید من دنبال سود خودم هستم. کالایی را می خرم که کمی کیفیتش بهتر باشد. ما قائل نیستیم که در همه کالا هم کیفیت کالای خارجی بالاتر است.

می خواهم بگویم وقتی درپچه نگاه افراد متفاوت باشد، ثمره آن هم متفاوت می شود. تجویزها هم متفاوت می

«اقتصاد علم انتخاب است.»

این عبارت اتفاقا در متون اصلی توسط اندیشمندان برجسته غربی مطرح شده است. ولی چرا این تعاریف در کتاب های دانشگاهی ما رایج نمی شود؟ به دلیل اینکه ما گزینشی عمل کردیم حتی در غربی شدن. ما در اقتصاد غرب زده شدیم نه غربی. کاش غربی می شدیم

شود. سیاستگذاری، برنامه ریزی و تولید پروژه و ... متفاوت می شود. در ابلاغیه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری که سال ۹۲ انجام شد، ۳ بند فرهنگی، گفتمان سازی و تربیتی داشتیم. خب جای خالی اینها حس می شود. به همین دلیل باید روی افراد و فرهنگ مصرف و رفتار اقتصادی افراد به صورت ویژه کار کرد.

نگاهی که شما به اقتصاد دارید و تربیت اقتصادی، در جامعه چقدر ترویج پیدا کرده و چه برنامه هایی برای ترویج آن دارید؟

موضوع تربیت اقتصادی چون در کشور ما سابقه نداشته و با ظرفیت های محدود واقعا کار سختی است. ما از زمانی که با مسئله اقتصاد مقاومتی روبرو می شویم

می بینید که محتوایی در مورد آن وجود ندارد اما اگر بخواهید مثلا در مورد بیکاری و سایر مسائل اقتصاد تحقیق کنید مطالب بسیار زیاد است. در این مورد حتی برای ورود محتوایی می بینید که یک ضعف عمده در همان نقطه شروع وجود دارد.

راه سخت است ولی خب الحمدلله در این ۳ سال فعالیت ما سعی کردیم در حد توانمان مسئله اقتصاد مقاومتی را از درپچه تربیت در جاهای مختلفی مطرح کنیم. در همایش های مختلف، تولیدات پژوهشی مختلف و تولیدات مجازی کانون سعی کردیم این نگاه تربیتی را داشته باشیم.

مثلا ما در سال ۹۲ و ۹۳ همایش برگزار می کردیم (۵ یا ۶ همایش) به این نتیجه رسیدیم که ظرفیت اجرایی ما اجازه این را نمی دهد. چون حجم درخواست ها خیلی زیاد بود یک مدل جدید همایش اقتصاد مقاومتی طراحی کردیم که با حداقل هزینه و حداکثر بازدهی برای مخاطب می تواند استفاده شود. حتی همایش هایی ماه رمضان در برخی از جمع های دانشجویی ساعت ۲۴ تا ۳ بامداد داشتیم.

ما رغبتی نداشتیم اسم آن را همایش بگذاریم چون متأسفانه همایش یک بار منفی در کشور دارد و می گفتیم نمی دانیم اسم این کار را چه چیزی بگذاریم. ما



آمده ایم اقتصاد مقاومتی بگوییم. حالا شما اسمش را تبلیغ یا همایش یا کارگاه یا هر چه می خواهید بگذارید. ما به دلیل حجم بالای تقاضاها و عدم تواناییمان، به مخاطبانمان از پایین ترین سطح که از ۵ نفر در یک مسجد یا کانون تشکیل شده تا جمع های بزرگ سازمان های مختلف که می خواهند اقتصاد مقاومتی کار کنند، سعی کردیم یک محصول مشترک تربیتی به آنها بدهیم که توانمند شوند، ما یک بسته به اسم تبلیغی اقتصاد مقاومتی تهیه کردیم که در آن مجموعه آموزشی برگزاری همایش، غرفه و نمایشگاه ارائه دادیم.

هر آنچه که برای برگزاری یک همایش، غرفه یا نمایشگاه لازم است بصورت مجازی داخل این دی وی دی قرار دادیم و بعد در قالب یک فیلم ۲۰ تا ۳۰ دقیقه ای یک نفر توضیح می دهد که چگونه و با چه قالبی یک همایش ساده با بازدهی بالا را می توان اجرا کرد که مخاطب خسته نشود. این بسته تبلیغی حاصل نگاه تربیتی به اقتصاد است. ما نمی گوییم این بسته کامل است اما کسی که دو یا سه بار آن را اجرا کند دیگر خودش می تواند نقض ها و کمبود ها را جبران کند. تولیدات دیگری که داشتیم مثلا کتابی تولید کردیم به اسم خانواده ی مقاوم که نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی چیست؟ پدر خانواده بداند باید چه کار کند، مادر خانواده بداند چه کند و فرزند و ...

چون مساله مساله ی نوبی است و نگاه تازه ای است. مسیر مسیر سنگلاخی و سختی است و شما زبان مشترک ندارید. وقتی به سازمان های مختلف می روید نمی دانید برای مسایل، تربیت افزایی چطور تعریف کنید، نیم ساعت نشست دارند و چند درخواست پژوهشی دارند و... ولی کم کم ما داریم این مسئله را ترویج می دهیم و شاهد نشریاتی در کشور می شویم که با نگاه تربیتی اقتصادی در کشور تولید می شوند و ما تا به حال در ایران شاهد آن نبوده ایم. برخی تولیدات رسانه ای و صدا و سیما در جهت تربیتی تولید می شوند و برخی دوستان که در جاهای مختلف هستند، متاثر از این نگاه تربیتی اقتصادی هستند.

بعد از اینکه به این ضرورت پی بردیم که این طلب از طرف جامعه دارد بیشتر می شود به این نتیجه رسیدیم که ما باید نیرو تربیت کنیم برای ترویج اقتصاد مقاومتی. به همین خاطر تصمیم به تاسیس انجمنی گرفتیم به اسم انجمن مدرسان اقتصاد مقاومتی که با هدف تبلیغ و ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی برای اقشار مختلف مردم در نظر گرفته شد و یک دوره ۳۲ جلسه ای با حضور اساتید برجسته اقتصاد مقاومتی در کشور مد نظر قرار گرفت که تا الان با استقبال خیلی خوبی از طرف بدنه ی جامعه و بدنه ی دانشگاهی قرار گرفتیم. ناچار شدیم گزینش حضوری و تلفنی داشته باشیم و به

یک جمع ۵۰ نفره رسیدیم که الان حدود ۲۰ جلسه آموزشی الحمدلله با موفقیت برگزار شده است، انشاء... اولین خروجی تا دو ماه آینده انجام می گیرد و بعد از آن بحث سازمان دهی این نیروها برای تبلیغ اقتصاد مقاومتی در بدنه ی جامعه را در نظر داریم.

حاصل دوره ی اول تربیت انجمن مدرسان اقتصاد مقاومتی، جزوه ی راهنمای مدرسان اقتصاد مقاومتی است. اگر کسی بخواهد داخل یک مسجد داخل یک محله، داخل یک سازمان و... بخواهد مفهوم اقتصاد مقاومتی را ترویج بدهد این کتاب به عنوان کتاب کار و کتاب راهنما می تواند مورد استفاده قرار بگیرد. یکی دیگر از کارها این بود که حضرت آقا سال ۹۳ گفتند چند سال از که مسئله اقتصاد مقاومتی مطرح شده است هیچ کس نیست که بگوید در چه مرحله ای قرار دارد ایشان فرمودند یک مرکز رصد قوی باید وجود داشته باشد که اقتصاد مقاومتی را به طور دقیق پایش بکند و آن را به اطلاع مردم برساند. در این راستا کار گروهی را تشکیل دادیم به اسم رصام مخفف رصد اقتصاد مقاومتی. الحمدلله توانستیم ۱۰ شماره ی رصام تولید بکنیم که ۲ تا از این شماره ها برای دولت بود و مبدا رصام را هم گذاشتیم ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی که ۲۹ بهمن ۹۲ بود. یک شماره برای مذکرات هسته ای، یک شماره برای وزارت علوم، یک شماره برای نیروهای مسلح، یک شماره برای سازمان بسیج مستضعفین، یک شماره برای سازمان صدا و سیما و ... و آن ها را از منظر اقتصاد مقاومتی رصد و ارزیابی کردیم. همایش رونمایی رصام را هم سال قبل ما برگزار کردیم در روز ۴ اسفند ماه ۱۳۹۴. چند وقت پیش از سازمان صدا و سیما آمدند پیش ما و گفتند که ما می خواهیم یک کار گروه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدیم داخل فلان قسمت از سازمان صدا و سیما که سازمان را رصد و ارزیابی کند. گفتیم ما ارزیابی کردیم و جزوه اش هم منتشر شده!

تشکل های دانشجویی می توانند

مشکلات اقتصادی جامعه را از مسولین مطالبه کنند. می توانند از دانشگاه خودشان شروع بکنند که در زمینه اقتصاد مقاومتی چه کاری انجام داده است؟ آیا نقش آفرینی علمی در زمینه اقتصاد مقاومتی داشته است؟ آیا علمی که فقط مربوط به رشته ی اقتصاد نیست دانشجویان در حوزه های مختلف فنی و پزشکی و علوم انسانی می توانند در اقتصاد مقاومتی نقش داشته باشند

از فعالیت های دیگر که پیگیری کردیم، توجه جدی به فضای مجازی بوده است. مثلا تاسیس سایت جهاد اقتصادی بوده، تاسیس کانال های تلگرامی و تولید یادداشت ها و محتوا. ما از ظرفیت انجمن مدرسان در زمینه ی تولید یادداشت ها و محتواها و نشر آن در فضای مجازی داریم به خوبی استفاده می کنیم. یکی از کارهایی که ما در زمینه ی فضای مجازی استفاده کردیم و مورد استقبال گسترده قرار گرفت، تولید اولین نرم افزار آموزشی اقتصاد مقاومتی در کشور بود، نرم افزار آموزشی آشنایی با نظریه اقتصاد مقاومتی ۷۵ جلسه ۷ تا ۱۰ دقیقه ای که یک دوره اقتصاد مقاومتی را آموزش می دهد.

نقش دانشجویان در تحقق مطالبه خاص

رهبری در سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل را

چگونه ارزیابی می کنید؟

من به نظرم می رسد که دانشجویان در سه حیطه اقدام و عمل نقش دارند. حیطه علمی، تولیدات مختلف علمی در زمینه اقتصاد مقاومتی از پایان نامه تا مقاله تا یادداشت تا نشریات دانشجویی و... می توانند تولید کنند. یک سری از اقدامات و عمل ها، فرهنگی است. می توانند در ترویج و تبلیغ فرهنگ صحیح اقتصاد مقاومتی نقش داشته باشند و مثلا اداره یک حلقه مباحثاتی اقتصاد مقاومتی، برگزاری کارگاه های اقتصاد مقاومتی و... . یک جنبه دیگر اقدام و عملی که دانشجویان می توانند داشته باشند اقدام و عمل سیاسی است به معنی مطالبه گری صحیح. تشکل های دانشجویی می توانند مشکلات اقتصادی جامعه را از مسولین مطالبه کنند. می توانند از دانشگاه خودشان شروع بکنند که در زمینه اقتصاد مقاومتی چه کاری انجام داده است؟ آیا نقش آفرینی علمی در زمینه اقتصاد مقاومتی داشته است؟ نقش آفرینی علمی که فقط مربوط به رشته ی اقتصاد نیست دانشجویان در حوزه های مختلف فنی و پزشکی و علوم انسانی می توانند در اقتصاد مقاومتی نقش داشته باشند. چرا تولیدات دانشجویی نشریات دانشجویی و گفتمان های دانشجویی در جهت کمک به اقتصاد کشور نباشد؟ چرا پایان نامه های کشور در راستای حل مسایل کشور به کار نرود؟ می خواهیم بگوییم اقدام و عمل را فقط در حد وسیع اجرای دولتی نبینید و بگویید خودمان هیچ نقشی نداریم نه. در حیطه های چهارگانه که گفته شد دانشجویان می توانند در راستای اقتصاد مقاومتی نقش موثر و مفید داشته باشیم. ■



کتاب اقتصاد مقاومتی :

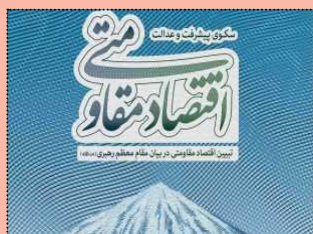
درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل

این کتاب حاصل پیاده سازی و ویرایش مجموعه سخنرانی های دکتر حجت الله عبدالملکی در زمینه اقتصاد مقاومتی است و توسط موسسه سدید به چاپ رسیده است. در این کتاب رویکرد تخصصی تری نسبت به کتاب درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی وجود دارد و برای کسانی که علاقه دارند با اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی آشنا شوند بسیار مناسب است.



دوره های اقتصادی موسسه طلوع حق

موسسه طلوع حق یکی از موسساتی است که در سالیان گذشته سعی کرده دوره هایی در زمینه اقتصاد مقاومتی برگزار نماید که شامل سه دوره کلاس اقتصاد مقاومتی با دکتر پیغامی، دوره بانکداری بدون ربا با دکتر مصصامی، گفتمان های اقتصادی حاکم بر دولت های جمهوری اسلامی با دکتر خوش چهره، سمینار تحریم و دوره اقتصاد خانواده با دکتر طغیانی می باشد. دوره خبرنگار تحلیلگر اقتصادی نیز برای علاقمندان این حوزه قابل دسترس است. محتوای کلاس ها و دوره های گذشته این موسسه روی سایت toluehagh.ir موجود است.



کتاب «اقتصاد مقاومتی سکوی عدالت و پیشرفت»

این کتاب توسط موسسه خاکریز در سال ۹۳ منتشر شده است. این کتاب نظرات اقتصادی مقام معظم رهبری را گردآوری و دسته بندی نموده است و برای اشخاصی که علاقه دارند با نظرات رهبری آشنا شوند مناسب است. حجم کم کتاب و روانی متن باعث می شود بتوان کتاب را در یک مدت کوتاه خواند و از آن لذت برد.

بسته جامع پشتیبان اقتصاد مقاومتی

این بسته در بهمن ماه سال ۹۴ توسط هسته گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی قرارگاه شهید باقری گردآوری شده است. در این بسته سعی شده تمام محصولات تولید شده اعم از جزوه، پوستر، سخنرانی، موشن گرافیک، کلیپ و مستند بازبینی شود و از بین آن ها موارد مفیدتر در ۶ دی وی دی دسته بندی شده اند. لذا هر گروهی که بخواهد در زمینه اقتصاد مقاومتی فعالیت نماید یک بسته جامع از تولیدات اقتصاد مقاومتی در اختیار دارد و می تواند با توجه به فعالیت مد نظر خود از محتوای بسته استفاده نماید. علیرغم جامع بودن بسته، به دلیل دسته بندی مناسب، نیاز مخاطب با دسترسی سریع برطرف می شود. این بسته از طریق سایت قرارگاه شهید باقری به نشانی ۰۰۰-۰۰۰ قابل دسترس است.



کتاب درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی

کتاب درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی حاصل سلسله جلسات اقتصاد مقاومتی دکتر عادل پیغامی با تأکید بر تبیین اندیشه های اقتصادی مقام معظم رهبری است که توسط مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (سدید) جمع آوری و ویرایش شده است. با توجه به این که کتاب مجموعه سخنرانی های دکتر پیغامی برای مردم می باشد دارای متن و محتوای ساده ای می باشد و برای عموم مردم قابل استفاده است و نیاز به تسلط خواننده بر روی مباحث اقتصادی داشته نمی باشد. یکی از محاسن این کتاب این است که با وجود سادگی از بار علمی بالایی برخوردار می باشد و توانسته برخی از شبهات رایج اقتصادی مانند بدتر شدن وضع زندگی مردم نسبت به گذشته را با مفاهیمی مانند قیمت نسبی و حس فقر به خوبی توضیح دهد. حسن دیگر این کتاب استفاده از مثال های متنوع و کاربردی است که باعث جذابیت بیشتر کتاب شده است.



سایت موسسه سدید

موسسه سدید زیر نظر بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) فعالیت می نماید و طی سالیان گذشته محصولات خوبی در زمینه اقتصاد مقاومتی تولید نموده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

فایل صوتی درس گفتارهای دکتر پیغامی، دکتر مصباحی مقدم، دکتر عبدالملکی، دکتر شعبانی، دکتر خوش چهره و غیره

جزواتی مانند «نگاهی به سرمایه داری و عناصر فرهنگی آن»، «نیازهای روحانیت در جنگ اقتصادی»، «سلامت اقتصادی خانواده»، «اقتصاد و رسانه»، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» و...

کتاب هایی مانند «درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی»، «اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبانی، سیاستها و برنامه عمل»، «هشت گفتار در اقتصاد تحریم» و...

به سایت sadidisu.ir مراجعه کنید



سایت قرارگاه احمدی روشن

این قرارگاه در سازمان بسیج دانشجویی قرار دارد و زیر نظر معاونت علمی در حال فعالیت است. حوزه هایی که این قرارگاه بر آن تمرکز دارد اقتصاد کلان، اقتصاد دانش بنیان، کشاورزی، تولید و... می باشد و در این زمینه ارائه ها و جزوات مناسبی را تولید نموده است. اخیرا این مرکز یک بسته با عنوان محتوای روشن تولید نموده است که در آن تعدادی از محصولات مناسب برای فعالیت در زمینه اقتصاد دانش بنیان قرار داده شده است. Roshan.bso.ir

جزوه هایی برای کلاس اقتصاد

معرفی منابعی برای «اقتصاد مقاومتی خوانی»



سایت جهاد اقتصادی

یکی از مراکزی که در سال های گذشته فعالیت های زیادی در زمینه اقتصاد مقاومتی انجام داده کانون تربیت و اقتصاد مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی است. این کانون سایتی با عنوان جهاد اقتصادی راه اندازی نموده است که محتوای آن بیشتر در مورد قسمت های فرهنگی اقتصاد مقاومتی است و کمتر رویکرد تخصصی دارد. محتوای قرار داده شده در سایت شامل فیلم، کلیپ، پاورپوینت و تعدادی از محصولات تولیدی کانون است. سایت دارای قسمت پرسش و پاسخ اقتصادی می باشد که می تواند تا حدی در جهت برطرف نمودن شبهات اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. برای دسترسی به سایت می توان به آدرس jahadeghtesadi.com مراجعه نمود.

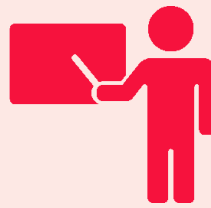
یکی از کارهایی که این کانون در حال اجرای آن است برگزاری دوره تربیت مدرس اقتصاد مقاومتی با استفاده از اساتیدی مانند دکتر پیغامی و دکتر عبدالملکی است. این دوره هم اکنون در حال برگزاری و اولین دوره آن تا یک ماه آینده به اتمام می رسد.



سایت عیار آنلاین:

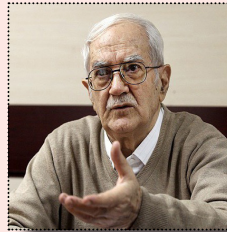
سایت عیار آنلاین زیر نظر پژوهشکده ایاتان می باشد. حوزه ای که این سایت فعالیت می نماید مباحث تخصصی اقتصاد مقاومتی است که بیشتر با دولت در ارتباط است. در این سایت حوزه های مختلف اقتصاد مانند مسکن، کشاورزی، صنعت و... قرار دارد و در هر کدام علاوه بر رصد فعالیت های دولت سعی می شود و برای اجرای آن ها مطالبه گری صورت پذیرد.

برای دسترسی به محتوای این سایت می توانید به آدرس ayaronline.ir مراجعه نمایید.



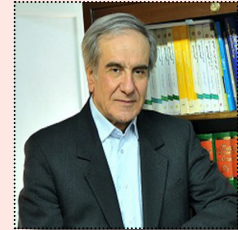
دکتر مهدی طغیانی

دکتر طغیانی دکترای علوم اقتصادی دارد و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان می باشد. تخصص ایشان بر روی تربیت اقتصادی است و در این زمینه برای تعدادی از گروه های سنی مانند کودکان مطالبی را منتشر نموده است. ایشان در مبحث تربیت یک سایت با عنوان ecoedu.ir راه اندازی نموده اند و در آن مطالب مفیدی قرار داده شده است.



دکتر ابراهیم رزاقی

دکتر رزاقی دکترای اقتصاد توسعه از سوربن فرانسه و هیات علمی بازنشسته دانشگاه تهران هستند. دکتر رزاقی تسلط بسیاری در نقد اقتصاد سرمایه داری دارند و تقریباً رسانه ای ترین اقتصاددان ایران محسوب می شوند.



دکتر مسعود درخشان

ایشان جزو اقتصاددانان برجسته کشور در حوزه اقتصاد انرژی و از نظریه پردازان حوزه اقتصاد اسلامی می باشند. از ایشان در مباحث مبنایی مانند نقد اقتصاد متعارف غربی و مسائل امروزه حوزه نفت و گاز می توان دعوت به عمل آورد. دکتر درخشان عضو هیات علمی دانشگاه های امام صادق(ع)، علامه طباطبایی و لندن می باشند.



دکتر حجت الله عبدالملکی

عضو جوان هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)، در حوزه اقتصاد اسلامی و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت به فعالیت پرداخته اند. در حوزه اقتصاد مقاومتی نیز می توان گفت بیشترین سخنرانی تبیینی و ترویجی مربوط به ایشان است. کتاب «اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبنای، سیاست ها و برنامه عمل» از ایشان به چاپ رسیده است و می توان منبع مناسبی برای آشنایی با اقتصاد مقاومتی باشد.



دکتر مصطفی خوش چهره

دکتر خوش چهره استاد بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و جزو نمایندگان مجلس هستند. ایشان در خصوص مسائل جاری اقتصادی کشور می توانند مورد دعوت قرار بگیرند.



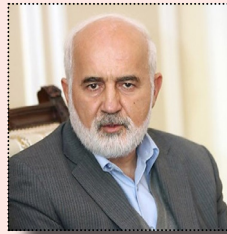
دکتر حسین صمصامی

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی و سرپرست وزارت اقتصاد در دولت نهم از سوابق دکتر صمصامی می باشد. تخصص ایشان بیشتر در حوزه مسائل و موضوعات بانکی ست.



دکتر سید احسان خاندوزی

احسان خاندوزی، مدرس دانشگاه و عضو هیأت علمی و مدیر دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است. از دکتر خاندوزی مقالات متعددی در زمینه اقتصاد مقاومتی و جریان‌شناسی اقتصادی ایران منتشر شده است. کتاب «مدینه عادلانه: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن» از آثار دکتر احسان خاندوزی است. کلاس جریان‌شناسی اقتصادی سیاسی پس از انقلاب اسلامی توسط ایشان در موسسه طلوع برگزار شده است که می‌تواند برای آشنایی با جریان‌ات و گروه‌های اقتصادی کشور مناسب باشد.



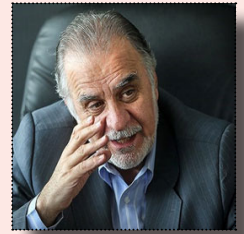
دکتر احمد توکلی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، رییس سابق مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و رییس هیأت مدیره ی سازمان مردم‌نهاد دیده بان شفافیت و عدالت از سوابق این نماینده ی کنونی مجلس شورای اسلامی است.



دکتر محمدهادی زاهدی وفا

رئیس دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق و معاون سابق وزارت اقتصاد در دولت نهم بوده اند.



دکتر پرویز داودی زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و معاون اول دولت نهم، می‌تواند هم در حوزه‌های نظری و هم مسائل جاری محل رجوع واقع شوند.



دکتر عادل پیغامی

عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام و رئیس مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی این دانشگاه می‌باشد. ایشان هم‌چنین، معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام بوده اند. دکتر پیغامی جزو اولین فعالان مباحث اقتصاد مقاومتی بوده و در تولید محتوای مناسب برای آن تلاش بسیاری کرده است. نوع نگاه ایشان به اقتصاد از جنس مردمی و فرهنگی ست. کتاب درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی از ایشان می‌تواند منبع مناسبی برای آشنایی با اقتصاد مقاومتی باشد.

اساتیدی برای کلاس اقتصاد

اساتید شاخص در حوزه اقتصاد مقاومتی



سنجش نبض بازار تهران

این ایده توسط ۴ بسیج دانشجویی دانشگاه های تهران، شریف، خواجه نصیر و امیرکبیر طراحی و در تاریخ پنجشنبه ۲۶ فروردین ۹۵ اجرا شد. برای این که بیشتر درباره این اقدام مشترک بدانیم به سراغ «امین اقرلو» فعال بسیج دانشجویی دانشگاه تهران رفتیم و از او در خصوص این ابتکار سوال کردیم. اقرلو در خصوص شروع این اقدام می گوید: «شروع کار ابتدا از این بود که پس از سخنرانی آقا در ابتدای سال هم در پیام نوروزی و هم در مشهد، ما به این نتیجه رسیدیم که در کشور یک دو گانه وجود دارد؛ دو گانه برجام و اقتصاد مقاومتی. برجامی که ادعا می شد به محض اجرا شدن دیواره تحریم ها فرو خواهد ریخت الان چند ماه است که در حال اجرا است و مشکلاتی هم ایجاد کرده است. خب آدمهای مختلفی در حوزه فعالیت های اقتصادی درگیر هستند. یکی از نقاطی که بعد از اجرای برجام تاثیر مستقیم می بیند بازار است. ما تصمیم گرفتیم که برویم آثار اقتصادی برجام را یک مقدار بسنجیم. و در لایه های مختلف این کار انجام شد. یکی از لایه هایی که قرار بود اجرا بشود خود بازار بود و رفتیم سراغ کسبه. و در کسبه هم سراغ افرادی رفتیم که آغاز شبکه ی توزیع کشور بودند. ما هدف اولمان کار رسانه ای بود و نشان دادن این دو گانه با سنجش نبض بازار در فضای رسانه ها با یک اقدام ابتکاری مدنظر بود. و هدف بعدی مان این بود که یک کشف

اصلی بکنیم از برداشت مردم و باقی کارها را در ادامه روی آن سوار کنیم. نتایج کار ما در رساله ها مخصوصاً صدا و سیما و خبرگزاری ها به نمایش در آمد و نموداری از خروجی و نتایج را در تلگرام به صورت گسترده پخش کردیم و استقبال خوبی هم از آن شد.»

از اقرلو درباره نحوه عملیاتی کردن این اقدام مشترک پرسیدیم که پاسخ داد: «این ایده ابتدا در U8 (بسیج دانشجویی هشت دانشگاه بزرگ تهران) مطرح شده بود و بعد از آن بچه های



شریف به طور جدی آمدند پای کار، بعد از آن بچه های امیر کبیر و خواجه نصیر ولی الان تیمی که جدی دارد کار را پیگیری می کند بچه های تهران و شریف هستند. بچه های اقتصاد دانشگاه تهران در این حوزه خوشبختانه یک کارهای خوبی را انجام داده بودند و خیلی خوب آمدند پای کار. در مورد طراحی پرسشنامه هم، پرسشهایی که به نظر می رسید

خوب است پرسیده شود هم بچه های شریف یک سری پرسش در آوردند و هم بچه های اقتصاد دانشگاه تهران و بعد از آن دادیم به یکی از دوستان علوم اجتماعی که آشنا بود به طراحی پرسشنامه، و پرسشنامه را اصلاح کرد تا متناسب شود با پرسشنامه ای که می شود از کسبه پرسید.»

از ترس پلیس به جاهای خلوت می رفتیم

او در خصوص شیوه اجرای این طرح و دلیل انتخاب بازار می گوید: «یکی از دلایلی که سراغ بازار رفتیم این بود که گره های ابتدایی توزیع کشور در واقع داخل همین بازار است. سوالات کمی مطرح شد و ۶-۷ تا بیشتر نبود، چون امکان نبود سوالات بیشتری مطرح شود، شیوه ما مصاحبه بود و همون جا در یک کاغذ یادداشت می شد. سوالات دو بخش اصلی داشت: بخش اول برجام و آثار برجام در کسب و کار آنها، بخش دوم هم مساله اقتصاد مقاومتی؛ در مساله اقتصاد مقاومتی هم بیشتر رفتیم سراغ فهم مردم از مساله اقتصاد مقاومتی. به نظر می رسد برای این که اقتصاد مقاومتی در افکار عمومی جایگزین برجام بشود اولین مرحله آن است که فهم درستی از اقتصاد مقاومتی در بدنه مردم ایجاد شود. کاری که ما کردیم این بود که وقتی به مردم گفته می شود اقتصاد مقاومتی چه برداشتی دارند. خب برجام معنای مشخصی دارد و پروپاگندای دولت از ابتدا تا کنون آن را به کار برده اند. و برجام یک چیزی است

گزارشی از ابتکارهای دانشجویی در راستای اقتصاد مقاومتی از «سنجش نبض بازار تهران» تا «راهیان باطعم مقاومتی»

برخی از فعالین تشکل های دانشجویی فکر می کنند؛ برگزاری دوره های مطالعاتی، نشریات دانشجویی، همایش ها و مناظره ها و مصاحبه با سایت های خبری، تنها راهکار مطالبه گری در حوزه اقتصاد مقاومتی است؛ اما بازخوانی دو تجربه دانشجویی نشان می دهد راهکارهای بدیع و نوآورانه ای دیگری نیز در راستای تحقق این مطالبه رهبری وجود دارد. در ادامه به بازخوانی دو تجربه مفید مرتبط با موضوع اقتصاد مقاومتی می پردازیم.



شهید باقری مواجه شدیم و فعالیتیمان را طبق آن پیش بردیم.» او ادامه می دهد: «تشریه مان را مطابق توصیه، با محوریت خاطرات اقتصادی شهدا و لیست جهیزیه ایرانی بستیم. شعار اردو را تا حدی منطبق کردیم. کادر اردو را از نظر مطالعه کمی به این سمت سوق دادیم. سعی کردیم در تدارکات و بسته فرهنگی، نکات ویژه ای را در نظر بگیریم... اما باز به نظرمان این اردو رنگ و بوی جنگ اقتصادی نگرفته بود. یک چیزی کم بود. بعد از چند روز کلنجار رفتن به نتیجه رسیدیم که محور اردو را هرچقدر روی بسته و کادر و کلیپ کار کنیم، راوی یا راویان کاروان تعیین می کنند. بنابراین سراغ پیدا کردن یک راوی رفتیم و بعد از چند روز جستجو در پی کسی که هم موضوع را بشناسد و هم فضای راهیان را، فرد مورد نظرمان را پیدا کردیم. یکی از برادرانی که در سازمان روی این مساله کار کرده بودند. ایشان هم استقبال کردند و محور موضوعات را منطبق با محور کلی و هدف مشخص شده ما انتخاب کردند. گرچه در ابتدا کمی برای خود ما و شرکت کنندگان اردو غیرمتعارف بود اما دل را به دریا زدیم و شروع کردیم.» در نهایت درخصوص تاثیرگذاری چنین اقدامی برای ما می گوید: «شاید فکرش را هم نمی توانستیم بکنیم که موضوع خشکی مثل اقتصاد وقتی درست و به جا و متناسب با قشر مخاطب و مکان ارائه انتخاب شود، چقدر می تواند شیرین و جذاب باشد. چقدر فضای تحریم و جنگ اقتصادی شبیه به دوره دفاع مقدس است، با این تفاوت که ما از این جنگی که در کنارمان است بی خبریم. در کل به نظرم تا چندین سال جا دارد که راهیان را با طعم جنگ اقتصادی برگزار کرد.»

اقرلو به ۵۷ می گوید: «اولین نکته در مورد اقتصاد مقاومتی این بود که مردم اقتصاد مقاومتی را با عنوان اقتصاد ریاضتی بیان کردند. و ما به ذهنمان رسید که به طور جدی باید روی این واژه کار شود. و معنای مقاومت در ذهن ها تغییر کند. معنایی که در ذهن عامه مردم آن است که ما یک دوره جنگی داشتیم و فشارها به کشور وارد می شد و ما مقاومت می کردیم. در مورد اقتصاد مقاومتی هم این معنا نه با دستاوردهای درخشان دفاع مقدس بلکه با فشارهای اقتصادی تداعی می شود. و بعد این برداشت می شد که اقتصاد مقاومتی به این معناست که خدمات اجتماعی کاهش می یابد، مالیات افزایش می یابد. کما اینکه این اتفاق رخ داده است و افزایش مالیات جدی رخ داده است و این را دوباره ربط می دادند و می گفتند این همان اقتصاد مقاومتی است که می گویند. و می گفتند احتمالاً دوباره دسترسی های بانکی ما کم می شود و از این دست مسائل. و خیلی کم بودند کسبه ای که می گفتند اقتصاد مقاومتی راه چاره ماست.»

راهیان نور با طعم اقتصاد مقاومتی

یکی از تجارب مفید و جالبی که قرارگاه دانشجویی شهید باقری میدعو و پیاده کننده آن بود، برگزاری «راهیان نور» با حال و هوای اقتصاد مقاومتی بود. این طرح در دانشگاه های بسیاری اجرا و زینت بخش اردوی راهیان نور این دانشگاه ها شد. مسئولین اردوی خواهران دانشگاه بوعلی همدان درباره اردوی راهیان با طعم اقتصاد مقاومتی به ۵۷ می گوید: «اواسط سال ۹۳ بعد از چند ماه کار در حوزه اقتصاد مقاومتی به این نتیجه رسیدیم که برای گفتمان سازی جدی در حوزه اقتصاد مقاومتی باید ضعف در جریان سازیمان را با استفاده از جریان های فرهنگی موجود تا حدی جبران کنیم. این شد که بعد از اردوی تشکیلاتی بین دو ترم و برگزاری کارگاه اقتصاد مقاومتی تصمیم به این گرفتیم که امسال یک نوآوری را در اردوی راهیان تجربه کنیم؛ راهیان با محوریت اقتصاد مقاومتی. در همین حین با بسته «راهیان با طعم جنگ اقتصادی» قرارگاه

که با تحریم ارتباط جدی دارد در افکار عمومی و تحریم هم با گشایش اقتصادی. برای سنجش این موضوعات صنف های مختلفی را در نظر گرفتیم. مبنای انتخابمان این بود که دست روی آغاز شبکه توزیع بگذاریم. یک بخش طلا فروش ها بود، یک سری از بچه ها رفتند پامان در بازار فروش فلزات استیل و برنج و... یک بخش رفتند سراغ وارد کننده های ساعت و بخش دیگر رفتند سراغ کیف فروش ها در بازار چارسوق که خودشان بنک دار بودند، یا لباس فروش هایی که راس شبکه توزیع بودند. و این ها را از قبل پرس و جو کرده بودیم. ما این احتمال را می دادیم که پلیس ما را دستگیر کند. خب صدا و سیما مجوز فیلمبرداری داشت اما ما مجوز نداشتیم. بنابراین یک سری از بچه ها رفته بودند و بررسی کرده بودند که کجا شلوغ است و کجا خلوت و کجاها پلیس هست، که ما آنجاها نرویم.» مسئول سیاسی بسیج دانشگاه تهران نتیجه این پژوهش میدانی را چنین بیان داشت: «در صحبت هایی که با کسبه داشتیم اولین چیزی که به ما نشان داد این بود که برجام حداقل هنوز هیچ اثری نداشته است. یعنی رکود هنوز ادامه دارد، گردش پول نیست. جملاتی که تکرار می شد و من می توانم بگویم این است که: مردم پول ندارند خرید بکنند، کسی پول برای خرید ندارد، طلب ها بیشتر از بدهی هاست اما نه طلب کار پول دارد و نه بده کار، همه دست نگه داشته اند و کسی هیچ معامله ای نمی کند. به شدت ناراضی بودند و نگران. و این اتفاق جدی ای بود که در مورد برجام وجود داشت. و این اتفاق باعث شده بود که دیگر خیلی امیدی به آینده نداشتند باشند. فکر می کنم یک بخش مهم و خطرناک برای کشور که کسبه بازار تهران که قلب تجارت کشور هستند خیلی امیدی به بهبود وضعیت ندارند. چرا که بالا پایین هایی را پشت سر هم دیدند و می گویند دیگر هیچ چیزی نمی شود. و این دیگر آخرین تیر است.»

بازاری ها با مفهوم اقتصاد مقاومتی آشنا نیستند

یک نکته مهم دیگر که از بازارسنجی به دست آمده بود این بود که کسبه هنوز با مفهوم اقتصاد مقاومتی آشنایی لازم را ندارند.

بهبود فرایند کشاورزی

کشاورزی در روستاها معمولاً به طور سنتی انجام می شود، با مشورت با دانشجویان، مهندسی کشاورزی و یا متخصصان جهاد کشاورزی می توانید بصورت کوتاه مدت آموزش هایی را به اهالی داده تا کشت، برداشت و آبیاری زمین های خود را به روش های نوین انجام داده و بهره وری را بالا ببرند.



ترویج آبیاری قطره ای در شهرستان هویزه توسط گروه جهادی دانشگاه مرکز مطالعات امام خمینی کرج (جهاد گران عرصه کشاورزی)

ترویج محصولات کشاورزی

در برخی مناطق راه اندازی گلخانه در پرورش قارچ و دیگر محصولات می تواند ایده مناسبی باشد. راه اندازی نهالستان نیز با سرمایه گذاری اندک و در کنار یک مسافرت جهادی می تواند صورت بگیرد، هرچند بهره برداری آن نیاز به گذشت زمان است اما در دراز مدت اثرات مثبتی در منطقه ایجاد می کند.



ترویج احداث باغ گل محمدی برای اولین بار در شهرستان ممسنی توسط گروه جهادی یاران سید علی با همکاری جهادگران پیشگام

ترویج و آموزش

این قابلیت وجود دارد که در مدت زمان حضور گروه در منطقه در طی هماهنگی با جهاد کشاورزی شهرستان، دوره های آموزشی در مناطق روستایی برگزار شود. کسب و کارهای زودبازده و کم سرمایه بر، مانند پرورش بلدرچین، مرغ بومی و زنبورداری، به مدت زمان کوتاهی جهت آموزش نیاز دارند و گروه می تواند در زمان حضور خود در منطقه آموزش آنها را برگزار نماید.



برگزاری کارگاه آموزشی پرورش بلدرچین توسط کانون جهادگران ارزش آفرین با همکاری جهادگران پیشگام

مامی توانیم!

پیشنهادهای اقدام و عمل اقتصاد مقاومتی برای گروه های جهادی

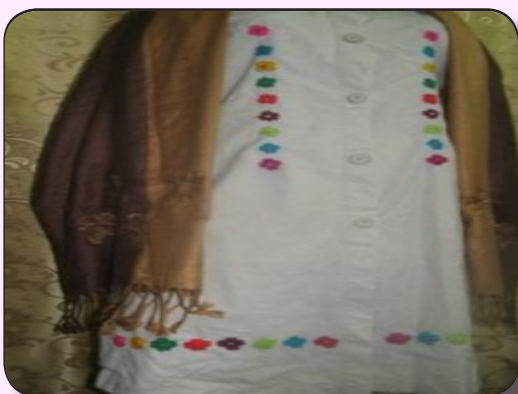


طراحی دستگاه جوجه کشی توسط گروه جهادی روح الله (دانشگاه امیرکبیر) و واگذاری به آن به روستائیان

تولید و پرورش مرغ بومی

این ایده با اندک سرمایه گذاری راه اندازی می شود. در روستاهایی که زمینه پرورش مرغ وجود دارد شما میتوانید با گرفتن مبلغ اندکی از هر خانوار تعدادی جوجه یک ماهه به همراه خوراک در اختیارشان قرار دهید و با تهیه یا طراحی یک دستگاه جوجه کشی و محلی برای ذخیره خوراک، حداقل آن روستا را در مرغ و تخم مرغ خودکفا کنید. همچنین میتوانید با راه اندازی یک مرغداری بزرگ محصولات خود را به بازار عرضه نمایید.

۴



تجاری سازی و بازار رسانی محصولات صنایع دستی منطقه منوجان توسط گروه دانشگاه شاهد با همکاری جهادگران پیشگام

تولید و تجاری سازی صنایع دستی

گروه جهادی با سهولت بیشتری نسبت به سایر حوزه ها می توانند کسب و کارهای صنایع دستی ایجاد نماید. علاوه بر این می توانید صنایع دستی منطقه را شناسایی کنید و با عرضه آن به بازار به کسب و کار اهالی رونق دهید. حتی می توانید در دانشگاه خود غرفه‌های برای عرضه محصولات در نظر بگیرید که غالباً با استقبال خوبی مواجه می شود.

۵



برگزاری دوره آموزشی و احداث کارگاه قالی بافی، توسط جهادگران ارزش آفرین در شهرستان منوجان

آموزش قالی بافی

برگزاری آموزش قالی بافی در مناطق روستایی می تواند زمینه ساز افزایش مهارت روستائیان و همچنین ایجاد اشتغال در روستا باشد. با توجه به وجود زمینه ی قالی بافی در روستاهای کشور برگزاری دوره های آموزش و ایجاد کارگاه قالی بافی می تواند ایده مناسبی باشد.

۶

amirhosein_sabeti Vd

خجسته باد این پیروزی

امیر هوشین سابتی ویرانه‌ها را با این باد پیروزی می‌سازد
 ۰۱ اردیبهشت
 تمام قصه‌های ما لایحه می‌شود
 رزین همون
 امروز روز پایان نیست
 بلکه روز آغاز است
 رئیس جمهوری ایران با یک نگاه تمام‌عصر هست
 با یک نگاه و با یک حس است
 لطف تهاجمی او با دل‌های دل‌تیران
 گریزی از او نیست هرچند که به نوبت هست
 بالاخره یک روز خوب آمد

447 likes
 amirhosein_sabeti

منابع خبری اعلام کردند برای اولین بار در طول تاریخ،
#ماددیو رابطه خود را با ایران قطع کرد
 کما اینکه پیش از این: برای اولین بار در تاریخ، بعد برجام
#کومور رابطه اش را با ایران قطع کرده بود. برای اولین بار
 در تاریخ، بعد برجام **#جیبوتی** رابطه اش را با **#ایران** قطع
 کرده بود.
 برای اولین بار در **#تاریخ**، بعد **#برجام** ظریف برای اخذ
 ویزای **#عربستان** جلوی پادشاه **#کویت** زانو زده بود. برای
 اولین بار در تاریخ، بعد برجام **#بوتانی** نمایشی معرفی شده
 از ایران به سازمان ملل، موفق به اخذ **#ویزا** نشده بود.
 برای اولین بار در تاریخ، بعد برجام سازمان همکاری
 کشورهای اسلامی در حضور نمایندگان ایران، علیه ایران
 بیانیه خواند. برای اولین بار تاریخ، بعد برجام آل سعود
 پانصد حاجی ایرانی را در غربت **#شهادت** کرد و بدون
 عذرخواهی، **#حج** را از هم برای ایران تعطیل کرد. برای
 اولین بار در تاریخ بعد برجام یک روحانی و فقیه نامدار شیعه،
 مجبور شد در وصف این همه انفعال و ذلت در سیاست
 خارجی از واژه **#بیان** سیاسی استفاده کند. واقعیت این
 است که دیگر **#میرکا** و ابرقدرت‌های دنیا طرف حساب ایران
 نیستند، در سایه سه سال **#تحقیر** و ذلت در **#دیپلماسی**،
 امروز **#چوچه** های **#کدخدا** برای ایران شاخ و شانه می‌کشند
 چون کدخدا ایران را ضعیف تر از همیشه می‌بیند و به جای
 آنکه خودش را با ایران رو در رو کند، آلت دستهایش را جلو
 می‌فرستد.

در اینستاگرام چه می‌گذرد؟

گزیده متن‌های منتشر شده در صفحات ارزشی

hamiddavodabadi ۴d

1,600 likes
 hamiddavodabadi

عباس پسر جعفر ساندوچی
 از همون قدیما، توی محلمون، کمی پایین تر از خانه
 پدریم، جعفرآقا فروتن مغازه ساندوچ فروشی داشت که به
 همین خاطر به "جعفرآقا ساندوچی" معروف شده بود.
 جعفر آقا 3 پسر داشت، رضا، عباس و علی. رضا یکی دو
 سال از من بزرگتر بود و هست، عباس یکی دو سال از من
 کوچیکتره، علی هم که خیلی کوچکترو بود ولی حالا واسه
 خودش سردی شده. غالباً پاتوق بچه های محل مغازه
 جعفرآقا ساندوچی بود.
 وقتی شیطنتمان گل می‌کرد، می‌گفتم:
 جعفرآقا، به ساندوچ ماست به من بده ...
 - جعفرآقا، به ساندوچ نون خالی با به نون اضافه به
 من بده ...
 و باید دو تا پا قرض می‌گرفتم و در فرار!
 جنگ که شد، رضا و عباس اولین بچه های محل بودند
 که همه جبهه ها را زیر پا گذاشتند. جایی و عملیاتی نبود
 که این دو تا داداش اون جا نباشند. نمی‌دونم چرا، شاید
 چون پای ثابت گردان تخریب لشکر 27 بود، همیشه به
 عباس غیظه می‌خورد. شاید هم بخاطر اخلاص، صفا و
 صداقتش بود و هست.
 چند وقت پیشها، شنیدم زینب کوچولوی عباس - که حالا
 دیگه واسه خودش خانومی شده - ازدواج کرده و شوهرش
 که از دلاورمردان نسل جدید بسیجی است، رفته سوریه و
 مدافع حرم شده.
 پارسال پیامکی از عباس برام آمد که خشکم زد. عباس
 خبر شهادت داماد جوانش "روح الله قربانی" را داد.
 مات ماندم و حیران. واقعا من سنگ، اشکم درآمد. عباس
 را که دیدم، غرق بوسه اش کردم. بوییدمش و همچنان بهش
 غیظه کردم.
 حال ندارم ادامه بدم. دارم می‌ریزم به هم.
 امروز جمعه 31 اردیبهشت 1395 سالروز تولد "روح
 الله قربانی" دلاورمد مدافع حرم، سر مزارش بود. این را که
 این پایین نوشتم، برای زینب خانوم فروتن، دختر گل عباس
 فروتن نوشته ام. شاید کمی احساسم را بیان کند:
 "با وجودی که دوست عزیز و برادر دوست داشتنتی ام
 عباس فروتن، رزمنده ای پرسابقه و شیرینی دلاور بوده و
 هست، ولی باید بگویم که رزمندگان امروزی که باوجود
 همسر و چه بسا فرزند، از چرب و شیرین دنیا می‌برند و
 می‌روند، از ما قدیمی ها خیلی جلوتر هستند.
 امروز اینها هستند که سربازان پا به رکاب آقا هستند!
 امروز، عباس فروتن در بین دوستان و بچه محلها و
 همزمانش، بخاطر ایثار و فداکاری دخترش شناخته می
 شود! عباس، با غیرت و فداکاری دخترش، خانواده خود را
 یک بار دیگر وارد صحنه دفاع از اسلام و انقلاب و ولایت
 نشان داد. امروز این عباس فروتن است که به دختر سیور
 و داماد شهیدش افتخار می‌کند!
 خدا همه شان را تحت الطاف خودش حفظ کند."
 حمید داوودآبادی

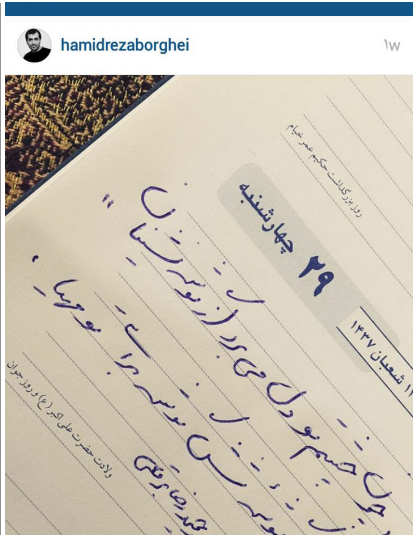
۱۲h morzaeri

وقتی ستاره ای می‌درخشد و چهره‌ای فرهنگی، علمی،
 هنری و ... مورد توجه قرار می‌گیرد کمتر کسی از ریشه‌ها
 و زمینه‌ها و فرصت‌هایی یاد می‌کند و از کسی یا کسانی که
 سالها قبل در گمنامی او شرایط را برای رشدش فراهم کرده
 اند. چند شب پیش اخبار سیما گفتگویی پخش می‌کرد از
 یک چهره مطرح جوان که جواب بسیار معتبر بین المللی در
 معمارای برده بود. او به صراحت و صداقت گفت: اولین
 سفارش دهنده‌ای که ریسک کرد و سرمایه اش را پای اجرای
 من گذاشت باعث رشد من شد! قطعاً این جوان استعداد و
 لیاقت داشته وگرنه این همه جوان که امکانات در اختیارشان
 قرار می‌گیرد و چیزی نمی‌شوند! اما از سوی دیگر هم آن
 مساعدت و راهنمایی اولیه بسیار تعیین کننده است زیرا در
 طرف دیگر هم فراوانند جوانان مستعد که هرگز به جایی نمی
 رسند! چون مساعدتی به آنها نمی‌شود و کسی نیست که
 دستشان را بگیرد و تشویق شان کند و راه را پیش پایشان
 بگشاید. این است که هر بار با درخشش بیشتر هنرمند عزیز
 و دوست داشتنی سیدشهاب حسینی به یاد استاد محمد
 مهدی رسولی نویسنده، شاعر، نقاش و فیلمساز متعهد
 می‌افتم که نخستین بار سالها پیش با برنامه تلویزیونی
 "اکسپژن" شهاب حسینی را معرفی کرد و باعث شد این
 چهره محبوب به مخاطبان معرفی شود.
#رسولیمهدی **#حسینیشهاب** **#محمد**

محمد مهدی رسولی و شهاب حسینی در برنامه "اکسپژن"

آقای حسینی چطور شه برای بازی از این نمایشگاه نقاشی آمده؟
 آقای رسولی از عزیزترین دوستان و در واقع می‌شود گفت از اساتید اولیه
 من در زمینه کاری‌ام هستند. "اکسپژن" تجربه خوبی بود که با هم داشتیم
 و یاد و خاطره آن همیشه برام زنده است. مهر آقای رسولی همیشه به دل
 من است. خوشحال این بار فرصتی بود با همه گردآوری‌های کاری که دارم

1,640 likes
 morzaeri



5,295 likes
hamidrezaborghei

به شوق شهزاده علی اکبر (ع)
می ایستم امروز خدا را به تماشا
ای محو شکوه تو خداوند سراپا
ای جان جوان مرد به دامن تو دستم
من نیز جوانم، ولی افتاده ام از پا
آتش بزنی آتش به دلم، کار دلم را
ای عشق مینداز از امروز به فردا
آتش بزنی آتش به دلم ای پسر عشق
یعنی که مکن با دل من هیچ مدارا
با آمدنت قاعده ی عشق به هم خورد
لیلی ای تو مجنون شد و مجنون تو لیلیا
تا چشم گشودی به جهان ساقی ما گفت:
«المنته لله که در میکرده شد و...»
ابروی تو پیوسته به هم خوف و رجا را
چشمان تو کانون تولد و تیرا
ای منطق رفتار تو چون خلق محمد(ص)
معراج برای تو مهیاست، بفرما!

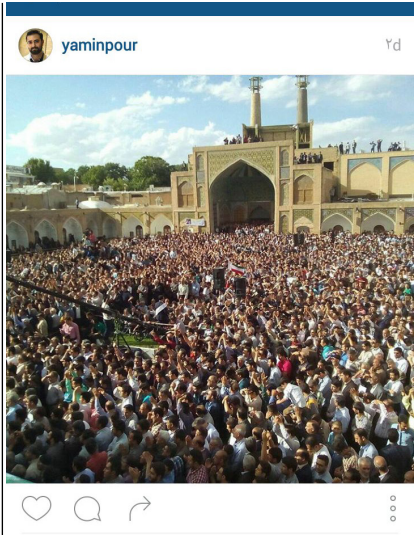
این پرده ای از شور عراقی و حجازی است
پیراهن تو چنگ و جهان دست زلیخا
لب تشنه ی لب های تو لب های شراب است
لب وا کن و انگور بخواه از لب بابا
دل مانده که لب های تو انگور بهشتی است
یا شیرخدا روی لب کاشته خرما
عالم همه مبهوت تماشای حسین است
هر چند حسین است تو را محو تماشا
چون چشم تو دل می برد از گوشه نشینان
شد گوشه ی شش گوشه برای تو مهیا
از گوشه ی شش گوشه دلم با تو سفر کرد
ناگاه درآورد سر از گنبد خضرا
مجنون علی شد همه ی شهر ولی من
مجنون علی اکبر بیلام به مولا
(از قبيله مایل به تو)



306 likes
smrazizadeh

می خواهم بنویسم، از برای تویی که این روزها، کهنه شده
ای. پیراهن جین آبی ات کهنه شده است. اورکت خاکی رنگت
کهنه شده است. مدل عینک کهنه شده است. ژست های با
حسنت کهنه شده است. عکس های حمله ای ات کهنه شده
است. جملات فلسفی ات کهنه شده است. مقالات کهنه
شده است. کتاب هایت کهنه شده است. سنگ قبرت کهنه
شده است. اما صدایت بسوی تازگی می دهد هنوز و مستند
هایت، روایت تازه ای ست از زخم های کهنه.
احساس تکلیف در میدان دین پای تو را برای رفع تکلیف،
به میدان مین کشاند. شهود تو را غروب فکته شهادت داد.
شاهدان برایت دعا کردند و رمل های فکته آمین گفتند و تو
مشهور آسمان ها شدی. من اما گله دارم از غربت تو نه میان
اهالی فرهنگ و هنر، برای غریبگی ات میان حزب الهی ها.
آنها که جز چند جمله - که آنهم متعلق به شما نیست - چیز
دیگری از تو نمی دانند. و این روزها آنها که نه یک کتاب کامل
از آراء و اندیشه هایت خوانده اند و نه حتی یک مقاله را، پای
شبکه های اجتماعی از تو نقل قول های نخوانده می آورند.
روزگار غریبی ست ای شهید ای که بر کرانه ازلی و ابدی
وجود برنشته ای..
تکمله: کاش تا بیست فروردین سال بعد تنها یک کتاب
از ایشان را بخوانیم و فقط نگوئیم روحش شاد و یادش
گرامی...

#وینوی #سید مرتضی آوینی #شهید #نکه #شهادت
#شهید آوینی #فقد #حزب الله #حزب الهی #هنر



7,191 likes
yaminpour

سیاست پیچیده...
عکس هایی که از استقبال مردم زنجان از احمدی نژاد
منتشر شده جمعیت زیادی را نشان می دهد... احمدی نژاد
در سپهر سیاست ایران پدیده عجیبی است؛ تحلیل کردنش
سخت است... شاهدان می گویند مردمی که امروز از رییس
جمهور سابق استقبال کرده اند اصطلاحاً حزب الهی نبودند
بلکه مردم عادی غیرسیاسی بودند؛ حزب الهی ها مرد
ترین گروه سیاسی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری سال
آینده هستند؛ تردید میان عملکردی سیاسی یا آرمانخواهی
انقلابی. تصاویر استقبال مردم از احمدی نژاد در شهر های
مختلف همزمان دولتی ها را رادیکال تر و حزب الهی ها را
مردود تر می کند. صحنه سیاست با تحولات خلق الساعه
تغییر نمی کند؛ نیروهای طرفین درگیر در انتخابات کاملاً
شناخته شده و قابل حدس اند. آنچه حدس زدند دشوار
است اینکه حزب الهی ها دست آخر چه می کنند؟... اگر
شکست ناشی از ضعف نیروهای سیاسی تکرار شود، بعید
نیست برای مدتها شاهد بدگمانی و انزوی سیاسی دوستان
مان باشیم!
#انتخابات #حزب الهی #زنجان #احمدی نژاد



علی اکبر های زمان ما...
این بزرگوار، شهید مدافع حرم حاج محسن قوطاسلو ست .
امروز در مراسم بزرگداشت او و ابوالفضل راه چمنی دیگر
شهید مدافع حرم در پاکدشت سخنرانی دارم .
پدر بزرگوارش از دوستان و همکاران سابق من در سپاه است
. دیروز جزئیاتی شنیدنی از حماسه آفرینی و نحوه شهادت
اش برای من شرح داد.
شهید قوطاسلو با قد بلند ، فیزیک خاص و چهره ای زیبا
و مردانه ، مربی آموزش های نظامی و تاکتیکی بود . او
اولین شهید ارتش جمهوری اسلامی در دفاع از حرم اهل بیت
(علیهم السلام) است .
او در یک محور عملیاتی یک تنه در مقابل تروریست های
سفاک ایستاد تا بقیه گروه بتوانند در محل مناسب تری
موضع بگیرند . او به علی اکبر حسین اقتدا کرد و سربلند شد
. مصاحبه کوتاهش قبل از اعزام به منطقه ، یک دنیا آرمان
خواهی و باور به ارزش های الهی و ولایتی است .
به پدرش گفتم ، از مادرش پرسید ، چه خدمتی در پیشگاه
الهی انجام داده که امروز به چنین افتخاری رسیده است ؟
قبل از اعزام به فرمانده اش گفته بود من آبروی ارتش را در
این میدان حفظ میکنم . آفرین براو! هنیئا له!
وینوی مصاحبه شهید در کانال تلگرامی ام منتشر شده
است . شهدا ، مدافع حرم پدیده ی امروز جهان بشریت اند
که مانند مشعلی فرزوان در ظلمات بی هویتی و ظلم جهانی،
راهنا و هدایت گر انسان ها هستند .

گروه مدیریت دانش تشکل های دانشجویی
بخش ها : کالک tv - کالک تجربیات - کالک پشتیبان - کالک عملیاتی - کالک
مسئولیت
سایت: kalk.ir

کالک

تولید محتوای جریان ساز برای تشکل های دانشجویی
بخش ها : نشریه 57 - نشریه الکترونیکی 57 آنلاین - گروه مشاوره
نشریات دانشجویی
mag57.ir / online 57.ir / telegram.me/mag57online

گروه رسانه ای
۵۷

تولید جزوات مطالعاتی جهت پشتیبانی محتوایی و فکری تشکل های دانشجویی در
سه سطح نگرش سازی، انگیزشی و تشکیلاتی

واحد
مطالعات

تولید محتوای جریان ساز در قالب های مختلف برای تشکل های دانشجویی

هسته
جریان سازی

پشتیبانی دوره های تشکل های دانشجویی در زمینه های : ارسال اساتید - طراحی
دوره های موضوعی - برگزاری کارگاه با موضوعات مختلف - تولید محتوا برای دوره
های تشکیلاتی تشکل ها
سایت مدرسه : madrese.kalk.ir / شماره تماس : 09331251313

مدرسه
کالک

ارتباط گیری گسترده با تشکل های دانشجویی ، ایجاد شبکه کارآمد و پویا در بین تشکل ها دانشجویی و توزیع
مربوع و مناسب محتوای تولید شده توسط واحد های قرارگاه به دانشجویان
شماره تماس : ۰۲۱-۸۸۲۸۱۵۵۶ / Q-B.IR / Telegram.me/q-b.ir / info@q-b.ir

واحد
ارتباطات



قرارگاه شهید باقری
سازمان بسیج دانشجویی